

مجموعه مقالات برگزیده پانزدهمین جشنواره علامه حلّی^(۵)



بررسی جریان قاعده طهارت در نجاسات ذاتیه

مهران نوری

بررسی سیاست‌های مقاومت‌سازی تولید ملی در آمریکا و جمهوری اسلامی ایران

مجتبی شیخی ده آبادی

بررسی قاعده توثیق مشایخ بنی‌فضال

محمد مهدی محیسنی

راهبردهای مقابله با مؤلفه‌های میدان جنگ همه‌جانبه در اندیشه دفاعی
امام خامنه‌ای (مدظله العالی) با استفاده از روش تحلیل مضمون

مصطفی زینل‌پور

شاخصه‌های طلبه تراز مبتنی بر اوصاف شهدای روحانیت در کلام امامین انقلاب

علی ملکوتی‌نیا - مجتبی قراباغی

واکاوی حکم فقهی اعضای جدا شده از بدن در باب غسل مس میت

محمد رضا هوشیاری

مقایسه دو نوحه شاخص اربعینی فارسی و عربی معاصر با تأکید بر آموزه «مهدویت»

زهرا صاحبی - دکتر فاطمه السادات ارفع

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجموعه مقالات برگزیده پانزدهمین جشنواره علامه حلی (ره)

صاحب امتیاز: معاونت پژوهش حوزه های علمیه

مدیر مسئول: ابوالقاسم مقیمی حاجی

سرمدیر: محمد صالح مازنی

مدیر اجرایی: مهدی مظاهری

صفحه آرائی و طراحی جلد: داوود دادور

اعضای هیأت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

حجت الاسلام والمسلمین حسین حجامی

حجت الاسلام والمسلمین احمد دیانی

حجت الاسلام والمسلمین محمد علی رضایی اصفهانی

حجت الاسلام والمسلمین سید کاظم سید باقری

حجت الاسلام والمسلمین محمد صالح مازنی

حجت الاسلام والمسلمین ابوالقاسم مقیمی حاجی

حجت الاسلام والمسلمین ولی الله هاشم پور

تمام حقوق محفوظ است.

پاییز ۱۴۰۴

فهرست مقالات

درآمد	۵
بررسی جریان قاعده طهارت در نجاسات ذاتیه	۹
بررسی سیاست‌های مقاوم‌سازی تولید ملی در آمریکا و جمهوری اسلامی ایران	۳۱
بررسی قاعده توثیق مشایخ بنی فضال	۶۷
راهبردهای مقابله با مؤلفه‌های میدان جنگ همه‌جانبه در اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله العالی) با استفاده از روش تحلیل مضمون	۸۷
شاخصه‌های طلبه تراز مبتنی بر اوصاف شهدای روحانیت در کلام امامین انقلاب	۱۲۱
واکاوی حکم فقهی اعضای جدا شده از بدن در باب غسل مس میت	۱۸۳
مقایسه دو نوحه شاخص اربعینی فارسی و عربی معاصر با تأکید بر آموزه «مهدویت»	۲۰۹



درآمد

یکی از مأموریت‌های حوزه‌های علمیه، پژوهش و استنباط آموزه‌های دینی و پاسخ به مسائل جامعه و نظام اسلامی و جهان اسلام است. برای انجام این مهم از ظرفیت‌های مختلفی می‌توان بهره گرفت. ایجاد حس رقابت سالم و برگزاری مسابقات و فراخوان‌های پژوهشی از جمله‌ی این ظرفیت‌ها، است. جشنواره علامه حلی (ره) که در سال ۱۳۸۶ راه‌اندازی، و اولین آیین پایانی آن در سال ۱۳۸۷ با تعداد ۲۲۴۹ اثر برگزار شد، فرصتی ایجاد کرد تا از طریق رقابت آثار علمی و تشویق و حمایت از صاحبان آثار برگزیده از ظرفیت علمی طلاب حوزه‌های علمیه در این راستا بهره جوید.

۵

مهم‌ترین اهداف این جشنواره بدین شرح تدوین شده است: «تقویت نشاط علمی و گسترش روحیه پژوهش در بین طلاب»، «زمینه‌سازی شناسایی نخبگان و استعدادهای علمی برتر طلاب و حمایت از آنان»، «تقویت فرهنگ پژوهش و نگارش آثار علمی»، «افزایش سطح مشارکت و رقابت طلاب در عرصه‌های علمی - پژوهشی»، «زمینه‌سازی استعدادهای طلاب به گرایش‌های تخصصی علوم حوزه‌ای» و «جهت‌دهی فعالیت‌های پژوهشی طلاب به سمت نیازهای پژوهشی حوزه و نظام اسلامی».





با توجه به اهداف یادشده، موضوع آثار ارسالی در ارتباط با علوم اسلامی و علوم انسانی مرتبط با حوزه دین است. بنابراین اثری که به جشنواره ارسال می‌شود، به‌رغم علمیت، اما چنانکه در قلمرو علوم اسلامی و انسانی نباشد از چرخه رقابت حذف خواهد شد.

هر دوره جشنواره تعدادی از آثار برگزیده. در قالب مقاله می‌باشند. از این دسته، برخی منتشر شده و تعدادی نیز فرصت انتشار نیافته‌اند، از این رو فکر انتشار مقالات برگزیده‌ی جشنواره، در جلسات شورای سیاستگذاری جشنواره مطرح شد، به ویژه آنکه این آثار سه مرحله‌ی ارزیابی را پشت سر گذاشته و مورد تأیید شورای علمی جشنواره نیز واقع شده بود.

دبیرخانه جشنواره با عنایت به نگاه شورای سیاستگذاری، انتشار این دسته از آثار برگزیده را در دستور کار خویش قرار داد. بر این اساس، مقالاتی که در دوره پانزدهم جشنواره برگزیده شدند، همزمان با مراسم پایانی جشنواره شانزدهم به زیور طبع آراسته شد تا ضمن قدردانی از صاحبان آثار، در اختیار صاحب نظران، اساتید، طلاب جوان و عموم علاقمندان قرار گیرد.

در خاتمه ضمن سپاس از یکایک اعضای محترم شورای سیاست‌گذاری و شورای علمی، مدیران و اعضای گروه‌های علمی، ارزیابان و برگزیدگان دوره پانزدهم که آثارشان در این شماره منتشر می‌شود، بدین نکته اذعان می‌شود که اثر حاضر از کاستی و نقص مبرا نیست. به همین دلیل، از دیدگاه‌ها و پیشنهادهای سازنده‌ی فرهیختگان برای انتشار آثار دوره‌های بعدی جشنواره، استقبال می‌شود، توفیقات همگان را از خداوند متعال خواهانیم.

دبیر جشنواره علامه حلی (ره)





مجموعه مقالات برگزیده

پانزدهمین

جشنواره علامه حلی (ره)





بررسی جریان قاعده طهارت در نجاسات ذاتیه

صفحات ۹ تا ۲۹

مهران نوری

برگزیده سطح دو پانزدهمین جشنواره

چکیده

قاعده طهارت، از قواعد مسلم فقهی است که فقها، بارها در جریان استنباط احکام شرعی، به آن تمسک می‌کنند و پیشینه استفاده از آن در استنباط، به دوره شیخ طوسی برمی‌گردد. در بین فقههای معاصر، سؤال شده است که آیا این قاعده، در مواردی هم که شیء مشکوک از اعیان نجاست است، جاری می‌شود؟ به تعبیر دیگر، آیا قاعده طهارت در نجاسات ذاتیه نیز جاری است؟ حال این سؤال، می‌تواند هم به صورت شبهه حکمیه باشد و هم به صورت شبهه موضوعیه. پاسخ به این سؤال، می‌تواند در موارد متعددی از استنباط‌های حکم شرعی تأثیرگذار باشد و تعیین کننده محدوده استفاده از این قاعده است. اگر قول به عدم جریان پذیرفته شود، دیگر نمی‌توان در مورد مشکوک بین عین نجاست و شیء طاهر، دیگر از این قاعده استفاده کرد و باید به دلیل دیگری برای تعیین حکم شرعی تمسک جست. همچنین مسئله مذکور، در تکالیف مکلفین در هنگام شبهات موضوعیه، تأثیر مستقیم خواهد داشت. سؤال اصلی این نوشتار، این است که کدام قول صحیح خواهد بود؟ در نتیجه، به تبیین و بررسی اقوال پرداخته خواهد شد. روش تحقیق این نوشتار، از نوع کتابخانه‌ای است. اولین بار، سید یزدی به این مسئله





اشاره کرد و قائل به جریان قاعده در نجاسات ذاتیه شد و مشهور فقهای معاصر هم نظرشان همین است. در نتیجه، نگارنده نظر مشهور را پذیرفته است؛ اما دلیل آنان را قابل قبول نمی‌داند و برای اثبات قول مشهور، دلیل دیگری اقامه خواهد کرد.

کلیدواژه: فقه، قواعد فقهی، قاعده فقهی، قاعده طهارت، أصالت الطهاره، نجاسات ذاتی

مقدمه

در جریان عملیات استنباط حکم فقهی، از یک سری ادله‌ای استفاده می‌شود. این ادله، دو دسته‌اند: عناصر عامه و عناصر خاصه. عناصر عامه، آن دسته از ادله‌ای هستند که در تعداد زیادی از ابواب و مسائل فقهی، مورد استفاده قرار می‌گیرند و شمولیت زیادی دارند و از آن‌ها، تعبیر به «اصول فقه» می‌شود. عناصر خاصه، ادله‌ای هستند که از نظر استفاده در ابواب و مسائل فقهی، شمولیت زیادی ندارند. حال باید دانست که در بین عناصر خاصه، یک سری ادله وجود دارند که از شمولیت نسبی برخوردارند و میزان شمولیتشان، از عناصر اصولی کمتر است و در ابواب خاصی، قابل استفاده‌اند یا در ابواب مختلف وارد می‌شوند؛ اما ناظر به موضوعات خاصی هستند. یکی از این قواعد، قاعده طهارت است. مفاد قاعده مذکور، این است که هرگاه در طهارت یا نجاست یک شیء شک داشتیم، حکم به طهارت آن می‌کنیم. حال آن شیء که مورد شک قرار گرفته یا از مواردی است که احتمال می‌رود از نجاسات ذاتیه و عین نجاست باشد یا از مواردی است که عین نجاست به آن رسیده و متنجس شده است. در مورد جریان قاعده طهارت، در مورد قسم اول، بحثی بین فقها صورت گرفته است و بعضی معتقدند که قاعده طهارت، در شک مربوط به نجاسات ذاتیه جاری نمی‌شود و در مقابل، نظر مشهور، جریان این قاعده در مورد نجاسات ذاتیه را بلامانع می‌داند. پس بحث مذکور، بحثی کبروی است و مشخص کردن پاسخ این مسئله می‌تواند در





موارد تمسک به قاعده طهارت در موارد نجاسات ذاتیه، تأثیر به سزایی داشته باشد و نتیجه‌های مختلفی را در پی داشته باشد.

این نوشتار، درصدد این است که به جمع‌آوری و تبیین و بررسی اقوال حول این مسئله و تعیین قول صحیح بپردازد. برای پرداختن به مسئله اصلی مقاله، لازم است ابتدا، به چند دلیل از دلایل حجیت این قاعده پرداخت؛ چون دلایل حجیت این قاعده، منبع اصلی پاسخ به سؤال اصلی نوشتار است.

قاعده طهارت، از دیرباز، در علم فقه، از قواعد فقهی مسلم بوده است و در کتب فقهی، دائماً مورد تمسک قرار گرفته است. برای مثال، مستند اصلی حجیت قاعده طهارت، موثقه عمار ساباطی است که در کتاب تهذیب الاحکام شیخ طوسی در «کتاب الطهارة»، باب «تطهير الثياب وغيرها من النجاسات»، بیان شده است. همچنین از شیخ طوسی در کتاب «رسائل الشيخ الطوسي»، در بخش «المسائل الحائريات»، در مسئله «الحائض والنفساء اذا تخالط مياه الآبار بأجسامهما» و در کتاب «الخلافا»، در مسئله «طهارة المذی و المذی» و «طهارة دخان النجس»، تمسک به قاعده طهارت به چشم می‌خورد.

اما می‌توان گفت بحث از جریان این قاعده در نجاسات ذاتیه، اولین بار توسط سید یزدی در کتاب «العروة الوثقی» بیان شده است و به تبع ایشان، فقهایی که به حاشیه بر این کتاب پرداخته‌اند، مسئله مورد نظر را مورد بررسی قرار داده‌اند، همچون سید محسن

حکیم و سید ابوالقاسم خوئی و سید محمد باقر صدر. پس مسئله مورد بحث در نوشتار پیش‌رو، تقریباً بحثی نوظهور است و در کتب معاصرین یافت می‌شود و در کتب فقهای حاضر در قبل دوران معاصر، از قدامت تا متأخری المتأخرین، اثری از این بحث یافت نمی‌شود. در بین کتب قواعد فقهیه، پاسخ به مسئله مورد نظر، تنها در «القواعد الفقهیه» نوشته مصطفوی و «دروس تمهیدیه فی القواعد الفقهیه» یافت می‌شود. حال باید دانست گفتار پیش‌رو، در پی جمع‌آوری تمامی اقوال و تبیین و بررسی آن‌ها و



انتخاب قول صحیح در مورد سؤال مذکور می‌باشد و همین نکته است که این نوشتار را از بقیه موارد متمایز می‌کند.

برای پاسخ به سؤال اصلی مقاله، کتب فقهی مشهور از قدما تا متأخرین، مورد مطالعه قرار گرفته و بنابر این که مسئله مورد نظر، برای اولین بار توسط سید یزدی بیان شده، تمامی حواشی کتاب «العروة الوثقی» از جمله «مستمسک العروة الوثقی»، «فقه الشیعه» و «بحوث فی شرح العروة الوثقی» و همچنین بقیه کتب فقهی معاصرین که به باب طهارت پرداخته‌اند، مورد بررسی قرار گرفته است. علاوه بر موارد مذکور، تمامی کتب قواعد فقهیه از جمله «القواعد الفقهیه» نوشته مکارم شیرازی و «دروس تمهیدیه فی القواعد الفقهیه» و «العناوین الفقهیه» بررسی شدند.



مفهوم‌شناسی

۱. قاعده

مشهور اهل لغت، معتقدند که معنای لغوی «قاعده»، اصل و اساس هر چیز می‌باشد (جوهری، ۱۳۷۶ق، ۵۲۵/۲؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۱۰۸/۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۶۷۹/۱). «القاعدة: اصل الأش و القواعد الأساس» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۳۶۱/۳؛ اما از ظاهر کلام خلیل بن أحمد فراهیدی، فهمیده می‌شود که ایشان، معنای «قاعده» را پایه و اساس خانه می‌داند: «القواعد: أساس البيت» (خلیل بن أحمد، ۱۴۰۹ق، ۱۴۳/۱). در اصطلاح علم فقه، «قاعده»، حکم فقهی عامی است که مصادیق متعددی در ابواب و مسائل مختلف دارد (ایروانی، ۱۳۸۴، ۱۳/۱؛ مصطفوی، ۱۴۲۱ق، ۹/۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ۲۳/۱). مانند قاعده «لاضرر» که محل اجرای آن، زمانی است که به سبب یک حکم، ضرری متوجه مکلف شود و این قاعده، می‌تواند در ابواب مختلفی مثل «طهارت و صلاة»، مورد استفاده قرار گیرد.

۲. طهارت

طهارت در لغت، مصدر «طَهَّرَ يَطْهَرُ» می باشد و معنای آن، پاکی و مقابل نجاست است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۵۰۴/۴؛ فیومی، ۱۴۱۴ق، ۳۷۹/۲؛ ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ۲۴۵/۴). «الطهارة اسم و مصدر للطاهر» (ابن درید، ۱۹۸۸م، ۷۶۲/۲). در اصطلاح فقه، به دو صورت تعریف شده است: اول، «انجام دادن یک سری اعمالی که مجوز اقامه نماز می باشند» (طوسی، ۱۳۸۷ق، ۴/۱؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ۳/۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۰ق، ۱۹/۱؛ شهید اول، ۱۴۳۰، ۵/۱۳) که مراد همان طهارت حدث از حدث اکبر و اصغر است و دوم به معنای «انجام دادن اعمالی که موجب ورود به نماز یا رافع خبث هستند» (شهید اول، ۱۴۳۰ق، ۲۰/۱؛ فاضل مقداد، ۱۳۷۳، ۶/۱). پس یا حقیقت در هردو معناست یا مجاز در معنای دوم است. (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق، ۴۸۱/۱)

۳. قاعده طهارت

تعریف این قاعده، به این صورت بیان شده است: «حکم ظاهری به طهارت هر شیئی که شک در طهارت و نجاست آن وجود دارد، مادامی که علم به نجاست آن حاصل نشود» (یزدی، ۱۴۰۹ق، ۷۳/۱؛ مصطفوی، ۱۴۲۱ق، ۱۵۶/۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ۴۱۷/۲؛ زارعی سبزواری، ۱۴۳۰ق، ۳۹/۱).

شیخ باقر ایروانی در این باره می گوید: «ان مضمون القاعدة واضح، و هو الحكم بطهارة كل شيء يشك في طهارته و تحتل نجاسته بنحو الحكم الظاهري المغيبي بالعلم بالنجاسة، فمتى ما تحقق العلم بالنجاسة ارتفع الحكم بالطهارة و متى لم يتحقق لم يرتفع و كان باقيا» (ایروانی، ۱۳۸۴، ۴۴/۲).

از تعریف بیان شده، معلوم می شود که مراد فقها از طهارت در این قاعده، طهارت از خبث است و این قاعده، ربطی به طهارت از حدث ندارد.



حجیت قاعده طهارت

برای اثبات حجیت این قاعده، دلائل مختلفی اقامه شده است که به اختصار، به شش مورد از آن‌ها، پرداخته خواهد شد:

۱. ضرورت فقهی

اولین مستندی که می‌توان برای این قاعده ذکر کرد، این است که این قاعده در نزد فقها، از مسلمات و واضحات فقه است و جزء بدیهیات به‌شمار می‌رود و اساساً، نیازی به قیام استدلال ندارد و اگر استدلالی هم بیان شده، به جهت مقام تعلیم و تعلم دانش‌پژوهان علم فقه و مبتدیان در این عرصه می‌باشد (مصطفوی، ۱۴۲۱ق، ۱/۱۵۶؛ ایروانی، ۱۳۸۴ش، ۲/۴۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ۲/۴۱۶).

۲. روایات

۲-۱. موثقه عمار ساباطی

اصلی‌ترین دلیل برای اثبات حجیت قاعده طهارت، موثقه عمار ساباطی است: «كُلُّ شَيْءٍ نَظِيفٌ حَتَّى تَعْلَمَ أَنَّهُ قَذِرٌ فَإِذَا عَلِمْتَ فَقَدْ قَذِرَ وَ مَا لَمْ تَعْلَمْ فَلَيْسَ عَلَيْكَ» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۳/۴۶۷).

سند روایت مذکور به این صورت است: «محمد بن أحمد بن یحیی عن أحمد بن یحیی عن أحمد بن الحسن بن علی بن فضال عن عمرو بن سعید عن مصدق بن سعید عن عمار الساباطی عن أبي عبد الله عليه السلام».

اشکالی که به این سند وارد است، از جانب «أحمد بن یحیی» می‌باشد که شناخته شده نیست و مجهول است. جوابی که بیان شده است، این است که منبع اصلی این روایت،





کتاب «التهذیب» شیخ طوسی می باشد و ایشان در همین کتاب و کتاب دیگرشان «الاستبصار»، حدود ده بار از سند مذکور روایت نقل می کنند، در حالی که در هیچ کدام از آن ده بار، نام «أحمد بن یحیی» به چشم نمی خورد و دائماً «أحمد بن الحسن بن علی بن فضال»، مستقیماً از «محمد بن أحمد بن یحیی» نقل می کند و از این طریق، می توان اطمینان حاصل کرد که تنها در سند موثقه عمار، از جهت ذکر «أحمد بن یحیی»، اشتباهی رخ داده است. (ایروانی، ۱۳۸۴، ۴۹/۲) پاسخ های دیگری نیز بیان شده است که بیانش، از توان این نوشتار خارج است.^۱

۲-۲. روایاتی با مورد خاص

چند دسته روایت هستند که مورد آن ها خاص است و مثل موثقه عمار، حکم کلی به طهارت مشکوک الطهارة نمی کنند؛ بلکه در مورد بعضی از اشیاء چنین حکمی دارند که باید از مجموع آن ها، حجیت قاعده طهارت را برداشت کرد، مانند روایاتی در خصوص طهارت آب، مثل روایت حماد بن عثمان: «الْمَاءُ كُلُّهُ طَاهِرٌ حَتَّى يُعْلَمَ أَنَّهُ قَذِرٌ» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۳۴/۱) و مرسله محقق حلی: «خَلَقَ اللَّهُ الْمَاءَ طَهُورًا لَا يَنْجِسُهُ شَيْءٌ إِلَّا مَا غَيَّرَ لَوْنَهُ أَوْ طَعْمَهُ أَوْ رِيحَهُ» (همان، ۱۳۵/۱) و روایت داوود بن فرقد: «...جَعَلَ لَكُمْ الْمَاءَ طَهُورًا...» (همان، ۱۳۴/۱) و روایات دیگری همانند موثقه حفص بن غیاث: «مَا أَبَالِي أَبَوَّلَ أَصَابَنِي أَوْ مَاءٌ إِذَا لَمْ أَعْلَمْ» (همان، ۴۶۷/۳) مورد اهتمام قرار نمی دهم که آیا ادرار به من برخورد کرده است یا آب در هنگامی که به نسبت آن مایع علمی ندارم و صحیحه علی بن جعفر: «سَأَلْتُهُ عَنِ الْفَارَةِ وَالْذَّجَاجَةِ وَالْحَمَامِ وَأَشْبَاهِهَا تَطَأُ الْعِدْرَةَ ثُمَّ تَطَأُ الثُّوبَ أَيْغَسَلُ قَالَ إِنْ كَانَ اسْتَبَانَ مِنْ أَثَرِهِ شَيْءٌ فَأَغْسِلْهُ وَإِلَّا فَلَا بَأْسَ»؛ (همان) «در مورد فضله موش و مرغ و کبوتر و امثال این ها (حیواناتی بول و غائط شان نجس است)

۱. رک: صدر، سید محمدباقر، موسوعة الشهيد السيد محمدباقر الصدر، ج ۱۰، ص ۲۱۵.



پرسیدم که اگر پایمال شوند و سپس لباس پایمال شود، در این صورت باید آن لباس را شست؟ فرمود: اگر چیزی از اثر آن فضله بر روی لباس نمایان شد، آن را بشوی، وگرنه مشکلی وجود ندارد؛ در این روایت امر به شستن که ارشاد به نجاست است، به نمایان بودن اثر نجاست مشروط شده است و مراد از نمایان بودن، علم به وجود نجاست است؛ یعنی نمایان بودن طریقت به علم به نجسات دارد. همچنین روایات دیگری نیز به چشم می‌خورند، مثل موثق دیگری از عمار ساباطی: «أَنَّه سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلٍ يَجِدُ فِي إِيَّاهُ فَأَرَةً وَ قَدْ تَوَضَّأَ مِنْ ذَلِكَ الْإِنَاءِ مِرَارًا أَوْ اغْتَسَلَ مِنْهُ أَوْ غَسَلَ ثِيَابَهُ وَ قَدْ كَانَتْ الْفَأَرَةُ مُتَسَلِّحَةً فَقَالَ إِنْ كَانَ رَأَاهَا فِي الْإِنَاءِ قَبْلَ أَنْ يَغْتَسِلَ أَوْ يَتَوَضَّأَ أَوْ يَغْسِلَ ثِيَابَهُ ثُمَّ فَعَلَ ذَلِكَ بَعْدَ مَا رَأَاهَا فِي الْإِنَاءِ فَعَلَيْهِ أَنْ يَغْسِلَ ثِيَابَهُ وَ يَغْسِلَ كُلَّ مَا أَصَابَهُ ذَلِكَ الْمَاءُ وَ يُعِيدَ الْوُضُوءَ وَ الصَّلَاةَ وَ إِنْ كَانَ إِنَّمَا رَأَاهَا بَعْدَ مَا فَرَّغَ مِنْ ذَلِكَ وَ فَعَلَهُ فَلَا يَمَسُّ مِنْ ذَلِكَ الْمَاءِ شَيْئًا وَ لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ لِأَنَّهُ لَا يَعْلَمُ مَتَى سَقَطَتْ فِيهِ ثُمَّ قَالَ لَعَلَّهُ أَنْ يَكُونَ إِنَّمَا سَقَطَتْ فِيهِ تِلْكَ السَّاعَةُ الَّتِي رَأَاهَا» (همان ۱/۱۴۲) «از امام صادق ع در مورد مردی پرسید در ظرف آبش موشی را می‌بیند درحالی‌که بارها از آب آن ظرف وضو گرفته یا غسل کرده یا لباسش را شسته است و موش در ظرف هم از هم پاشیده و متلاشی شده است. فرمود اگر قبل از این‌که غسل کند یا وضو بگیرد یا لباسش را بشوید آن موش را دیده است و باهمان حال کارش را انجام داده، باید لباسش را بشوید و وضو و نماز را اعاده کند و اگر بعد از این کارها دیده است، از آن آب ذره‌ای را لمس نکند ولی چیزی (از جهت اعاده وضو و نماز و شستن لباس) برعهده‌اش نیست؛ چون نمی‌داند که چه زمانی موش در آب افتاده است سپس گفت که شاید در نزدیکی همان زمانی که آن را دیده، در آب افتاده باشد؛ از تعلیل در ذیل روایت «لَأَنَّهُ لَا يَعْلَمُ مَتَى سَقَطَتْ فِيهِ ثُمَّ قَالَ لَعَلَّهُ أَنْ يَكُونَ إِنَّمَا سَقَطَتْ فِيهِ تِلْكَ السَّاعَةُ الَّتِي رَأَاهَا» فهمیده می‌شود که احتمال طهارت کافی است برای حکم بر طهارت (حکیم، ۱۳۷۴، ۴۴۲/۱؛ مصطفوی، ۱۴۲۱ق، ۱۵۷/۱؛ ایروانی، ۱۳۸۴ش، ۴۵/۲).

در مورد استناد به این روایات، مشروط دو نکته است:

الغای خصوصیت از طریق تنقیح مناط

حکم به طهارت در این روایات تنها از طریق قاعده طهارت باشد و احتمال طریق دیگری مثل استصحاب طهارت وجود نداشته باشد.

حال اگر شرط اول را بپذیریم، همانند شهید صدر (صدر، ۱۴۳۴ق، ۲۲۱/۱۰)، شرط دوم محقق نمی‌شود؛ چون احتمال می‌رود که حکم به طهارت در روایات مربوط به آب، از جهت استصحاب طهارت موجود در آب باشد و در روایت حفص بن غیاث، عدم مبالات امیرالمؤمنین به علت استصحاب طهارت قبل برخورد مایع مشکوک باشد و در صحیحہ علی بن جعفر، عدم لزوم شستن لباس در هنگام نمایان نبودن اثر نجاست، به خاطر استصحاب طهارت لباس یا عدم برخورد نجاست باشد و همچنین در موثقه دوم عمار ساباطی، حکم به عدم لزوم اعاده وضو و نماز و شستن لباس از روی استصحاب طهارت آب باشد (ایروانی، ۱۳۸۴ش، ۴۶/۱ و ۴۷)، مگر این که گفته شود منوط کردن طهارت در روایات مذکور به عدم علم مثل «إذا لم أعلم»، ظهور در علیت تامه علم دارد و گرچه که مورد روایات می‌تواند حالت سابقه و استصحاب باشد؛ اما با استظهار مذکور، یعنی علیت تامه برای عدم علم، دخیلی برای حالت سابقه فرض نخواهد شد (صدر، ۱۴۳۴ق، ۲۲۲/۱۰).

۳. اجماع

همه فقها، قائل به حجیت این قاعده هستند و هیچ‌گونه رأی مخالفی در اصل حجیت این قاعده وجود ندارد؛ بلکه اختلافاتی در یک سری فروع و وجود دارد (حکیم، ۱۳۷۴ش، ۴۴۲/۱؛ مصطفوی، ۱۴۲۱، ۱۵۵/۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۰ش، ۴۱۷/۲؛ خوئی، ۱۴۱۸ق، ۱۴۸/۳؛ زارعی سبزواری، ۱۴۳۰ق، ۴۱/۱). صاحب حدائق در این باره می‌گوید:





«أصل الحكم المذكور مما لا خلاف فيه ولا شبهة تعتریه» (بحرانی، ۱۳۶۳ق، ۱/۱۳۴).
با این حال، نمی‌توان به اجماع، به عنوان دلیل شرعی برای اثبات حجیت نگاه کرد؛ چون اجماع در بحث حاضر، مدرکی است و می‌دانیم که اجماع مدرکی، حجت نخواهد بود (صدر، ۱۴۱۸ق، ۲/۱۴۸). شیخ باقر ایروانی در این باره می‌گوید: «اما التسالم فلا يمكن الاستناد إليه لاحتمال مدرکيته بل یجزم بذلک» (ایروانی، ۱۳۸۴ش، ۲/۴۸).

۴. بنای شارع بر بیان نجاسات

دلیل دیگری که بر حجیت این قاعده اقامه شده است، عبارت است از این که عادت و بنای شارع در تعیین نجاسات و مطهرات، بر بیان نجاسات است و از این که شارع یک چیزی را نجس ندانسته است، طهارت آن فهمیده می‌شود (ایروانی، ۱۳۸۴ش، ۲/۴۷). علت این نوع از بیان، این است که در نزد شارع، تعداد اشیاء طاهر، از نجس خیلی بیشتر است و بیان اشیای طاهر برای مکلفین، غیرممکن خواهد بود. پس در نتیجه، بیان موارد محدود نجاست، امری کاملاً عقلانی و خلاف آن، خارج از حکم عقل است. بنای شارع در بیان تکالیف نیز به همین صورت است. توضیح این که شارع به جای بیان موارد مباح که غیرقابل شمارند، به بیان تکالیف پرداخته است و از همین طریق، «أصالة البرائة» برداشت می‌شود.

نقدی به این دلیل نیز وارد است و آن این که دلیل مذکور، تنها در موارد شبهات حکمیه، قابل تمسک است و اگر شک مکلف از نوع شبهه موضوعیه بود، نمی‌توان از طریق این دلیل، حکم به طهارت کرد؛ چون این کار مصداق تمسک به عام شبهات مصداقیه خواهد بود (همان، ۲/۴۷-۴۸).



۵. استصحاب عدم جعل نجاست

دلیل دیگری بر حجیت «أصالة الطهارة»، به این صورت است که وقتی در جعل نجاست یا فعلیت آن برای یک شیء شک می‌شود، چون حالت سابقه یقینی، عدم جعل و عدم فعلیت است، همان استصحاب می‌شود و به این صورت، حکم به طهارت آن شیء می‌شود. (همان، ۴۸)

اشکال وارد به استدلال مذکور، به این صورت است که تنها در حالاتی می‌توان از این استدلال برای قاعده طهارت استفاده کرد که شارع، عدم مانعیت نجاست را برای یک فعل شرط کرده باشد؛ اما اگر خود طهارت را شرط کرده باشد، نتیجه مورد نظر شارع، با فرض اصل مثبت بودن استصحاب مذکور، به دست خواهد آمد (همان، ۴۸/۲) و مثبتات اصول عملیه حجت نیستند (صدر، ۱۴۱۸ق، ۱/۱۹۷).

۶. أصالة البرائة

تقریر دلیل مذکور، به این صورت است که به همراه نجاست، همواره یک سری احکام تکلیفی الزامی وجود دارد، مثل وجوب ازاله نجاست از بدن و لباس و تطهیر برای اقامه نماز و وجوب ازاله نجاست از خوراکی‌ها و تطهیر آن‌ها؛ اما طهارت، عاری از این تکالیف است. حال اگر در مورد شیئی شک داشتیم که این احکام وجود دارند، بنابر «أصالة البرائة»، حکم به عدم تکلیف می‌کنیم و عدم لازم که همان تکالیف باشند، مستلزم عدم ملزوم یعنی نجاست است. (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق، ۴۸۹/۱ و ۴۹۰)

ممکن است به این استدلال اشکال شود که برائت، در جایی قابل تمسک است که تکلیفی مشروط به طهارت ثابت نشده باشد، پس اگر تکلیفی مثل نماز که مشروط به طهارت است، ثابت گردد، طبق قاعده اشتغال، باید طهارت را احراز کرد و یقینی امثال امر را به جا آورد. پاسخ اشکال مذکور، به این صورت است که طبق فرض، «أصالة البرائة»





با «أصالة الاشتغال» تعارض پیدا می‌کنند؛ چون از طرفی، برائت حکم به طهارت ظاهری می‌کند و از طرفی، قاعده اشتغال، حکم به تحصیل طهارت می‌کند تا یقین به امتثال حاصل شود. در این جا گفته می‌شود که برائت بر اشتغال وارد است؛ یعنی با اجرای برائت، موضوع اشتغال از بین می‌رود؛ چون تحصیل طهارت که موضوع اشتغال است، از طریق برائت اثبات شده و دیگر لزومی بر تحصیل آن نیست فلذا با نبود موضوع، حکم نیز منتفی می‌شود (حسینی مراغی، ۱۴۱۷ق، ۴۸۹/۱).

جریان قاعده طهارت در نجاسات ذاتیه

نجاسات، به دو صورت قابل فرض اند:

نجاسات ذاتیه: نجاسات مربوط به اعیان نجاست که به اشیاء طاهر سرایت می‌کنند؛
نجاسات عرضیه: نجاسات مربوط به اشیائی که ذاتا طاهر بوده‌اند و از طریق اصابت به اعیان نجاست، نجس شده‌اند.

بحث مورد نظر، در مورد این است که آیا قاعده طهارت را می‌توان در مواردی که به نسبت عین نجاست بودن آن شک وجود دارد، جاری کرد و آن را طاهر دانست؟ به بیان دیگر، در شبهات حکمیه، وقتی شک می‌شود که یک شیء مثل حیوان، جلال از اعیان نجاست است یا خیر و همچنین در شبهات موضوعیه، وقتی دیده می‌شود که روی یک میز، مایعی قرمز ریخته شده و شک می‌شود که خون است یا خیر، می‌توان قاعده طهارت جاری کرد و گفت حیوان جلال و مایع قرمز طاهراند؟

اولین بار جناب سید یزدی، به این مسئله پرداختند: «کَلَّ مشکوک طاهر؛ سواء کانت الشبهة لاحتمال كونه من الأعيان النجسة أو لاحتمال تنجسه مع كونه من الأعيان الطاهرة»؛ (یزدی، ۱۳۸۶ش، ۶۹/۱) «هرچیزی که در مورد طهارت و نجاستش شک شود، طاهر است و فرقی نمی‌کند که شک، به خاطر این باشد که ممکن است آن شیء، از





اعیان نجاست باشد یا این که از مطهرات است و احتمال متنجس شدنش برود». اکثر فقهای بعد از جناب سید یزدی هم جریان این قاعده را در موارد نجاسات ذاتیه پذیرفته اند و دلیل آن را عموم موثقه عمار بیان کرده اند. توضیح این که در روایت «کَلَّ شَیْءٌ لِّكَ نَظِیفٌ» ذکر می شود و این عبارت که از طریق لفظ «کَلَّ» عام است، هم شامل نجاسات عرضیه شده و هم شامل نجاسات ذاتیه و عبارت، به موارد نجاسات عرضیه، تخصیص نخورده است (حکیم، ۱۳۷۴ ش، ۴۴۲/۱؛ خوئی، ۱۴۱۸ ق، ۲۷۶/۳؛ تبریزی، ۱۴۲۹ ق، ۲۷۰/۲؛ طاهری، ۱۳۸۸ ش، ۴۰۷/۱؛ آملی، ۱۳۸۴ ش، ۴۴۴/۱؛ سند، ۱۴۱۵ ق، ۳۲۰/۱؛ مصطفوی، ۱۴۲۱، ۱۵۷-۱۵۸).

شهید صدر در این باره می گوید: «إِذَا تَمَّ الْمَدْرُكُ الْأَوَّلُ لِلْقَاعِدَةِ - وَهُوَ الْعُمُومُ فِي رَوَايَةِ عَمَّارٍ - صَحَّ التَّمَسُّكُ بِهِ لِإِجْرَاءِ الْقَاعِدَةِ فِي مَوَارِدِ الشَّكِّ فِي النِّجَاسَةِ الذَّاتِيَةِ أَيْضًا، سَوَاءَ كَانَ الشَّكُّ بِنَحْوِ الشَّبْهِةِ الْحَكْمِيَّةِ، كَمَا إِذَا شَكَّ فِي نِجَاسَةِ الْحَيَّوَانِ الْجَلَّالِ، أَوْ بِنَحْوِ الشَّبْهِةِ الْمَوْضُوعِيَّةِ، كَمَا إِذَا شَكَّ فِي كَوْنِ حَيَّوَانٍ جَلَّالًا مَعَ مَعْلُومِيَّةِ نِجَاسَةِ الْجَلَّالِ مَثَلًا. وَأَمَّا مَعَ انْحِصَارِ الْمَدْرُكِ فِي الْوَجْهِ الثَّانِي فَيَشْكَلُ إِجْرَاءُ الْقَاعِدَةِ فِي مَوَارِدِ الشَّكِّ فِي النِّجَاسَةِ الذَّاتِيَّةِ؛ لِأَنَّ مَوْرِدَ الرِّوَايَاتِ الْمُتَفَرِّقَةِ هُوَ الشَّكُّ فِي النِّجَاسَةِ الْعَرَضِيَّةِ، وَلَا يَسَاعِدُ الْإِرْتِكَازَ عَلَى إِلْغَاءِ الْفَرْقِ بَيْنَ النِّجَاسَتَيْنِ؛ لِأَنَّ أَشَدَّيَّةَ النِّجَاسَةِ الذَّاتِيَّةِ تَوْجِبُ احْتِمَالَ الْفَرْقِ فِي الْمَقَامِ» (صدر، ۱۴۳۴ ق، ۱۰/۲۲۵ و ۲۲۶).

گيرد و اشكال سندی به آن وارد دانسته نشود، می توان به آن، برای جریان قاعده طهارت در نجاسات ذاتیه تمسک کرد، به همان دلیلی که مشهور آن را اقامه کرده اند؛ اما اگر روایت عمار را ساقط از حجیت دانسته و سراغ دیگر روایات رفتیم، دیگر نمی توان جریان این قاعده را در نجاسات ذاتیه اثبات کرد؛ چون مورد همگی روایات نجاسات عرضیه است و از طرفی، نمی توان الغای خصوصیت از موارد روایت کرد؛ چون نجاست ذاتیه، دارای نجاست شدیدتری است که موجب احتمال فرق با نجاست عرضیه می شود.



اشکالی به نظر شهید صدر وارد است و آن عبارت است از این که مستندات اثبات قاعده طهارت، محصور در روایات نیست؛ بلکه در نوشتار پیش رو، به دلائل دیگری نیز اشاره شد.

اشکال به استدلال مشهور

استدلال مشهور، بر پایه عموم از موثقه عمار بود. اشکال وارد به استدلال مشهور، این است که در صورتی می‌توانیم به عموم این روایت، برای جریان قاعده طهارت در نجاسات ذاتیه تمسک کنیم که لفظ «قدر» را در روایت، به صورت اسمی صفت مشبیه بخوانیم که در این صورت، اعم از عارض شدن نجاست یا وجود نجاست ذاتی است؛ اما احتمال می‌رود که این لفظ، به صورت فعل ماضی بوده که در این صورت، ظهور در حدوث و عروض نجاست دارد، در نتیجه، روایت مجمل خواهد شد و باید به قدر متیقن عمل کرد؛ یعنی قاعده طهارت را تنها در نجاسات عرضیه جاری دانست. (شهیدی، ۱۳۹۵).

پاسخ اول به اشکال آقای شهیدی

به اشکال مذکور، به این صورت پاسخ داده‌اند که در ابتدای جمله، لفظ نظیف ذکر شده است و در مقابل «قدر» قرار گرفته و این تقابل، ظهور در این دارد که لفظ «قدر» هم اسم است و اگر فعل بود، باید راوی، آن را برای ما به صورت فعل نقل می‌کرد و آن را به ظهورات و تبادلات نمی‌سپرد (ایروانی، ۱۳۸۴، ش، ۵۱/۲).

نقد نظر آقای ایروانی

بر فرض این که لفظ «نظیف»، قرینه بر اسم بودن «قدر» باشد، در ادامه، روایت عبارت «فقد قدر» آمده است که فعل است و مؤید فعل بودن آن است، مخصوصاً زمانی که دیده می‌شود هم دفعه اول و هم دفعه دوم، در پی ماده «علم» قرار گرفته است. پس در نتیجه،





دور از ذهن است که یک بار، در بعد این ماده به صورت اسم بیاید و بار دیگر، به صورت فعل استعمال شود و اگر مراد اسم بود، شایسته بود که دفعه دوم هم به صورت اسمی بیاید، مثلاً گفته شود «اذا علمت فهو قدر». نهایتاً، می‌توان گفت که از طریق عبارت «فقد قدر»، شک می‌کنیم که استعمال اول، به چه صورت است و همین شک کافی است تا به قدر متیقن، یعنی نجاست عرضیه اکتفا شود.

پاسخ دوم به اشکال آقای شهیدی

از پاسخ به اشکال آقای ایروانی، معلوم شد که از موثقه عمار نمی‌توان جریان قاعده طهارت را در نجاسات ذاتیه برداشت کرد و کلام آقای شهیدی در نوع برداشت از روایت، کاملاً به جا و حق است؛ اما نکته حائز اهمیت، این است که مستندات این قاعده، منحصر در موثقه عمار نیست؛ بلکه اگر شخصی از موارد روایات دیگر قابل تمسک برای اثبات حجیت قاعده طهارت، الغای خصوصیت کرد یا از «أصالة البرائة» برای اثبات حجیت استفاده کرد یا به این که بنای شارع بر بیان نجاسات است نه مطهرات، حداقل در موارد شبهات حکمیه تمسک کرد، می‌تواند جریان این قاعده در نجاسات ذاتیه را بپذیرد.

تطبیقات جریان قاعده طهارت در نجاسات ذاتیه

موارد زیادی را می‌توان به عنوان تطبیق جریان قاعده طهارت در نجاسات ذاتیه بیان کرد که در این نوشتار، به چند مورد از آن‌ها اکتفا می‌شود:

کسی در مورد اصل نجاست حیوان نجاست خوار و به تبع، در نجاست بول، مدفوع، شیر و عرقش شک می‌کند، در حالی که یقین دارد بول یک حیوان نجاست خوار، به لباسش برخورد کرده است. در این فرض، اگر کسی با هر دلیلی، قائل به جریان بود، به راحتی حکم به طهارت آن لباس می‌کند؛ اما اگر جریان را نپذیرفت، حال اگر می‌خواست با



آن لباس، کاری انجام دهد که در آن، طهارت شرط است مثل نماز، باید بنابر قاعده اشتغال، احتیاط کند، نه این که برائت جاری کند؛ چون اگر برائت را وارد بر اشتغال می دانست، باید جریان را هم می پذیرفت. حال اگر نمی خواست به کاری که مشروط به طهارت است، مبادرت بورزد، برائت جاری و حکم به طهارت می کند؛ چون موضوع اشتغال که تحصیل طهارت بوده، از طریق عدم شرط طهارت در فعل مورد نظر، از بین رفته است؛

جناب سید یزدی می فرماید: «الدم المشكوك في كونه من الحيوان أو لا، محكوم بالطهارة؛ كما أنَّ الشيء الأحمر الذي يشكُّ في أنَّه دم أم لا، كذلك؛ وكذا إذا علم أنَّه من الحيوان الفلاني، ولكن لا يعلم أنَّه ممَّا له نفس أم لا، كدم الحية والتمساح؛ وكذا إذا لم يعلم أنَّه دم شاة أو سمك، فإذا رأى في ثوبه دمًّا لا يدري أنَّه منه أو من البقِّ أو البرغوث، يحكم بالطهارة» (یزدی، ۱۳۸۶ ش، ۶۱/۱). تمام موارد که ایشان در عبارت بالا، حکم به طهارت آن کرده اند، مشروط به این است که جریان قاعده، در نجاسات ذاتیه پذیرفته نشود.

اگر در یک لیوان، مایعی دیده شود و شک شود که شراب است یا آب است، بنابر جریان، حکم به طهارت می شود؛ اما در صورت عدم جریان، رجوع به برائت می شود؛ زمانی که شک در کفر و اسلام یک شخص شود و حالت سابقه ای نیز وجود نداشته باشد، در صورت جریان، حکم به طهارت و در صورت عدم جریان، تمسک به برائت می شود؛

آقای ایروانی در هنگام شک در جهنده بودن خون حیوان می گوید: «اما الحكم بالطهارة مع الشك في القيد ١ ... يتمسك بأصالة الطهارة بناء على جريانها عند الشك في النجاسة الذاتية كما هو المعروف» (ایروانی، ۱۳۸۵، ۱۲۱/۱)؛

۱ . كون الحيوان ذا النفس السائلة.



اگر دو ظرف را فرض کنیم که علم به عینیت نجاست مایع موجود در یکی از آن‌ها داریم و یک شیء، با یکی از آن‌ها برخورد داشته است، علم اجمالی به نجاست بین شیء ملاقات کننده و ظرفی که شیء با آن برخورد نداشته، به وجود می‌آید و در این موضع، مشهور، قائل به طهارت آن شیء ملاقات کننده هستند. (همان، ۱۳۶/۱) پاسخ شیخ انصاری به فرض مذکور، این است که سه «أصالة الطهارة» در فرض مذکور وجود دارد: هر کدام از ظرف‌ها، یکی و شیء ملاقات کننده هم یکی؛ اما نکته قابل توجه، این است که «أصالة الطهارة»، ظرف ملاقات شده حاکم بر «أصالة الطهارة» موجود در شیء است و مادامی که «أصالة الطهارة» در ظرف جاری باشد، موضوع «أصالة الطهارة» شیء از بین می‌رود. حال در فرض مذکور، دو «أصالة الطهارة» موجود در ظروف، با یکدیگر تعارض و تساقط می‌کنند و بعد از تساقط، «أصالة الطهارة» شیء جاری می‌شود (انصاری، ۱۴۲۸ق، ۲/۲۴۲ و ۲۴۳). در مورد پاسخ شیخ اعظم، می‌توان گفت اگر شخصی جریان قاعده طهارت در نجاسات ذاتیه را نپذیرد، در دو ظرف، تعارض بین دو «أصالة الطهارة» پیش نمی‌آید؛ چون اساساً «أصالة الطهارة» ای باقی نخواهد ماند و باید به برائت تمسک کرد و نکته قابل توجه، این است که در این صورت، برائت، حاکم بر شیء ملاقات کننده خواهد بود و بعد از تعارض و تساقط دو برائت، نوبت به «أصالة الطهارة» شیء خواهد رسید.

نتیجه‌گیری

از مطالب بیان شده، فهمیده می‌شود که قاعده طهارت، از قواعد مسلم فقهی است که حکم به طهارت هر شیء مشکوک به طهارت و نجاست می‌کند. برای حجیت این قاعده، دلائل مختلفی بیان شده است که حداکثر، چهار مورد از آن‌ها، قابل تمسک خواهد بود که عبارت‌اند از «ضرورت فقهی»، «موثقه عمار»، «روایات با موارد خاص» و



«أصالة البرائة» وبقیه یا غیرقابل تمسک اند، مثل «اجماع» یا در محدوده خاصی، قاعده طهارت را اثبات می‌کنند، مثل «بنای شارع بر بیان نجاسات» و «استصحاب عدم جعل نجاست». استدلال مشهور برای جریان این قاعده در نجاسات ذاتیه، صحیح نمی‌باشد و اشکال آقای شهیدی به این استدلال، وارد است و پاسخ آقای ایروانی هم در رد اشکال آقای شهیدی، قاصر است و تنها از طریق تمسک به «أصالة البرائة»، می‌توان جریان قاعده طهارت در نجاسات ذاتیه را اثبات کرد.



١. ابن دريد، محمد بن حسن (١٩٨٨م)، جمهرة اللغة، بيروت: دارالعلم للملايين.
٢. ابن سيده، علي بن اسماعيل (١٤٢١ق)، المحكم و المحيط الأعظم، تحقيق عبد الحميد هنداو، بيروت: دارالكتب العلمية.
٣. ابن فارس، احمد (١٤٠٤ق)، معجم مقاييس اللغة، تحقيق عبد السلام محمد هارون، قم: مكتب الإعلام الإسلامي.
٤. ابن منظور، محمد بن مكرم (١٤١٤ق)، لسان العرب، بيروت: دار صادر.
٥. آملی، محمد تقی (١٣٨٤ق)، مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، بی جا: بی نا.
٦. انصاری، مرتضی (١٤٢٨ق)، فرائد الأصول، قم: مجمع الفكر الإسلامي.
٧. ایروانی، باقر (١٣٨٤)، دروس تمهیدیه فی القواعد الفقہیة، قم: مؤسسة الفقه للطباعة والنشر.
٨. — (١٣٨٥)، دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالي، قم: مؤسسة الفقه للطباعة والنشر.
٩. بحرانی، یوسف بن احمد (١٣٦٣)، الحقائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
١٠. تبریزی، جواد (بی تا)، تنقیح مبانی العروة (الطهارة)، قم: دارالصدیقة الشهيدة.
١١. جوهری، اسماعیل بن حماد (١٣٧٦)، الصحاح، تصحیح احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دارالعلم للملايين.
١٢. حر عاملی، محمد بن حسن (١٤٠٩ق)، وسائل الشیعة، تصحیح مؤسسة آل البيت، قم: مؤسسة آل البيت.
١٣. حسینی مراغی، عبدالفتاح بن علی (١٤١٧ق)، العناوین الفقہیة، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.



۱۴. حکیم، سید محسن (۱۳۷۴)، مستمسک العروة الوثقی، قم: دارالتفسیر.
۱۵. حلی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۱۰ق)، نهاية الأحكام فی معرفة الأحكام، قم: اسماعیلیان.
۱۶. حلی (محقق)، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق)، شرائع الإسلام فی مسائل الحرام والحلال، قم: اسماعیلیان.
۱۷. خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، قم: نشر هجرت.
۱۸. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ق)، فقه الشيعة (کتاب الطهارة)، قم: مؤسسة الآفاق.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم.
۲۰. زارعی سبزواری، عباسعلی (۱۴۳۰ق)، القواعد الفقهية فی فقه الإمامية، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
۲۱. سند، محمد (۱۴۱۵ق)، سند العروة الوثقی، قم: صحفی.
۲۲. شهیدی، محمد تقی، جلسه ۲۶ - یکشنبه ۹۷/۰۸/۲۰ شرط سوم (میتة نبودن) / شرائط لباس مصلى / کتاب الصلاة، پایگاه اطلاع رسانی استاد شهیدی، دسترسی در تاریخ ۱۴۰۲/۰۲/۲۵ Shahidipoor.ir
۲۳. صدر، سید محمد باقر (۱۴۱۸ق)، دروس فی علم الأصول، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
۲۴. — (۱۴۳۴ق)، موسوعة الشهيد السيد محمد باقر الصدر، قم: دارالصدر.
۲۵. طاهری، جلال الدین (۱۳۸۸)، کتاب الطهارة، قم: مبارک.
۲۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، المبسوط فی فقه الإمامية، تهران: مكتبة الرضوية.
۲۷. — (۱۳۸۷ق)، تهذيب الأحكام، تحقیق حسن الموسوی خرسان، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۲۸. — (۱۴۰۷ق)، الخلاف، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.

۲۹. — (۱۴۱۴ق)، رسائل الشيخ الطوسي، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
۳۰. عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی (۱۴۳۰ق)، موسوعة الشهيد الأول، قم: مكتب الإعلام الإسلامي في الحوزة العلمية.
۳۱. فيومي، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي، قم: مؤسسة دار الهجرة.
۳۲. مصطفوي، محمد كاظم (۱۴۲۱ق)، القواعد الفقهية، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
۳۳. مقداد بن عبدالله (۱۳۷۳)، كنز العرفان في فقه القرآن، تهران: مرتضوى.
۳۴. مكارم شيرازي، ناصر (۱۳۷۰)، القواعد الفقهية، قم: مدرسة الإمام على بن أبي طالب.
۳۵. يزدي، محمد كاظم بن عبدالعظيم (۱۳۸۶)، العروة الوثقى، قم: مدرسة الإمام على بن أبي طالب.





بررسی سیاست‌های مقاوم‌سازی تولید ملی در آمریکا و جمهوری اسلامی ایران

صفحات ۳۱ تا ۶۵

مجتبی شیخی ده آبادی

برگزیده سطح چهار پانزدهمین جشنواره

چکیده

بررسی تجربه کشورهای گوناگون در مقاوم‌سازی اقتصاد، توجه به تولید ملی و تطبیق آن با سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در ایران، یکی از نیازهای ضروری عقلی، عرفی و دینی در مقاوم‌سازی اقتصاد است و می‌تواند راهگشای برخی از مشکلات پیش‌روی اقتصاد کشور ایران باشد. یکی از کشورهای پیشرفته در تولید ملی، ایالات متحده آمریکا است. بر اساس یافته‌های این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی به نگارش درآمده، بررسی تجربیات دو سده اخیر در کشور آمریکا، نشانگر آن است که این کشور، صرف‌نظر از اقدامات نامشروع وسیع، همواره سیاست‌هایی همچون توسعه تولیدات در بخش‌های گوناگون اقتصادی، توجه به اقتصاد دانش‌بنیان، اجرای سیاست‌های پولی، مالی و بانکی هماهنگ با تولید و حمایت‌های بازاری ویژه، برای مقاوم‌سازی تولیدات داخلی را مورد توجه قرار داده است؛ ولی شواهدی از توجه گسترده به فرهنگ ایمانی، توکل و توسل در اقتصاد آمریکا یافت نشد. در جمهوری اسلامی ایران، در مقایسه با آمریکا، با گذشت تنها چهل سال از انقلاب اسلامی، با سیاست‌گذاری عالی رهبران، سیر کلی بسیار مناسبی در مسیر انتخاب موضوع متناسب با شرایط بومی و فرهنگی برای تولید،





تقویت و ارتقای نقش دانش و ارتقای نقش ایمان، توکل و توسل در تولید (به عنوان یکی از نقاط بسیار قوی در اقتصاد ایران) داشته است و در عین حال، از ضعف‌هایی در تکمیل ارتباط بین دانش و صنعت، سیاست‌های پولی و بانکی و نیز سیاست‌های تجاری برخوردار بوده است.

کلمات کلیدی: اقتصاد مقاومتی، تولید ملی، سیاست‌های حمایتی، آمریکا، ایران، دانش‌بنیانی.

۱. مقدمه

از گذشته تا به حال، کشورهای مختلفی با سیاست‌های گوناگون، در مسیر اجرای اقتصاد مقاومتی گام نهاده‌اند. (مؤمنی، ۱۳۹۷ و نقی‌زاده، ۱۳۸۵) سیاست، یعنی قیام بر چیزی به آن چه صلاح بر آن است (این منظور، ج ۶، ص ۱۰۸) و مقاوم نیز به معنای ایستادگی کننده، پابرجا و پایدار می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۷ و معین، ۱۳۸۸، ذیل واژه مقاوم و مقاومت). بنابراین، سیاست‌های مقاوم‌سازی تولید، اموری هستند که در صدد تدبیر و صلاح‌بخشی به تولید، جهت استقامت و پایداری آن باشند.

بررسی تجارب کشورها در این راه، از نیازهای مهم برای زمینه‌سازی پیشرفت نظریه اقتصاد مقاومتی و ارتقای عوامل موجود در آن است. با توجه به ضرورت عقلی و عرفی بررسی تجربیات کشورهای دیگر و از طرفی، مطلوب بودن بهره‌برداری از تجربیات بشری در اندیشه اسلامی، کنکاش در تجربیات کشورهای دیگر، می‌تواند نتایج ارزشمندی را به دنبال داشته باشد. در این بررسی، تنها به عملکرد کشور آمریکا در زمینه اقتصاد مقاومتی، در حوزه تقویت و مقاوم‌سازی تولید ملی (که یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است) پرداخته می‌شود. هر چند، آن چه در اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌شود، تفاوت‌هایی با الگوهای متعارف مقاوم‌سازی در کشورهای پیشرفته



جهان دارد؛ اما بدون شک، پرداختن به وجوه تشابه موجود در حوزه تولید ملی، می‌تواند مفید واقع شود. (مؤمنی، ۱۳۹۷، ص ۲۴) امام خامنه‌ای در این زمینه می‌فرماید: «اقتصاد مقاومتی، یک اندیشه تجربه‌شده در دنیا است و فقط اختصاص به ما ندارد ... دلیل پیشرفت‌های علمی و صنعتی آمریکا در ۱۵۰ سال اخیر، به‌کارگیری اقتصاد مقاومتی است... البته آمریکایی‌ها، این اندیشه را در جهت مادی‌گری و پول به‌کار گرفتند؛ اما همین تجربه پذیرفته‌شده جهانی را می‌توان با جهت‌گیری متعالی‌تری به‌کار گرفت».

(بیانات رهبری، ۱۳/۱۰/۱۳۹۵)

درباره بررسی تجربه کشورهای پیشرفته در تولید ملی و تطبیق آن با سیاست‌ها و اهداف اقتصاد مقاومتی، تا به حال مطالعاتی صورت پذیرفته است. مؤمنی (۱۳۹۷)، به بررسی تجربیات ده کشور، از جمله کشور آمریکا می‌پردازد. در این بررسی، هرچند اقدامات خوبی صورت پذیرفته است و برخی از سیاست‌ها، بررسی شده است؛ ولی استنادات آماری آن ضعیف است و نیاز به تقویت دارد و همچنین درباره اقتصاد ایران، بحث مقایسه‌ای خاصی ندارد. نقی‌زاده (۱۳۸۵) نیز به بررسی اقتصادهای چین، ژاپن و ایران در نحوه مدیریت اقتصاد ملی، از جهت مبانی فکری و تا حدودی مباحث آماری آن می‌پردازد.

برخی منابع نیز به بررسی وضعیت اقتصاد ایران، در طول تاریخ یا در طول دوره انقلاب اسلامی پرداخته‌اند. راجی و خاتمی (۱۳۹۷)، مقصودی و سعیدی (۱۳۹۷) و جمعی از نویسندگان (۱۳۹۷)، از جمله منابعی است که بررسی وضعیت اقتصادی ایران و کاستی‌ها و نقاط قوت ایران در دوره انقلاب اسلامی و مقایسه آن با شاخص‌های ابتدای انقلاب پرداخته‌اند و ورود نسبتاً مناسبی به مباحث آماری داشته‌اند؛ ولی به مباحث مقایسه‌ای با سیاست‌های آمریکا نمی‌پردازند.

این مقاله، افزون بر تحلیل و بررسی فشرده سیاست‌های مناسب حمایت از تولید ملی در آمریکا، به بررسی آن‌ها در ایران، با توجه به منابع آماری داخلی و خارجی می‌پردازد.





۲. حمایت‌گرایی گسترده ایالات متحده آمریکا از اقتصاد ملی

کشور آمریکا، کشور اول جهان، از نظر میزان تولید ناخالص داخلی (بر مبنای دلار آمریکا) و کشور دوم جهان، از نظر تولید ناخالص داخلی (بر مبنای دلار برابری قدرت خرید The World Bank (PPP, ۲۰۲۰) و دومین صادرکننده بزرگ جهان (به ارزش ۱۶۶۴ میلیارد دلار، با حدود ۸٫۵ درصد کل صادرات جهان) است (WTO, ۲۰۱۹, p ۱۰۰)؛ بنابراین، بررسی نقش سیاست‌های حمایت از تولید ملی در این کشور، بسیار مهم می‌باشد.

جدول ۱: تولید ناخالص داخلی کشورها در سال ۲۰۱۹ (تریلیون دلار)

تولید ناخالص داخلی	جهان	آمریکا	چین
\$GDP US	۸۸	۲۱٫۴	۱۴٫۳
GDP PPP	۱۳۶	۲۱٫۴	۲۳٫۵

نفوذ بین‌المللی و پیشرفت اقتصادی آمریکا، مدیون فردی است به نام الکساندر هامیلتون که حمایت‌گرایی از صنایع داخلی را پایه‌گذاری کرد. هامیلتون ۳۵ ساله، نخستین وزیر خزانه‌داری آمریکا و معمار توسعه صنعتی این کشور، در سال ۱۷۹۱ میلادی، گزارشی را به کنگره، ارائه و با ارائه یک بسته سیاستی، مجموعه‌ای از اقدامات حمایتی از «صنایع نوزاد» را پیشنهاد می‌کند (که بخش زیادی از آن، در سال‌های اولیه توسط کنگره نادیده گرفته شد). او استدلال می‌کند که انتظار نمی‌رود صنایع آمریکا بتوانند در مقابل صنایع شکوفا و بالغ کشورهای پیشرفته‌تر مثل انگلیس، بدون یک دوره حمایت کامل، رقابت کنند. (مقیسه، ۱۳۹۷، ص ۸؛ ابدالی، ۱۳۹۵) هامیلتون، یازده گروه از اصول و روش‌ها را برای رشد و شکوفایی صنایع آمریکا پیشنهاد می‌کند. یازده اصل مذکور، عبارت‌اند از: وضع حقوق گمرکی حامی تولیدات داخلی، منع واردات کالاهای دارای تولید داخل یا منع عملی با وضع حقوق گمرکی بسیار بالا، ممنوعیت صادرات





مواد خام صنعتی جهت استفاده در تولیدات داخلی، یارانه‌های تولیدی، اعطای جوایز نقدی برای نوآوری‌های ارزشمند، معافیت حقوق گمرکی مواد خام مورد استفاده در تولید مواد خام صنعتی، بازپرداخت حقوق گمرکی که بر مواد خام صنعتی وضع می‌شد (بازپرداخت حقوق‌های گمرکی نهادهای صادراتی)، تشویق نوآوری‌ها و اکتشافات جدید در داخل کشور یا معرفی آن‌چه در کشورهای دیگر است (به‌ویژه آن‌چه به ماشین آلات مربوط است) به ایالات متحده، مقررات قضائی برای بازرسی محصولات صنعتی یا به تعبیری استاندارد محصول، تسهیل بازپرداخت‌های نقدی از مکانی به مکان دیگر (توسعه مالی و آزادسازی حساب جاری) و تسهیل حمل و نقل کالاها برای کاهش قیمت تمام شده (ایجاد زیرساخت‌های لازم برای امور مالی و ترابری). (چنگ، ۱۳۹۵، ص ۶۵، مقیسه، ۱۳۹۷، ص ۷؛ ابدالی، ۱۳۹۵).

چنگ در کتاب «نیکوکاران نابکار»، بیان می‌کند که همیلتون معتقد بود که کشور عقب‌افتاده‌ای مثل ایالات متحده، باید «صنایع نوزاد» را تا زمانی که بتوانند روی پای خود بایستند، از رقابت خارجی در امان نگه دارد. (چنگ، ۱۳۹۵، صص ۶۴، ۶۵ و ۸۴). آمریکا پس از استقلال، کشوری کشاورزی و از حیث صنعتی، عقب‌افتاده‌تر از انگلستان بود و به پای قدرت‌های تراز اول اروپایی نمی‌رسید؛ اما برنامه‌های همیلتون و نیز البته کپی‌برداری و سرقت بی‌سابقه اختراعات و صنایع و طرح‌های صنعتی اروپایی از سوی آمریکایی‌ها، موجب تبدیل سریع آمریکا به یک کشور صنعتی در قرن نوزدهم گردید. (اشرف‌زاده، ۱۳۹۲، صص ۱۷ - ۱۸).

نقش پنجمین رئیس جمهور آمریکا و سیاست‌هایش در نگاه به درون را نباید فراموش کرد. جیمز مونروئه^۱ در سال ۱۸۲۳، با نظریه معروفش، ضمن تأکید بر خروج استعمارگران اروپایی، حمایت خود را از کشورهای قاره آمریکا برای کسب استقلال در مقابل



استعمارگران ابراز کرد. در این نظریه، آمریکا برای آمریکاییان اندیشیده شده بود. با اعلام نظریه (دکترین) مونروئه، دولت ایالات متحده، توانست به تقویت اقتصادی و نظامی خود پردازد و همچنین در درون کشور نیز برای جلوگیری از آسیب‌های صرفاً احتمالی ناشی از جنگ، به کاشت محصولات کشاورزی، حتی در محوطه کاک سفید نیز روی آورد. (مؤمنی، ۱۳۹۷، ص ۲۹؛ سجادی‌پور و دنیاچو، ۱۳۸۹، ص ۱۴۷).

این کشور در دو قرن اخیر، برنامه‌های مهمی برای تقویت و حمایت از تولید ملی خود، طراحی و اجرا نموده است که برخی از موارد مهم آن، عبارت‌اند از:

۲-۱. توسعه تولیدات ملی در بخش‌های مختلف اقتصادی

اقتصاد ایالات متحده آمریکا، سهم بالایی را در بخش خدمات، به خود اختصاص داده است، تا جایی‌که این بخش، در سال‌های ۱۹۹۷ و ۲۰۱۸، به ترتیب، به میزان ۷۲ و ۷۷ درصد از اقتصاد آمریکا را به خود اختصاص داده است. (the Global Economy, ۱۹۹۷ & ۲۰۱۸). این کشور، در بخش کشاورزی، به تولید وسیع محصولات کشاورزی اقدام نموده است، به نحوی که در تولید بسیاری از غلات، محصولات باغی و تره‌بار، جزء سه کشور برتر جهان شناخته می‌شود و در رده بالای صادرات محصولات کشاورزی قرار دارد. در بخش صنعت نیز توجه ویژه این کشور به صادرات اقلام مهم صنعتی، قابل توجه است، به طوری که فقط انواع ترانزیستورها، هواپیما، قسمت‌های موتور و وسائل نقلیه، کامپیوتر و تجهیزات ارتباطی، حدود ۵۰ درصد از صادرات این کشور را تشکیل می‌دهد. (مؤمنی، ۱۳۹۷، ص ۳۲).

آمریکا، طبق آمار سال ۲۰۱۸، بزرگ‌ترین مصرف‌کننده، بزرگ‌ترین تولیدکننده و چهارمین کشور، از نظر میزان خالص واردات نفت خام در دنیا، بعد از چین، هند و ژاپن است. (Iea atlas of energy, ۲۰۱۸) وابستگی به نفت وارداتی، باعث آسیب‌پذیری اقتصاد





آمریکا، در چهار شوک نفتی در سال‌های ۱۹۷۳، ۱۹۷۶، ۱۹۹۰ و ۲۰۰۸ شد، بنابراین، این کشور، در سال‌های اخیر، با انجام اقدامات مختلف، سعی کرده است تا میزان وابستگی خود، به واردات نفت را کاهش دهد و به این نتیجه رسیده است که بهترین راه برای خودکفایی در انرژی، توسعه منابع غیرمتعارف نفتی، نظیر ذخایر «نفت شیل» و «گاز رسی» است. همچنین در راستای کاهش وابستگی به واردات نفت، اقدامات دیگری نظیر کاهش مصرف انرژی و جلوگیری از هدر رفتن آن و به تبع آن، کاهش مصرف نفت، افزایش تولید داخلی نفت و جایگزینی نفت با دیگر حامل‌های انرژی، از جمله گاز طبیعی و انرژی‌های تجدیدپذیر و نو، انجام داده است. در سال ۲۰۰۵، واردات نفت، حدود ۶۰ درصد از مصرف نفت این کشور را به خود اختصاص داده بود که با انجام سیاست‌های فوق، واردات نفت آمریکا، از سال ۲۰۰۶، روند نزولی به خود گرفته و وابستگی آمریکا به نفت وارداتی را به شدت محدود کرده است تا جایی که در سال ۲۰۱۰، سهم واردات در مصرف نفت کشور، به ۴۹ درصد کاهش یافت. آخرین برآوردها از اداره انرژی آمریکا، نشان می‌دهد که مقدار واردات نفت در سال ۲۰۳۵، به ۳۶ درصد کاهش می‌یابد. (موسوی و متین، ۱۳۹۱، صص ۱، ۶ و ۳۲)

۲-۲. توجه به اقتصاد دانش بنیان

اقتصاد دانش بنیان در آمریکا، مورد توجه بسیار است، به نحوی که اولاً، طبق شاخص جهانی دولت الکترونیک^۱ سازمان ملل متحد، در سال ۲۰۲۰، در جایگاه نهم (United Nations, ۲۰۲۰)، (۲۰۲۷) و طبق شاخص توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات^۲ (سال ۲۰۱۷) اتحادیه جهانی مخابرات، در جایگاه شانزدهم (ITUdata, ۲۰۱۷) و طبق شاخص

۱. (E-Government Development Index (EGDI .

۲. (ICT Development Index (IDI .



آمادگی شبکه^۱ مجمع جهانی اقتصاد (در سال ۲۰۱۶)، در جایگاه پنجم (Weforum, ۲۰۱۶) و از نظر تعداد ثبت اختراع (در سال ۲۰۱۷)، بعد از کشور چین، در جایگاه دوم (Knoema, ۲۰۱۷) قرار دارد. ثانیاً، سرمایه‌گذاری وسیع دولت آمریکا از طریق فناوری نانو در صنایع الکترونیک، نساجی، داروسازی، صنایع فلزی و...، به منظور تولید محصولات بدیع و با کیفیت انجام شده است، به نحوی که میزان سرمایه‌گذاری سالیانه این کشور، در پروژه‌های توسعه و تحقیق این فناوری، تقریباً معادل یک چهارم مجموع میزان سرمایه‌گذاری‌های تمام کشورها، در این حوزه است و همچنین بیش از پنجاه درصد مقالات علمی در این حوزه در جهان، از سوی مراکز تحقیقاتی و محققان آمریکایی انجام شده است. این کشور به لحاظ تعداد شرکت‌های فعال در این حوزه، در صدر کشورهای جهان قرار دارد. همچنین علاوه بر اختصاص بودجه به این برنامه‌ها، پایه‌ریزی برنامه‌ها (از جمله برنامه پیشگام ملی در فناوری نانو، جهت تأسیس زیرساخت‌های تحقیقاتی عمده، حمایت‌های حقوقی، اقدامات زیست محیطی و...)، تأسیس مؤسسات ناظر (از جمله هیئت مشاوره نانو فناوری، جهت نظارت بر اجرای برنامه پیشگام ملی و اداره ملی هماهنگ‌سازی، جهت حمایت‌های فنی و اجرایی) و تلاش جهت تصویب نهایی قوانین لازم و در دست بررسی در این حوزه برای نظام‌مند کردن هر چه بیشتر فعالیت‌ها، در دستور کار مسئولین این کشور قرار گرفته است. (رک: علوی و باقری اصل، ۱۳۸۶، صص ۲-۸).

درصد هزینه تحقیق و توسعه در تولید ناخالص داخلی نیز یکی از شاخص‌های پیشرفت دانش، در یک کشور است. آمارهای این شاخص در پایگاه آماری بانک جهانی، نشان می‌دهد که آمریکا در سال ۲۰۱۸، به میزان ۲٫۸ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را به تحقیق و توسعه، اختصاص داده است و از این نظر، جزء کشورهای تراز اول قرار دارد

۱. (Network readiness index (NRI

(The World Bank, ۲۰۱۸B) و از طرفی دیگر، ۱۸٫۷ درصد صادرات آمریکا در سال ۲۰۱۸ را محصولات با فناوری بالا تشکیل می‌دهد. (The World Bank, ۲۰۱۸A).

۳-۲. اجرای سیاست‌های پولی، مالی و بانکی هماهنگ با تولید

یکی از سیاست‌های مهم، جهت مقاوم‌سازی تولید در آمریکا، سیاست‌های پولی، مالی و بانکی این کشور بوده است. به عنوان نمونه، بانک مرکزی این کشور، به منظور هدایت نقدینگی اضافی به سمت تولید، در سال‌های پس از ۲۰۱۰، همواره ضریب فزاینده پولی نظام پولی این کشور را در کمتر از عدد سه حفظ کرده است (این عدد در ایران، هم اکنون حدود هفت است (بانک مرکزی ایران، ۱۳۹۸)). بالا بودن ضریب فزاینده پولی، به معنای قدرت بالای شبکه بانکی برای خلق پول است (که شبکه بانکی، انگیزه بیشتری برای هدایت نقدینگی به سمت فعالیت‌های غیرمولد دارد) و نتیجه آن، کاهش قدرت مدیریت عالی بانکی کشور (بانک مرکزی)، برای جهت‌دهی منابع نقدینگی به سمت بخش‌های خاص، از جمله تولید خواهد بود. در واقع، مدیریت عالی پولی آمریکا با پایین نگه داشتن قدرت خلق پول بانک‌ها، شرایط لازم را برای جهت‌دهی و هدایت نقدینگی اضافی، به سمت تولید و سرمایه‌گذاری، فراهم کرده است. (مؤمنی، ۱۳۹۷، ص ۳۳).

افزایش نقدینگی، از دو طریق: افزایش پایه پولی توسط بانک مرکزی و افزایش ضریب فزاینده پولی محقق می‌شود ($M = mB$). در مسیر اول، اگر نقدینگی افزایش یافته توسط بانک مرکزی، به سمت تولید هدایت شود، مفید است؛ اما در مسیر دوم، این افزایش تماماً با مدیریت بانک‌ها اعمال می‌شود و صرفاً قدرت خلق پول بانک‌ها افزایش می‌یابد که انگیزه‌ای برای هدایت نقدینگی اضافی به سمت تولید ندارد؛ بلکه انگیزه آن‌ها، بیشتر برای گسترش فعالیت‌های غیرمولد که سودآوری بیشتری دارند، می‌باشد.





سیاست مالی نیز از دو ابزار درآمد دولت (مالیات) و مخارج دولت (هزینه) برای تأثیرگذاری در اقتصاد استفاده می‌کند. از جهت سیاست‌های مالیاتی، دولت آمریکا، مبالغ هنگفتی از کمک‌های مالی، در اشکال مختلفی، به کسب و کارها، مخصوصاً شرکت‌های بزرگ اعطا می‌کند. به‌طور مثال، بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵، دولت فدرال آمریکا، ۶۸ میلیارد دلار در قالب کمک‌های مالی و اعتبارات مالیاتی، به کسب و کارها اعطا کرد. نوع دیگر از سیاست‌های مالی حامی تولید، هزینه‌های دولت است که در قالب خریدهای دولتی در آمریکا تبلور می‌یابد. بسیاری از قهرمانان ملی آمریکا شامل آی‌بی‌ام، بوئینگ، موتورولا و ...، ریشه‌هایشان را در قراردادهای سنگین دولتی دارند و بسیاری هنوز هم تا حد زیادی، به این قراردادها وابسته‌اند. در واقع، عمده صنایعی که در آن‌ها، آمریکا در سطح بین‌المللی رقابت‌پذیری دارد، از طریق منابع عمومی در تحقیق و توسعه و نیز خریدهای دولتی توسعه یافته‌اند. (Stensrud, ۲۰۱۶: ۱۲ & ۱۷ & ۳۰، مقیسه، ۱۳۹۷، ص ۱۹ و ۲۱-۲۵ و ۴۴)

۲-۴. حمایت‌های بازاری ویژه و گاه سرسختانه از تولید داخلی در هر زمان لازم

اقدامات حمایتی آمریکا، در فاصله زمانی ۱۸۲۰-۱۹۴۰، ساختار تولید ابتدایی و کشاورزی آمریکا را به‌گونه‌ای متحول کرد که این کشور، با کنار زدن بریتانیا، به ابرقدرت دنیا تبدیل شد (معلی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۷۷)، به‌طوری‌که سهم آمریکا از تولید ناخالص داخلی واقعی جهان، از ۹ درصد در سال ۱۸۷۰، به ۲۱ درصد در سال ۱۹۴۰ و سهم این کشور از تولیدات صنعتی دنیا نیز از ۲۳ درصد در سال ۱۸۷۰، به ۴۲ درصد در سال ۱۹۲۶ ارتقا یافت و از طرفی، سهم بریتانیا از تولیدات صنعتی جهان در این فاصله، از ۳۲ درصد به ۹ درصد کاهش یافت. (مقیسه، ۱۳۹۷، ص ۳).

۱-۴-۲. حمایت‌های گمرکی

یکی از مهم‌ترین اقدامات حمایتی آمریکا در این دوران، حمایت‌هایی در قالب قرار دادن حقوق گمرکی بود، به طوری که از سال ۱۸۱۲ (با عملیاتی شدن گسترده سیاست‌های همیلتونی) تا اوایل دهه ۱۹۴۰، یعنی حدود ۱۳۰ سال، آمریکا با قرار دادن حقوق‌های گمرکی سنگین برای حمایت از «صنایع نوزاد» خود، یکی از حمایت‌گراترین کشورها در طول تاریخ بوده است و پس از به بلوغ رسیدن صنایع و گسترش مقیاس تولیدات آن‌ها، از آزادسازی تجاری حمایت کرد و در ادامه نیز سازوکارهای دیگری (شامل خریدهای دولتی، حمایت صادراتی، یارانه به صنایع و...) را برای حمایت به کار گرفت. (Stensrud, ۲۰۱۶: ۳ & ۱۶، چنگ، ۱۳۹۵، صص ۶۹-۷۴ و مقیسه، ۱۳۹۷، صص ۸ و ۱۱-۶۹). آمریکا در دو دوره، پیش از جنگ جهانی اول و بین جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸ م) و دوم (۱۹۳۹-۱۹۴۵ م)، تا حد زیادی به صورت برنامه‌ریزی شده، به انزوا رفت و ارتباط خود را با دنیا محدود کرد تا با کاهش واردات کالا از خارج، بازار مصرف مناسبی را برای تقویت تولیدات آمریکایی فراهم کند و قدرت اقتصاد ملی خود را با اتکا به منابع داخلی تولید افزایش دهد. (مؤمنی، ۱۳۹۷، ص ۲۳).

حمایت‌های بازاری گمرکی، در زمان‌های بعد نیز توسط آمریکا (پرچمدار تجارت آزاد) ادامه یافت. به عنوان نمونه، اوپاما، رسالت اصلی خود در سفر به کشورهای مختلف را «خرید کالای آمریکایی و اشتغال کارگر آمریکایی» بیان می‌کند (White House website, A). وی به عنوان نمونه، در سال ۲۰۰۹، حقوق گمرکی واردات تایر از چین را به بهانه مقابله با نرخ شکنی (دامپینگ)^۱، به ۳۵ درصد افزایش داد تا مردم آمریکا مجبور به خرید تایر آمریکایی شوند. واشنگتن پست می‌نویسد: «بالا رفتن حقوق گمرکی واردات تایر، هزاران کارگر آمریکایی را از خطر نابودی نجات داد». (آنا، ۱۳۹۷)





با انتخاب ترامپ، سیاست‌های حمایت‌گرایانه تشدید شد. حمایت از کالای داخلی، از وعده‌های اصلی ترامپ بود. وی با قرار دادن حقوق‌های گمرکی سخت‌گیرانه، به دنبال افزایش اشتغال بود. سیاست‌های اقتصادی ترامپ، بر پایه دو اصل مصرف کالای داخلی و استخدام آمریکایی‌ها استوار بود و دو قانون ساده دولت خود را «خرید کالای آمریکایی و اشتغال کارگر آمریکایی»^۱ می‌دانست. (White House website, B؛ آنا، ۱۳۹۷). همچنین قرار دادن حقوق گمرکی ۲۵ درصدی بر واردات فولاد و حقوق گمرکی ۱۰ درصدی بر واردات آلومینیوم در اوایل ۲۰۱۸، از اقدامات وی برای حمایت از تولید و اشتغال بود. (دنیای اقتصاد و اقتصاد آنلاین، ۱۳۹۷).

۲-۴-۲. سیاست تحریم

یکی از سیاست‌های حمایتی لازم برای حمایت از تولیدات داخلی، سیاست تحریم کالای رقیب خارجی است. در زمان کارتر، آمریکا اقدام به تحریم خرید پسته از ایران کرد و زمینه تقویت پسته‌کاران آمریکایی را فراهم نمود. پیش از آن، آمریکایی‌ها تحقیقات پردامنه‌ای را در زمینه کاشت پسته صورت داده و نمونه‌های دانه پسته را از ایران به آمریکا منتقل کرده بودند. بعد از تحریم پسته ایران در سال ۱۹۷۹، تولید پسته در آمریکا، به سرعت افزایش یافت. در سال ۲۰۰۵، آمریکا مقام دوم تولید بعد از ایران را کسب کرد و در سال ۲۰۱۶ نیز در سایه حمایت‌ها و قرار دادن حقوق گمرکی ۲۰۰ درصدی، رتبه اول صادرات پسته در جهان را کسب نمود. این در حالی است که بسیاری از کارشناسان، کیفیت پسته ایران را بسیار بالاتر از آمریکا می‌دانند. (The Christian Science Monitor، ۲۰۱۶؛ جامعه حامیان کشاورزی و معاون وزیر کشاورزی، ۱۳۹۷).

۱. آمریکا را با دستان آمریکایی و با کارگران آمریکایی می‌سازیم. من شعار آمریکایی بخر و آمریکایی استخدام کن را انتخاب کرده‌ام.

۳-۴-۲. سیاست‌های تجاری

آمریکا، امروزه، لنگر اقتصاد خود را در داخل انداخته و بخش کوچکی از اقتصاد خود را به خارج از کشور، گره زده است. همچنین آمریکا، تلاش کرده عمده تجارت خود را به صورت منطقه‌ای، با کشورهای هم‌چون کانادا و مکزیک (با حدود یک سوم مبادلات تجاری) سامان دهد تا از عواید تجارت منطقه‌ای و با کشورهای هم‌سو بهره‌مند شده و اقتصاد کشورش، از جمله تولید (از جهت تأمین نیازمندی‌های وارداتی تولید و ثبات مشتریان کالاهای صادراتی)، از تلاطم‌های تجارت جهانی، کمتر آسیب ببیند. (رک: توکلی، ۱۳۹۷، ص ۹۳)

شرکای عمده تجاری آمریکا در صادرات، کشورهای هم‌سو (مخصوصاً کشورهای همسایه) می‌باشند. در سال ۲۰۱۸، بیشترین صادرات آمریکا، به ترتیب به هفت کشور کانادا (۱۷٫۹٪)، مکزیک (۱۶٫۰٪)، چین (۷٫۳٪)، ژاپن (۴٫۵٪)، انگلیس (۴٫۰٪)، آلمان (۳٫۵٪) و کره جنوبی (۳٫۴٪) بوده است. بنابراین، حدود ۵۰ درصد صادرات آمریکا، به مقصد کشورهای هم‌سو (کانادا، مکزیک، ژاپن، انگلیس، آلمان و کره جنوبی) انجام شده است. (Atlas of economic complexity, ۲۰۱۸)

اما واردات آمریکا در سال ۲۰۱۸، عمدتاً از هفت کشور چین (۱۹٫۲٪)، مکزیک (۱۴٫۸٪)، کانادا (۱۳٫۹٪)، ژاپن (۶٫۱٪)، آلمان (۵٫۷٪)، کره جنوبی (۳٫۲٪) و انگلیس (۲٫۷٪) صورت گرفته است. بنابراین، بیش از ۴۵ درصد واردات آمریکا، از کشورهای هم‌سو (بالاخص همسایه) بوده است؛ اما وابستگی شدید به کالاهای چینی (۱۹٫۲٪)، از جمله نقاط ضعف اقتصاد آمریکا محسوب می‌شود، در حالی که وابستگی چین در سال ۲۰۱۸ به کالاهای آمریکایی، تنها ۷٫۳٪ بوده است. (Atlas of economic complexity, ۲۰۱۸)





۳. جمهوری اسلامی ایران و حمایت از اقتصاد ملی

کشور ایران، در طول تاریخ، فراز و نشیب‌های بسیار متنوع و متعددی را در حمایت یا عدم حمایت از تولید ملی، توسط حکومت‌ها، مردم و علما، به خود دیده است (رک: اشرف‌زاده، ۱۳۹۲، صص ۱۸-۱۹؛ ابدالی، ۱۳۹۶، صص ۱۶۳-۳۲۶، مقصودی و سعیدی، ۱۳۹۷ و راجی و خاتمی، ۱۳۹۷)؛ اما بعد از انقلاب اسلامی تا به امروز، با انواع موانع داخلی و خارجی، مانند ۵۶ عنوان مصوبه تحریمی اقتصادی^۱ و نیز هزینه‌های اقتصادی هشت سال جنگ تحمیلی (طبق کمترین برآورد ۴۴۰ میلیارد دلار)، انواع پروژه‌های نفوذ (مقصودی و سعیدی، ۱۳۹۷، صص ۱۰-۱۷)، تحریف و تزریق ناامیدی و ناتوانی رسانه‌های دشمن به مردم و مسئولان، تهاجم فرهنگی، ترور دانشمندان، ضعف‌های مدیریتی و فکری کم‌وبیش دولت‌ها و رفاه‌طلبی و اشرافی‌گری برخی از مسئولان (راجی و خاتمی، ۱۳۹۷، ص ۳۱۲) مواجه بوده است. در این چهل سال، با وجود موانع فراوان، نقش امامین انقلاب، در تعیین خط و مشی‌های دقیق و بصیرانه، عالی بوده است؛ اما در مرحله تبدیل خط و مشی‌ها، به برنامه عملیاتی اقتصادی و تولیدی و نیز اجرای سیاست‌ها و برنامه‌ها، فراز و نشیب‌های زیادی در دولت‌های مختلف صورت پذیرفته است (هرچند سیر کلی حرکت در چهل سال، رو به بهبود بوده است). در ادامه، جزئیاتی از برنامه‌ها در طول انقلاب ارائه می‌گردد.



۳-۱. تلاش جهت انتخاب موضوع مناسب برای تولید

یکی از ابزارهای سنجش کشورها در مقاوم‌سازی اقتصاد، میزان موفقیت آن‌ها در

۱. از سوی شورای امنیت، کنگره، رئیس‌جمهور و وزارت خزانه‌داری آمریکا و نیز اتحادیه اروپا، در حوزه‌های نفت و انرژی، علم و فناوری، پول و بانک، تجارت خارجی، تبادلات ارزی، انواع کالاها و خدمات و همچنین تحریم اشخاص، شرکت‌ها، نهادهای دولتی و انقلابی و تسلیحات.

انتخاب موضوع مناسب (با توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور) برای تولید و به عبارتی دیگر، درون‌زایی اقتصاد در آن‌چه بایسته درون‌زایی است، می‌باشد که به چند مورد آن، در ادامه اشاره می‌کنیم.

۱-۱-۳. اقلام غذایی حیاتی

یکی از نیازهای حیاتی کشورها (مخصوصاً برای کشوری با مختصات ایران و با دشمنان اعتقادی) برای تولید در داخل، خودکفایی در اقلام غذایی حیاتی است. در این راستا، در بند هفت سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، «تأمین امنیت غذا و درمان و ایجاد ذخایر راهبردی، با تأکید بر افزایش کمی و کیفی تولید (مواد اولیه و کالا)» (سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۱/۳۰)، به عنوان یکی از سیاست‌های ابلاغی اعلام می‌گردد و در همین راستا، در مورد کشور به خصوص آمریکا نیز از وارد کردن هرگونه مواد مصرفی از آمریکا، جدا پرهیز داده می‌شود. (نامه رهبری به رئیس جمهور، ۱۳۹۴/۷/۲۹). در حالی‌که بر اساس آمار گمرک ایران، واردات محصولات کشاورزی از آمریکا، در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۱۳۹۰، از نظر ارزش، به میزان ۳۲۵ درصد افزایش داشته و از ۲۹ میلیون دلار، به ۱۲۳ میلیون دلار رسیده بود؛ (ابدالی، ۱۳۹۶، ص ۴۴۷) اما در سال ۱۳۹۷، به ۱٫۲ میلیون دلار کاهش یافت (آمار گمرک ایران، ۱۳۹۷).

از جمله موارد حیاتی در محصولات غذایی، خودکفایی در تولید گندم می‌باشد که این مهم، در سال ۱۳۸۳ به دست آمد (مقصودی و سعیدی، ۱۳۹۷، ص ۴۳-۴۴)؛ اما همچنان برخلاف سیاست‌های کلی، اقلام عمده واردات ایران از دنیا، مربوط به اقلام مصرفی و غذایی است و این امر، شاخص منفی محسوب می‌شود. آمارهای واردات در سال ۱۳۹۷، نشان می‌دهد که واردات «ذرت دامی»، «برنج» و «لویای سویا»، به عنوان اول، دوم و چهارمین کالای عمده وارداتی ثبت شده است و نکته بسیار عجیب، این

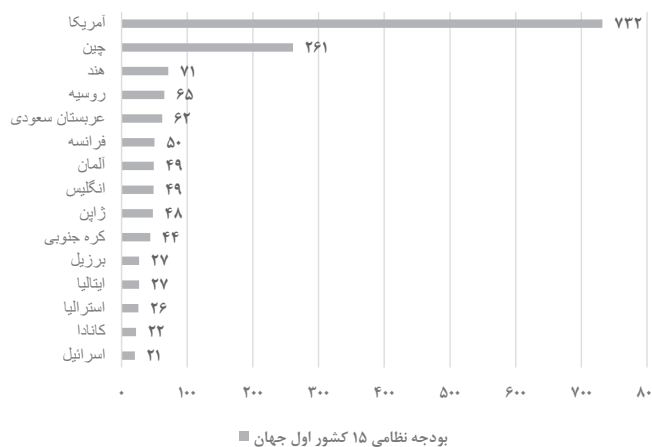




است که فقط این سه قلم، ۱۱٫۵ درصد واردات کشور را به خود اختصاص داده است (گمرک ایران، ۱۳۹۷) و این امر، ضعف بسیار شدیدی محسوب می‌شود.

۲-۱-۳. صنایع دفاعی

تلاش‌های ایران برای خودکفایی در تولید صنایع دفاعی، موشکی، پهپادی و مانند این‌ها، عالی ارزیابی می‌شود (رک: راجی و خاتمی، ۱۳۹۷، ص ۱۴۰-۱۴۹) تا جایی‌که ایران، رتبه ۱۴ قدرت نظامی جهان و شش رتبه بالاتر از اسرائیل را به خود اختصاص داده است. در این فهرست، مواردی همچون موشکی، در نظر گرفته نشده است. (Global firepower, ۲۰۲۱) این در حالی است که ایران از نظر هزینه‌های بودجه نظامی، جزء ۱۵ کشور برتر جهان نمی‌باشد و بودجه نظامی ایران، با ۱۲٫۶ میلیارد دلار، کمتر از دو درصد بودجه نظامی ایالات متحده آمریکا و نیز حدود یک‌پنجم بودجه نظامی عربستان سعودی می‌باشد. (Statista, ۲۰۱۹ و The World Bank, ۲۰۱۹) بنابراین، هر چند اختصاص بودجه لازم و هزینه‌کرد مناسب دولت‌ها برای پیشبرد برنامه‌ها، امری مهم و ضروری است؛ اما مهم‌تر از بودجه، انگیزه و روحیه جهادی است.



نمودار ۱: بودجه نظامی ۱۵ کشور اول جهان



۳-۱-۳. فرآورده‌های نفتی

ایران به عنوان ششمین تولیدکننده نفت خام و سومین تولیدکننده گاز طبیعی در جهان (Iea atlas of energy, ۲۰۱۸)، سیاست‌های «کاهش خام‌فروشی نفت» و تبدیل آن به فرآورده‌های نفتی، «افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز» و نیز «قطع وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی» را ابلاغ نموده است. (سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۱/۳۰). هرچند ایران هنوز به مطلوب مورد نظر رهبری (قطع کامل وابستگی به نفت) دست نیافته است (بیانات رهبری، ۱۳۷۳/۲/۱۳، ۱۳۹۱/۵/۸ و ۱۳۹۲/۱/۱)؛ اما سهم نفت از صادرات، از حدود ۹۲ درصد در سال ۱۳۵۷، به حدود ۶۰ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است. (مقصودی و سعیدی، ۱۳۹۷، ص ۳۱). بررسی شاخص «سهم درآمدهای خالص نفتی^۱ در کل تولید ناخالص داخلی» نیز بیانگر کاهش، از حدود ۳۴ درصد در اول انقلاب، به ۱۱,۴۷ درصد در سال ۱۳۹۵ (the Global Economy, ۲۰۱۶) و شاخص «سهم نفت در بودجه عمومی کشور» نیز نشانگر کاهش، از بیش از ۶۰ درصد در سال ۱۳۵۷، به کمتر از ۳۰ درصد در سال ۱۳۹۷ می‌باشد. (بانک مرکزی، ۱۳۵۷ و ۱۳۹۷). بنابراین، همچنان حدود ۶۰ درصد صادرات کشور و نیز حدود ۳۰ درصد بودجه عمومی کشور، به نفت وابسته است و این امر، یکی از دلایل عدم موفقیت کامل برنامه‌های اقتصادی ایران می‌باشد.

همچنین در راستای کاهش خام‌فروشی و نیز با توجه به برنامه مقابله‌ای آمریکا (در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ و در جریان فتنه ۱۳۸۸)، مبنی بر تحریم کالای راهبردی بنزین، ایران، به دو اقدام مهم و به موقع (سهمیه‌بندی جهت مدیریت مصرف و همزمان افزایش تولید) دست زد که نتیجه آن، تحقق خودکفایی بنزین و رفع زمینه تهدید در این حوزه بود. (مقصودی و سعیدی، ۱۳۹۷، ص ۴۲).

۱. درآمد منهای هزینه تولید نفت.





۳-۱-۴. صنایع پایه

بررسی‌ها در صنایع نیز نشان می‌دهد که علی‌رغم تبلیغات منفی که از عدم پیشرفت کشور در اقتصاد وجود دارد، تولید ایران در برخی از صنایع پایه، ناشی از سیاست‌گذاری‌های نظام، از جمله هدف‌گذاری سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، در صنایع سیمان و فولاد و طرح جامع سیمان و فولاد کشور، رشد چشم‌گیری نموده است. به‌طور مثال، ایران در صنعت فولاد، با تولید ۳۱٫۹ میلیون تن در سال ۲۰۱۹، در رتبهٔ دهم جهان قرار گرفته است. در حالی‌که در سال ۱۹۸۰، در رتبه ۳۴ ام جهان قرار داشت. (Worldsteel Association, ۲۰۱۳ & ۲۰۲۰) در صنعت سیمان، ایران طبق آمار سال ۲۰۱۹، با تولید ۶۰ میلیون تن، بعد از چین، هند، ویتنام، آمریکا و اندونزی و بالاتر از ترکیه، روسیه، برزیل و ژاپن، در رتبهٔ ششم جهان قرار دارد. در حالی‌که در سال ۲۰۰۰، در رتبه ۱۷ ام جهان قرار داشت. (U.S. Geological Survey, Jan ۲۰۰۲ & ۲۰۲۱) بنابراین، به‌طور خلاصه، ایران در این سال‌ها، تلاش نموده است تا در جهت تولیدات حیاتی و ضروری و نیز تولیدات پایه‌ای مورد نیاز صنایع دیگر، گام‌های موثری بردارد و همچنین از وابستگی خود به خام‌فروشی نفت بکاهد و در نتیجه، تولید فرآورده‌های نفتی را ارتقا دهد؛ اما همچنان از جهت وابستگی شدید به واردات برخی مواد غذایی و عدم تحقق هدف «قطع کامل وابستگی به نفت» رنج می‌برد.

۳-۲. تقویت و ارتقای دانش در تولید

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به برکت هدایت‌های رهبران و نیز تلاش‌های جوانان، در موارد فراوانی، جهت‌گیری‌های کشور تغییر نموده و در شاخص‌های متعدد صنعتی و علمی، نسبت به قبل از انقلاب، رشد فراوانی ایجاد شد و کشور ایران، در طی چهل سال، در آن شاخص‌ها، جزء کشورهای مطرح جهانی قرار گرفت. رتبهٔ ایران در

برخی از این شاخص‌ها (که به عنوان مقدمه ضروری برای تولیدات دانش بنیان نقش به سزایی دارند)، در جدول زیر بیان گردیده است. (روزیاتو، ۱۳۹۷؛ WorldAtlas، ۲۰۱۷ و Statnano، ۲۰۲۰)

جدول ۲: رتبه ایران در علوم و صنایع مختلف در بین کشورهای جهان

شاخص	سلول‌های بنیادین	نانو تکنولوژی	چرخه کامل صنعت هسته‌ای	پرتاب ماهواره ^۱	فرستادن موجود زنده به فضا و زنده برگرداندن آن	میزان رشد علمی
رتبه ایران در جهان	دوم	چهارم ^۲	جزء ۱۰ کشور اول	هشتم	جزء ۶ کشور اول	اول

بر اساس شاخص تولید مقالات در اسکوپوس، در بازه زمانی ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۹ (در فاصله زمانی کمتر از ۲۵ سال)، ایران به طرز عجیب و حیرت‌انگیزی، در علوم داروسازی،^۳ از رتبه ۴۹ به رتبه ۸؛ در علوم ریاضی،^۴ از رتبه ۴۸ به رتبه ۱۳؛ در مهندسی عمران و ساختمان،^۵ از رتبه ۴۱ به رتبه ۶؛ در مهندسی اقیانوس،^۶ از رتبه ۵۰ به رتبه ۱۱؛ در مهندسی هوافضا،^۷ از رتبه ۴۶ به رتبه ۱۲؛ در مهندسی صنایع،^۸ از رتبه ۴۹ به رتبه ۱۰ و در زیست

۱. در هرم فناوری فضایی، برخی کشورها، صرفاً دارای ماهواره در فضا هستند و برخی فناوری ساخت ماهواره را دارند و تنها ۱۱ کشور، دارای توانمندی پرتاب ماهواره نیز هستند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۷، ص ۹۲).

۲. ایران در این شاخص، از سال ۲۰۱۷ به بعد، رتبه ۴ جهان را بعد از چین، آمریکا و هند، کسب نمود. (Statnano، ۲۰۲۰)

۳. Pharmacology and toxicology Pharmaceutics.

۴. Mathematics.

۵. Civil and structural Engineering.

۶. Ocean Engineering.

۷. Aerospace Engineering.

۸. Industrial and manufacturing Engineering.





فناوری،^۱ از رتبه ۵۶ به رتبه ۱۳ جهانی، ارتقا یافته است. (Scimago, ۲۰۱۹) جدول ذیل نیز بیانگر رتبه جهانی کمیت علم در ایران، در پایگاه ISI و پایگاه اسکوپوس، در بازه زمانی ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۹ می باشد. (Scimago institutions rankings, ۲۰۱۹؛ پایگاه استنادی جهان اسلام، به روز شده در: ۱۳۹۷/۱۰/۲۲ و ۱۳۹۹/۷/۳۰)

جدول ۳: جایگاه علمی ایران در سطح بین المللی

۲۰۱۹	۲۰۱۸	۲۰۱۷	۲۰۱۶	۲۰۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۳	تولید علم ایران
۱۶	۱۶	۱۶	۱۸	۱۹	۲۱	۲۱	ISI (رتبه در جهان و کشورهای اسلامی)
۱	۱	۱	۲	۲	۲	۲	
۱۵	۱۶	۱۶	۱۶	۱۷	۱۶	۱۸	اسکوپوس (رتبه در جهان و کشورهای اسلامی)
۱	۱	۱	۱	۱	۱	-	

بر اساس جدول بالا، رتبه جهانی کمیت علم ایران، در بازه زمانی شش ساله در ISI، از رتبه ۲۱ به ۱۶ و در پایگاه اسکوپوس، از رتبه ۱۸ به ۱۵، کاهش یافته است. همچنین ایران، طبق آمار هر دو پایگاه، در جایگاه اول کمیت علم، در بین کشورهای جهان اسلام قرار دارد.

در شاخص تعداد ثبت اختراعات، در حالی که ایران در سال ۱۹۹۰، رتبه ۳۳ جهان را داشت، در سال ۲۰۱۷، با ثبت ۱۵۲۶۴ اختراع، رتبه هفتم جهان را بعد از کشورهای چین، آمریکا، ژاپن، کره جنوبی، آلمان و روسیه کسب نمود و کشورهای هند، فرانسه، انگلیس، ایتالیا و ترکیه، در رتبه های بعد از ایران قرار دارند. (Knoema, ۲۰۱۷). درصد هزینه تحقیق و توسعه در تولید ناخالص داخلی نیز یکی از شاخص های ارزیابی پیشرفت دانش در کشورها است. آمارهای این شاخص در پایگاه آماری بانک جهانی، نشان می دهد که ایران در سال ۲۰۱۷، متأسفانه تنها به میزان ۰٫۸ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را





به تحقیق و توسعه اختصاص داده است، در حالی که این عدد در آمریکا، طبق آخرین آمار اعلام شده (آمار سال ۲۰۱۸)، عدد ۲٫۸ درصد می باشد. (The World Bank, ۲۰۱۸B) و همچنین تنها ۰٫۸ درصد صادرات ایران در سال ۲۰۱۸ را محصولات با فناوری بالا تشکیل می دهد. (The World Bank, ۲۰۱۸A). البته نهضت علمی موجود در کشور، طبق آمارهای جهانی، در منتهی شدن به صنعت، توفیق مطلوبی نداشته است و کشور ایران، از نظر شاخص «خروجی های دانش و فناوری»، رتبه ۵۹ جهان را در سال ۲۰۲۰ کسب نموده است. (Gil, ۲۰۲۰, p17). با وجود این، مقالات متعدد مانند (بهبودی، داود و بهزاد امیری، ۱۳۸۹)، رابطه مثبت پیشرفت علمی و رشد اقتصادی را اثبات کرده اند. یکی از پیشرفت های علمی مهم و مورد نیاز تولید در کشور نیز توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات، مخصوصا از نوع فناوری بومی آن است که تأثیرات فرهنگی و اقتصادی زیادی بر جامعه دارد که از جمله تأثیرات اقتصادی آن، تسهیل در خدمات دهی به مشاغل و نیز قرار گرفتن اشتغال و خدمات مجازی کشور، بر بستر فناوری غیروابسته به دشمنان است؛ اما ایران طبق شاخص جهانی دولت الکترونیک سازمان ملل متحد (سال ۲۰۲۰)، در جایگاه ۸۹ (United Nations, ۲۰۲۰), (P268) و طبق شاخص توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات (سال ۲۰۱۷) اتحادیه جهانی مخابرات، در جایگاه ۸۱ (ITUdata, ۲۰۱۷) و طبق شاخص آمادگی شبکه مجمع جهانی اقتصاد (در سال ۲۰۱۶)، در جایگاه ۹۲ (Weforum, ۲۰۱۶) می باشد که همه این موارد، نشانگر ضعف شدید ایران در فناوری ها و خدمات ارتباطاتی و اینترنتی است.

۳-۳. سیاست های پولی، مالی و بانکی در حمایت از تولید ملی

یکی از ابزارهای لازم و ضروری برای مقاوم سازی تولید، اجرای سیاست های بانکی هماهنگ با تولید است؛ سیاست هایی که در ایران، چندان هماهنگ با تولید عمل



نمی‌کند. به‌عنوان نمونه، در ایران، سود بالای بانکی، برای جان تولید شده است.. سودی که ایران را جزء ده کشور بالاترین نرخ سود بانکی در جهان قرار داده است. (Central Bank News, ۲۰۲۰, Trading Economics & ۲۰۲۱).

در بند ۹ سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری بر اصلاح نظام مالی کشور، در راستای تقویت بخش واقعی اقتصاد (بخش تولید)، بدین صورت تأکید شده است: «اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور، با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی». یکی از ظرفیت‌های بسیار عالی در تأمین مشوق‌های تولید، تأمین نقدینگی لازم برای تولید می‌باشد. نقدینگی کشور در سال ۱۳۹۸، حدود ۲۵۰۰ هزار میلیارد تومان (بانک مرکزی، ۱۳۹۸) بوده است که اگر بخش قابل توجهی از آن به سمت تولید هدایت شود، می‌تواند جهش‌آفرین باشد. این در حالی است که در «پایش محیط کسب و کار»، در بین ۲۸ مؤلفه کسب و کار، سومین مؤلفه نامناسب، «دشواری تأمین مالی از بانک‌ها» ارزیابی شده است. (اتاق ایران، ۱۳۹۹، ص ۴). بنابراین، در این زمینه کشور ایران، به‌خلاف آمریکا، توفیق مطلوبی به دست نیاورده است.

اما در راستای سیاست‌های مالی دولت و هدایت هزینه‌های دولتی در جهت حمایت از تولید، هیئت وزیران، چهار تصویب‌نامه، صادر و ابلاغ نموده است که بر اساس آن‌ها، خرید جمعا ۴۸۶ قلم کالای خارجی دارای مشابه داخلی، برای دستگاه‌های دولتی و برخوردار از بودجه عمومی، ممنوع شده است. (تصویب‌نامه هیئت وزیران، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷). بررسی سیاست‌های مالی ایران از جهت مالیات نیز تحقیق جداگانه‌ای می‌طلبد.





۳-۴. حمایت‌های بازاری از تولید ملی و سیاست‌های تجاری

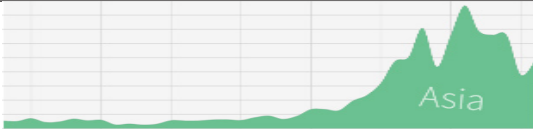
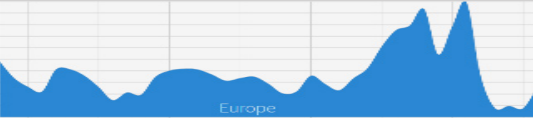
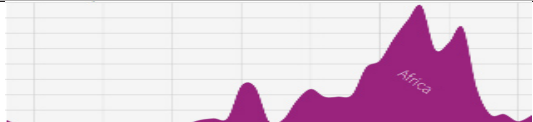
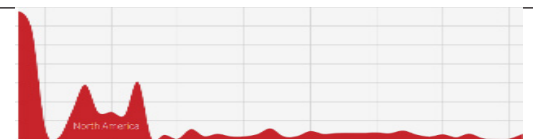
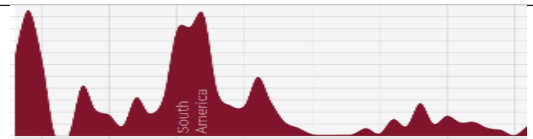
یکی از ابزارهای مهم، اجرای سیاست‌های تجاری درست، جهت حمایت از تولیدات ملی در بازارهای بین‌المللی است. تأکیدات رهبران بر استقلال اقتصادی و عدم وابستگی کشور به قدرت‌های غربی، همواره مسئولان را در جهت نیل به سیاست‌های تجاری مستقل، ترغیب نموده است. همچنین در سیاست‌های کلی ابلاغی اقتصاد مقاومتی نیز با عناوین مختلفی، مانند «ایجاد تنوع در مبادی تأمین کالاهای وارداتی با هدف کاهش وابستگی به کشورهای محدود و خاص»، «تنوع‌بخشی پیوندهای اقتصادی با کشورها به‌ویژه با کشورهای منطقه»، «حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاهای و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارزش‌آوری مثبت»، «توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان به‌ویژه همسایگان»، «استفاده از دیپلماسی در جهت حمایت از هدف‌های اقتصادی» و ... (سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی، ۱۳۹۲/۱۱/۳۰)، به آن پرداخته شده است.

در برخی از این سیاست‌ها، سیر حرکت ایران، رو به پیشرفت بوده است. به‌عنوان نمونه، در جهت تنوع‌بخشی به پیوندهای اقتصادی و کاهش وابستگی به کشورهای محدود و گسترش ویژه پیوندها با کشورهای منطقه، ایران به‌گونه‌ای حرکت نموده که از وابستگی تجاری ۵۲ درصدی به سه کشور خاص (آمریکا، ژاپن و آلمان) در اول انقلاب، به واردات ۵۲ درصدی در سال ۱۳۹۷ از چهار کشور (چین، امارات، هند و ترکیه) و صادرات ۵۴ درصدی در همین سال، به سه کشور (چین، عراق و امارات)، تغییر ایجاد نموده است و در نتیجه، وابستگی تجاری خود به اقتصادهای غربی را کاهش داده است. نکته جالب توجه، این است که بسیاری از کشورهای دیگر نیز به دلیل نزدیکی‌های فرهنگی، جغرافیایی و اجتماعی، حجم زیادی از تجارت خارجی خود را با کشورهای هم‌قاره‌ای خود انجام می‌دهند. (Atlas of economic complexity, ۱۹۷۹ و مقصودی و سعیدی، ۱۳۹۷،



صص ۲۸-۲۹؛ گمرک ایران، ۱۳۹۷) هرچند جدول ذیل^۱ نشانگر تغییر مسیر تجاری ایران از کشورهای غربی به شرق می‌باشد (Atlas of economic complexity, ۱۹۷۸-۲۰۱۶)؛ اما همچنان تنوع در مبادی وارداتی و صادراتی که یکی از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است، محقق نشده است و تا رسیدن به این هدف، فاصله زیادی وجود دارد.

جدول ۴: مقاصد صادراتی ایران در طی سال‌های ۱۹۷۸ تا ۲۰۱۶

قاره	۱۹۷۸	۲۰۱۶	نمودار روند تغییرات از ۱۹۷۸ تا ۲۰۱۶
آسیا	B ۵,۴۴	B ۴۷,۷	
اروپا	B ۹,۶۵	B ۵,۲۳	
آفریقا	M ۱۸۲	M ۳۴۵	
آمریکای شمالی	B ۳,۳۸	M ۱۵۵	
آمریکای جنوبی	M ۶۴۷	M ۹۳,۴	

طبق جدول بالا، صادرات ایران به آمریکای شمالی (از حدود ۳,۵ میلیارد دلار، به ۱۵۵ میلیون دلار) و آمریکای جنوبی، سیر نزولی و در سایر قاره‌ها، سیر صعودی دارد. همچنین رابطه صادراتی ایران در سال ۲۰۱۶، به ترتیب، بیشتر با قاره‌های آسیا، اروپا و آفریقا بوده است.

۱. در جدول، سهم قاره اقیانوسیه، به دلیل حجم بسیار کم تبادلات، حذف گردیده است.





از طرفی دیگر، چنان‌که گذشت، یکی از سیاست‌های تجاری لازم به توجه، «توسعه پیوندهای راهبردی و گسترش همکاری و مشارکت با کشورهای منطقه و جهان به‌ویژه همسایگان» می‌باشد. آمارها، بیانگر ظرفیت‌های فراوان بدون استفاده کشورهای منطقه به‌ویژه کشورهای هم‌سو و مشترک در منافع است، به‌نحوی که بازارهای این کشورها، به‌نحو مطلوبی در اختیار تولیدکنندگان ایرانی قرار نگرفته است. به‌عنوان نمونه، بر اساس آمار مرکز بین‌المللی تجارت (ITC)، وابسته به سازمان تجارت جهانی، میزان واردات روسیه از ایران، در طی هفت سال بررسی، حداکثر حدود دو دهم درصد بوده است (ITC، ۲۰۱۸) و طبق آمارهای سال ۱۳۹۷ نیز فقط حدود شش دهم درصد از صادرات ایران، به مقصد روسیه انجام شده است (گمرک ایران، ۱۳۹۷).

جدول ۵: وضعیت واردات کشور روسیه و میزان تأمین آن از ایران

کشور روسیه	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸
مجموع واردات این کشور (میلیارد دلار)	۳۱۶	۳۱۵	۲۸۷	۱۷۷	۱۸۲	۲۲۷	۲۳۸
میزان واردات از ایران (میلیون دلار)	۴۲۸	۴۳۳	۳۵۵	۲۴۰	۳۰۳	۳۹۲	۵۳۳
درصد واردات از ایران	۰٫۱۴	۰٫۱۴	۰٫۱۲	۰٫۱۴	۰٫۱۷	۰٫۱۷	۰٫۲۲

این امر، نشانگر ضعف شدید دیپلماسی اقتصادی کشور می‌باشد که باید در آینده جبران شود. همه این‌ها، در حالی است که اشتراکات راهبردی بین ایران و روسیه در مسائل منطقه‌ای و نیز تحریم روسیه از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا، فرصتی طلایی برای اقتصاد ایران ایجاد نموده است. (ابدالی، ۱۳۹۶، ص ۱۵۴). در مورد کشور عراق نیز هرچند وضعیت بهتری وجود دارد و صادرات ایران به این کشور، از ۶ میلیارد دلار (سال ۲۰۱۲)، به ۹ میلیارد دلار (سال ۲۰۱۸)، افزایش یافته است؛ اما صادرات کشور امارات (که



متحد سیاسی و منطقه‌ای عراق محسوب نمی‌شود) نیز در این بازه زمانی، از ۹ به ۱۱ میلیارد دلار، افزایش یافته است. (ITC, ۲۰۱۸)

۵-۳. تقویت نقش ایمان، توکل و توسل

تأثیر ایمان، توکل و توسل در جلب حمایت‌های الهی در هر زمینه‌ای، امری روشن و غیرقابل انکار است. خدای متعال، وعده داده است که به کار با اخلاص برکت دهد. تشویق به ایمان، توکل و توسل و تبیین برکات آن در همه فعالیت‌ها، از جمله فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی، از ابتدای انقلاب، همواره توسط رهبران و مجموعه‌های دینی، صورت پذیرفته است. امام خامنه‌ای، در سخنانی شگفت، در دیدار با فرماندهان و مسئولان سپاه، در ۲۹ شهریور ۱۳۷۴ می‌فرماید: «مادامی که شما ایمان، تقوا و عمل صالح را برای خودتان حفظ می‌کنید، تمام قدرت خدا، تمام نوامیس طبیعت و تمام امکانات یک گروه برگزیده، در اختیار شماست». همچنین ایشان می‌فرماید: «ورای این محاسبات معمولی، دستگاه معقول قانونمندی وجود دارد که غیب است و باید به آن معتقد بود. ... عواملی وجود دارند که خارج از محاسبه انسانند. اگر انسان به خدا توکل کرد، آن محاسبات، در خدمت او قرار خواهد گرفت ... «و من یتق الله يجعل له مخرجا و یرزقه من حیث لایحتسب و من یتوکل علی الله فهو حسبه»». (بینات رهبری، ۱۳۶۹/۶/۲۹)

در اختیار گرفتن تمام نوامیس طبیعت (و محاسبات الهی) که برای یک گروه برگزیده تعبیه شده است، یعنی بهره‌مندی از امکانات رحیمی عالم. به بیان دیگر، به دشمنان خدا، فقط امکان بهره‌وری از بعد رحمانی مخلوقات داده شده است؛ ولی علم اسلامی، امکان بهره‌وری رحیمی و ویژه را برای فرد مؤمن فراهم می‌کند. (امامی، ۱۳۹۷، ص ۲۶۴)

تجربه چهل سال اخیر نیز نشان می‌دهد که در هر زمینه‌ای که فرهنگ توسل و توکل



وجود داشته است، پیشرفت‌های اقتصادی بسیار ارزشمندی حاصل شده است که نمونه عینی آن، صنایع دفاعی می‌باشد. یکی از نمونه‌های بارز آن، تلاش‌های جوانانی چون شهید تهرانی مقدم است که بعد از تلاش‌های جهادی و مؤمنانه او و همکارانش در صنعت موشکی و عدم دستیابی به نتیجه نهایی، با توسل به امام رضا (علیه‌السلام)، مرحله نهایی را به دست آورد. (جهان نیوز، ۱۳۹۰) تلاش‌های دانشمندان هسته‌ای، موشکی، سلول‌های بنیادین و ... نیز در همین راستا ارزیابی می‌شود. تلاش‌هایی که در موارد زیادی، به حسب مادی، امکان رسیدن به آن، پیشرفت در آن فاصله زمانی، مقدور نبوده است؛ اما به لطف تلاش جهادی و توکل بر خداوند و توسل به اهل بیت (علیهم‌السلام)، حاصل شده است.

نتیجه‌گیری

در طول تاریخ، کشورهای مختلفی با سیاست‌های گوناگون، در مسیر مقاومت‌سازی اقتصاد خود قدم نهاده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در کشور آمریکا، حداقل در دو سده اخیر، برنامه‌های حمایت از تولید داخلی، مطرح بوده است که در ابتدا، به شکل حقوق گمرکی بوده و در ادامه، اشکال متنوع دیگری به خود گرفته است و البته توسل به زور، سرقت علمی و سایر روش‌های نامشروع نیز از جمله روش‌های ایالات متحده آمریکا بوده است. توسعه تولیدات در موضوعات متنوع و مختلف، توجه به اقتصاد دانش‌بنیان، اجرای سیاست‌های پولی، مالی و بانکی هماهنگ با تولید و حمایت‌های بازاری ویژه، از جمله سیاست‌های آمریکا، جهت مقاومت‌سازی تولیدات داخلی خود بوده است؛ اما توجه گسترده به نقش ایمان، توکل و توسل در سیاست‌های اقتصادی آمریکا وجود ندارد.

کشور ایران، در طول تاریخ، فراز و نشیب‌های بسیار متعددی را در حمایت از تولید ملی،





به خود دیده است؛ اما بعد از انقلاب اسلامی، با وجود موانع فراوان داخلی و خارجی، رشدی بسیار سریع در این زمینه، در مسیر کلی خود داشته است (هرچند گاه، رشد کم یا عقب‌گرد نسبی را نیز تجربه نموده است). در کشور ایران نیز تلاش جهت انتخاب موضوع متناسب با شرایط بومی برای تولید، تقویت و ارتقای دانش، به‌عنوان مقدمه مهم و ضروری دانش‌بنیانی در تولید و ارتقای نقش ایمان، توکل و توسل (به‌عنوان یکی از نقاط بسیار قوی و مؤثر در اقتصاد ایران)، به‌عنوان سیاست‌های موفق در این زمینه، معرفی و بررسی شد؛ اما عدم تکمیل ارتباط بین دانش و صنعت، ضعف در هماهنگی سیاست‌های پولی و بانکی، با تولید و عدم تحقق کامل اهداف سیاست‌های تجاری، از جمله نقاط ضعف ایران می‌باشد.



• قرآن کریم

۱- ابدالی محمدی، اکبر (۱۳۹۶)، اقتصاد مقاومتی، تفسیر جهاد کبیر، قم: جهاد دانشگاهی.

۲- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.

۳- اشرف زاده، حمیدرضا (۱۳۹۲)، قدرت های برتر اقتصاد جهانی تا سال ۲۰۲۰، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی.

۴- امامی، ابوالفضل (۱۳۹۷)، زیر پردازی فقه استراتژیک، طبس: فراونگ.

۵- بهبودی، داود و بهزاد امیری (۱۳۸۹)، رابطه بلندمدت اقتصاد دانش بنیان و رشد اقتصادی در ایران، تهران: مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، فصلنامه سیاست علم و فناوری.

۶- تصویب نامه در خصوص تعیین فهرست تکمیلی ممنوعیت خرید کالاهای خارجی دارای تولید مشابه داخلی، مصوب هیئت وزیران در تاریخ ۱۳۹۴/۵/۱۱.

۷- تصویب نامه در خصوص فهرست تکمیلی ممنوعیت خرید کالاهای خارجی دارای تولید مشابه داخلی، مصوب هیئت وزیران در تاریخ ۱۳۹۶/۴/۱۱.

۸- تصویب نامه در خصوص فهرست تکمیلی ممنوعیت خرید کالاهای خارجی دارای تولید مشابه داخلی، مصوب هیئت وزیران در تاریخ ۱۳۹۷/۲/۱۹.

۹- تصویب نامه در خصوص ممنوعیت خرید کالاهای خارجی دارای تولید مشابه داخلی، مصوب هیئت وزیران در تاریخ ۱۳۹۳/۲/۳.

۱۰- توکلی، محمدجواد (۱۳۹۷)، حمایت از کالای ایرانی (چرایی، چیستی و چگونگی)، قم: مرکز مدیریت حوزه های علمیه.





۱۱- جمعی از نویسندگان (۱۳۹۷)، انقلاب ۴۰ ساله نگاهی به دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران، قم: بوستان کتاب.

۱۲- چنگ، ها- جون (۱۳۹۵)، نیکوکاران نابکار، افسانه تجارت خارجی آزاد و تاریخچه پنهان سرمایه‌داری، مترجمان: مهرداد (خلیل) شهابی و میرمحمد نبوی، تهران: نشر اختران.

۱۳- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۴/۷/۲۹)، نامه رهبر انقلاب به رئیس جمهور در مورد برجام.

۱۴- (۱۳۹۲/۱۱/۳۰)، سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی.

۱۵- دنیای اقتصاد (۱۳۹۷/۱/۱۶)، دوئل تعرفه‌ای آمریکا و چین، روزنامه دنیای اقتصاد، ش ۴۲۹۷.

۱۶- دهخدا، علی‌اکبر، لغتنامه دهخدا، ۱۵ ج، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.

۱۷- راجی، سید محمدحسین و سید محمدرضا خاتمی (۱۳۹۷)، صعود چهل‌ساله، مروری بر دستاوردهای چهل‌ساله انقلاب اسلامی بر اساس آمارهای بین‌المللی، مشهد: معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی.

۱۸- سجادی‌پور، سید محمدکاظم و بهنام دنیاچو (پاییز ۱۳۸۹)، سیاست خارجی بوش (۲۰۰۱-۲۰۰۸) و گسترش رادیکالیسم در آمریکای لاتین، آفاق امنیت، سال ۳، ش ۸، صص ۱۴۳-۱۶۳.

۱۹- علوی فاطمه و رضا باقری اصل (دی ماه ۱۳۸۶)، بررسی لایحه نانو فناوری ایالات متحده آمریکا، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

۲۰- مرکز پژوهش‌های اتاق ایران (اردیبهشت ۱۳۹۹)، پایش ملی محیط کسب و کار ایران زمستان ۱۳۹۸، تهران: بی‌نا.

۲۱- معلی، حمزه، مجتبی غفاری و علی سعیدی (۱۳۹۹)، جهش تولید و رسانه ملی

(ویژه موضوع سال ۱۳۹۹)، قم: نشر دین و رسانه.

۲۲- معین، محمد، فرهنگ فارسی، ۶ ج، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۸.

۲۳- مقصودی، حمیدرضا و علی سعیدی (۱۳۹۷)، پیش رفته‌ایم، مروری بر پیشرفت‌های اقتصادی چهل ساله نظام با وجود موانع و کاستی‌ها، مشهد: معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی.

۲۴- مقیسه، محسن (۱۳۹۷/۱/۲۸)، الگوی راهبردی حمایت از تولید، شواهدی از نحوه حمایت دولت آمریکا از تولیدات داخلی، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۱۵۸۲۲.

۲۵- موسوی، سیده مریم و مهدخت متین (۱۳۹۱)، چشم‌انداز نفت ایالات متحده آمریکا، منابع و مصارف، پیشرفت‌های فنی و سرمایه‌گذاری، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۱۲۸۸۰.

۲۶- مؤمنی، حانیه سادات (۱۳۹۷)، اقتصاد مقاومتی در کشورهای پیشرفته با تأکید بر تولید ملی، تهران: بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع).

۲۷- نقی‌زاده، محمد (۱۳۸۵)، مبانی فکری مدیریت اقتصاد ملی شیوه ژاپنی، چینی و ایرانی، تهران: شرکت سهامی انتشار.

پایگاه‌های اینترنتی

۲۸- ابدالی محمدی، اکبر (۱۳۹۵/۱۰/۱۸)، ۲۰۰ سال حمایت از صنایع داخلی در آمریکا، اقتصاد مقاومتی، کلید پیشرفت آمریکا، <https://b2n.ir>، ۱۰۵۹۸.

۲۹- اقتصاد آنلاین (۱۳۹۷/۳/۱۰)، آمریکا بر واردات فلزات از کانادا و اتحادیه اروپا تعرفه اعمال کرد، <https://www.eghtesadonline.com/n>، ۱Nra.

۳۰- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، <https://cbi.ir>، آمارها و داده‌ها، بانک اطلاعات





سری‌های زمانی اقتصادی.

۳۱- پایگاه استنادی علوم جهان اسلام، <https://isc.ac/fa>، بخش جایگاه علمی ایران و دانشگاه‌های کشور در سطح بین‌المللی.

۳۲- جامعه اسلامی حامیان کشاورزی ایران (۱۳۹۷/۱/۱۹)، داستان جالب شروع کاشت پسته در آمریکا، مدلی از درونزایی در عین برونگرایی، <http://hamiyanekeshavarzi.ir/?p=3628>.

۳۳- جهان‌نیوز (۱۳۹۰/۸/۲۹)، ساخت موشک فوق حساس با سه روز توسل در حرم امام رضا (ع)، <https://b2n.ir/jahannews.com>.

۳۴- خبرگزاری دانشگاه آزاد اسلامی (آنا) (۱۳۹۷/۱/۲۰)، حمایت از کالای داخلی فصل مشترک اقتصادهای توسعه‌افته جهان، <https://ana.press/i>، ۲۷۱۱۵۷.

۳۵- روزیاتو (۱۳۹۷/۹/۲۹)، جزئیات پیشرفت علمی کشور: نرخ رشد علمی ایران ۱۱ برابر میانگین جهانی، <http://rzto.ir>، ۱۵p۲.

۳۶- گمرک جمهوری اسلامی ایران، irica.ir، بخش آمار، آمارهای سالیانه.

۳۷- معاون وزیر جهاد کشاورزی در امور باغبانی (۱۳۹۷/۳/۱۳)، سرمای بهار ۹ هزار میلیارد تومان به محصولات باغی خسارت زد، زیان ۲ هزار میلیارد تومانی به باغ‌های پسته کرمان، <http://iranfoodnews.com/?p=2616>.

منابع انگلیسی

۳۸- Atlas of economic complexity ۱۹۷۸-۲۰۱۶ & ۲۰۱۸, Where did Iran & U.S export & import? <https://atlas.cid.harvard.edu/explore/stack?country=Iran&year=2017&productClass=SITC&product=undefined&target=Part&startYear=2016&partner=undefined>.



Interest Rates, <http://www.centralbanknews.> , (۲۰۲۰) , Central Bank News - ۳۹
[.info/p/interest-rates.html](http://www.centralbanknews.info/p/interest-rates.html)

Military Strength Ranking, <https://www.> ۲۰۲۱ , (۲۰۲۱) Global firepower - ۴۰
[.globalfirepower.com/countries-listing.php](https://www.globalfirepower.com/countries-listing.php)

rankings overall and ۲۰۲۰ Heatmap: GII , (۲۰۲۰) (Global Innovation Index (GII - ۴۱
pdf. ۲۰۲۰ _by pillar, Wipo, https://www.wipo.int/edocs/pubdocs/en/wipo_pub_gii

Crude Oil Production & Natural Gas Production, , (۲۰۱۸) , Iea atlas of energy - ۴۲
<http://energyatlas.iea.> & ۰/۱۹۲۰۵۳۷۹۷۴ - /<http://energyatlas.iea.org/#!/tellmap>
۰/۱۱۶۵۸۰۸۳۹۰ - /org/#!/tellmap

ICT , (۲۰۱۷) , International Telecommunication Union (ITU) data - ۴۳
[.index.html/۲۰۱۷/itu-d/idi/https://www.itu.int/net4,2017](https://www.itu.int/net4,2017) Development Index

./Trade Map, trade indicators, <https://www.trademap.org> , (۲۰۱۸) , ITC - ۴۴
Number of patent applications among residents, <https://> , (۲۰۱۷) , Knoema - ۴۵

[.knoema.com/atlas/ranks/Number-of-patent-applications](https://www.knoema.com/atlas/ranks/Number-of-patent-applications)
Scimago Journal & Country Rank, , (۲۰۱۹) , Scimago institutions rankings - ۴۶

۲۰۱۹=from: <https://www.scimagojr.com/countryrank.php?year>
countries with the highest military spending ۱۵ The , (۲۰۱۹) , Statista - ۴۷

countries-with-۲۶۲۷۴۲/<https://www.statista.com/statistics> , ۲۰۱۹ worldwide in
./the-highest-military-spending

ISI INDEXED NANO-ARTICLES (ARTICLE), from: , (۲۰۲۰) , Statnano - ۴۸
۱۰۵-<https://statnano.com/report/s۲۹>

Industrial Policy in the United States. Civitas: , (۲۰۱۶) .Stensrud, Christian - ۴۹



https://www.civitas.org.uk/reports_articles/industrial-policy-in-the-united-states

۵۰- Could Iran turn California's pistachio , (۲۰۱۶) , The Christian Science Monitor
Could-Iran-/۰۲۲۰/۲۰۱۶/profits to peanuts? <https://www.csmonitor.com/Business>
.turn-California-s-pistachio-profits-to-peanuts

۵۱- Oil revenue - Country , (۲۰۱۸ & ۲۰۱۶ & ۱۹۹۷) , The Global Economy
rankings, https://www.theglobaleconomy.com/rankings/Oil_revenue/ & Share
of services - Country rankings, [https://www.theglobaleconomy.com/rankings/](https://www.theglobaleconomy.com/rankings/Share_of_services)
./Share_of_services

۵۲- ۲۰۱۸A), High-technology exports (% of manufactured) , The World Bank
series=TX.&۲=exports), <https://databank.worldbank.org/reports.aspx?source>
=VAL.TECH.MF.ZS&country

۵۳- ۲۰۱۸B), Research and development expenditure (% of) , The World Bank
series=GB.&۲=GDP), <https://databank.worldbank.org/reports.aspx?source>
=XPD.RSDV.GD.ZS&country

۵۴- military expenditure (current US\$), <https://> , (۲۰۱۹) , The World Bank
series=MS.MIL.XPND.&۲=databank.worldbank.org/reports.aspx?source
=CD&country

۵۵- By Indicator, Economy & Growth, GDP growth , (۲۰۲۰) , The World Bank
(annual %), <https://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.MKTP.KD.ZG>,
.۲۰۲۰ July ۱:GDP PPP, updating & ۲۰۲۰/۱۶/۱۲:GDP (current US\$), updating

۵۶- Interest Rate, <https://tradingeconomics.com/> , (۲۰۲۱) , Trading Economics





.country-list/interest-rate

New York, ۲۰۲۰ E-Government Survey, (۲۰۲۰), United Nations - ۵۷

https:// & Department of Economic and Social Affairs, https://b2n.ir/public\

.۱۸۴/publicadministration.un.org/egovkb/en-us/Data/Country-Information/id

National Minerals, (۲۰۲۱ & ۲۰۰۲ U.S. Geological Survey (USGS), (January - ۵۸

۲۰۰۲, Information Center, Annual Publications Mineral Commodity Summaries

.https://www.usgs.gov/centers/nmic/cement-statistics-and-information, ۲۰۲۱ &

White House website, (A), https://www.whitehouse.gov/the-press- - ۵۹

remarks-president-chamber-commerce/۰۷/۰۲/۲۰۱۱/office

White House website, (B), https://www.whitehouse.gov/briefings- - ۶۰

/statements/the-inaugural-address

Countries where stem cell research is most, (۲۰۱۷ WorldAtlas, (August - ۶۱

popular, from: https://www.worldatlas.com/articles/countries-where-stem-

.cell-research-is-most-popular.html

https://, ۲۰۱۳-۱۹۸۰, crude steel production, (۲۰۱۳), Worldsteel Association - ۶۲

.b2n.ir/www.worldsteel.org

.The Largest Steel Producing Countries, (۲۰۲۰ Worldsteel Association, (Jan - ۶۳

Networked Readiness Index, (۲۰۱۶), (World economic forum (Weforum - ۶۴

/۲۰۱۶-https://reports.weforum.org/global-information-technology-report

./networked-readiness-index

https://www.wto.org/english/, ۲۰۱۹ WTO, World Trade Statistical Review - ۶۵

.res_e/statis_e/wts_e.htm



بررسی قاعده توثیق مشایخ بنی فضال

صفحات ۶۷ تا ۸۵

محمد مهدی محیسنی

برگزیده سطح دو پانزدهمین جشنواره

چکیده

برخی از علمای رجالی، قائل به قاعده توثیق مشایخ بنی فضال می باشند. در صورت قبول این قاعده، بسیاری از راویان توثیق می شوند. مستند این قاعده، روایتی از امام حسن عسکری (علیه السلام) است. در مورد سند این روایت، اختلاف واقع شده است. برخی مثل شیخ انصاری، سند روایت را قبول کردند و برخی مثل آیت الله خوئی، قائل به ضعف سند این روایت شدند. در این مقاله، پس از توضیح برخی پیش نیازها، سند روایت را مورد بررسی قرار داده و قبول می کنیم و سپس از روایت، درمی یابیم که بر این قاعده دلالتی ندارد و در مقام بیان مطلب دیگری است. می توان از روایت، مطلب مهم دیگری را استظهار کرد. استظهار ما از این روایت، آن است که روایات راویان موثق غیرامامی، مقبول می باشد. با این نتیجه گیری، بسیاری از روایات نقل شده از راویان غیرامامی ثقه، مورد قبول و قابل استناد واقع می گردد.

کلیدواژه: بنی فضال، توثیق عام، توثیق خاص، شلمغانی، امرعقوب الحظر، فطحیه،

حسین بن روح



یکی از طرق اثبات توثیق راویان در علم رجال، در کنار توثیق خاص، توثیق عام می باشد. توثیق عام، مورد توجه بسیاری از علمای متأخر واقع شده است. یکی از توثیقات عام که مورد اختلاف علما واقع شده، قاعده توثیق مشایخ بنی فضال می باشد. طبق این قاعده، مشایخ و اساتید بنی فضال، حتی در صورت مجهول بودن، مورد وثوق و اطمینان قرار می گیرند.

به عبارت دیگر، طبق این قاعده، هرگاه بنی فضال، از کسی روایت کنند که آن شخص، در کتب رجالی مجهول باشد، وی ذیل توثیق عام قرار می گیرد. مستند این قاعده، روایت امام حسن عسکری (علیه السلام) راجع به بنی فضال می باشد. با توجه به نکات مذکور، چندین سؤال مطرح می شود:

- قائلین به این قاعده، چه کسانی می باشند و شیوه استدلالشان چیست؟
- آیا روایت منقول از امام حسن عسکری (علیه السلام)، از لحاظ سندی صحیح است؟
- آیا روایت منقول از امام حسن عسکری (علیه السلام)، دلالت بر قاعده توثیق مشایخ بنی فضال می کند؟
- در صورت عدم دلالت روایت امام حسن عسکری (علیه السلام) بر قاعده فوق، بر چه مضمونی دلالت می کند؟

در این مقاله، در صدد بررسی سندی و محتوایی روایت امام حسن عسکری (علیه السلام) و پاسخ به پرسش های فوق می باشیم.

یکی از فقهای برجسته معاصر که از روایت امام حسن عسکری (علیه السلام) برای اثبات قاعده توثیق مشایخ بنی فضال، استفاده کرده است، شیخ مرتضی انصاری بوده است. شیخ انصاری در کتاب الصلوه، این روایت را ذکر کردند: «ما رواه الشيخ عن داود بن فرقد، عن بعض أصحابنا عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: إذا زالت الشمس فقد





دخل وقت الظهر حتّى يمضي مقدار ما يصلّي المصلّي أربع ركعات، فإذا مضى ذلك فقد دخل وقت الظهر والعصر حتّى يبقى من الشمس مقدار ما يصلّي أربع ركعات، فإذا بقي مقدار ذلك فقد خرج وقت الظهر وبقي وقت العصر حتّى تغيب الشمس (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۵) «انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، صص ۳۵-۳۶».

روایت فوق، روایتی مرسل است؛ زیرا در سند روایت، عبارت «عن بعض أصحابنا» وجود دارد. با این حال، شیخ انصاری در همان کتاب الصلوه و بعد از ذکر این روایت فرمودند: «وهذه الرواية وإن كانت مرسله إلا أنّ سندها إلى الحسن بن فضال صحيح، و بنو فضال ممتّن أمر بالأخذ بكتبهم ورواياتهم» (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، صص ۳۵-۳۶).

شیخ انصاری با استفاده از روایت امام حسن عسکری (علیه السلام)، روایت فوق را به دلیل وجود حسن بن فضال و صحت سند تا او، پذیرفته و طبق آن فتوا داده است.

دلیل دیگری نیز بر استفاده جناب شیخ انصاری از روایت امام حسن عسکری (علیه السلام)، برای اثبات قاعده توثیق مشایخ بنی فضال وجود دارد. جناب شیخ، در مکاسب، این روایت را ذکر کردند: «... و يؤيد التحريم: ما عن المجالس بسنده عن أبي مریم الأنصاري عن أبي جعفر عليه السلام: قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: أئتما رجل اشترى طعاماً فحبسه أربعين صباحاً يريد به الغلاء للمسلمين، ثم باعه و تصدّق بثمانه لم يكن كفّارة لما صنع (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۶۷۶؛ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۴۲۵)». (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۳۶۶).

این روایت، روایتی ضعیف است؛ زیرا در سند آن، راوی به نام ابی مریم وجود دارد که در کتب رجالی، مجهول می باشد؛ اما شیخ انصاری بعد از ذکر روایت فرمودند: «و في السند بعض بني فضال، و الظاهر أنّ الرواية مأخوذة من كتبهم التي قال العسكري عليه السلام عند سؤاله عنها: «خذوا بما رووا و ذروا ما رأوا»، ففيه دليل على اعتبار ما في كتبهم، فيستغنى بذلك» (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۳۶۶).



این متن شیخ، کاملاً گویای این مطلب است که ایشان، روایت امام حسن عسکری (علیه السلام) را دلیلی برای اثبات قاعده توثیق مشایخ بنی فضل می دانند. آیت الله خوئی در معجم رجال الحدیث، به شیخ انصاری اشکال کردند و سند حدیث امام حسن عسکری را ضعیف شمردند. به علاوه این که ایشان، روایت امام حسن عسکری (علیه السلام) را قاصر از دلالت بر قاعده توثیق مشایخ بنی فضل دانسته اند (خوئی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، صص ۶۷-۶۸).

آیت الله ایروانی نیز در کتاب دروس تمهیدیه فی القواعد الرجالیه، به این اختلاف در حجیت قاعده توثیق مشایخ بنی فضل اشاره کردند (ایروانی، ۱۴۲۸ق، ج ۱، صص ۳۶-۳۷).

بیان مصطلحات و معرفی برخی راویان

۱. توثیق خاص و توثیق عام

هرگاه راوی با اسم و عنوان خاص خودش توثیق شود، به آن توثیق خاص گفته می شود. به عبارت دیگر، مقصود از توثیق خاص، آن است که در خصوص یک راوی معین، از سوی ائمه (علیهم السلام) و یا علمای رجال، الفاظ دال بر وثاقت وی رسیده باشد. به عنوان مثال، نجاشی در مورد راوی ای، در کتاب رجالشان این گونه می فرماید: «زکار بن الحسن الدینوری شیخ من أصحابنا، ثقة، له کتاب الفضائل...» (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۷۶).

این نوع توثیق، توثیق خاص می باشد؛ چراکه یک راوی، با اسم و عنوان مشخص، توسط نجاشی توثیق گردیده است.

در برابر توثیق خاص، توثیق عام قرار دارد. در توثیق عام، توثیق در مورد جمع و یا گروهی خاص رسیده است که راوی مورد نظر، میان آنان قرار دارد. پس ملاک تشخیص توثیق عام از توثیق خاص، این است که به موضوع توثیق توجه کنیم. اگر موضوع توثیق، در



تعبیرهای رجالی، عنوانی خاص و مشخص بود، توثیق خاص می‌باشد؛ اما اگر آن موضوع کلی بود، توثیق عام می‌باشد.

به بیانی دیگر، در توثیق خاص، دلالت بر توثیق آن راوی، دلالت مطابقی است؛ اما در توثیق عام، دلالت از توثیق بر هر یک از راویان، دلالت تضمنی است؛ اما هر دو قسم توثیق (عام و خاص)، برای اثبات وثاقت راوی کفایت می‌کند (دلالت تضمنی، مانند دلالت مطابقی، بر اثبات وثاقت راوی کفایت می‌کند) (خوئی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۹).

قدر متیقن حدیث امام حسن عسکری (علیه السلام)، آن است که توثیق خاصی برای مشایخ بنی فضل ندارد؛ اما بحث ما در این جا، آن است که ببینیم آیا می‌توان از ذیل روایت امام حسن عسکری (علیه السلام)، توثیق عامی استنباط کرد که مشایخ بنی فضل را توثیق کند؟

۲. امر عقیب الحظر

این اصطلاح، اصطلاحی اصولی است. گاهی مولا از چیزی نهی می‌کند و یا مکلف، توهم منع از آن شیء را دارد و بعد از آن نهی و یا توهم نهی، مولا به همان شیء امر می‌کند. مانند وقتی که طبیب، بیمار را از نوشیدن آب منع کند و سپس به بیمار بگوید: «آب بنوش» و یا مریض متوهم شود که نباید آب بنوشد و در این هنگام طبیب به وی بگوید: «آب بنوش». این امر، امر عقیب الحظر (امر بعد از نهی) نام دارد (مظفر، ۱۴۴۰ق، ص ۸۳).

نظر اکثر اصولیون، از جمله مرحوم مظفر، در مورد این نوع امر، آن است که دلالت بر جواز می‌کند و دلالتی بر وجوب نمی‌کند.



۳. فرقه فطحیه

بعد از شهادت امام صادق (علیه السلام)، پسر بزرگ ایشان عبدالله أفتح، ادعای امامت کرد و افرادی به او ملحق شدند. به پیروان عبدالله أفتح، فطحیه یا أفتحیه می‌گویند. با این حال، طولی نکشید که عبدالله از دنیا رفت و به دلیل این‌که فرزند و جانشینی نداشت، پیروان وی، عموماً به امامت و پیروی امام کاظم (علیه السلام) بازگشتند و این عقیده، در همان بدو ظهور زائل شد (کشی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، صص ۵۲۴-۵۲۵).

برخی از بزرگان شیعه مانند بنی فضال، به فرقه فطحیه ملحق شدند؛ ولی عموماً از این عقیده، با مرگ عبدالله دست کشیده و به امامت امام کاظم (علیه السلام) بازگشتند.

۴. بنی فضال

در کتب رجال شیعه، افراد خاندان بنی فضال، چهار تن می‌باشند. آن چهار نفر، حسن و فرزندان علی، محمد و احمد می‌باشند (خوئی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۶، ص ۲۴۴). خاندان بنی فضال، برخی از راویان شیعه به شمار می‌روند که به فضال تیملی بن ربیعہ بن بکر منسوب می‌شوند. (همان) بنی فضال، کتب و روایات بسیاری در موضوعات گوناگون نقل کردند؛ (همان، ج ۱۲، ص ۳۵۹) به طوری‌که نام حسن بن علی فضال، در سند بیش از ۲۹۷ روایت ذکر شده است (همان، ج ۶، ص ۵۴).

شیخ طوسی و همچنین کشی معتقد بودند که بنی فضال از اصحاب امام موسی کاظم (علیه السلام)، امام رضا (علیه السلام)، امام هادی (علیه السلام) و امام حسن عسکری (علیه السلام) بوده‌اند. همچنین شیخ طوسی و کشی، ایشان را مدح کرده و موثق می‌دانند (طوسی، ۱۲۷۱ق، ص ۴۷-۴۸ و کشی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، صص ۸۳۶-۸۳۷). به عقیده برخی همچون شیخ طوسی، بنی فضال، فطحی مذهب بوده؛ ولی سپس



به امامت امام رضا (علیه السلام)، امام هادی (علیه السلام) و امام حسن عسکری (علیه السلام)، معتقد و جزء اصحاب ایشان گردیدند (طوسی، ۱۲۷۱ق، صص ۴۷-۴۸).

۵. حسین بن روح نوبختی

ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی، سومین نائب خاص از نواب اربعه، در زمان غیبت صغری امام زمان (عج) بوده است. او به مدت بیست و یک سال، نائب خاص حضرت بوده است. محمد بن عثمان، دومین نائب خاص امام زمان (عج)، در زمان بیماری اش که منجر به مرگش شد، حسین بن روح را قائم مقام خود خواند و از شیعیان خواست پس از مرگش، به او رجوع کنند (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۷۱).

حسین بن روح، از اصحاب و همچنین دستیار خاص امام حسن عسکری (علیه السلام) بوده اند (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۴۲۳). علما در مدح ایشان، کرامات بسیاری نقل کردند. شیخ طوسی، ایشان را از عاقل ترین مردم زمانه خودشان دانسته اند و همچنین شیخ فرموده که ایشان در رفتار با مخالفان اهل تقیه بوده اند. (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۸۴) امام زمان (عج)، در یکی از توقیعات خود، در مورد حسین بن روح چنین فرمودند: «ما او (حسین بن روح) را می شناسیم، خداوند تمام خوبی ها و خوشنودی های خویش را به وی بشناساند و او را با عنایت خود خرسند گرداند. از نامه او آگاه شدیم و به وی اطمینان داریم. او نزد ما، دارای مقامی است که موجب شادی وی خواهد شد. خداوند، احسان خود را نسبت به وی زیاد گرداند» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۷۲).

از مهم ترین اتفاقات دوران حسین بن روح، ماجرای شلمغانی بود که در مبحث بعدی به آن می پردازیم.





۶. محمد بن علی بن ابی‌العزاقر (شلمغانی)

محمد بن علی بن ابی‌العزاقر، معروف به شلمغانی، از یاران امام حسن عسکری (علیه‌السلام) بود و از فقهای بزرگ امامیه به‌شمار می‌رفت؛ اما وی انتظار داشت بعد از محمد بن عثمان، او نائب خاص امام زمان (عج) باشد. به همین دلیل، پس از انتساب حسین بن روح، دچار حسادت و به‌دنبال آن، راه انحراف را در پیش گرفت و به کارشکنی با حسین بن روح پرداخت. به عنوان مثال، سخنانی از خود می‌ساخت و به حسین بن روح و دیگر نواب نسبت می‌داد (صفری فروشانی، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۳۶). نجاشی در رجال خود، در مورد وی می‌گوید: «محمد بن علی شلمغانی از شیعیان امامی بود؛ اما به خاطر حسادت به حسین بن روح، از مذهب امامیه خارج شد و وارد مذهب‌های پست شد تا جایی که از امام زمان، توقیعی در خصوص او و برضد او صادر شد و توسط حاکم عباسی کشته و به دار آویخته شد...» (نجاشی، ۱۴۰۷ ق، صص ۳۷۸-۳۷۹).

هنگامی که حسین بن روح، توسط بنی‌عباس زندانی شد، شلمغانی فرصت را غنیمت شمرد و فعالیت‌های خود را علیه شیعیان گسترش داد. شیعیان نیز به خاطر آن که از امام خویش در مورد ادعاهای شلمغانی،^۱ جوابی دریافت نکرده بودند، سردرگم شده بودند. سرانجام، امام زمان (عج)، از طریق حسین بن روح، توقیع زیر را در ذم و در پاسخ به ادعاهای شلمغانی صادر کردند: «... محمد بن علی، معروف به شلمغانی، از کسانی است که خداوند کیفر او را تعجیل کند و مهلتی به او عطا نفرماید. او از اسلام منحرف شده و خود را از آن جدا ساخته است. وی از دین خدا مرتد شده و ادعاهایی می‌کند که دلالت بر انکار ذات خداوند متعال دارد. دروغ‌پردازی و دروغ‌گویی می‌کند. باطل‌ها را بر زبان می‌آورد و متخلف بزرگی است. آنان که به خدا نسبتی باطل می‌دهند، در خطای محض بوده و مسلماً در خسارند.



۱. یکی از عقاید شلمغانی، ادعای حلول خدا در انسان بود و هدف خدا از حلول را اثبات تعالی خدا می‌دانست (ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۸، ص ۲۱۸).

درحقیقت، برائت خود را در محضر خداوند متعال و پیامبر و خاندان گرامی اش صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین (از هرگونه رابطه ای با شلمغانی) اعلام می داریم. به او (شلمغانی) لعن می فرستیم و لعنت دائم خداوند بر او باد...» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۴۱۰).

بررسی مستند قاعده توثیق عام مشایخ بنی فضال (حدیث امام حسن عسکری علیه السلام)

الف) بررسی سندی

مستند این قاعده که شیخ انصاری به آن استناد کرده است، روایت امام حسن عسکری (علیه السلام) می باشد. این روایت را شیخ طوسی در کتاب الغیبه خود چنین نقل می کند: «وَقَالَ أَبُو الْحُسَيْنِ بْنُ تَمَّامٍ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ الْكُوفِيُّ حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْحُسَيْنُ بْنُ رُوحٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ الشَّيْخَ يَعْنِي أَبَا الْقَاسِمِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ كُتُبِ ابْنِ أَبِي الْعَزَاقِرِ بَعْدَ مَا دُفِنَ وَخَرَجَتْ فِيهِ اللَّعْنَةُ فَقِيلَ لَهُ فَكَيْفَ نَعْمَلُ بِكُتُبِهِ وَنُيَوِّنَا مِنْهَا مِلَأَةً فَقَالَ أَقُولُ فِيهَا مَا قَالَهُ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ع وَفَدَّ سَمِعْتُ عَنْ كُتُبِ بَنِي فَضَالٍ فَقَالُوا كَيْفَ نَعْمَلُ بِكُتُبِهِمْ وَنُيَوِّنَا مِنْهَا مِلَأَةً. فَقَالَ خُذُوا بِمَا رَوَوْا وَذَرُّوا مَا رَأَوْا» (طوسی، ۱۴۱۱ق، صص ۳۸۹-۳۹۰).

همچنین این روایت را با همین سلسله راویان، شیخ حر عاملی در وسائل ذکر کردند: «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ فِي كِتَابِ الْغَيْبَةِ عَنْ أَبِي الْحُسَيْنِ بْنِ تَمَّامٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيِّ حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْحُسَيْنُ بْنُ رُوحٍ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ رُوحٍ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ع أَنَّهُ سَمِعَ عَنْ كُتُبِ بَنِي فَضَالٍ - فَقَالَ خُذُوا بِمَا رَوَوْا وَذَرُّوا مَا رَأَوْا» (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص ۱۰۲).

مستند این قاعده، از حسین بن روح نقل شده است و قبل از بررسی محتوایی روایت، لازم است سند روایت را بررسی کنیم. برای بررسی سند، باید یکایک راویان را به طور جداگانه، مورد بررسی قرار دهیم:





۱. محمد بن الحسن بن علی طوسی (شیخ طوسی)

محمد بن الحسن معروف به شیخ طوسی، از مشهورترین فقها و محدثان شیعه می باشند. ایشان نویسنده دو کتاب از کتاب های چهارگانه حدیثی شیعه می باشند. وثاقت ایشان، از مسلمات نزد شیعه است. با این حال، به توثیق نجاشی، در مورد ایشان توجه کنید: «محمد بن الحسن بن علی الطوسي أبو جعفر جلیل فی أصحابنا، ثقة عین، من تلامذة شیخنا أبي عبد الله. له كتب ...» (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۴۰۳).

۲. حسین بن روح

شرح حال وی، در بالا ذکر شد. در اثبات وثاقت وی، همین بس که ایشان، از نائبین خاص حضرت حجت (عج) و امین و مورد اعتماد ایشان بوده اند.

۳. محمد بن علی بن الفضل بن تمام (معروف به أبوالحسین بن تمام)

وی، توسط نجاشی توثیق شده است. نجاشی در مورد ایشان می فرماید: «محمد بن علی بن الفضل بن تمام بن سکین بن بنداذ بن داذمهر بن فرخ راذ بن میاذرمه بن شهریار الأصغر، وکان لقب بسکین بسبب إعظامهم له. وکان ثقة، عینا، صحیح الاعتقاد، جید التصنیف. له كتب ...» (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۸۵).

۴. عبدالله کوفی

وی، خادم حسین بن روح بوده و در سلسله سند این روایت قرار دارد. عبدالله کوفی در کتب رجال، مجهول می باشد؛ چراکه در کتب رجال، هیچ مدح و یا ذمی در خصوص وی نداریم؛ اما با توجه به شرایط خاص زمان نیابت حسین بن روح، می توان ادعا کرد که عبدالله کوفی، آدم قابل اطمینان و رازداری بوده است؛ چراکه در آن زمان، فضای خفقان



سیاسی علیه امام زمان (عج) و شیعیان بوده است. خصوصاً حسین بن روح که نائب خاص حضرت بود، تحت نظارت بیشتری قرار می‌گرفت. همچنین ایشان به عنوان نائب خاص امام، وظایف خاصی نیز داشتند که نیاز به دیدارهایی مخفی و خصوصی با یاران نزدیک حضرت و حتی خود حضرت بود. به همین دلیل، از حسین بن روح که انسان عاقل و مورد اعتماد امام عصر بود، چنین برمی‌آید که نسبت به نزدیکانش، از جمله خادم خود محتاط باشد و آن‌ها را با دقت و وسواس خاصی انتخاب کند.

پس مشخص شد عبدالله کوفی، از افراد مورد اعتماد بوده و در رازداری و وفادار بودن وی شک نیست؛ اما صد حیف که همه این‌ها، برای اثبات وثاقت وی کفایت نمی‌کند.

حال که راویان روایت امام حسن عسکری (علیه السلام) بررسی شدند، مشخص شد که همه آن‌ها به غیر از عبدالله کوفی توثیق شده‌اند و به خاطر این‌که عبدالله کوفی، شخصی مجهول در کتب رجالی می‌باشد، روایت، ضعیف می‌باشد و نمی‌توان به آن عمل کرد.

آیت الله خوئی در کتاب معجم رجال الحديث، به دلیل مجهول بودن عبدالله کوفی، قائل به ضعف سند این روایت شدند: «... و منهم: بنو فضال: استدلل علی وثاقة من رووا عنهم. بما روي عن الإمام العسكري ع أنه قال: خذوا ما رووا، و ذروا ما رأوا و أرسل شيخنا الأنصاري هذا إرسال المسلمات، فذكر في أول صلاته حينما تعرض لرواية داود بن فرقد عن بعض أصحابنا، قال: و هذه الرواية و إن كانت مرسلة، إلا أن سندها إلى الحسن بن فضال صحيح، و بنو فضال ممن أمرنا بالأخذ بكتبهم و رواياتهم. أقول: الأصل في ذلك ما رواه الشيخ عن أبي محمد المحمدي، قال: و قال أبو الحسن بن تمام: حدثني عبدالله الكوفي خادم الشيخ الحسين بن روح رضي الله عنه، قال: سئل الشيخ - يعني أبا القاسم رضي الله عنه - عن كتب ابن أبي العزاق بعد ما ذم و خرجت فيه اللعنة، فقيل له: فكيف نعمل بكتبه و بيوتنا منه ملاء؟ فقال: أقول فيها ما قاله أبو محمد الحسن بن علي ص، و قد سئل عن كتب بني فضال، فقالوا: كيف نعمل بكتبهم و بيوتنا منه ملاء؟ فقال ص:



خذوا ما رووا، و ذروا ما رأوا لكن هذه الرواية ضعيفة لا يمكن الاعتماد عليها، فإن عبد الله الكوفي مجهول...» (خوئی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۶۷-۶۸).

اما اصحاب، طبق فرموده شیخ طوسی، به این روایت عمل کردند: «وإذا كان الراوي من فرق الشيعة مثل الفطحية، والواقفة، والناووسية وغيرهم نظر فيما يرويه: فإن كان هناك قرينة تعضده، أو خبر آخر من جهة الموثوقين بهم، وجب العمل به. وإن كان هناك خبر آخر يخالفه من طريق الموثوقين، وجب إطرach ما اختصوا بروايته والعمل بما رواه الثقة. وإن كان ما رووه ليس هناك ما يخالفه، ولا يعرف من الطائفة العمل بخلافه، وجب أيضا العمل به إذا كان متحرجا في روايته موثوقا في أمانته، وإن كان مخطئا في أصل الاعتقاد. ولاجل ما قلناه عملت الطائفة بأخبار الفطحية مثل عبد الله بن بكير وغيره، وأخبار الواقفة مثل سماعة بن مهران، وعلى بن أبي حمزة، وعثمان بن عيسى، ومن بعد هؤلاء بما رواه بنو فضال وبنو سماعة والطاطريون وغيرهم...» (طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۵۰). شیخ، در متن بالا فرموده است که اصحاب، به آن چه بنی فضال روایت کردند، به صورت مشروط عمل کرده است و این، اشاره دارد به این که اصحاب، به روایت امام حسن عسکری (علیه السلام) عمل کردند؛ زیرا امام حسن عسکری (علیه السلام)، همان طور که در بالا گفته شد، در مورد بنی فضال فرمودند: «... خُذُوا بِمَا رَوَوْا وَ ذَرُّوا مَا رَأَوْا». (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۹۰) این فرمایش امام، یعنی به روایات نقل شده توسط بنی فضال عمل کنید و طبق فرموده شیخ طوسی، اصحاب به روایاتی که بنی فضال نقل کردند، عمل کرده اند. پس می توان نتیجه گرفت که اصحاب به روایت امام حسن عسکری (علیه السلام) عمل کردند؛ زیرا روایت دیگری در باب قبول مرویات بنی فضال وجود ندارد.

پس این روایت، با این که ضعیف است؛ اما طبق فرموده شیخ طوسی، مشهور فقها به آن عمل کردند. در نتیجه، ضعف حدیث، به خاطر عمل اصحاب (شهرت عملیه) انجبار می گردد. آیت الله شبیری زنجانی در کتاب الصوم، دلیل دیگری برای قبول روایت بیان کردند که



آن دلیل، جناب عبدالله کوفی را توثیق می‌کند. به بیان ایشان، محمد بن علی بن فضل بن تمام (ابن تمام) که از عبدالله کوفی نقل کرده است، شخصیتی والا و جلیل‌القدر بوده که در چنین مسائل مهم شرعی، فقط از افراد ثقه و مورد اعتماد نقل می‌کرده است و در این مسئله، اگر ابن تمام، از عبدالله کوفی مطمئن نبود، از وی این روایت را نقل نمی‌کرد (شبیری زنجانی، ۱۳۸۹ ش، ج ۲، ص ۲۲۴).

اگر فرمایش ایشان را قبول کنیم، عبدالله کوفی توثیق می‌شود و دیگر روایت ضعیف نمی‌گردد. البته که در بالاتر گفته شد که حتی در صورت عدم قبول توثیق عبدالله کوفی، باز هم روایت مقبول واقع می‌شود؛ چراکه ضعف روایت، به خاطر عمل اصحاب انجبار می‌گردد.

(ب) بررسی دلالتی روایت (بررسی محتوایی)

اکنون پس از اثبات مقبولیت روایت، محتوایی حدیث را بررسی می‌کنیم. ابتدا شرح حالی کلی از روایت بیان می‌کنیم: «وَقَالَ أَبُو الْحُسَيْنِ بْنُ تَمَّامٍ حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ الْكُوفِيُّ خَادِمُ الشَّيْخِ الْحُسَيْنِ بْنِ رُوحٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ الشَّيْخَ يَعْنِي أَبَا الْقَاسِمِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ كُتُبِ ابْنِ أَبِي الْعَزَافِ بَعْدَ مَا دُمَّ وَخَرَجْتُ فِيهِ اللَّعْنَةُ فَقِيلَ لَهُ فَكَيْفَ نَعْمَلُ بِكُتُبِهِ وَبُيُوتُنَا مِنْهَا مِلَاءٌ فَقَالَ أَقُولُ فِيهَا مَا قَالَهُ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ص وَ قَدْ سَمِعْتُ عَنْ كُتُبِ بَنِي فَضَالٍ فَقَالُوا كَيْفَ نَعْمَلُ بِكُتُبِهِمْ وَبُيُوتُنَا مِنْهَا مِلَاءٌ. فَقَالَ ص خُذُوا بِمَا رَوَوْا وَ ذَرُّوا مَا رَأَوْا» (طوسی، ۱۴۱۱ ق، صص ۳۸۹-۳۹۰).

همان‌طور که در بالا ذکر شد، شلمغانی از علمای بزرگ امامیه بود و تألیفات بسیاری داشت و از راویان بود. سپس او دچار فساد عقیده شد و به عناد با امام زمان (عج) پرداخت و گرفتار لعن حضرت شد. در چنین شرایطی، مردم برای کسب تکلیف نزد حسین بن روح آمدند؛ چراکه یکی از علمای بزرگ آن زمان، دچار انحراف عقیده شده

و مورد لعن امام عصر (عج) واقع شده است. حال، مردم می‌خواهند بدانند که با این شرایط، با کتب و احادیثی که شلمغانی روایت کرده است، چه کنند. مردم پاسخ سؤال خود را از حسین بن روح جویا می‌شوند و به ایشان متذکر می‌شوند که تألیفات زیادی از شلمغانی در خانه‌هایشان وجود دارد.

حسین بن روح، جواب مردم را با تشبیه ماجرای شلمغانی، به ماجرای بنی‌فضال می‌دهد و در این جا، حدیث امام حسن عسکری (علیه‌السلام) را نقل می‌کند. حسین بن روح می‌فرماید: «حکم مسئله شلمغانی، مانند حکمی است که امام حسن عسکری (علیه‌السلام) در رابطه با بنی‌فضال دادند. از امام حسن عسکری (علیه‌السلام) نیز سؤال شد که چگونه به کتب و روایات بنی‌فضال عمل کنیم، در حالی که تألیفات و آثار زیادی از بنی‌فضال در خانه‌شان است؟ امام پاسخ دادند: به روایاتشان عمل کنید و به عقایدشان توجه نکنید»^۱.

قائلین به قاعده، از عبارت «خُذُوا بِمَا رَوَوْا وَ ذَرُّوا مَا رَأَوْا»، چنین برداشت کردند که امام به صورت مطلق، امر فرمودند که روایات بنی‌فضال را قبول کنید؛ یعنی فارغ از دیگر راویان، به صرف آن‌که سند روایت تا بنی‌فضال صحیح بود و اطمینان پیدا کردید که آن روایت از بنی‌فضال نقل شده، واجب است به آن روایت عمل کنید (آن روایت را أخذ کنید) و امر امام به عمل به روایات نقل شده از بنی‌فضال، دلالت بر توثیق مشایخ ایشان می‌کند (یعنی افرادی که بنی‌فضال از آنان روایت کردند، توثیق می‌شوند).

به باور آیت‌الله خوئی، شیخ انصاری قائل به قاعده توثیق عام مشایخ بنی‌فضال می‌باشد: «... و منهم: بنو فضال: استدلل علی وثاقه من رووا عنهم. بما روی عن الإمام العسکری ع أنه قال: خذوا ما رووا، و ذروا ما رأوا و أرسل شیخنا الأنصاری هذا إرسال المسلمات، فذكر في أول صلاته حينما تعرض لرواية داود بن فرقد عن بعض أصحابنا، قال: وهذه الرواية

۱. «خُذُوا بِمَا رَوَوْا وَ ذَرُّوا مَا رَأَوْا». (طوسی، ۱۴۱ق، صص ۳۸۹-۳۹۰)



وإن كانت مرسله، إلا أن سندها إلى الحسن بن فضال صحيح، وبنو فضال ممن أمرنا بالأخذ بكتبهم ورواياته. أقول...» (خوئی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۶۷).

همان‌طور که مشخص است، آیت‌الله خوئی در ابتدای مطلب فوق فرموده‌اند که برخی قائل به قاعده توثیق مشایخ بنی‌فضال شده‌اند و مستندشان روایت امام حسن عسکری (علیه‌السلام) می‌باشد. سپس در ادامه متن، شیخ انصاری را از قائلین به این قاعده می‌خوانند.

اما چیزی که از متن شیخ انصاری برمی‌آید، آن است که ایشان، قائل به قاعده توثیق مشایخ بنی‌فضال نبوده‌اند؛ بلکه ایشان، قائل به تصحیح مرویات بنی‌فضال بوده‌اند. متن ایشان در کتاب الصلوة چنین است: «... و هذه الرواية وإن كانت مرسله إلا أن سندها إلى الحسن بن فضال صحيح، وبنو فضال ممن أمر بالأخذ بكتبهم ورواياتهم» (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۶).

متن ایشان در مکاسب، چنین می‌باشد: «... و في السند بعض بني فضال، و الظاهر أن الرواية مأخوذة من كتبهم التي قال العسکري عليه السلام عند سؤاله عنها: «خذوا بما رووا و ذروا ما رأوا»، ففيه دليل على اعتبار ما في كتبهم، فيستغنى بذلك» (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۳۶۶).

در متن کتاب الصلوة، شیخ انصاری فرمودند که توسط امام امر شده است که روایات و کتب بنی‌فضال را أخذ کنیم. همچنین در مکاسب، ایشان بعد از ذکر روایت امام حسن عسکری (علیه‌السلام) فرمودند که این روایت دلیلی است برای قبول روایاتی که بنی‌فضال نقل کردند.

در سخنان شیخ، مطلب و یا اشاره‌ای به مشایخ بنی‌فضال وجود ندارد و چیزی که از ظاهر متن شیخ پیداست، این است که ایشان در مقام تصحیح مرویات بنی‌فضال هستند، بدون آن‌که مشایخ بنی‌فضال را توثیق کنند.



به عبارت دیگر، استظهار شیخ انصاری، آن است که روایت امام حسن عسکری (علیه السلام)، در مقام تصحیح مرویات بنی فضال می باشد، بدون آن که مشایخ ایشان را توثیق کند.

اما صحیح آن است که روایت امام (علیه السلام)، بر قاعده توثیق مشایخ بنی فضال و همچنین بر تصحیح مرویات بنی فضال دلالت نمی کند؛ بلکه همان طور که از شواهد و قرائن موجود در روایت پیداست، امام در مقام بیان این نکته است که فساد عقیده شخص، ضرری به وثاقت او نمی زند؛ یعنی اگر آن شخص امامی نباشد؛ اما راستگو باشد و به اخبار وی اطمینان شود، غیر امامی بودن او، ضرری به وثاقتش نمی زند.

به بیانی دیگر، این امر امام حسن عسکری (علیه السلام)، بعد از توهم خطر، توسط مردم واقع شده است؛ چراکه مردم در هردو ماجرا (بنی فضال و شلمغانی)، پس از فساد عقیده این افراد،^۱ به ولی امر خود رجوع کردند و سؤال خود را پرسیدند که آیا با وجود انحراف عقیده این افراد، هنوز می توان به روایاتشان عمل کرد؟ این سؤال مردم، نشان دهنده توهمشان از خطر و منع امام می باشد.

پس این امر «خَذُوا بِمَا رَوَوْا وَ ذَرُّوا مَا رَأَوْا»، دلالت بر وجوب ندارد تا قول قائلین به قاعده توثیق مشایخ بنی فضال و یا قول شیخ انصاری (تصحیح مرویات بنی فضال) صحیح باشد؛ بلکه این امر، دلالت بر جواز دارد؛ چراکه این امر، در مقام دفع توهم خطر است. مشخص شد که روایت، دلالتی بر قاعده توثیق مشایخ بنی فضال ندارد و همچنین دلالتی بر تصحیح مرویات بنی فضال ندارد و همچنین مشخص شد روایت، فقط دلیلی بر توثیق خود بنی فضال می باشد و مشایخ، ایشان را توثیق نمی کند.

اکنون می توان از روایت، مطلب مهمی برداشت کرد. از روایت، می توان فهمید که فساد عقیده، ضرری به وثاقت افراد نمی زند؛ زیرا هم حکم و هم مناط آن حکم، از متن روایت

۱ . منظور از فساد عقیده بنی فضال، فطحنی مذهب شدن آن هاست.

و قرائن حالیه، قابل برداشت می باشد. ملا احمد نراقی نیز چنین استظهاری از روایت داشتند: «الثالث عشر: ما رواه الشيخ في كتاب الغيبة بسند عال صحيح، عن أبي جعفر الثاني عليه السلام في بني فضال، أنه قال: «خذوا بما رووا و دعوا ما رأوا». دل بالإجماع المركب على وجوب الأخذ بقول كل من كان ثقة وإن لم يكن إماميًا» (نراقی، ۱۴۱۷ق، ص ۴۶۶).

ایشان در این مسئله، ادعای اجماع مرکب کردند که ثقة بودن راوی مهم است و غیرامامی بودن راوی، ضرری به وثاقت وی نمی زند. ملا احمد نراقی مستند این حکم را روایت امام حسن عسکری (علیه السلام) می داند.

جمع بندی و نتیجه

روایت امام حسن عسکری (علیه السلام)، از لحاظ سندی مقبول است؛ اما دلالتی بر قاعده توثیق مشایخ بنی فضال ندارد؛ بلکه دلالت آن، بر این است که روایات راویانی که دچار انحراف عقیده اند یا به طور خلاصه، روایات راویان موثق غیرامامی، مقبول واقع می گردد.

با توجه به این نتیجه، بسیاری از روایات راویان غیرامامی مقبول می گردد و مورد استفاده قرار می گیرد. همچنین با توجه به نتیجه، مشایخ بنی فضال نیاز به دلیل دیگری برای توثیق دارند و با این روایت توثیق نمی شوند.



۱. ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۸۵ق)، «الکامل فی التاریخ»، چاپ اول، بیروت: دارصادر.
۲. ابن شهر آشوب محمد بن علی، (۱۳۷۹ق)، «المناقب»، چاپ اول، قم: علامه.
۳. انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق)، «کتاب الصلوه»، چاپ اول، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۴. — (۱۴۱۵ق)، «کتاب المکاسب»، چاپ اول، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۵. ایروانی، محمد باقر (۱۴۲۸ق)، «دروس تمهیدیه فی القواعد الرجالیه»، چاپ دوم، قم: مدین.
۶. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳ق)، «معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواه»، چاپ دوم، قم: مرکز نشر الثقافه الاسلامیه فی العالم.
۷. شبیری زنجانی، سید موسی (۱۳۸۹-۱۳۹۰ش)، «کتاب الصوم» قم: دفتر حضرت آیت الله شبیری زنجانی، انتشارات مرکز فقهی امام محمد باقر علیه السلام.
۸. صفری فروشانی، نعمت الله (۱۳۷۸ش)، «غالیان: کاوشی در جریان ها و برآیندها تا پایان سده سوم»، چاپ اول، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی.
۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، «الأمالی»، چاپ اول، قم: دارالثقافه.
۱۰. — (۱۲۷۱ق)، «الفهرست»، چاپ اول، نجف: مکتبه المرتضویه.
۱۱. — (۱۴۰۷ق)، «تهذیب الاحکام» تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۲. — (۱۴۱۷ق)، «عده فی أصول الفقه»، چاپ اول، قم: مؤسسة البعثة الفلم و الالواح الحساسة.
۱۳. — (۱۴۱۱ق)، «کتاب الغیبه»، چاپ اول، قم: دار المعارف الاسلامیه.
۱۴. عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، «وسائل الشیعه و مستدرکها»، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.



۱۵. کشی، محمد بن عبدالعزيز (۱۴۰۴ق)، «اختیار معرفه الرجال»، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت.

۱۶. مظفر، محمدرضا (۱۴۴۰ق)، «اصول الفقه فی مباحث الالفاظ و الملازمات العقلیه و مباحث الحجج و الاصول العمليه»، چاپ نوزدهم، قم: مؤسسه بوستان کتاب.

۱۷. نجاشی، أحمد بن علی (۱۴۰۷ق)، «فهرست أسماء مصنفی الشیعه (رجال نجاشی)» قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۸. نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۷ق)، «عوائد الأیام فی بیان قواعد الأحکام»، چاپ اول، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.





راهبردهای مقابله با مؤلفه‌های میدان جنگ همه جانبه در اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای (مدظله العالی) با استفاده از روش تحلیل مضمون

صفحات ۸۷ تا ۱۲۰

مصطفی زینل پور

برگزیده سطح دو پانزدهمین جشنواره

چکیده

امنیت از اساسی‌ترین نیازها، در میان جوامع بشری است که تنها با وجود آن، مفاهیمی چون آزادی و پیشرفت معنا پیدا خواهد کرد. در جامعه کنونی، نمی‌توان مؤلفه‌هایی که این مفهوم کلیدی، یعنی امنیت را تهدید می‌کنند، صرفاً در حوزه نظامی خلاصه کرد؛ بلکه مؤلفه‌های متعددی، در پدید آمدن تهدید در عرصه امنیت و به‌ویژه امنیت ملی دخیل هستند. با در نظر گرفتن رویکردی که در حوزه امنیت بیان شد، در عصر حاضر، جامعه‌ای به پیشرفت دست پیدا خواهد کرد که ظرفیت‌ها، پتانسیل‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای جامعه خود را پیش از آن‌که تهدیدی متوجه او شود، موشکافانه مورد بررسی قرار دهد و از بروز تهدید در عرصه‌های مختلف پیشگیری کند. در این میان، جمهوری اسلامی ایران که از بدو پیروزی خود، با تهدیدهای عدیده‌ای روبه‌رو بوده است، برای ادامه حیات، حفظ ارزش‌ها و حرکت به سمت قله‌های پیشرفت، باید برای مقابله با این تهدیدها، عزمی جدی داشته باشد. راهبردهای حکیمانه مقام معظم رهبری در برهه‌هایی از تاریخ ایران اسلامی که تهدیدهای داخلی و خارجی این کشور را مورد هجوم قرار داده بودند و همچنین دوراندیشی ایشان در مواجهه با مسائل کلان، منظومه





فکری معظم‌له را در حوزه مقابله با تهدیدهای همه‌جانبه دشمن، گنجینه ارزشمندی است که در این مقاله، به آن پرداخته شده است.

در تحقیق حاضر، کوشیده شده است میدان‌های جنگ همه‌جانبه دشمن، به صورت جامع‌الاطراف، از دیدگاه امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، مورد بررسی قرار گیرد و راهبردهای مقابله با این تهدیدها، از منظومه فکری ایشان استخراج گردد. لازم به ذکر است که این پژوهش کاربردی، از نوع توصیفی-تحلیلی می‌باشد که محقق، با استفاده از روش تحلیل مضمون، در ابتدا داده‌های کتابخانه‌ای پراکنده را کدگذاری کرده و طی مراحل، به راهبردهای معظم‌له در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و نظامی، دست پیدا کرده است.

واژگان کلیدی: جنگ همه‌جانبه، مقام معظم رهبری، راهبردها.



مقدمه

یکی از عوامل مهم و تعیین کننده در هر معرکه‌ای، داشتن نگاه راهبردی و عمیق به آن واقع است. مقام معظم رهبری، این نگاه عمیق را به بصیرت تعبیر کرده‌اند. ایشان در این مورد می‌فرماید: «به مسئله بصیرت اهمیت بدهید. بصیرت در هدف، بصیرت در وسیله، بصیرت در شناخت دشمن، بصیرت در موانع راه، بصیرت در راه‌های جلوگیری از این موانع و برداشتن این موانع، این بصیرت‌ها لازم است. وقتی بصیرت بود، آن وقت شما می‌دانید که با کی طرفید، ابزار لازم را با خودتان برمی‌دارید» (بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر، ۱۳۸۸/۰۷/۱۵). از صحبت ایشان، مشخص می‌شود درک میدان جنگی که در آن قرار داریم، جز با بصیرت امکان‌پذیر نیست. در نتیجه، برای این‌که بتوانیم در میدان جنگ امروز، هدف را شناسایی کنیم، ابزار مناسب را انتخاب کنیم، دشمن را تشخیص دهیم و موانع راه را برطرف کنیم، باید به بصیرت و درک عمیقی از اطراف خود دست پیدا کنیم.



جمهوری اسلامی ایران، از بدو پیروزی انقلاب، در دو سطح داخلی و خارجی، شاهد تهدیدات متعددی بوده و به مرور زمان، این تهدیدها، شکل دیگری به خود گرفتند و عرصه جدیدی از رویارویی با دشمن، برای ما رقم خورده است، به طوری که مقام معظم رهبری می‌فرماید: «همه این را قبول داریم که جمهوری اسلامی، در حال يك مبارزه سخت و يك مبارزه همه‌جانبه است؛ نه فقط در زمینه سیاسی، (بلکه) در زمینه فرهنگی، در زمینه اقتصادی، در زمینه اجتماعی، در زمینه امنیتی، ما در حال مبارزه‌ایم. (البته) جنگ نظامی و مبارزه نظامی هم در برهه‌ای از زمان بوده که متوقف شده و (الآن) نیست؛ اما سخت‌تر از آن، جنگ‌های امنیتی است، جنگ‌های اقتصادی است، جنگ‌های فرهنگی است که ما در جریانیم و در حال جنگیم. این را هیچ‌کس نمی‌تواند انکار کند» (بیانات در دیدار با رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۶/۱۲/۲۴).

میدان جنگی که ایشان ترسیم نمودند، فراتر از شیوه‌های جنگی مرسوم در میان ادبیات نظامی است. میدان جنگی که محدود به مبارزه سیاسی و نظامی نمی‌شود؛ بلکه شامل میدانی متشکل از عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی، سیاسی و نظامی می‌باشند. اهمیت پرداختن به این موضوع، از این جهت است که به بیان ایشان، شناخت و تسلط بر جغرافیای جنگ، از خود جنگ مهم‌تر است: « شما در جبهه جنگ، اگر راه را بلد نباشید، اگر نقشه‌خوانی بلد نباشید، اگر قطب‌نما در اختیار نداشته باشید، يك وقت نگاه می‌کنید، می‌بینید در محاصره دشمن قرار گرفته‌اید و دشمن بر شما مسلط می‌شود. این قطب‌نما، همان بصیرت است» (بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر، ۱۳۸۸/۰۷/۱۵).

در این پژوهش، بررسی میدان جنگ همه‌جانبه‌ای که دشمن برای جمهوری اسلامی ایران رقم زده است، با محوریت مواضع مقام معظم رهبری، به عنوان هدف اصلی موضوعیت دارد و به بررسی ابعاد وسیع این میدان جنگ، به عنوان هدف فرعی خواهیم



پرداخت. همچنین تأکید معظم‌له در این خصوص، اهمیت پرداختن به بحث را دوچندان می‌کند: «ما عناصر قدرت فراوانی داریم. این‌ها را باید حفظ کنیم و روز به روز افزایش دهیم. ما ضعیف نیستیم، باید در مقابل تهدید، آمادگی داشته باشیم. اگر نداریم، باید آمادگی ایجاد کنیم و اگر داریم، حفظ کنیم و افزایش دهیم. در مقابل اعلان جنگ، اعلان دفاع همه‌جانبه - روی «همه‌جانبه» تکیه و تأکید می‌کنم - و در مقابل اقدام به جنگ، اقدام به دفاع و ضربه متقابل» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۸۰/۱۲/۲۷). تأکید به همه‌جانبه بودن دفاع در این بیان و لزوم شناخت جغرافیای جنگ در سخنرانی که قبل‌تر به آن اشاره شد، ضرورت و فوریت پرداختن به موضوع جنگ همه‌جانبه را می‌رساند.

چیستی راهبرد مقام معظم رهبری در خصوص مؤلفه‌های جنگ همه‌جانبه، سؤال اصلی و چیستی و جایگاه‌شناسی مؤلفه‌های جنگ همه‌جانبه (فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ...)، در منظومه فکری ایشان، سؤالات فرعی در این پژوهش می‌باشد.

مبانی نظری

پیشینه تحقیق

پیش از این، محققانی کوشیده‌اند تا در این زمینه، تحقیقاتی انجام دهند که در میان آن‌ها، پژوهشی که عباس خسروی با عنوان «تحلیل یکپارچه میدان‌های جنگ همه‌جانبه علیه جمهوری اسلامی ایران»، با استفاده از الگوی اژدهای هفت‌سر جنگ انجام داده است، جامعیت بیشتری دارد. او میدان جنگ همه‌جانبه موجود را این‌گونه توصیف می‌کند: «هفت میدان، مانند هفت سر یک اژدهای هفت‌سر عمل می‌کنند و تمرکز بر غلبه بر یک سر، به منزله نابودی اژدها نیست (خسروی، ۱۳۹۷).

میدان‌های جنگی که خسروی به آن‌ها پرداخته، عبارت‌اند از: ۱- نظامی، ۲- اقتصادی،

۳- اجتماعی، ۴- فرهنگی، ۵- سیاسی، ۶- اندیشه و ۷- روانی. نتیجه تحقیق او، حاکی از این است که تحلیل بهره و هزینه این میدان‌ها بر مبنای نظر خبرگان گروه قانونی، نشان می‌دهد کارآمدترین میدان جنگ جبهه معارض علیه جمهوری اسلامی ایران، جبهه جنگ روانی با کارآیی ۸۱٪ بوده است. پس از این میدان، میدان‌های جنگ اعتقادی ۶۱٪، میدان جنگ سیاسی ۵۹٪، میدان جنگ فرهنگی ۴۶٪، میدان جنگ اقتصادی ۳۹٪، میدان جنگ اجتماعی ۳۶٪ و میدان جنگ نظامی ۲۷٪، در رتبه‌های دوم تا هفتم کارآیی هستند (خسروی، ۱۳۹۷).

همچنین حسین بختیاری و علی صالح‌نیا، در پژوهشی دیگر با عنوان «اولویت‌بندی تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با روش تحلیل سلسله مراتبی (AHP)»، تهدیدات امنیت ملی را این‌گونه تقسیم کرده‌اند: «تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، به تهدیدات نظامی - اطلاعاتی، اقتصادی، سیاسی - فرهنگی و محیطی - منابع تقسیم می‌شوند» (بختیاری و صالح‌نیا، ۱۳۹۷). در این پژوهش، بختیاری و صالح‌نیا با استفاده از نظرات خبرگان امنیت ملی، تهدید در حوزه نظامی و اطلاعاتی - جاسوسی، نفوذ بیشتر در میان حوزه‌های تهدید را خطرتر برشمردند. ایشان همچنین ارتقای اشرافیت اطلاعاتی، در برابر اقدامات سرویس‌های اطلاعاتی در داخل و خارج از کشور را از مهم‌ترین حوزه‌های توجه جمهوری اسلامی ایران نام بردند.

دهشیری و غفوری در پژوهشی با عنوان «الزامات راهبردی جمهوری اسلامی ایران در قبال سیاست‌های خاورمیانه‌ای جدید آمریکا» (دهشیری و غفوری، ۱۳۹۴)، آمریکا را به عنوان مهم‌ترین بازیگر فرمانطقه‌ای دخیل در معادلات سیاسی، امنیتی و اقتصادی منطقه غرب آسیا معرفی می‌کنند که همیشه مورد توجه دیگر بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای بوده است. آن‌ها این راهبرد را موازنه سه بعدی قدرت می‌نامند که طی آن، به بررسی پیش شرط‌ها و لوازم اتخاذ این راهبرد و چگونگی بهره‌گیری جمهوری اسلامی





ایران، به عنوان عامل ثبات در منطقه، از سیاست بی طرفی فعال در قبال قدرت های بین المللی، در عین جلوگیری از بروز خلأ قدرت در منطقه غرب آسیا می پردازند.

مفهوم شناسی

الف) جنگ

تاریخ نگار و جامعه شناس مشهور عرب، ابن خلدون، در توضیح این واژه می گوید: «جنگ، امری طبیعی و برآمده از سرشت انسان است و از این رو، در طول تاریخ، همواره انسان ها با جنگ دست به گریبان بوده اند». به نظر او، اساسی ترین انگیزه و علت جنگ، ابراز خشم و انتقام گرفتن است. این تاریخ پژوه متأخر، در تعریف جنگ گفته است: «رفتارهای خصمانه در طول تاریخ، به ویژه در میان گروه ها و دولت های رقیب و هم جوار، به اشکال گوناگون بروز کرده و از منظر اهداف و انگیزه ها، گاه فتنه جویانه و گاه عدالت طلبانه بوده اند (ابن خلدون، تاریخ ابن خلدون، ج ۱)؛ اما در میان متقدمین نیز این واژه با ورود ابزارآلات نوین به عرصه جنگ، تعریفی نوین پیدا کرده است. دفتر واژه گزینی ستاد کل نیروهای مسلح، در تعریفی، جنگ را این گونه تفسیر می کند: «جنگ، به کارگیری نیروهای نظامی منظم و نامنظم یک کشور، در رشته عملیات های به هم پیوسته، علیه کشور دیگر که به صورت نبرد میان دو یا چند کشور، با تمام توان نظامی طرفین مخاصمه، از راه زمین، دریا و هوا برای پیروزی صورت می گیرد» (قنبری، ۱۳۹۱).

ب) جنگ همه جانبه

در تعریف جنگ همه جانبه گفته شده است: «وادار کردن دشمن به تسلیم، با استفاده از تمامی اقدامات اقتصادی، نظامی و سیاسی. اقدامات اقتصادی، دشمن را از منابع حیاتی محروم می کند. اقدامات نظامی، با کشتن و پراکنده کردن سربازان انهدام و یا





غنیمت گرفتن سلاح و ... ارتش او را منهدم می‌سازد و با اقدامات سیاسی، موجب از بین رفتن امید دشمن به پیروزی و در نهایت، تزلزل در اراده او می‌شود» (نوروزی، ۱۳۸۵). همچنین ادبیات جنگ همه‌جانبه، در بیانات امام خامنه‌ای (مدظله العالی) نیز مشهود است: «جنگ‌های دنیا، دوروزه، پنج‌روزه و ده‌روزه است. جنگ بین‌الملل، چهارساله و پنج‌ساله است. تازه، تمام نقشه جغرافیای عالم، در جنگ‌های بین‌الملل، تغییر و تبدیل پیدا می‌کند. در آن قسمت خلیج فارس، چند ساعت زدوخورد شد، نقشه جغرافیای دنیا، الآن تغییر پیدا کرده و همه دنیا، به خلیج فارس لشکر کشیده‌اند. این‌ها را با هشت سال جنگ همه‌جانبه، با کشور ما مقایسه کنید ...» (سخنرانی در دیدار با گروه کثیری از آزادگان، ۱۳۶۹/۰۶/۲۶).

ج) مؤلفه‌های جنگ همه‌جانبه

مؤلفه‌های جنگ همه‌جانبه را به طرق مختلف دسته‌بندی کرده‌اند. خسروی آن‌ها را در هفت محور نظامی، اجتماعی، اقتصادی، روانی، فرهنگی، اعتقادی و سیاسی نام برده است (خسروی، ۱۳۹۷). از طرفی، نظریه جنگ ترکیبی نیز دربردارنده تقسیمی از مؤلفه‌های جنگ همه‌جانبه است که عبارت است از هشت جزء: جنگ دیپلماتیک، نیروهای ویژه، نیروهای نامنظم و چریکی، جنگ‌های کلاسیک نظامی، جنگ اطلاعاتی و تبلیغاتی، حمله سایبری، جنگ اقتصادی و حمایت از آشوب‌های داخلی (گزارش امنیتی مونیخ، ایشینگر، ۲۰۱۵).

چهارچوب نظری

میدان‌های جنگ همه‌جانبه

تا به حال، پژوهشگران، میدان‌های جنگ موجود را به شیوه‌های مختلفی، دسته‌بندی و

تعریف کرده‌اند. برخی، صرفاً بعد نظامی این میدان‌ها را در نظر گرفتند و به تبیین و بررسی تکنیک‌ها و ابزارهای موجود و مورد نیاز در رویارویی با دشمن پرداختند. برخی دیگر، عرصه‌های جنگ را فراتر از بعد نظامی مورد بررسی قرار دادند و عرصه‌هایی دیگر را در این حوزه دخیل دانسته‌اند. مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)، در خصوص بررسی میدان‌های جنگ دشمن می‌فرماید: «باید ابعاد دشمن و ابعاد دشمنی را بدانیم تا بتوانیم بر او فائق بیاییم» (بیانات در دیدار مدیران صدا و سیما، ۱۳۸۱/۱۱/۱۴). ایشان در موارد انبوهی، این نکته را متذکر شده‌اند که نبایست عرصه تقابل با دشمن را در بعد نظامی محدود کرد: «جنگ، جنگ نظامی نیست ...؛ اما جنگ هست، جنگ‌هایی هست که از جنگ نظامی خطرناک‌تر است. دشمن در حال جنگ با ما است» (بیانات در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی سراسر کشور، ۱۳۹۶/۱۰/۰۶). از طرفی، ایشان مجاهدت را صرفاً مقابله با دشمن در میدان جنگ نظامی نمی‌دانند: «مجاهدت، فقط جنگ نظامی نیست. مجاهدت اعم است از انواع مبارزات؛ از مبارزات فرهنگی گرفته تا مبارزات سیاسی تا مبارزات اقتصادی. این‌ها همه داخل در عنوان مجاهدت است. ذهن فقط نرود به جنگ نظامی. یک وقتی هم ممکن است در یک جایی جنگ نظامی پیش بیاید؛ لکن همه مجاهدت آن نیست» (بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت (علیه السلام) و اتحادیه رادیو و تلویزیون‌های اسلامی، ۱۳۹۴/۰۵/۲۶). معظم‌له در بیان تفاوت لایه‌های عمیق‌تر میدان‌های جنگ موجود با جنگ نظامی فرموده‌اند: «از ترور جسمی خطرناک‌تر، ترور مغزی و فکری است» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از اعضای بنیاد علمی نخبگان و استعدادهای برتر علمی کشور، ۱۳۹۶/۰۷/۲۶)، «جنگ فقط توپ و تفنگ نیست؛ جنگ اقتصادی، جنگ امنیتی، جنگ اطلاعاتی، جنگ سیاسی، این‌ها هم جنگ است. گاهی خطرناک‌تر از جنگ نظامی هم هست. دشمن در حال جنگ با ما است» (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۸/۰۱/۰۱).



با توجه به بیانات آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی) در این خصوص: «همه این را قبول داریم که جمهوری اسلامی، در حال يك مبارزه سخت و يك مبارزه همه‌جانبه است؛ نه فقط در زمینه سیاسی، (بلکه) در زمینه فرهنگی، در زمینه اقتصادی، در زمینه اجتماعی، در زمینه امنیتی، ما در حال مبارزه‌ایم. (البته) جنگ نظامی و مبارزه نظامی هم در برهه‌ای از زمان بوده که متوقف شده و (الآن) نیست؛ اما سخت‌تر از آن، جنگ‌های امنیتی است، جنگ‌های اقتصادی است، جنگ‌های فرهنگی است که ما در جریانیم و در حال جنگیم؛ این را هیچ‌کس نمی‌تواند انکار کند» (بیانات در دیدار با رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۶/۱۲/۲۴).

می‌توان عرصه‌های ظهور مؤلفه‌های میدان جنگ همه‌جانبه را این‌گونه برشمرد:
۱- فرهنگی، ۲- سیاسی، ۳- اقتصادی، ۴- اجتماعی، ۵- امنیتی و ۶- نظامی.

الف) مؤلفه فرهنگ

فرهنگ فارسی معین، واژه فرهنگ را مرکب از دو واژه فر و هنگ، به معنای ادب، تربیت، دانش، علم، معرفت و آداب و رسوم تعریف کرده است (معین، ۱۳۵۱). اصطلاح فرهنگ، دارای معانی و مفاهیم متنوع است و در سیر تاریخی خود، معانی مختلفی را به خود گرفته است، از جمله: ادب، تربیت، دانش، معرفت، مجموعه آداب و رسوم و آثار علمی و ادبی یک ملت، کتاب لغت، نیکویی، پرورش بزرگی، فضیلت، شکوه‌مندی، هنر، حکمت، شاخ درختی که زیر زمین خوابانند و بر آن خاک ریزند و نیز تعلیم و تربیت، آموزش و پرورش، مکتب و ایدئولوژی است (صاحبی، ۱۳۸۴). ادوارد بارنت تیلر، قدیمی‌ترین تعریف فرهنگ را در قرن نوزدهم سال ۱۸۷۱ در کتاب «فرهنگ ابتدایی» چنین آورده است: «فرهنگ، کلیت در هم تافته‌ای است شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عادت‌هایی که آدمی همچون عضوی از جامعه به‌دست می‌آورد» (آشوری، ۱۳۵۷).



مقام معظم رهبری در تعریف فرهنگ می‌فرماید: «فرهنگ، مثل آب و هواست. فرهنگ، یعنی همین رسوم و آدابی که بر زندگی من و شما حاکم است. فرهنگ، یعنی باورها و اعتقادات ما و چیزهایی که زندگی شخصی و اجتماعی و داخل خانه و محیط کسب يك جامعه، با آن‌ها روبه‌روست. جمهوری اسلامی، فرهنگ غربی را رد کرد و گفت ما فرهنگ مستقل اسلامی داریم» (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۹/۰۱/۱۰).

ب) مؤلفه سیاست

سیاست یعنی شناخت، اتخاذ تصمیم تخصصی، پیاده‌سازی بهترین راه و روش برای منافع فردی یا گروهی در برابر چالش‌های احتمالی یا پیش‌رواست. در این میان، معمولاً حکومت‌ها، عامل سیاست‌ورزی و موضوع عمل گروه‌ها، افراد و بخش‌های مختلف جمعیت هستند. (بشیریه، ۱۳۸۲)

در فرمایشات آیت‌الله خامنه‌ای، واژه سیاست، به این شکل معنا شده است: «سیاست، یعنی نگاه به حرکت عمومی جامعه که کدام طرف داریم می‌رویم؛ آیا به سمت هدف‌ها داریم حرکت می‌کنیم یا زاویه گرفته‌ایم و داریم از هدف‌ها دور می‌شویم؟ معنای واقعی سیاست این است» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از ائمه جماعات مساجد استان تهران، ۱۳۹۵/۰۵/۳۱).

ج) مؤلفه اقتصاد

فرهنگ لغت آکسفورد، اقتصاد را این‌گونه تعریف کرده است: «اقتصاد، ارتباط میان تولید، تجارت و عرضه پول، در یک کشور یا منطقه مشخص می‌باشد» (Oxford Advanced Learner's Dictionary, ۲۰۰۰).

مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید: «ما نباید دنبال این اقتصاد (غربی) برویم.





شکوفایی اقتصاد، معنایش این نیست. شکوفایی اقتصاد، این است که به دولت امکان بدهد تا فقر را از میان جامعه بردارد. این اقتصاد خوب است. ما بایستی نه فقر يك گروه خاصی را بلکه فقر عمومی را از بین ببریم. اقتصاد، اقتصاد اسلامی است و همین بایستی تحقق پیدا کند» (بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی، ۱۳۷۷/۱۲/۰۴).

د) مؤلفه جامعه

برای این واژه، تا به حال تعریف‌های متعددی ذکر شده است؛ اما تعریفی که سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها بیان کرده، جامع‌تر به نظر می‌رسد: «جامعه، مجموعه‌ای بزرگ و خودپسنده از افراد انسان است که روابط گوناگون، مشترک و متقابل و نسبتا پایداری، آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد» (گروه جامعه‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲).

امام خامنه‌ای (مد ظله العالی)، در مورد جامعه ایده‌آل می‌فرماید: «جامعه وقتی تشکیل شد، مهم‌ترین مسئولیت این جامعه این است که انسان‌ها بتوانند در سایه‌سار چنین اجتماعی، چنین حکومتی، چنین فضایی، به کمال معنوی و کمال الهی برسند که: «ما خَلَقْتُ الْإِنْسَانَ إِلَّا لِيَعْبُدُنِي؛ انسان‌ها به عبودیت برسند» (بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴).

هـ) مؤلفه امنیت

امنیت، یعنی دوری از هرگونه تهدید و نیز آمادگی برای رویارویی با خطرات، مفهوم امنیت نسبی و دارای شدت و ضعف است. به این معنا که در برخی موقعیت‌ها (زمان و مکان‌های مختلف)، در ذهن افراد، ارتقا یا کاهش می‌یابد. امنیت از ضروری‌ترین

نیازهای یک جامعه است. امنیت، به‌گونه‌های فردی، عمومی، خانواده، اجتماعی، داخلی، ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی و سایبری تقسیم می‌شود (آشوری، ۱۳۸۷).

آیت‌الله خامنه‌ای در ضرورت این امر فرموده‌اند: «امنیت از مهم‌ترین و مؤثرترین عوامل مورد نیاز يك جامعه است. اگر امنیت در يك جامعه‌ای نباشد، در آن جامعه، هیچ کار درست و مثبتی نمی‌شود انجام داد؛ اگر امنیت در يك جامعه نبود و کشور مورد تهدید دشمنان قرار گرفت، نه کار علمی و تحقیقی در آن کشور می‌شود درست انجام داد، نه فعالیت اقتصادی می‌شود انجام داد، نه کار فکری و فرهنگی می‌شود انجام داد. در محیط ناامن، هر کسی به فکر حفظ جان خودش است» (بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش، ۱۳۹۸/۰۸/۰۸)، «يك ملت، اگر امنیت داشته باشد، ثبات سیاسی داشته باشد، از آرامش دستگاه‌های حاکمیت نظام برخوردار باشد، آن ملت فرصت پیدا خواهد کرد که در میدان‌های گوناگون، به مسابقه بزرگ بشری وارد شوند و پیش‌تاز باشد. امنیت و آرامش برای يك کشور، جزء مهم‌ترین خواسته‌ها و مفیدترین عوائد يك ملت است» (بیانات در اجتماع مردم شیروان، ۱۳۹۱/۰۷/۲۷)، «کشوری که دارای امنیت نباشد، نمی‌تواند نه در علم، نه در اقتصاد، نه در صنعت، نه در عزت ملی، خودش را به پیش و به جلو بکشد؛ اما وقتی استقرار و امنیت و آرامش در يك کشور بود، ملت فرصت پیدا می‌کند که آمادگی‌های خود و استعدادهای خود را بروز دهد» (بیانات در اجتماع مردم شیروان، ۱۳۹۱/۰۷/۲۷).

(و) مؤلفه نظامی

منظور مجموعه فعالیت و تحرکات جوامع، در عرصه پیشگیری یا مقابله با تجاوز جامعه یا جوامع بیگانه، به تمامیت عرضی و منافع یک کشور است. مقام معظم رهبری، در خصوص این مؤلفه می‌فرماید: «قدرت نظامی برای کشوری که مورد تهدید

قدرت هاست، یکی از واجب‌ترین واجبات است. امروز این نکته مخصوص جمهوری اسلامی هم نیست. همه کشورهای که می‌خواهند از آسیب دخالت قدرت‌های بزرگ محفوظ باشند، اولاً، باید نظام‌های سیاسی آن‌ها، متکی به مردم باشد و ثانیاً، باید از قدرت نظامی مردمی خودکفای کارآمد برخوردار باشند؛ ولی آن‌ها این را نمی‌خواهند» (بیانات در دیدار با فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶/۰۶/۲۶).

روش‌شناسی

پژوهش حاضر که به بررسی دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای (مد ظله العالی)، در زمینه مؤلفه‌های میدان جنگ همه‌جانبه می‌پردازد و در پی استخراج راهبردهای ایشان در هر مؤلفه، از میدان جنگ همه‌جانبه است، از نوع کاربردی می‌باشد و چون منبع اطلاعات به‌کار رفته در پژوهش، سخنرانی‌ها و مکتوبات معظم‌له است، روش انجام تحقیق توصیفی-تحلیلی می‌باشد. همچنین به‌علت این‌که داده‌های این پژوهش، صرفاً از طریق مطالعات کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است، پژوهش به‌صورت کیفی انجام شده است. قلمرو زمانی و مکانی این پژوهش، دوران زعامت ایشان در مسند رهبری و دوران فعالیت‌های ایشان، قبل از این را شامل می‌شود.

در این پژوهش که با روش تحلیل مضمون صورت گرفته است، به تحلیل بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)، در خصوص مؤلفه‌های میدان جنگ همه‌جانبه پرداخته شده است.

تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرآیندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. تحلیل مضمون، صرفاً روش کیفی خاصی نیست؛ بلکه فرآیندی است که می‌تواند در اکثر روش‌های کیفی به‌کار رود.





به طور کلی، تحلیل مضمون، روشی است برای:

- دیدن متن؛
- برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتبط؛
- تحلیل اطلاعات کیفی؛
- مشاهده نظام مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان و یا فرهنگ؛
- تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی.

در تحلیل مضمون، در صورتی که پژوهشگر نخواهد به نظریه کامل برسد، نیازی ندارد به اصول نظریه داده بنیاد پای بند باشد. ضمن این که در نظریه داده بنیاد، تحلیل از منبع شروع می شود و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه می یابد؛ ولی در تحلیل مضمون، همه منابع داده، بررسی و مضامین کل داده‌ها، تحلیل و تفسیر می شود. بعد از کدگذاری اولیه و مشخص شدن مضامین پایه، مضامین سازمان دهنده و مضامین فراگیر، از طریق فرآیند استقرا شکل گرفتند (عابدی و همکاران، ۱۳۹۰).

تحلیل داده‌های تحقیق

در تحلیل بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی)، در خصوص مؤلفه‌های میدان جنگ همه جانبه، برای هر مؤلفه، با استفاده از روش تحلیل مضمون، ابتدا، مضامین پایه از طریق فرآیند کدگذاری شناسایی شدند. مضامین پایه مشابه، مضامین سازمان دهنده را شکل می دهند و در نهایت، مضامین فراگیر، از کنار هم قرار دادن چند مضمون سازمان دهنده به دست آمده است.







جدول یک: مضامین به دست آمده از بیانات مقام معظم رهبری - مؤلفه جنگ فرهنگی

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه
چیستی جنگ فرهنگی	ماهیت و مفهوم جنگ فرهنگی	• جنگ فرهنگی شعار نیست؛ بلکه متکی به استدلال است؛ • در جنگ فرهنگی، يك طرف آن، ملت ایران که طرفدار اسلام و نجات مستضعفان و دشمن نظام استکباری دنیا هستید، قرار دارند و طرف دیگر آن، دشمنان آنان، یعنی سردمداران جبهه استکبار و ضد اسلام، دنباله‌روهایشان و اراذلی که در این بین، به خاطر منافع شخصی و هواهای نفسانی، دنبال بوق استکبار و خر دجال او راه افتاده‌اند؛ • جنگ فرهنگی و روانی، از آغاز دوران استعمار تاکنون، کاری‌ترین ابزار غرب در سلطه‌گری‌اش بر کشورهای اسلامی بوده است. آماج این تیر زهرآلود، نخست نخبگان و روشنفکران و سپس توده مردم‌اند؛ • تهاجم فرهنگی، این است که يك مجموعه سیاسی یا اقتصادی برای مقاصد سیاسی خود و برای اسیر کردن يك ملت، به بنیان‌های فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد؛ • جنگ فرهنگی، یک جنگ واقعی است؛ • تهاجم فرهنگی، مخصوص برخی از پدیده‌های ظاهری و سطحی نیست؛ • بیشتر نقاط عالم، جنگ فرهنگی و سیاسی عظیمی را علیه جمهوری اسلامی شروع کرده‌اند؛ • یکی از مهم‌ترین ثروت‌های ما، ثروت فرهنگی ما است؛ • جنگ فرهنگی، جنگ با جمود است.





مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه
چیستی جنگ فرهنگی	ویژگی های جنگ فرهنگی	• دشمن از جنگ فرهنگی مأیوس است؛ • جنگ نرم، بالاترین جایگاه را در میان انواع جنگ دارد؛ • جنگ فرهنگی، پرهیاهو نیست؛ • دهه ۷۰، شروع یک جنگ فرهنگی خباثت آلود بود؛ • جنگ فرهنگی، کار آسانی نیست؛ • خاکریزهای امروز، خاکریزهای فرهنگی و فکری است؛ • نسل جوان، در حال تباه شدن در جنگ فرهنگی به صورت تدریجی، به وسیله دشمن است؛ • تهاجم فرهنگی، در دوران ضعف يك ملت است.
	شاخه های دیگر جنگ فرهنگی	• شبیه خون فرهنگی؛ • جنگ نرم؛ • جنگ روانی؛ • تهاجم فرهنگی؛ • جنگ تبلیغاتی؛ • جنگ اعتقادی؛ • جنگ پنهان.
چرایی جنگ فرهنگی	هدف دشمن	• دشمن وقتی دید نمی تواند با جنگ نظامی غالب شود، به تهاجم فرهنگی رو آورد.



مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه
چرایی جنگ فرهنگی	هدف دشمن	اهداف فرعی
چگونگی جنگ فرهنگی	ابزار معنوی	• به فراموشی سپردن ارزش های دفاع مقدس؛ • دورکردن دل و ذهن جوانان از دین، مقدسات، حیا، عفت و ...؛ • دشمن در حمله فرهنگی، انسان را بی حال می کند و نیروهای به درد بخور را بی خاصیت می کند؛ • تهاجم فرهنگی، هدف، ریشه کن کردن فرهنگ ملی و از بین بردن آن است؛ • ضریب دادن به جنگ اقتصادی.
چگونگی جنگ فرهنگی	ابزار دشمن	• يك مجموعه فرهنگی در دنیا، با تکیه به نفت، حق وتو، سلاح میکروبی و شیمیایی، بمب اتمی و قدرت سیاسی، می خواهد همه باورها و چارچوب های مورد پسند خودش برای ملت ها و کشورهای دیگر را به آن ها تحمیل کند؛ • مطرح کردن پلورالیزم فرهنگی؛ • استفاده از شعار وحدت فرهنگی و فرهنگ جهانی؛ • شبکه های مختلف تلویزیونی و اینترنتی.
چگونگی جنگ فرهنگی	ابزار مادی	• دشمن تلاش جدی و هزینه مادی می کند؛ • هزاران توپخانه - توپخانه دروغ پردازی، توپخانه بزرگ نمایی مشکلات - به سمت ملت ایران؛ • قلم به مرزها و فرهنگی های دین و دل و وجدان باخته و نشسته پای بساط فساد استکبار، چه غالبا و اکثرا، در خارج کشور و چه تك وتوکی در داخل کشور که برای مقاصد استکباری، قلم هم بردارند، شعر هم بگویند، کار هم بکنند و دارند می کنند؛ • ورود محصولات فرهنگی به صورت قاچاق؛ • مشغول کردن جوانان به فساد و شهوترانی و می گساری و ...



مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه
راهبردهای مقابله با جنگ فرهنگی	بایدها و نبایدها	• خودسازی فکری و اخلاقی و انقلابی درونی، يك فريضه است، چه در مقياس فردی و چه در مقياس اجتماعی؛ • پاسخگویی به شبهات؛ • نبرد فرهنگی را باید با مقابله به مثل پاسخ داد؛ • فرهنگیان اعم از معلم، دانشجو، روحانی، طلبه، مدرسان تا دانش‌آموزان و تا کسانی که در بیرون نظام آموزشی کشور مشغول کارند، احساس کنند که امروز، سرباز این قضیه آنانند و بدانند که چگونه دفاع خواهند کرد و چه کاری انجام خواهند داد؛ • فعالیت دشمن را شناختن؛ • تبعیت از فرمانده؛ • کار فرهنگی، باید رشد پیدا کند؛ • باید حدس بزنی دشمن چه کار می‌خواهد بکند؛ • مبارزه با این ترفند، جز با رویگردانی از فرهنگ تحکم‌آمیز و تحمیلی غرب ممکن نیست؛ • نباید گذاشت نسل جوان، به صورت تدریجی در جنگ فرهنگی تباہ شود؛ • کارهایی که بعد فرهنگی دارد، باید زمینه وسیعی را به خود اختصاص دهد؛ • برای جلوگیری از واردات فرهنگی و حمله فرهنگی، باید تولید فرهنگی داشت؛ • تبیین میدان جنگ برای مردم.



جدول دو: مضامین به دست آمده از بیانات مقام معظم رهبری - مؤلفه جنگ اجتماعی

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه
چستی جنگ اجتماعی	ماهیت و مفهوم جنگ اجتماعی	• مبارزه در جنگ اجتماعی، از انواع مجاهدت است؛ • جنگ اجتماعی، از جنگ نظامی سخت تر است؛ • شرکت یا عدم شرکت در انتخابات، از مصادیق عرصه اجتماعی اند؛ • فعالیت در جنگ اجتماعی، از مصادیق جهاد کبیر است؛ • مهم ترین چالش هر تحول عظیم اجتماعی است که هدف هایی دارد و به سمت آن هدف ها، حرکت و دعوت می کند.
	ویژگی های جنگ اجتماعی	• تبلیغات سوء؛ • تحولات اجتماعی، دیر فهمیده می شود؛ • جنگ اجتماعی ویرانی مادی ندارد؛ بلکه همراه با آبادانی است.
چرایی جنگ اجتماعی	بلند مدت	• دشمن قصد دارد در جامعه، دین زدایی کند؛ • دشمن هدف دارد ارزش های اجتماعی را کم رنگ کند.
	هدف دشمن کوتاه مدت	• ایجاد روحیه ناامیدی؛ • از بین بردن وحدت؛ • بزرگ نمایی ضعف ها و تحقیر قوت ها؛ • اعتماد زدایی از مردم.
چگونگی جنگ اجتماعی	ابزار دشمن	• رسانه ها، تلویزیون ها، هنرها و این شبکه های عظیم اطلاع رسانی اینترنتی و ...
	مادی معنوی	• دروغ، شایعه، تحریف و ...





مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه
راهبردهای مقابله با جنگ اجتماعی	وظایف در رابطه با جنگ اجتماعی باید ها و نباید ها	• رعایت تقوا در امور اجتماعی؛ • رسیدن به عدالت اجتماعی؛ • باید به مسائل اجتماعی ورود کرد؛ • تقویت خصال نیک در خود، برخورد مهربان و خدوم و تحسین برانگیز با محیط؛ • فعالیت اجتماعی، مثل جهاد کبیر است؛ • تصمیمات اجتماعی، باید بر اساس فکر باشد نه هوس؛ • باید به اقتدار اجتماعی برسیم؛ • باید شجاعت اجتماعی داشت؛ • تبیین میدان جنگ برای مردم.
	ظرفیت ها در رابطه با جنگ اجتماعی	• کلید تحولات اجتماعی، در دست جوانان است. • مشارکت زنان در امور اجتماعی؛ • استفاده از دیدگاه اندیشمندان اسلامی؛ • استفاده از ظرفیت گروه های اجتماعی متعدد؛ • استفاده از ظرفیت مساجد و هیئات مذهبی در جنگ اجتماعی؛ • استفاده از ظرفیت مردمی.



جدول سه: مضامین به دست آمده از بیانات مقام معظم رهبری - مؤلفه جنگ سیاسی

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه
چیستی جنگ سیاسی	ماهیت و مفهوم جنگ سیاسی	• تقسیم دنیا به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر؛ • به وجود آوردن اختلاف در میان کشورها، با بهانه‌های مختلف؛ • مسئله فلسطین، امروز در رأس مسائل سیاسی دنیای اسلام و امت اسلامی است؛ • فعالیت در جنگ سیاسی، نوعی جهاد محسوب می‌شود؛ • دشمن در جنگ سیاسی، به قدرت نظامی و قدرت پولی و قدرت رسانه‌ای اتکا می‌کند
	ویژگی‌های جنگ سیاسی	• اختلافاتی که در عراق و در سوریه و در بقیه جاها به هیچ‌وجه دعوی مذهبی نیست، دعوی سیاسی است. جنگ در یمن، جنگ سیاسی است، نه جنگ مذهبی؛ • کشورهایی در دنیا، جنگ سیاسی را علیه کشور ایران شروع کردند.
چرایی جنگ سیاسی	داخلی	• حادثه پیروزی انقلاب اسلامی برای جبهه استکبار گنج‌کننده بود.
	خارجی	• دشمن می‌خواهد با فشار سیاسی نگذارند کشورهای دیگر از ایران الگو بگیرند؛ • سرکوب کردن نهضت بیداری اسلامی؛ • ناکارآمد نشان دادن نظام.





مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه
چگونگی جنگ سیاسی	ابزار دشمن	• تهدید، تحریم و فشار امنیتی؛ • دخالت در امور دیگران، در اختیار گرفتن منابع مالی و حیاتی آنان؛ • در قامت دوست وارد شدن و در قامت سلطه‌گری عمل کردن؛ • ایجاد اختلاف و نفوذ؛ • تحریک شکاف‌های قومی و مذهبی؛ • ایجاد دوقطبی‌های سیاسی؛ • دیپلماسی فشار و تخریب.
راهنمای مقابله با جنگ سیاسی	بایدها و نبایدها	• بی تفاوت نبودن در عرصه‌های سیاسی؛ • محافظه‌کار نبودن؛ • بیدار بودن و احساس کردن تحرکات دشمن؛ • فکر سیاسی کردن و هوشیارانه عمل کردن؛ • شناخت پیدا کردن از دشمن؛ • از بالا به جریانات نگاه کردن؛ • فراتر از احزاب سیاسی به مسائل پرداختن؛ • بصیر بودن؛ • جلوگیری از بروز اختلاف؛ • جلوگیری از نفوذ؛ • تبیین میدان جنگ برای مردم.
	امور مادی	• حضور جوانان در عرصه سیاسی؛ • پای بندی به اصول و قوانین؛ • در دام بگومگوهای جناح‌های سیاسی نیفتادن؛ • مشارکت در امور سیاسی مثل انتخابات‌ها؛ • استفاده از ظرفیت دانشجویی؛



جدول چهار: مضامین به دست آمده از بیانات مقام معظم رهبری - مؤلفه جنگ اقتصادی

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه
چیستی جنگ اقتصادی	ماهیت و مفهوم جنگ اقتصادی	• دشمن يك جنگ اقتصادی همه جانبه ای را علیه ما شروع کرده؛ • در جنگ اقتصادی، تحریم ها شدت پیدا می کند؛ • دشمن روی جنگ اقتصادی، متمرکز شده است؛ • در کشور ما و سال های متمادی است که دارند با ما جنگ اقتصادی می کنند؛ • اتاق جنگ آمریکا علیه ما، عبارت است از وزارت خزانه داری آمریکا که همان وزارت اقتصاد و دارایی شان است؛ • دشمن نمی خواهد ما مستقل باشیم؛ • تحریم ها از حدود زمستان سال نود تا امروز، تبدیل شده به جنگ اقتصادی؛ • دیگر اسم آن تحریم هدفمند نیست؛ • دشمن به بهانه هایی مثل حقوق بشر و هسته ای، تحریم می کند تا به الگویی برای دیگر کشورها تبدیل نشویم.
	ویژگی های جنگ اقتصادی	• دشمن با اتکا به قدرت نظامی اش، قصد تهاجم دارد؛ • می خواهند ملت ایران را از لحاظ مسائل اقتصادی، در تنگنا قرار دهند؛ • جنگ اقتصادی، کار جدیدی نیست. چهل سال است که به شکل های مختلف تحریم اقتصادی علیه ما دارند. حالا يك روز نفت است، يك روز معامله است، يك روز تجارت است، يك روز سرمایه گذاری است.





مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده		مضمون پایه
چرایی جنگ اقتصادی	اهداف دشمن	بعد داخلی	• ایجاد نارضایتی؛ • عدم استقلال کشور؛ • تلقین روحیه ناکارآمدی مسئولین.
		بعد خارجی	• تبدیل نشدن ایران به الگو در جهان.
چگونگی جنگ اقتصادی	ابزار دشمن	وابسته به عامل خارجی	• جنگ تبلیغاتی مقدمه جنگ اقتصادی است؛ • تحریم.
		وابسته به عامل داخلی	• کاهش ارزش پول ملی؛ • سوء استفاده دشمن از وابستگی ما به نفت.
راهبردهای مقابله با جنگ اقتصادی	باید ها و نباید ها	کوتاه مدت	• گفتمان سازی در حوزه اقتصاد مقاومتی؛ • اصلاح امور بانکی؛ • بایستی موانع راه فعالان اقتصادی، کارآفرینان، مبتکران، سرمایه گذاران و دانشمندان در عرصه اقتصاد برداشته شود؛ • از تحریم ها برای شکوفایی خودمان استفاده کنیم؛ • تولید ملی و رونق اقتصادی؛ • شناخت نقاط ضعف خود و نقاط قوت دشمن؛ • صرفه جویی و پرهیز از اسراف و هزینه کرد های اضافی؛ • غافل نشدن از مشکلات داخلی اقتصاد؛ • جلوگیری از قاچاق؛ • استفاده از نظر کارشناسان؛ • استفاده از ظرفیت غنی نیروی انسانی؛ • تبیین میدان جنگ برای مردم.



مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه
راهنماهای مقابله با جنگ اقتصادی	باید ها و نباید ها	بلند مدت
• هدایت نقدینگی به سمت اقتصاد تولیدی، کشاورزی و تولید مسکن؛ • تبدیل تهدید نقدینگی به فرصت اقتصادی؛ • مبارزه با فساد اقتصادی؛ • نمی توان روابط اقتصادی مان را با دنیا قطع کنیم؛ • محدود نکردن رابطه اقتصادی با چند کشور؛ • اقتصاد مردمی؛ • پرهیز از اقتصاد وابسته به نفت؛ • حرکت در مسیر اقتصاد مقاومتی؛ • استفاده از ظرفیت های معدنی و طبیعی؛ • اقتصادمان را نسبت به بحران های اقتصادی دنیا، مقاوم سازی کنیم؛ • پرداختن به حوزه های مهم که کشور نیازمند آن است، مثل حوزه خودرو، کشاورزی و مسکن؛ • عزم جدی مسئولان در حوزه اقتصاد؛ • رونق دادن به تولید و اقتصاد.		

جدول پنج: مضامین به دست آمده از بیانات مقام معظم رهبری - مؤلفه جنگ امنیتی

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه
چیستی جنگ امنیتی	ماهیت و مفهوم جنگ امنیتی	• از مصادیق جنگ امنیتی، مسئله نفوذ است؛ • جنگ امنیتی، به گونه ای است که اگر جنگ نظامی رخ دهد، تمام نقشه های جنگ امنیتی دشمن به هم می خورد؛ • اولین جاسوسی ها، اولین نفوذ های امنیتی، اولین تهاجمات وسیع و همه جانبه تبلیغاتی علیه انقلاب اسلامی، از طرف غربی ها شد؛ • جنگ امنیتی، بصیرتش و ایستادگی اش از ایستادگی در جنگ نظامی کمتر نیست؛ • از جهت امنیتی، مسئله اسرائیل، یک خطر امنیتی، نه فقط برای مردم خودش؛ بلکه برای کل منطقه است؛ • تبلیغات علیه وزارت اطلاعات (و سازمان های اطلاعاتی).
	ویژگی های جنگ امنیتی	• به کارگیری عوامل جاسوسی؛ • دشمن با جنگ تبلیغاتی را زمینه جنگ امنیتی و اطلاعاتی می کند؛ • سعی می کنند که فضای کشور را از چتر امنیتی خالی فرض کنند.
چرایی جنگ امنیتی	اولیه	• قتل، جنایت، خباثت، بمب گذاری، آدم کشی، مثله کردن، ترور و ایجاد وحشت؛
	اهداف دشمن ثانویه	• نفوذ به لایه های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور؛ • مردم را از عرصه جهاد و مقاومت دور کردن؛ • مردم را نسبت به آرمان ها، بی تفاوت کردن.





مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه
چگونگی جنگ امنیتی	عناوین	• دستگاه‌های اطلاعاتی نظیر «موساد»، «سیا» و «اینتلیجنت سرویس»، «MI۵» و «MI۶»؛ • استفاده از عوامل جاسوسی.
	ابزار دشمن روش‌ها	• عوامل نفوذ در قالب ارتباط با دانشگاه‌ها، ارتباط با دانشمندان، ارتباط با استاد، ارتباط با دانشجو و کنفرانس‌های علمی و ...، وارد کشور می‌شوند؛ • پوشش نیروهای جاسوسی، با عناوین فرهنگی و هنری؛ • استفاده از پوشش تاجری و رسیدن به مقاصد جاسوسی؛ • استفاده از عوامل خودفروخته داخلی.
راهبردهای جنگ امنیتی	بایدها و نبایدها	• کارکنان سازمان‌های اطلاعاتی، روحیه خود را در مقابل تبلیغات سوء از دست ندهند؛ • کارکنان سازمان‌های اطلاعاتی، سنگر خود را محکم حفظ کنند و از ملت دفاع کنند؛ • باید بیدار بود تا بتوان جلوی نفوذ را گرفت؛ • تبیین میدان جنگ برای مردم؛ • در زمینه‌های مختلف، از تجربیات افراد خارجی استفاده کنیم؛ ولی حواسمان باشد با عوامل جاسوسی بده بستان نکنیم؛ • باید کشور را به جایی رساند که آسیب‌پذیری امنیتی‌اش صفر باشد.

جدول شش: مضامین به دست آمده از بیانات مقام معظم رهبری - مؤلفه جنگ نظامی

مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه
چیستی جنگ نظامی	ماهیت و مفهوم جنگ نظامی	• جنگ نظامی دیگر برای کشور مطرح نیست؛ • دشمن قصد جنگ ندارد؛ ولی با کنایه شیخ جنگ را بزرگ می کند تا مردم را بترساند؛ • در جنگ نظامی ما پیروز شدیم؛ • راه انداختن جنگ نظامی برای دشمن آسان نیست؛ • در جنگ نظامی، اشخاص متخصص به شناسایی می روند، صحنه را شناسایی می کنند، دشمن را شناسایی می کنند، حدس می زنند یا می فهمند که دشمن این نیت را دارد، از این جا حمله خواهد کرد و آن جا را می بندند؛ • جنگ نظامی انواعی دارد: زمینی، هوایی و دریایی؛ • در جنگ نظامی، دشمن به سراغ سنگرهای مرزی ما می آید، مراکز مرزی ما را سعی می کند منهدم بکند تا بتواند در مرز نفوذ کند؛ • با پیشرفت نظامی ما مخالفند، با موشک ما مخالفند، با حضور ما در منطقه هم مخالفند؛ چون این ها هم جزء عوامل قدرت و عناصر قدرت ما است؛ • جنگ مثل يك آتش سوزی است؛ وقتی آتش سوزی می شود، همه کارهای دیگر را کنار می گذارند و می روند آتش را خاموش کنند؛ • در جنگ نظامی، يك طرف بالاخره بر دیگری فائق می آید، او را سرکوب می کند و مسئله تمام می شود؛





مضمون فراگیر	مضمون سازمان دهنده	مضمون پایه
چیستی جنگ نظامی	ماهیت و مفهوم جنگ نظامی	• در جنگ با دشمن، انسان راحت می‌تواند آن میزان خلوص خود را و میزان خلوص دیگران را اندازه‌گیری کند؛ • در جنگ نظامی، اگر توانستیم نقشه دشمن را حدس ببریم، می‌توانیم پیشگیری کنیم و یا حتی در حمله پیش‌دستی کنیم.
	ویژگی‌های جنگ نظامی	• جنگ نظامی مردم را متحدتر می‌کند؛ • تاکتیکی عمل کردن فرمانده در جنگ مؤثر است؛ • در جنگ‌های نظامی، نتایج کوتاه‌مدت، تعیین‌کننده نیست، جنگ طول می‌کشد.
چرایی جنگ نظامی	اهداف دشمن	• جلوگیری از نفوذ ما در منطقه.
	داخلی	• تهدید همیشگی برای رسیدن به خواسته‌های خودشان.
چگونگی جنگ نظامی	ابزار دشمن	• هواپیما، موشک، بمب‌های شیمیایی و ...
	نیروی انسانی	• حضور مستشاران نظامی.
راهبردهای جنگ نظامی	بایدها و نبایدها	• در جنگ نظامی، چشم‌ها را باید باز کرد و صحنه را شناخت؛ • دانستن هندسه میدان جنگ؛ • شناسایی دشمن از نزدیک؛ • پیش‌روی در عین پارسایی؛ • آمادگی.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، نخست مضامین پایه مؤلفه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی، از سخنرانی‌ها، بیانیه‌ها، پیام‌ها، مکتوبات و ... مقام معظم رهبری استخراج گردید و سپس در چهار حوزه، مضامین فراگیر از میان مضامین پایه استخراج گردید که شامل مضامین چیستی و چگونگی مؤلفه مدنظر، چرایی آن، چگونگی و در نهایت، راهبردهای مقابله با جنگ در آن عرصه می‌شود.

مضمون سازمان‌دهنده مضمون فراگیر چیستی و چگونگی هر مؤلفه، دربرگیرنده دو بخش ماهیت و مفهوم آن مؤلفه و ویژگی‌های منحصر به فرد آن می‌شود.

مضمون فراگیر چرایی هر مؤلفه، شامل مضمون سازمان‌دهنده اهداف دشمن می‌شود که به دو دسته کوتاه مدت و بلند مدت تقسیم می‌شود.

مضمون فراگیر چگونگی هر مؤلفه نیز دربرگیرنده مضمون سازمان‌دهنده ابزار دشمن می‌شود که به ابزار مادی و معنوی تقسیم می‌شود.

همچنین مضمون فراگیر راهبردهای مقابله با جنگ در هر مؤلفه، شامل مضمون سازمان‌دهنده بایدها و نبایدها می‌باشد.

این مقاله، دربردارنده دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در مورد میدان جنگ همه‌جانبه و عرصه‌های مختلف آن می‌باشد که شامل چیستی، چگونگی، چرایی و در نهایت، راهبردهای معظم‌له در خصوص هر یک از میادین جنگ همه‌جانبه می‌باشد.

پیشنهاد

جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان پیش‌قراول جبهه مقاومت، بعد از گذشت بیش از چهل سال از پیروزی خود، هر روزه با انواعی از تهاجم جبهه استکبار روبه‌رو بوده است و میدان جنگ همه‌جانبه دشمن را در بالاترین سطوح تجربه کرده است. پیشنهاد





می‌شود تجربه‌هایی که در این چهل سال کسب شده است، برای جامعه مخاطب کشورهای جبهه مقاومت، بومی‌سازی شود تا آن‌ها نیز در ادامه مسیرشان، در دام جبهه استکبار نیفتند و امور فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه‌شان را در برابر حملات همه‌جانبه دشمن مقاوم کنند. از دیگر امتیازات بومی‌سازی راهبردهای مقام معظم رهبری در عرصه جنگ همه‌جانبه، در کشورهای جبهه مقاومت، این است که به جبهه مقاومت این امکان را می‌دهد تا با استفاده از تجارب دیگر متحدان خود، در برابر تکنیک‌های نوین جبهه استکبار جهانی، هماهنگ‌تر و نفوذناپذیرتر عمل کنند.



• قرآن کریم

۱. آشوری، داریوش، فرهنگ سیاسی، بی جا: انتشارات مروارید، ۱۳۷۳.
۲. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، تاریخ ابن خلدون، بی جا: انتشارات دارالفکر، ۱۴۲۱ه ق.
۳. بشیریه، حسین، آموزش دانش سیاسی: مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی، بی جا: انتشارات نگاه معاصر، ۱۳۸۲.
۴. صالح نیا، علی و حسین بختیاری، اولویت بندی تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با روش تحلیل سلسله مراتبی، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۷، تابستان ۱۳۹۷.
۵. خسروی، عباس، فصلنامه پژوهش های حفاظتی-امنیتی دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام) سال هفتم، شماره ۲۶.
۶. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، درآمدی بر جامعه شناسی، بی جا: بی نا، ۱۳۶۳.
۷. دهشیری، محمدرضا و مجتبی غفوری، الزامات راهبردی جمهوری اسلامی ایران در قبال سیاست های خاورمیانه ای جدید آمریکا، فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان، سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۴.
۸. صاحبی، محمدجواد، مناسبات دین و فرهنگ در جامعه ایران، بی جا: انتشارات طبع و نشر، ۱۳۸۴.
۹. عابدی جعفری، حسن و همکاران، تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده های کیفی، اندیشه مدیریت راهبردی، سال پنجم، ۱۳۹۰، صص ۱۵۱-۱۹۸.
۱۰. قنبری خانقاه، علی و همکاران، فرهنگ جامع واژه ها و اصطلاحات نظامی، بی جا:





دفتر واژه‌گزینی نظامی ستاد کل نیروهای مسلح، ۱۳۹۱.

۱۱. معین، محمد، فرهنگ، فرهنگ فارسی، بی‌جا: مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر، ۱۳۵۱.

۱۲. نوروزی، محمدتقی، فرهنگ دفاعی - امنیتی، بی‌جا: مرکز مطالعات و پژوهش‌های

مدیریت، ۱۳۸۵.

۱۳. khamenei.ir.

۱۴. ۱۹۸۸ Oxford English Dictionary, Oxford University Press.



دوره پانزدهم
مجموعه مقالات برگزیده جشنواره علامه حلی (ره)



شاخصه‌های طلبه تراز مبتنی بر اوصاف شهدای روحانیت در کلام امامین انقلاب

صفحات ۱۲۱ تا ۱۸۱

نویسنده مسئول، علی ملکوتی‌نیا - مجتبی قراباغی

برگزیده سطح چهار پانزدهمین جشنواره



دوره پانزدهم
مجموعه مقالات برگزیده جشنواره علامه حلی (ره)

چکیده

الگوهای شایستگی، تصویری از یک انسان رشدیافته را نشان می‌دهد که به طور معمول، شامل ویژگی‌های برجسته در ابعاد مختلف خواهد بود. این پژوهش، جستاری توسعه‌ای است که می‌کوشد به هدف دستیابی به «الگوی شایستگی‌های طلبه انقلابی»، داده‌های حاصل از مطالعه بیانات و پیام‌های امامین انقلاب اسلامی در خصوص ویژگی‌های برجسته شهدای گرانقدر روحانیت را با «روش تحقیق تحلیل محتوای کیفی متعارف»، بررسی و تحلیل نماید. یافته‌های پژوهش نشان داد که «الگوی شایستگی‌های طلبه انقلابی»، بر مبنای تحلیل ۱۰۷ کد مفهومی به دست آمده (از تعداد ۳۰ سخنرانی و ۸ پیام)، دربردارنده ۲۲ مؤلفه اساسی است که در قالب شش بعد اصلی، با توجه به میزان فراوانی و اهمیت، شامل ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری، توانایی‌ها، ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌ها، دانش و گرایش است. نتایج به دست آمده، حکایت از آن دارد که مهم‌ترین شایستگی‌های یک طلبه انقلابی، برخورداری او از «ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری»، «ویژگی‌های شخصیتی» و «توانایی‌ها» برای انجام وظایف و مسئولیت‌های صنفی خویش است. بر مبنای این تحقیق، مؤلفه‌های شش‌گانه «عالم به معارف دین و



دشمن شناس» (در بعد دانشی)، «مؤمن به اهداف انقلاب و مشتاق شهادت» (در بعد گرایشی)، «خدوم و خستگی ناپذیر» (در بعد شخصیتی)، «اهل قلم و بیان گویا» (در بعد مهارتی)، «با اخلاص و شجاع» (در بعد اخلاقی و رفتاری) و «رهبر و هدایت گر انقلابی» (در بعد توانایی ها)، به عنوان مؤلفه های اصلی این الگو به شمار می آیند.

واژگان کلیدی: طراحی الگوی شایستگی ها، طلبه انقلابی، ویژگی های برجسته شهدای روحانیت، شهادت، دفاع مقدس، امامین انقلاب اسلامی.

۱. مقدمه و طرح مسئله

حوزه علمیه، نهادی تاریخی و ریشه دار است که از زمان پیامبر اعظم (صلی الله علیه وآله وسلم) و امامان معصوم (علیه السلام) شکل گرفته و پیوسته در طول تاریخ، ضمن این که پایگاه علم و معارف دینی، اخلاق و تربیت الهی و انسانی بوده است، با مجاهدت و مقاومت پیشوایان دینی، طلاب و عالمان باتقوا، به ایفای نقش های مختلف سیاسی و اجتماعی نیز پرداخته است.

روحانیت شیعه، بیش از هزار سال است که به صورت یک صنف و یک قشر، باقی مانده است. این قشر با ایمان و جهادگر، علاوه بر جهاد علمی و پاسداری از هویت دینی، پیشگام مبارزات ملی - مذهبی، در مقابله با استبداد حاکمان و استعمار دولت های دست نشانده بوده اند.

تأثیرات مهم حوزه های علمیه و روحانیت فداکار در ایران، به خصوص از زمان صفویه و با مهاجرت عده زیادی از علمای بزرگ شیعه به ایران آغاز شد و در شرایطی که حدود ۵۰ سال از تأسیس و احیای حوزه علمیه قم می گذشت، چشمه زلال انقلاب اسلامی، از درون همین حوزه علمیه جوشید و در ادامه، ایران به پایگاه اسلام و معارف الهی تبدیل شد.





(با این توضیح) حوزه علمیه (در واقع)، به مثابه قاعده نظام جمهوری اسلامی است که همه چیز روی این قاعده بنا شده و دوام خواهد یافت؛^۱ زیرا اگر روحانیت و علمای دین، وارد میدان سیاست و مبارزه نمی شدند، این اتفاق بزرگ (انقلاب و تشکیل نظام اسلامی) که در ایران افتاد، اتفاق نمی افتاد.^۲ یعنی هیچ حزبی، هیچ مجموعه‌ای، هیچ گروهی از گروه‌های روشنفکر، تا گروه‌های سیاسی، تا گروه‌های چریکی، قادر نبودند بساط حکومت استبدادی و سلطنتی را در این کشور براندازی کنند و از بین ببرند و تسلط دیرین استعمار را بر این کشور نابود کنند و زمینه‌اش را از بین ببرند. اگر روحانیت در این میدان وارد نمی شد، امکان نداشت چنین اتفاقی بیفتد.^۳ مسائلی نظیر موفقیت در قضیه تنباکو و نهضت مشروطیت، قضیه نهضت ملی شدن صنعت نفت، قیام ۱۵ خرداد، ویران ساختن کاخ هزارساله سلطنت و پادشاهی در ایران، پیروزی در جبهه‌های هشت سال دفاع مقدس و قضایایی مانند آن، همگی مرهون حضور شجاعانه و غیرتمندانه روحانیت در میدان مجاهدت و مبارزه بود.

بنابراین، روحانیت، عنصر اصلی در مبارزات پانزده ساله منتهی به پیروزی انقلاب و سپس در تشکیل نظام مقدس اسلامی و برافراشتن پرچم اسلام در جهان و در مقاومت پرشور ملت ایران در برابر تهاجم‌های گوناگون دشمنان و پیش از این‌ها و در طول قرن‌های متمادی، عامل اصلی حفظ معارف اسلامی و ایمان عمیق و صادقانه ملت ایران، به مکتب حیاتبخش اسلام و رشد تفکرات دینی در همه جا بوده است. حضور روحانیون متعهد و مبارز، در مرکز مبارزه با رژیم دست‌نشانده امریکا بود که قشرهای

۱ . بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در مراسم بیعت هزاران تن از طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم و روحانیون بیست کشور جهان در تاریخ: ۱۳۶۸/۳/۲۲.

۲ . بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در دیدار مدیران، مدرسان و طلاب حوزه‌های علمیه استان تهران در تاریخ: ۱۳۹۵/۲/۲۵.

۳ . بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در دیدار دست‌اندرکاران کنگره شهدا و ایثارگران روحانی استان قم، در تاریخ: ۱۳۹۶/۸/۲۲.



گونگون مردم را به صحنه مبارزه کشانید و مبارزه را شکل عمومی و مردمی بخشید.^۱ در دوران مبارزات پانزده ساله، حوزه‌های علمیه قم و دیگر حوزه‌های علمیه و چهره‌های سرشناس روحانیت، کانون‌های اصلی مبارزه و بالطبع هدف‌های اصلی حملات وحشیانه دشمن بودند؛ لیکن این شدت عمل‌های بی‌حد و حساب، به اراده الهی، موجب آن نشد که روحانیت از راه پرافتخار خود، قدم بازپس نهد؛ بلکه در این دوران، فکر اسلامی، شکوفاتر، صیقل خورده‌تر و فقه قرآن، پربارتر و شخصیت روحانیون مبارز، آبدیده‌تر شد و زمینه برای تشکیل حکومت اسلامی فراهم آمد.^۲

پس از انقلاب تاکنون نیز روحانیت، به خصوص عناصر برجسته آن، که مستقیماً در خدمت نظام جمهوری اسلامی بوده‌اند، بی‌وقفه، آماج حملات مسموم دشمن بوده‌اند؛ چه در عرصه تبلیغات و چه در عرصه تروریزم خائنانه و آلت دست دشمن. شهدای گرانقدری هم در جبهه جنگ تحمیلی و هم در جبهه‌های فعالیت‌های جهادی خود تقدیم داشته‌اند و محراب نماز جمعه و عرصه علم و سیاست و تبلیغ دین را با خون مطهر خود رنگین ساخته‌اند.^۳ به فرموده امام خمینی (ره): «در هر نهضت و انقلاب الهی و مردمی، علمای اسلام، اولین کسانی بوده‌اند که بر تارک جبینشان، خون و شهادت نقش بسته است. کدام انقلاب مردمی، اسلامی را سراغ کنیم که در آن، حوزه و روحانیت پیشکسوت شهادت نبوده‌اند و بر بالای دار نرفته‌اند و اجساد مطهرشان بر سنگفرش‌های حوادث خونین به شهادت نایستاده است؟ در ۱۵ خرداد و در حوادث قبل و بعد از پیروزی، شهدای اولین، از کدام قشر بوده‌اند؟ خدا را سپاس می‌گذاریم که از دیوارهای فیضیه گرفته تا سلول‌های مخوف و انفرادی رژیم شاه و از کوچه و خیابان

۱. پیام رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) در تاریخ: ۱۳۶۹/۳/۱۰.

۲. همان.

۳. همان.

تا مسجد و محراب امامت جمعه و جماعات و از دفاتر کار و محل خدمت تا خطوط مقدم جبهه‌ها و میادین مین، خون پاک شهدای حوزه و روحانیت افق فقاقت را گلگون کرده است و در پایان افتخارآمیز جنگ تحمیلی نیز رقم شهدا و جانبازان و مفقودین حوزه‌ها، نسبت به قشرهای دیگر زیادتر است»^۱.

با این توضیح، بدون شک، نهضت‌های اصلاحی ظلم‌ستیز، انقلاب شکوهمند اسلامی ایران و هشت سال دفاع مقدس از مرزهای سرزمین ایران پهناور اسلامی، همگی برخاسته از متن حوزه‌های علمیه است و هیچ نهادی نیز در قبال انقلاب اسلامی، همچون حوزه علمیه، احساس مسئولیت، همراهی و جانفشانی نکرده است به‌گونه‌ای که بر اساس آمار منتشر شده، بیشترین شهید در میان اقشار مختلف جامعه، متعلق به صنف روحانیت است. چه این‌که گزارش‌ها، حاکی از آن است که تعداد شهدای روحانی، از دوران قاجار (از سال ۱۲۷۵) تاکنون، ۳ هزار و ۸۸۸ نفر است که از این تعداد شهید، ۳ هزار و ۵۰۱ تن آنان مربوط به دوران دفاع مقدس هستند و ۱۵۶ تن نیز در ترور و یا در حکومت‌های گذشته، (مظلومانه) اعدام شده‌اند.^۲

۱. صحیفه امام (ره)، ج ۲۱، صص ۲۷۵-۲۷۶.

۲. رئیس ستاد مردمی شهدای روحانی سراسر کشور (حجت‌الاسلام صائب نیکبخت)، با بیان این‌که تعداد شهدای روحانی مدافع حرم نیز ۴۳ تن می‌باشد، گفت: ۹۳ تن، از شهدای روحانی مفقودالثر هستند و ۱۱۲ تن آنان نیز در موشک باران‌ها و حوادث مختلف به شهادت رسیدند و نحوه شهادت ۳۳ تن این افراد نیز نامشخص است و تعداد شهدای روحانی تفحص شده تاکنون، ۶۳۸ تن است. ۴۸ تن از شهدای روحانی غیرایرانی، در کشور و چهار شهید روحانی ایرانی نیز در خارج از کشور مدفون هستند. از میان شهدای روحانی، تعداد ۳۰ تن از آن‌ها، مجتهد، ۱۸۱ تن، سطح چهار حوزوی، ۸۸ تن، سطح سه حوزه و بقیه، در سایر سطوح حوزوی مشغول تحصیل بودند. ۸۹ نفر از شهدای روحانی از اهل تسنن کشور نیز در دفاع مقدس و سایر حوادث شربت شهادت نوشیدند که ۱۵ روحانی مبتدی، ۵ نفر مجتهد، ۴۱ نفر ماموسی و ۲۳ نفر مفتی و از روحانیون شرق کشور نیز ۳ تن مولوی و ۲ تن آخوند نیز در دوران دفاع مقدس شهید شدند. البته هشت تن از شهدای روحانی نیز زنان طلبه بودند. شهدای زن روحانی از استان‌های اصفهان، چهارمحال بختیاری، خوزستان، گیلان، لرستان، زنجان، کرمان بودند که هر کدام، به‌نحوی به شهادت رسیدند. بعد از جنگ تحمیلی تا سال ۱۳۹۸ نیز تعداد ۱۵۰ روحانی، به شیوه‌های گوناگون به شهادت رسیدند که آخرین آنان، شهید محمد خرسند امام جمعه کازرون است (خبر آنلاین، خبرگزاری تحلیلی



در این میان، نکته قابل توجه آن است که «شهادت در حقیقت، پاداش و مزد جهاد فی سبیل الله است و بالاترین مزد است»^۱، بنابراین، توفیق شهادت در راه خدا، نصیب و بهره هر کسی نمی شود، مگر این که کسی در طول زندگی خود، «در لحظه های نیاز، در آن وقتی که دین خدا و راه خدا احتیاج دارد به کسانی که آن را رونق بدهند ... برای خدا از راحتی، از زن و بچه، از آسایش معمولی، از امتیازات مادی صرف نظر می کند و خود را در یک سنگری از سنگرهای مبارزه قرار می دهد. این گذشت او، این عظمت مجاهدت او است که پاداش الهی را که همان شهادت است برای او به دنبال دارد»^۲.

بر این اساس، به اعتقاد رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) اسلامی، «بهترین مردن ها، شهادت است. بالاترین اجرها، برای انسانی که در راه خدا مبارزه می کند، نوشیدن شربت گوارای شهادت است»^۳. همچنین «شهادت، گل خوشبو و معطری است که جز دست برگزیدگان خداوند در میان انسان ها به آن نمی رسد و جز مشام آن ها، آن را بو نمی کند»^۴. و نیز «شهید در پیشگاه خدای متعال، در درجات عالی دارد پرواز می کند؛ یعنی آن چیزی که همه عرفا و اهل سلوک و آن سرگشته های وادی های عشق و شور معنوی و عرفانی، یک عمر به دنبالش گشته اند و دویده اند، او با این فداکاری و این شهادت به دست آورده و رضوان و قرب الهی را درک کرده است»^۵.
بنابراین، «شهادت خیلی مقام بالایی است و بسیار ارزشمند است و خاصان درگاه

ایران به نشانی: <https://www.khabaronline.ir/news>: ۱۳۰۴۲۲۵ در تاریخ: ۱۳۹۸/۷/۵.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در دیدار جمعی از دانش آموزان شاهد و مسئولان بنیاد شهید سراسر کشور در تاریخ: ۱۳۶۸/۵/۲۵.

۲. همان.

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در دیدار خانواده های شهدای استان بوشهر در تاریخ: ۱۳۷۰/۱۰/۱۱.

۴. بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در دیدار خانواده های شهدای نیروهای مسلح در تاریخ: ۱۳۸۰/۷/۴.

۵. بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در دیدار با خانواده شهید آوینی در تاریخ: ۱۳۷۲/۲/۲.



الهی، به مقام شهادت می‌رسند. یعنی علاوه بر این که خود شهادت، وسیله قرب به پروردگار است، یک مایه والایی از قرب الهی لازم است تا انسان به شهادت برسد، بدون این مقدمه، کسی (به آن) دست نخواهد یافت»^۱.

با این توجه، به نظر می‌رسد آن چیزی که به شهدای گرانقدر جبهه‌های حق علیه باطل، به خصوص شهدای روحانیت، نسبت به دیگران، امتیاز ویژه‌ای می‌بخشد و زمینه دستیابی آن‌ها به مقام شامخ شهادت را فراهم می‌سازد، برخورداری آن‌ها از روح بلند و تربیت یافته، و بهره‌مندی ایشان از شایستگی‌ها و خصلت‌های برجسته اعتقادی، اخلاقی و رفتاری است؛ خصوصیات نظیر: خداآوایی، پاکدامنی، صداقت، صبر، استقامت، زهد، اخلاص، ایثار، ابتکار، حق‌گویی، مردم‌دوستی، خدمت‌رسانی، شجاعت، دشمن‌شناسی، ظلم‌ستیزی و ده‌ها خصلت پاک و ناب در طلاب و روحانیون، موجب شده است که آن‌ها در نزد خداوند متعال، آبرو و قداستی پیدا کنند. به طور قطع، همین امر، آنان را به بارگاه شهادت، نزدیک‌تر ساخته است.

به نظر می‌آید امروزه نیز مطالعه سبک زندگی شهدای روحانیت و کشف شایستگی‌ها و خصلت‌های برجسته اعتقادی، اخلاقی و رفتاری شهدای روحانی و تبلیغ و ترویج آن در میان طلاب، اساتید و مدیران حوزه‌های علمیه، یکی از راه‌های حفظ و تقویت روحیه انقلابی در حوزه‌های علمیه و وسیله‌ای مقدس برای پاسبانی از نظام اسلامی و مسیری روشن برای مستحکم شدن ارزش‌های دینی در جامعه است.

با حفظ این مقدمه و به‌رغم این که شهدای بافضیلت روحانیت، در تشکیل نظام اسلامی و تبلیغ و ترویج سیرت انقلاب اسلامی، جایگاه و اهمیتی به‌سزا دارند، متأسفانه در میان مطالعات بومی، اثری از تحقیقی جامع در موضوع «سبک زندگی شهدای روحانیت» و تدوین الگوی شایستگی‌ها و بیان خصلت‌های برجسته اعتقادی، اخلاقی و رفتاری

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در دیدار خانواده شهید لاجوردی در تاریخ: ۱۳۷۷/۷/۲۲.



آن‌ها، با روش تحلیل محتوای کیفی، مشاهده نمی‌شود تا جایی که محقق تتبع نموده است، تا اکنون، پژوهش کلاسیک و مشابه در موضوع مورد نظر، به‌گونه‌ای نظام‌مند تدوین نشده است^۱ و تا به امروز، مقاله، طرح تحقیقاتی، پایان‌نامه و یا کتاب مستقلی که ابعاد موضوع مورد نظر را (به شکل حاضر) به تفصیل و دقت بازگوید، به زبان فارسی انتشار نیافته است یا حداقل، نویسنده به آن‌ها دست نیافته است. از این‌رو، نوشتار حاضر، نخستین تلاشی است که می‌کوشد به هدف «ترویج سبک زندگی شهدای روحانیت» در میان طلاب، اساتید و مدیران حوزه‌های علمیه، با بررسی سخنان و پیام‌های امامین انقلاب اسلامی؛ امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (دامت برکاته)، پیرامون شهدای روحانیت، در مناسبت‌های مختلف، به تدوین «الگوی شایستگی‌های طلبه انقلابی» دست یابد. از این‌رو، نویسنده تلاش زیادی کرد تا به روش تحلیل محتوای کیفی متعارف، به این سؤال اصلی پاسخ دهد که الگوی شایستگی‌های طلبه انقلابی مبتنی بر ویژگی‌های برجسته شهدای روحانیت، بر اساس تحلیل‌های امامین انقلاب اسلامی، از چه ابعاد و مؤلفه‌هایی برخوردار است؟ سؤالات فرعی نیز از این قرارند: ۱. از منظر امامین انقلاب اسلامی، شهدای روحانیت در مقایسه با دیگران، از چه توانایی‌ها و ویژگی‌های برجسته شخصیتی، اخلاقی، رفتاری و ... برخوردار بودند؟ ۲. در تحلیل نهایی، کدام یک از ابعاد و مؤلفه‌های الگوی شایستگی‌های طلبه انقلابی، از اهمیت بیشتری برخوردار است؟

۱. البته کتاب «عمامه‌های خونین: تحلیل محتوایی وصایا و سبک زندگی شهدای روحانی استان خراسان جنوبی»، تنها کتابی است که توسط سیده زینب شکروئی و همکاران، در ۱۲۲ صفحه، به نگارش درآمده و در سال ۱۳۹۷، به کمک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (خراسان جنوبی)، فرماندهی سپاه انصار الرضا (علیه السلام) بیرجند، در ۱۰۰۰ نسخه منتشر شده است. این کتاب، فاقد روش تحقیق علمی است؛ بلکه فقط به بیان فهرستی از فضائل اخلاقی و شماری از توصیه‌های شهدای روحانی استان خراسان جنوبی پرداخته است.

۲. چارچوب مفهومی و پیش‌فرض نظری

۲.۱. مفهوم «الگو»

واژه «الگو»، معادل واژگان Sample، Model، Pattern و template در زبان لاتین است که امروزه، کاربرد وسیعی در زبان فارسی پیدا کرده و در علوم مختلف، به فراخور حال، معنا و مصداقی متفاوت به خود گرفته است.

فرهنگ‌های مختلف، اصطلاح الگو را شکل، پیشنهاد، طرح، مدل یا نمودار برای نمایش چیزی که به عنوان مثال یا نمونه متعارف شناخته می‌شود، تعریف کرده‌اند. برخی، این اصطلاح را به عنوان بخشی که شکل یا کیفیت کل را نشان می‌دهد و برخی، آن را به عنوان پیش‌نویس یا نموداری که راه معمولی یک عمل یا رفتار و یک ساختار ادراکی را نمایش می‌دهد، معرفی کرده‌اند.^۱

سایمون بل،^۲ در تعریف الگو، مفاهیمی از قبیل نقشه، نمونه‌ای راهنما، مسیر متداول یک حرکت یا فعالیت، مدلی ارزشمند برای تقلید، یک نمونه به نمایندگی از کل را ذکر کرده است.^۳ ویلیام هارمن^۴ نیز می‌گوید: «الگو، همان روش ابتدایی درک، تفکر، ارزشیابی و عمل در کنار تصویری از حقیقت است».^۵

برخی نیز بدون این‌که تعریف روشنی از الگو به دست دهند، معتقدند که در تنظیم و تدوین الگوی داده‌ها، باید توجه نمود که یک الگوی خوب، ویژگی‌هایی دارد از جمله حل مسئله، مفهوم مستند و تأیید شده، توصیف‌کننده یک رابطه، توصیف و



۱. حیدرعلی هومن، شناخت روش علمی در علوم رفتاری، صص ۶۴ - ۶۵.

۲. Simon Bell.

۳. سایمون بل، ترجمه بهناز امین‌زاده، منظر، الگو، ادراک و فرآیند، ص ۲۳.

۴. William Harman.

۵. جونل آرتور بارکر، هنر کشف آینده، ترجمه نغمه خادم بانی، ص ۳۳.



حکایت‌گری بدون مداخله آدمی.^۱ گاهی نیز ممکن است مقصود از الگو، بیان یک واقعیت و نمایش آن در قالب استعاره باشد و گاه ممکن است الگو در معنای نمونه‌ای قابل تقلید، سرمشق و الگوی هنجاری (مثلا همسایه نمونه، مادر نمونه، شاگرد نمونه) به کار رود.

در جمع‌بندی آنچه درباره معنای «الگو» گفته شد، به نظر می‌رسد؛ آنچه می‌تواند ما را به معنای واقعی واژه «الگو» نزدیک‌تر سازد، در نظر گرفتن ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایی است که در تعاریف یاد شده، به آن‌ها اشاره شد. مواردی از قبیل توصیف یک واقعیت، راهنمایی برای فهم یک واقعیت، نمودار و نقشه مسیر و مراحل عمل و نمونه‌ای کامل برای تقلید.

با این توضیحات، «الگو»، نمونه کاملی است که یک واقعیتهای را در قالب نمودار خاص توصیف می‌کند و به شکلی ساختارمند مسیر و مراحل حرکت و عمل بر طبق آن را برای تقلید، در اختیار کنشگر قرار می‌دهد. بدین صورت، مهم‌ترین کارکرد الگو، توصیف و تجسم یک واقعیت مطلوب و تعیین نحوه حرکت، مشخص کردن مسیر یا مسیرها و سازکارهای نیل به وضعیت مطلوب است. به طور قطع، تلقی چنین مفهومی از «الگو»، علاوه بر امکان فهم واقعیت، زمینه مقایسه، نقد و ارزش‌گذاری وضعیت موجود را نیز فراهم می‌سازد.

البته نباید از نظر دور داشت که الگو، تصویری آینه‌وار از واقعیت نیست؛ بلکه برخی از زوایای واقعیت را برجسته نموده و کمک می‌کند تا روی بعضی بخش‌ها و ارتباط میان آن‌ها تمرکز کنیم و هم‌زمان به دیگر قسمت‌ها، توجه چندانی نشان ندهیم. همین دو عامل ساده‌سازی و تمرکز، موجب می‌شود تا الگوها به عنوان ابزارهای ارزشمند نظریه‌پردازی نمایان شوند.^۲

۱. حیدرعلی هومن، شناخت روش علمی در علوم رفتاری، ص ۶۶.

۲. پاملا جی شومیگر و همکاران، نظریه‌پردازی در علوم اجتماعی، ص ۱۳۲.



الگوها بسته به تنوع کارکردهایشان، به چند گروه تقسیم می‌شوند؛^۱ الگوهای شناختی،^۲ پیش‌بینیکننده،^۳ تصمیم‌گیری^۴ و^۵ هنجاری.^۶

الگویی که در این نوشتار معرفی می‌شود (الگوی شایستگی‌های طلبه انقلابی)، الگوی شناختی با کارکرد هنجاری است.

۲.۲. مفهوم «شایستگی»

برای مفهوم «شایستگی»، تعاریف متعددی وجود دارد که هر یک از آن‌ها، بر اساس مبانی فلسفی و نگرش‌های متفاوت، زاویه خاصی از مقوله شایستگی را بیان کرده‌اند.^۶ در یک تعریف، شایستگی به منزله ویژگی‌هایی است که به گونه‌ای علی، موجب عملکرد اثربخش یا برتر در یک شغل می‌شوند. در تعریف دیگر، شایستگی به عنوان یک الگوی قابل اندازه‌گیری از دانش، مهارت، توانایی‌ها، رفتارها و دیگر ویژگی‌های فردی مورد نیاز برای انجام نقش‌های کاری، با عملکردهای شغلی موفق، تعریف شده است.^۷

۱. کارکرد این الگو، معرفی یک نظام از طریق برجسته کردن ویژگی‌های اصلی آن و کنار گذاشتن ویژگی‌های کم اهمیت ترش است.
۲. این الگوها، بر اساس شناختی که از یک نظام در موقعیت مشخص وجود دارد، رفتارهای آن‌را در موقعیت‌های جدید پیش‌بینی می‌کنند.
۳. کارکرد این الگوها، فراهم آوردن اطلاعات برای تصمیم‌گیرنده است و امکان تصمیم‌گیری‌های مطلوب در جهت دستیابی به اهداف از قبل تعیین شده را فراهم می‌سازند.
۴. کارکرد این الگوها، ارائه تصویری نسبتاً دقیق از نظامی است که باید ایجاد شود.
۵. دانیل دوران، نظریه سیستم‌ها، ترجمه محمد یمینی دوزی سرخابی، صص ۶۷ و ۶۸.
۶. برای آشنایی با تعاریف شایستگی، بنگرید به: غلامحسین رضایت و منیژه صادق بیگی، «تدوین الگوی شایستگی‌های دبیران دبیرستان‌های دولتی ایران».
۷. غلامحسین رضایت و همکاران، «معماری الگوهای شایستگی: ارائه چارچوب مفهومی» (به نقل از: بویاتزیس ۱۹۸۲ و دفتر مدیریت امور کارکنان امریکا ۲۰۰۲).

۲.۳. مؤلفه‌های اصلی شایستگی

طبقه‌بندی‌های مختلفی در ارتباط با مؤلفه‌های اصلی شایستگی‌ها صورت گرفته است، از جمله گونزالس^۱، این مؤلفه‌ها را در پنج گروه کلی (ویژگی‌ها و مهارت‌های فردی، شایستگی‌های مدیریتی، اجتماعی، سازمانی و مهارت‌های سازمانی، اطلاعاتی و فناوری)، طبقه‌بندی کرده است. موسسه مدیریت پروژه^۲ نیز مؤلفه‌های اصلی شایستگی را در شش گروه کلی، شامل دانش، مهارت‌ها، توانایی‌ها، نگرش، رفتار و شخصیت، طبقه‌بندی نموده است.^۳ همچنین برخی مؤلفه‌های اصلی شایستگی را در هشت گروه کلی، شامل دانش، مهارت‌ها، توانایی‌ها، بینش، نگرش، ویژگی‌های عاطفی شخصیتی و ویژگی‌های اخلاقی، طبقه‌بندی کرده‌اند.^۴

۲.۴. مفهوم «طلبه انقلابی»

«طلبه انقلابی»، از جمله مفاهیمی است که تاکنون، تعریف جامعی برای آن ارائه نشده است. رهبر معظم انقلاب اسلامی (دامت برکاته) در مناسبت‌های مختلف، پیرامون «روحیه انقلابی»، «انقلابی‌گری»، «جهت‌گیری انقلابی» و «حوزه انقلابی»، مطالب ارزنده‌ای فرموده‌اند که شاید بتوان به کمک آن، تصویر نسبی از ویژگی‌های طلبه انقلابی به دست آورد. از جمله این‌که ایشان فرمودند: «معنای روحیه انقلابی، این است که یک انسان انقلابی، شجاعت دارد، اهل اقدام است، اهل عمل است، ابتکار می‌ورزد، بن‌بست‌شکنی می‌کند، گره‌گشایی می‌کند، از چیزی نمی‌ترسد، به آینده امیدوار است، به امید خدا

۱. Gonzalez.

۲. Project Management Institute.

۳. غلامحسین رضایت و منیژه صادق بیگی، «تدوین الگوی شایستگی‌های دبیران دبیرستان‌های دولتی ایران».

۴. غلامحسین رضایت، الگوی شایستگی‌های رؤسای دانشگاه‌های دولتی ایران (رساله دکتری منتشر نشده دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی تهران)، ۱۳۹۰.



به سمت آینده روشن حرکت می‌کند، انقلابی‌گری یعنی این، این (فرد) انقلابی است»^۱. همچنین فرموده‌اند: «انقلابی‌گری، برخلاف نظر و تبلیغ برخی‌ها، تندروری نیست؛ بلکه انقلابی‌گری یعنی عادلانه، خردمندانه، دقیق، دلسوزانه، منصفانه، قاطعانه و بدون رودربایستی عمل کردن»^۲ و در جای دیگر فرمودند: «جهت‌گیری انقلابی طلبه‌ها، استاد‌ها، فاضل‌ها، عالم‌ها، مرجع‌ها، اگر چنان‌چه معتقد به این تحول عظیمی که اسمش انقلاب است، بود، به درد این کشور خواهد خورد. اگر معتقد به این نبود، به درد کشور نمی‌خورد، به درد جمهوری اسلامی نمی‌خورد؛ باید معتقد باشد. این‌که بنده می‌گویم حوزه انقلابی، معنایش این نیست که حالا حتما در مثلاً فلان جا شعار (بدهد)، حالا یک وقت لازم هم باشد، شعار هم باید داد. بنده هم گاهی که لازم است، شعار می‌دهم؛ لکن مهم این است که عمیقاً از بن دندان، معتقد باشد که این تحولی که در این کشور اتفاق افتاده، باید همچنان ادامه پیدا بکند»^۳.

بنابراین، طلبه انقلابی در نظام فکری انقلاب اسلامی، فردی است که دارای ویژگی‌های مختلفی نظیر شجاعت، ابتکار، اقدام عملی، گره‌گشایی، قاطعیت، عدالت، انصاف، امیدواری، دلسوزی، خردمندی، دقت، تحول‌خواهی و مانند آن است. با این توجه، به نظر می‌رسد بازشناسی مفهوم «طلبه انقلابی» در منظومه فکری امامین انقلاب اسلامی، خود موضوع مستقلی برای پژوهش باشد؛ لیکن در این نوشتار، برای این‌که ادبیات مشترکی برای درک مفاهیم کلیدی پدید آید، منظور ما از «طلبه انقلابی»، آن کسی است که با تلاش و مجاهدت در ابعاد علمی، معنوی، اخلاقی، تبلیغی، بصیرت سیاسی و خدمت‌رسانی به مردم، توأمان به رشد و بالندگی رسیده است و

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان در تاریخ: ۱۳۹۵/۸/۱۲.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه در تاریخ: ۱۳۹۵/۴/۹.

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در دیدار اعضای موسسه عالی فقه و علوم اسلامی در تاریخ:

۱۳۹۷/۱۲/۱۳



همواره در مسیر اهداف والای انقلاب، نظام اسلامی و پیروی از ولایت فقیه، مجاهدانه و مخلصانه و باشجاعت قدم برمی دارد.

۳. روش تحقیق

یکی از روش‌های تحقیق میان‌رشته‌ای، جهت تبیین اندیشه‌های مطرح شده در یک متن، استفاده از روش «تحلیل محتوا» است. تحلیل محتوا، محققان را قادر می‌سازد که با یک روش منظم، در بین حجم زیادی از داده‌های موجود در پژوهش، تفحص نموده و یافته‌های خود را دسته‌بندی نمایند. تحلیل محتوای یک متن، گاه به شیوه کمی و گاهی به شیوه کیفی صورت می‌گیرد که هر یک، از مبانی متفاوتی ریشه گرفته‌اند. مهم‌ترین تمایز این دو شیوه، تمایز در هدف است. هدف از تحلیل کمی، تعیین روابط علی-معلولی است و هدف از انجام تحلیل کیفی، درک یک پدیده با رویکردهای گوناگون است.

منظور از تحلیل در این تحقیق، «تحلیل محتوای کیفی» است که از ویژگی‌هایی چند برخوردار است: ۱. محوریت یک متن مشخص (کلمات و مفاهیم) در آن، ۲. مبتنی بر دیدگاهی بینشی، نه عینیت‌مدار، ۳. در پی کشف، نه اثبات و ۴. توجه به انسان محوری، به جای ابزارمحوری.^۱

نوشتار حاضر در جمع‌آوری، دسته‌بندی و تحلیل داده‌های متنی، از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده می‌کند تا از طریق نظام‌من کردن آن‌ها (در سه مرحله کدگذاری، باز، طبقه‌بندی مفاهیم و انتزاع مضمون)، به هدف خود نائل شود. از تحلیل محتوا، چندین تعریف ارائه شده است^۲ که به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود:

از نظر وینر،^۳ تحلیل محتوا، شیوه‌ای منظم و تکرارپذیر برای جمع‌بندی کلمات



۱. محمدتقی ایمان و محمودرضا نوشادی، «تحلیل محتوای کیفی»، به نقل از: مایکوت و مورهایس.

۲. مرضیه عادل مهربان، مروری بر تحلیل محتوای کیفی و کاربرد آن در پژوهش، صص ۲-۳.

۳. Winer.



متعدد موجود در متن و تبدیل آن‌ها به دسته‌های کوچک‌تر و واضح‌تر (بر اساس قانون کدگذاری) می‌باشد.

مان^۱ به نقل از ولیزر^۲ و وینر، تحلیل محتوا را هر رویه نظام‌مندی می‌داند که به منظور بررسی محتوای اطلاعات ضبط شده، طراحی شده باشد.

سیه^۳ و شانون^۴، تحلیل محتوا را یک شیوه تحقیق برای تفسیر ذهنی محتوای داده‌های موجود در متون، از طریق فرآیند دسته‌بندی منظم و تعیین مضامین الگوها می‌دانند.^۵ با این توضیحات، تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی انعطاف‌پذیر برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی با روش علمی، از طریق فرآیندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و طراحی الگو دانست.

بر اساس نظریه سیه و شانون، رهیافت‌های موجود در زمینه تحلیل محتوا، به سه دسته تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از: ۱. تحلیل محتوای متعارف (عرفی) و قراردادی، ۲. تحلیل محتوای جهت‌دار و ۳. تحلیل محتوای تلخیصی یا تجمعی. با این همه، در تمام رویکردهای سه‌گانه، یک فرآیند مشابه وجود دارد که هفت مرحله را دربر می‌گیرد: ۱. تنظیم کردن پرسش‌های تحقیقی که باید پاسخ داده شوند، ۲. برگزیدن نمونه‌های مورد نظر که باید تحلیل شوند، ۳. مشخص کردن رویکرد تحلیل محتوایی که باید اعمال شود، ۴. طرح‌ریزی کردن فرآیند رمزگذاری؛ ۵. اجرا کردن فرآیند رمزگذاری، ۶. تعیین اعتبار و پایایی و ۷. تحلیل کردن نتایج حاصل از فرآیند رمزگذاری.^۶

در این پژوهش، از رویکرد «تحلیل محتوای متعارف»، با رویکرد سیه و شانون، به شیوه

۱. Man .

۲. Walizer .

۳. Hsieh .

۴. Shanon .

۵. همان .

۶. محمدتقی ایمان و محمودرضا نوشادی، «تحلیل محتوای کیفی».



استقرایی استفاده شده است. در این نوع از تحلیل محتوا، از به کار گرفتن مقوله‌های پیش‌پنداشته تئوریک پرهیز می‌شود و در عوض، ترتیبی اتخاذ می‌گردد که مقوله‌ها از داده‌ها ناشی شوند. بنابراین، از طریق استقرا، مقوله‌ها از داده‌ها ظهور می‌یابند. در این رویکرد، محقق بر اساس ادراک و فهم خود از متن مورد مطالعه (سخنان و...) رهبر معظم انقلاب اسلامی (دامت برکاته) در خصوص ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری شهدای روحانیت، نوشتن تحلیل اولیه را آغاز می‌کند و این کار ادامه می‌یابد تا رمزها (مفاهیم)، از متن ظهور یابد و سپس بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان مقوله‌بندی شوند. این مقوله‌بندی از سازمان‌دهی و گروه‌بندی کردن مفاهیم به صورت خوشه‌های معنادار دسته‌بندی می‌شود. محقق می‌تواند با ترکیب و سازماندهی این مقوله‌ها، آن‌ها را به شمار کمتری از دسته‌بندی (مقوله) تبدیل کند. در مرحله بعدی، تعاریفی برای هر مقوله و زیرمقوله و رمز صورت می‌گیرد. در نهایت، مفهوم کلی که حاصل جمع‌بندی این مقوله‌هاست، حاصل می‌آید. امتیاز بارز تحلیل محتوای کیفی بر اساس رویکرد متعارف، به دست آوردن اطلاعات مستقیم و آشکار از مطالعه، بدون تحمیل کردن مقوله یا نظریه‌های از پیش تعیین شده است.

فرآیند سازماندهی داده‌های کیفی، شامل کدگذاری باز، ایجاد طبقه‌ها (مقوله‌ها) و انتزاع مضامین است. کدگذاری باز، به این معنی است که یادداشت‌ها (کدها)، پس از خواندن آن بخش (از متن)، در حاشیه آن نوشته می‌شوند. پس از این کدگذاری، لیستی از طبقه‌ها، تحت یک سرفصل بزرگ‌تر طبقه‌بندی می‌شوند. هدف از طبقه‌بندی داده‌ها، کاهش دادن تعداد طبقه‌ها با تلفیق موارد مشابه و یا ایجاد طبقه‌های وسیع‌تر است. طبقه‌بندی، امکان مقایسه بین داده‌ها و سایر مشاهدات که مربوط به دسته مرتبط نیستند را فراهم می‌نماید. هدف از ایجاد این طبقه‌ها، فراهم نمودن وسیله‌ای برای توصیف یک پدیده، افزایش درک و تولید دانش است. زمانی که طبقه‌ها با تحلیل



استقرائی شکل می‌گیرند، محقق از طریق تفسیر، تصمیم می‌گیرد که کدام یک از یافته‌ها را در همان طبقه بگذارد. به این ترتیب، هر طبقه با استفاده از کلمات نمایانگر محتوا، نام‌گذاری می‌شود. زیرطبقات مشابه با هم، تحت عنوان یک طبقه دسته‌بندی شده و طبقات تحت عنوان طبقات اصلی، با هم گروه‌بندی می‌شوند. فرآیند خلاصه‌سازی تا حدی که معقول و منطقی باشد، پیش می‌رود.^۱

۴. مراحل انجام تحقیق

۴.۱. گردآوری داده‌ها

در این تحقیق، منبع جمع‌آوری داده‌ها، سخنان و پیام‌های امامین انقلاب اسلامی (امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای (دامت برکاته)، در خصوص جایگاه شهدای روحانیت، توانمندی‌ها، ویژگی‌های شخصیتی، اخلاقی، رفتاری و ... آن‌هاست که در برداشت مفهومی، با مشورت و اظهار نظر نخبگان، اعتبارسنجی شده‌اند. از این رو، به روش ترکیبی (لغت‌کاوی و معناکاوی)، منابع تحقیق، با دقت خاصی از سوی نگارنده مرور شد. در این مرحله، تعداد ۱۰۷ داده (مرتبط با موضوع) به دست آمد. سپس برای هر کدام، مفهومی (رمزی) که گویای محتوای متن داده بود، اختصاص داده شد.

۴.۲. اجرای فرآیند رمزگذاری

فرآیند رمزگذاری، بر مبنای «روش تحلیل محتوای متعارف»، شامل کدگذاری باز، ایجاد طبقه‌ها (مقوله‌ها) و انتزاع مضامین است. محقق در این مرحله، با توجه به سؤال تحقیق، به کدگذاری و مقایسه عناوین و مفاهیم استخراج شده از دل داده‌های متنی و

۱. مرضیه عادل مهربان، مروری بر تحلیل محتوای کیفی و کاربرد آن در پژوهش، صص ۵۵ - ۵۳.



دسته‌بندی آن‌ها، بر اساس زمینه‌های مشترک پرداخت. حاصل این مرحله، شکل‌گیری «زیرطبقه‌ها و طبقه‌ها» است که زمینه را برای ظهور مضمون اصلی فراهم می‌کند. در ادامه، این فرآیند را مشاهده می‌کنیم.

۴.۲.۱. کدگذاری باز

جدول ۱

شماره	متن داده	منبع و مأخذ	کد مفهومی
۱	این شهید عزیز، علاوه بر آن‌که خود مجاهدی شریف و خدمتگزاری مخلص برای اسلام بود و در همین راه، به لقاء الله پیوست، فرزند برومند شیخ بزرگوار ما بود، که حقا، حق حیات روحانی به اینجانب داشت.	پیام امام خمینی (ره) به ملت ایران در خصوص تسلیت شهادت آقای مهدی شاه‌آبادی در تاریخ: ۱۳۶۳/۲/۷ (صحیفه امام (ره)، ج ۱۸، ص ۴۰۷).	مجاهدت
۲	این شهید عزیز، علاوه بر آن‌که خود مجاهدی شریف و خدمتگزاری مخلص برای اسلام بود و در همین راه، به لقاء الله پیوست، فرزند برومند شیخ بزرگوار ما بود، که حقا، حق حیات روحانی به اینجانب داشت.	همان	خدمتگزاری
۳	این شهید عزیز، علاوه بر آن‌که خود مجاهدی شریف و خدمتگزاری مخلص برای اسلام بود و در همین راه، به لقاء الله پیوست، فرزند برومند شیخ بزرگوار ما بود، که حقا، حق حیات روحانی به اینجانب داشت.	همان	اخلاص





شماره	متن داده	منبع و مأخذ	کد مفهومی
۴	چه سعادتمندند آنان که عمری را در خدمت به اسلام و مسلمین بگذرانند و در آخر عمر فانی، به فیض عظیمی که دلباختگان به لقاء الله آرزو می‌کنند، نائل آیند.	پیام امام خمینی (ره) به ملت ایران به مناسبت شهادت آقای عطاء-الله اشرفی اصفهانی (محکومیت منافقین) در تاریخ: ۱۳۶۳/۷/۲۳ (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۴۹).	خدمت به اسلام و مسلمین
۵	چه سعادتمند و بلند اخترند آنان که در طول زندگانی خود، کمر همت به تهذیب نفس و جهاد اکبر بسته و پایان زندگانی خویش را در راه هدف الهی، با سرافرازی به خیل شهدای در راه حق پیوستند.	همان	تهذیب نفس و جهاد اکبر
۶	چه سعادتمند و پیروزند آنان که در نشیب و فرازها و پست و بلندی‌های حیات خویش، به دام‌های شیطانی و وسوسه‌های نفسانی نیفتاده، و آخرین حجاب بین محبوب و خود را با محاسن غرق به خون خرق نموده و به قرارگاه مجاهدین فی سبیل الله راه یافتند.	همان	رهایی از دام‌ها و وسوسه‌های شیطانی
۷	چه سعادتمند و خوشبخت‌اند آنان که به دنیا و زخارف آن، پشت پا زده و عمری را به زهد و تقوا گذرانده و آخرین درجات سعادت را در محراب عبادت و در اقامه جمعه، با دست یکی از منافقین و منحرفین شقی، فائز و به والاترین شهید محراب که به دست خیانتکار اشقی الاشقیاء به ملاء اعلا شتافت، ملحق شدند.	همان	زهدورزی



شماره	متن داده	منبع و مأخذ	کد مفهومی
۸	او (شهید اشرفی اصفهانی) در جبهه دفاع از حق، از جمله اشخاصی بود که مایه دلگرمی جوانان مجاهد بود.	همان	مایه دلگرمی جوانان مجاهد در جبهه دفاع از حق
۹	شما دیدید که در زمان قبل ... یک جریانی بود که ... روحانیون شاخص را رسوا کنند با دروغ و حيله. آقای بهشتی (ره) که یک نفر آدمی بود که مجاهد برای اسلام بود، ... فعال بود، دانشمند بود، مدیر بود، ... دیدید که در صحنه کشور، چه فضاحت‌ها درآوردند اشرار و مردم را (از او) منحرف کردند. یک وقت مردم بیدار شدند که بهشتی‌ای در کار نبود.	سخنرانی امام خمینی (ره) در دیدار مسئولان بنیاد شهید و مجروحان و معلولان بیمارستان‌های امام خمینی (ره) و شهید مصطفی خمینی و خانواده شهدای شهرستان‌های کرج در سال ۱۳۶۰ (رک: بخش رویدادهای سایت پرتال امام خمینی (ره)).	مجاهدت برای اسلام
۱۰	آقای بهشتی (ره) که یک نفر آدمی بود که مجاهد برای اسلام بود، ... فعال بود، دانشمند بود.	همان	دانشمند
۱۱	آقای بهشتی (ره) که یک نفر آدمی بود که مجاهد برای اسلام بود، ... فعال بود، دانشمند بود، مدیر بود.	همان	مدیریت
۱۲	پیام‌ها و تلگرافات تبریک و تسلیت شما در رابطه با شهادت جناب حجت الاسلام آقای سید عارف حسین الحسینی، این یار وفادار اسلام و مدافع محرومان و مستضعفان و این فرزند راستین سید و سالار شهیدان، حضرت ابی‌عبدالله الحسین (علیه السلام) واصل گردید.	پیام به ملت مسلمان و علمای پاکستان (شهادت سید عارف حسین الحسینی) در تاریخ: ۱۳۶۷/۶/۱۴	مدافع محرومان و مستضعفان



شماره	متن داده	منبع و مأخذ	کد مفهومی
۱۳	یک روحانی وارسته عاشق خدمت به خدا و خلق خدا را ندیده‌ایم که برای یاری پابرهنگان زمین، لحظه‌ای آرام و قرار داشته باشد و تا سر منزل جانان، علیه کفر و شرک مبارزه نکرده باشد و عارف حسینی این‌گونه بود.	همان	عاشق خدمت به خدا و خلق خدا
۱۴	یک روحانی وارسته عاشق خدمت به خدا و خلق خدا را ندیده‌ایم که برای یاری پابرهنگان زمین، لحظه‌ای آرام و قرار داشته باشد و تا سر منزل جانان، علیه کفر و شرک مبارزه نکرده باشد و عارف حسینی این‌گونه بود.	همان	مبارزه با کفر و شرک
۱۵	سلام بر حماسه‌سازان همیشه جاوید روحانیت که رساله علمی و عملی خود را به دم شهادت و مرکب خون نوشته‌اند و بر منبر هدایت و وعظ و خطابه ناس، از شمع حیاتشان، گوهر شبچراغ ساخته‌اند.	منشور روحانیت در تاریخ: ۱۳۶۷/۱۲/۳	هدایت مردم با وعظ و خطابه
۱۶	افتخار و آفرین بر شهدای حوزه و روحانیت که در هنگامه نبرد، رشته تعلقات درس و بحث و مدرسه را بریدند و عقال تمنیات دنیا را از پای حقیقت علم برگرفتند و سبکبالان به میهمانی عرشیان رفتند.	همان	وارستگی از تعلقات و تمنیات دنیا به هنگام نبرد
۱۷	سلام بر آنان که تا کشف حقیقت تفقه، به پیش تاختند و برای قوم و ملت خود، مندران صادقی شدند که بند بند حدیث صداقتشان را قطرات خون و قطعات پاره پاره پیکرشان، گواهی کرده است.	همان	انذار صادقانه

شماره	متن داده	منبع و مأخذ	کد مفهومی
۱۸	حقاً از روحانیت راستین اسلام و تشیع، جز این انتظاری نمی‌رود که در دعوت به حق و راه خونین مبارزهٔ مردم، خود اولین قربانی‌ها را بدهد و مهر ختام دفترش شهادت باشد.	همان	پیشگامی در دعوت به حق و راه خونین مبارزه
۱۹	آنان که حلقهٔ ذکر عارفان و دعای سحر مناجاتیان حوزه‌ها و روحانیت را درک کرده‌اند، در خلسهٔ حضورشان، آرزویی جز شهادت ندیده‌اند و آنان از عطایای حضرت حق در میهمانی خلوص و تقرب، جز عطیهٔ شهادت نخواسته‌اند.	همان	اشتیاق به شهادت و آرزوی آن
۲۰	علمای بزرگ اسلام، در همهٔ عمر خود، تلاش نموده‌اند تا مسائل حلال و حرام الهی را بدون دخل و تصرف ترویج نمایند.	همان	ترویج حلال و حرام الهی بدون دخل و تصرف
۲۱	صدها سال است که روحانیت اسلام، تکیه‌گاه محرومان بوده است. همیشه مستضعفان، از کوثر زلال معرفت فقهای بزرگوار سیراب شده‌اند.	همان	تکیه‌گاه محرومان
۲۲	آنان در هر عصری از اعصار، برای دفاع از مقدسات دینی و میهنی خود، مرارت‌ها و تلخی‌هایی متحمل شده‌اند و همراه با تحمل اسارت‌ها و تبعیدها، زندان‌ها و اذیت و آزارها و زخم زبان‌ها، شهدای گرانقدری را به پیشگاه مقدس حق تقدیم نموده‌اند. شهدای روحانیت، منحصر به شهدای مبارزه و جنگ در ایران نیستند. یقیناً، رقم شهدای گمنام حوزه‌ها و روحانیت که در مسیر نشر معارف و احکام الهی به دست مزدوران و نامردمان، غریبانه جان باخته‌اند، زیاد است.	همان	تحمل تلخی‌ها، اسارت و آزار در راه دفاع از مقدسات دینی و میهنی



شماره	متن داده	منبع و مأخذ	کد مفهومی
۲۳	در هر نهضت و انقلاب الهی و مردمی، علمای اسلام، اولین کسانی بوده‌اند که بر تارک جبینشان، خون و شهادت نقش بسته است. کدام انقلاب مردمی . اسلامی را سراغ کنیم که در آن، حوزه و روحانیت پیشکسوت شهادت نبوده‌اند و بر بالای دار نرفته‌اند و اجساد مطهرشان بر سنگفرش‌های حوادث خونین به شهادت، نایستاده است؟	همان	پیشگام شهادت در هر نهضت و انقلاب الهی و مردمی
۲۴	بیش از دو هزار و پانصد نفر از طلاب علوم دینی در سراسر ایران، در جنگ تحمیلی شهید شده‌اند و این رقم نشان می‌دهد که روحانیت برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی ایران، تا چه حد مهیا بوده است.	همان	مهیای دفاع از اسلام و کشور اسلامی ایران
۲۵	روحانیت متعهد، به خون سرمایه‌داران زالوصفت تشنه است و هرگز با آنان سر آشتی نداشته و نخواهد داشت.	همان	آشتی ناپذیری با سرمایه‌داران زالوصفت
۲۶	آن‌ها با زهد و تقوا و ریاضت، درس خوانده‌اند.	همان	درس خواندن با ریاضت و زهدورزی
۲۷	پس از کسب مقامات علمی و معنوی نیز به همان شیوه زاهدانه و با فقر و تهیدستی و عدم تعلق به تجملات دنیا زندگی کرده‌اند و هرگز زیر بار منت و ذلت نرفته‌اند.	همان	زیر بار ذلت و منت دیگران نرفتن

شماره	متن داده	منبع و مأخذ	کد مفهومی
۲۸	دقت و مطالعه در زندگی علمای سلف، حکایت از فقر و نهایتاً، روح پرفتوت آنان، برای کسب معارف می‌کند که چگونه در پرتو نور شمع و شعاع قمر تحصیل کرده‌اند و با قناعت و بزرگواری زیستند.	همان	قناعت و بزرگواری
۲۹	در ترویج روحانیت و فقاہت، نه زور سر نیزه بوده است، نه سرمایۀ پول‌پرستان و ثروتمندان؛ بلکه هنر و صداقت و تعهد خود آنان بوده است که مردم آنان را برگزیده‌اند.	همان	صداقت و تعهد
۳۰	خصوصیات بزرگی چون قناعت، شجاعت، صبر، زهد، طلب علم و عدم وابستگی به قدرت‌ها و مهم‌تر از همه، احساس مسئولیت در برابر توده‌ها، روحانیت را زنده و پایدار و محبوب ساخته است.	همان	قناعت
۳۱	خصوصیات بزرگی چون قناعت، شجاعت، صبر، زهد، طلب علم و عدم وابستگی به قدرت‌ها و مهم‌تر از همه، احساس مسئولیت در برابر توده‌ها، روحانیت را زنده و پایدار و محبوب ساخته است.	همان	شجاعت
۳۲	خصوصیات بزرگی چون قناعت، شجاعت، صبر، زهد، طلب علم و عدم وابستگی به قدرت‌ها و مهم‌تر از همه، احساس مسئولیت در برابر توده‌ها، روحانیت را زنده و پایدار و محبوب ساخته است.	همان	صبر



شماره	متن داده	منبع و مأخذ	کد مفهومی
۳۳	خصوصیات بزرگی چون قناعت، شجاعت، صبر، زهد، طلب علم و عدم وابستگی به قدرت‌ها و مهم‌تر از همه، احساس مسئولیت در برابر توده‌ها، روحانیت را زنده و پایدار و محبوب ساخته است.	همان	زهد
۳۴	خصوصیات بزرگی چون قناعت، شجاعت، صبر، زهد، طلب علم و عدم وابستگی به قدرت‌ها و مهم‌تر از همه، احساس مسئولیت در برابر توده‌ها، روحانیت را زنده و پایدار و محبوب ساخته است.	همان	طلب علم
۳۵	خصوصیات بزرگی چون قناعت، شجاعت، صبر، زهد، طلب علم و عدم وابستگی به قدرت‌ها و مهم‌تر از همه، احساس مسئولیت در برابر توده‌ها، روحانیت را زنده و پایدار و محبوب ساخته است.	همان	عدم وابستگی به قدرت‌ها
۳۶	خصوصیات بزرگی چون قناعت، شجاعت، صبر، زهد، طلب علم و عدم وابستگی به قدرت‌ها و مهم‌تر از همه، احساس مسئولیت در برابر توده‌ها، روحانیت را زنده و پایدار و محبوب ساخته است.	همان	احساس مسئولیت در برابر توده مردم



شماره	متن داده	منبع و مأخذ	کد مفهومی
۳۷	یقینا، اگر جهان‌خواران می‌توانستند، ریشه و نام روحانیت را می‌سوختند؛ ولی خداوند همواره حافظ و نگهبان این مشعل مقدس بوده است و ان شاء الله از این پس نیز خواهد بود، به شرط آن‌که حيله و مکر و فریب جهان‌خواران را بشناسیم.	همان	شناخت حيله‌های جهان‌خواران
۳۸	علمای دین‌باور، در همین حوزه‌ها تربیت شدند و صفوف خویش را از دیگران جدا کردند. قیام بزرگ اسلامی‌مان، نشأت گرفته از همین بارقه است.	همان	دین‌باوری
۳۹	تنها راه حل، مبارزه و ایثار خون بود که خداوند وسیله‌اش را آماده نمود. علما و روحانیت متعهد، سینه را برای مقابله با هر تیر زهرآگینی که به طرف اسلام شلیک می‌شد، آماده نمودند و به مسلخ عشق آمدند.	همان	مبارزه و ایثار خون
۴۰	در آن زمان، روزی نبود که حادثه‌ای نباشد، ایادی پنهان و آشکار امریکا و شاه به شایعات و تهمت‌ها متوسل شدند، حتی نسبت تارک‌الصلوه و کمونیست و عامل انگلیس، به افرادی که هدایت مبارزه را به عهده داشتند، می‌دادند.	همان	هدایت‌گری مبارزات



شماره	متن داده	منبع و مأخذ	کد مفهومی
۴۱	اینجانب به اسلام و اولیای عظیم الشان آن و به ملت اسلام و خصوص ملت مبارز ایران، ضایعه اُسف‌انگیز شهید بزرگوار، متفکر، فیلسوف و فقیه عالیم‌قام مرحوم آقای حاج شیخ مرتضی مطهری (ره) را تسلیت و تبریک عرض می‌کنم. تسلیت در شهادت شخصیتی که عمر شریف و ارزنده خود را در راه اهداف مقدس اسلام صرف کرد و با کجروی‌ها و انحرافات مبارزه سرسختانه کرد.	پیام حضرت امام خمینی (ره) به ملت ایران به مناسبت شهادت استاد مرتضی مطهری (ره) در تاریخ: ۱۳۵۸/۲/۱۱ (صحیفه امام، ج ۷، ص ۱۷۹).	مبارزه سرسختانه با کجروی‌ها و انحرافات
۴۲	تسلیت در شهادت مردی که در اسلام‌شناسی و فنون مختلفه اسلام و قرآن کریم کم نظیر بود.	همان	اسلام‌شناسی
۴۳	... و تبریک در داشتن این شخصیت‌های فداکار که در زندگی و پس از آن، با جلوه خود نورافشانی کرده و می‌کنند.	همان	فداکاری
۴۴	... مطهری که در طهارت روح و قوت ایمان و قدرت بیان کم نظیر بود، رفت و به ملاً اعلی پیوست.	همان	طهارت روح
۴۵	... مطهری که در طهارت روح و قوت ایمان و قدرت بیان کم نظیر بود، رفت و به ملاً اعلی پیوست.	همان	قوت ایمان
۴۶	... مطهری که در طهارت روح و قوت ایمان و قدرت بیان کم نظیر بود، رفت و به ملاً اعلی پیوست.	همان	قدرت بیان



شماره	متن داده	منبع و مأخذ	کد مفهومی
۴۷	... اینجانب روز پنجشنبه سیزده اردیبهشت ۵۸ را برای بزرگداشت شخصیتی فداکار و مجاهد در راه اسلام و ملت، عزای عمومی اعلام می‌کنم.	همان	مجاهدت در راه اسلام و ملت
۴۸	از جمله شهدای برجسته گلپایگان، روحانی شهید مرحوم صدوق است که خصوصیات برجسته‌ای همچون خدمت به مردم و مقابله با رژیم طاغوت درباره ایشان، در این جلسه نقل شد.	دیدار دست‌اندرکاران کنگره روحانی شهید صدوق گلپایگانی و ۳۷۲ شهید گلپایگان با رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در تاریخ: ۱۳۹۶/۱۲/۱۰	خدمت به مردم
۴۹	از جمله شهدای برجسته گلپایگان، روحانی شهید مرحوم صدوق است که خصوصیات برجسته‌ای همچون خدمت به مردم و مقابله با رژیم طاغوت درباره ایشان، در این جلسه نقل شد.	همان	مقابله با رژیم طاغوت
۵۰	آن‌ها (استکبار) از زبان گویا می‌ترسند. اگر این زبان گویا، پشتوانه فکر و اندیشه عمیق و عزیر اسلامی هم داشته باشد، آن‌ها به مراتب بیشتر می‌ترسند، آن وقت مثل مطهری را شهید می‌کنند.	بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در دیدار جمعی از روحانیون استان همدان در تاریخ: ۱۳۸۳/۴/۱۵	زبان گویا (با پشتوانه اندیشه عمیق اسلامی)



شماره	متن داده	منبع و مأخذ	کد مفهومی
۵۱	او (شهید مطهری) یک روحانی معلم بود و شهید معلمی خود شد. او معلمی را منحصر به سر کلاس درس نکرد؛ درس هم می داد، دانشکده هم می رفت، ساعت ها تدریس می کرد، در حوزه هم تدریس می کرد؛ اما تعلیم او یک دایره بسیار وسیع تر داشت. او می نوشت و سخن می گفت و شاگردانش در این بخش نوشتاری و گفتاری، هزاران برابر شاگردان او در داخل کلاس بودند. آن سخنی را هم که نیاز زمان بود، انتخاب می کرد.	بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در دیدار جوانان و فرهنگیان در مصالای رشت در تاریخ: ۱۳۸۰/۲/۱۲	معلمی کردن در دایره بسیار وسیع تر
۵۲	مرحوم شهید مفتاح، علاوه بر این که یک روحانی برجسته و فداکار و روشنفکر و آشنای به نیاز زمان بود، خصوصیتی داشت که در تعداد معدودی از فضایی آن زمان، این خصوصیت دیده می شد. آن، قدرت ارتباط گیری با نسل جوان و دانشجویان و کسانی بود که مایل بودند پیام دین را با زبان روز از یک روحانی و یک عالم به دین بشنوند؛ لذا هم در دوران قبل از انقلاب و هم بعد از پیروزی انقلاب، میدان کار این مرد روحانی بزرگوار، غالبا منطقه جوانان- به خصوص دانشجویان- بود. هم در مساجدی که ایشان حضور پیدا می کرد و هم در سخنرانی هایی که در محیط کار و شغل معمولی خود داشت. تصادفی هم نیست که روز اتحاد دانشجو و روحانی، یا حوزه و دانشگاه، روز شهادت ایشان قرار داده شد؛ چون انصافا، حلقه وصلی بود که متناسب با چنین خصوصیتی می نمود. خدای متعال پاداش این شهید عزیز را دا و آن شهادت بود.	بیانات رهبر معظم انقلاب در خطبه های نماز جمعه در تاریخ: ۱۳۷۸/۹/۲۶	قدرت ارتباط گیری با نسل جوان و دانشجویان



شماره	متن داده	منبع و مأخذ	کد مفهومی
۵۳	بعد از انقلاب، شهید مظلوم آیت الله بهشتی (ره) و بقیه آقایان عزیز و محترمی که در کار قضایی، با ایشان همکاری داشتند، خیلی زحمت کشیدند و چه قدر به جاست که به مناسبت این ایام، یاد آن شهید بزرگوار را که با ابتکار و همت و مدیریت قوی خود، خیلی کارها را شروع کرد و راه انداخت، گرامی بداریم.	بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه در تاریخ: ۱۳۶۹/۴/۴	ابتکار
۵۴	بعد از انقلاب، شهید مظلوم آیت الله بهشتی (ره) و بقیه آقایان عزیز و محترمی که در کار قضایی، با ایشان همکاری داشتند، خیلی زحمت کشیدند و چه قدر به جاست که به مناسبت این ایام، یاد آن شهید بزرگوار را که با ابتکار و همت و مدیریت قوی خود، خیلی کارها را شروع کرد و راه انداخت، گرامی بداریم.	همان	همت
۵۵	بعد از انقلاب، شهید مظلوم آیت الله بهشتی (ره) و بقیه آقایان عزیز و محترمی که در کار قضایی، با ایشان همکاری داشتند، خیلی زحمت کشیدند و چه قدر به جاست که به مناسبت این ایام، یاد آن شهید بزرگوار را که با ابتکار و همت و مدیریت قوی خود، خیلی کارها را شروع کرد و راه انداخت، گرامی بداریم.	همان	مدیریت قوی

شماره	متن داده	منبع و مأخذ	کد مفهومی
۵۶	مرحوم آقای قاضی (ره) (شهید محراب) را هم واقعا فراموش نکنیم و از یاد نبریم. آن مرد بزرگ، مرد روشنفکر، مرد اهل قلم، اهل مبارزه که ایشان هم بایستی همیشه در یادها زنده باشند. او اولین کسی بود که این جور در تبریز، در موضع منبر انقلاب ایستاد و حقیقتا کاری را که باید بکند، کرد.	بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در دیدار با اعضای کنگره بزرگداشت شهید آیت الله مدنی در تاریخ: ۱۳۸۰/۶/۱۲	اهل قلم
۵۷	مرحوم آقای قاضی (ره) (شهید محراب) را هم واقعا فراموش نکنیم و از یاد نبریم. آن مرد بزرگ، مرد روشنفکر، مرد اهل قلم، اهل مبارزه که ایشان هم بایستی همیشه در یادها زنده باشند. او اولین کسی بود که این جور در تبریز، در موضع منبر انقلاب ایستاد و حقیقتا کاری را که باید بکند، کرد.	همان	اهل مبارزه
۵۸	مرحوم شهید مدنی، یک نمونه برجسته‌ای از یک روحانی فعال و حائز جهات گوناگون هستند ... (او) روحانی ناطق بود. در روایات داریم: بعالم ناطق مستعمل لعلمه. اهل بیان و تبیین بود در (بین) قشرهای مختلف ...، یعنی عالم ناطق و مبین و کسی بود که می‌توانست آن ذخیره‌ای که در وجود او و در روح او، در دل پاک و نورانی او، از نور معرفت و علم جمع شده بود، آن را به راحتی به مخاطب خودش منتقل کند. این هم یک خصوصیتی بود که در ایشان وجود داشت.	همان	اهل بیان و تبیین در میان قشرهای مختلف





شماره	متن داده	منبع و مأخذ	کد مفهومی
۵۹	(شهید مدنی) عالمی بود که اهل مبارزه و دید سیاسی و بینش سیاسی بود ...، یعنی دید سیاسی (داشتند) و نسبت به مسائل کشور آگاه و اهل عمل و اقدام بودند. مطلقاً، دچار وحشت بشود، نه، مرد شجاع، صریح، آماده خطرپذیری.	همان	اهل مبارزه و خطرپذیری
۶۰	ایشان (شهید مدنی) در میان جوان‌ها می‌توانست کاملاً با مخاطب جوان، ارتباط برقرار کند ... با عامه مردم و قشرهای خیلی عمومی مردم هم باز همین جور بود ... با طبقه علما ... با طبقه روشنفکر می‌نشست، جذبشان می‌کرد؛ با طبقه عوام می‌نشست، جذب می‌کرد.	همان	قدرت ارتباط با اقشار مختلف و جذب آن‌ها
۶۱	ما امروز هم به همان جمع‌بندی‌ای در شخصیت‌های انسانی خودمان و مسئولین خودمان و کارگزاران حکومتی خودمان و تربیون‌دارهای خودمان، احتیاج داریم که جمع‌بندی شخصیت مرحوم شهید مدنی است؛ یعنی همان اخلاص را لازم داریم، همان روشن‌بینی را لازم داریم، همان شجاعت را لازم داریم.	همان	اخلاص



شماره	متن داده	منبع و مأخذ	کد مفهومی
۶۲	ما امروز هم به همان جمع‌بندی‌ای در شخصیت‌های انسانی خودمان و مسئولین خودمان و کارگزاران حکومتی خودمان و تربیون‌دارهای خودمان، احتیاج داریم که جمع‌بندی شخصیت مرحوم شهید مدنی است؛ یعنی همان اخلاص را لازم داریم، همان روشن‌بینی را لازم داریم، همان شجاعت را لازم داریم.	همان	روشن‌بینی
۶۳	ما امروز هم به همان جمع‌بندی‌ای در شخصیت‌های انسانی خودمان و مسئولین خودمان و کارگزاران حکومتی خودمان و تربیون‌دارهای خودمان، احتیاج داریم که جمع‌بندی شخصیت مرحوم شهید مدنی است؛ یعنی همان اخلاص را لازم داریم، همان روشن‌بینی را لازم داریم، همان شجاعت را لازم داریم.	همان	شجاعت
۶۴	آیت‌الله حاج سید عبدالحسین دستغیب، این روحانی مبارز و پرهیزکار، به‌دست جنایتکاران و دشمنان قسم خورده اسلام و انقلاب شهید شد و شما بیش از هر کس می‌دانید که او شخصیت مغتنم و ارزشمند برای عالم اسلام بود. آنان که از سوابق زندگانی این شهید بزرگوار آگاه‌اند، می‌دانند که او از نخستین کسانی بود که پرچم تبلیغ انقلاب اسلامی را در سخت‌ترین شرایط، در استان فارس برافراشت و بر معایر و مجامع، نام امام امت را بر زبان جاری ساخت و با دستگاه ظلم و جور به مبارزه برخاست.	پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در پی شهادت آیت‌الله دستغیب در تاریخ: ۱۳۶۰/۹/۲۰	مبارز



شماره	متن داده	منبع و مأخذ	کد مفهومی
۶۵	آیت الله حاج سید عبدالحسین دستغیب، این روحانی مبارز و پرهیزکار، به دست جنایتکاران و دشمنان قسم خورده اسلام و انقلاب شهید شد.	همان	پرهیزکار
۶۶	(شهید نواب صفوی) یک روحانی جوانی بود، درد دین داشت. از نجف پا شد آمد ایران. دید کسروی این جا فساد می‌کند. کسروی را خودش زد به قصد کشتن که نمرد البته. بعد مرد و بعد یک عده‌ای را دور خودش جمع کرد به نام فدائیان اسلام. فدائیان اسلام در روی کار آوردن دکتر مصدق، نقش مهمی داشتند و کمک کردند به مرحوم آیت الله کاشانی و دکتر مصدق. تا این‌که حکومت دکتر مصدق روی کار آمد.	جلسه پرسش و پاسخ رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در تاریخ: ۱۲/۲/۱۳۶۰	درد دین داشتن
۶۷	مرحوم نواب صفوی و یارانش شخصیت‌های برجسته و انسان‌های بزرگی بودند و بعد هم با غربت شهید شدند ... این‌که در دوران اختناق محض، زن و بچه انسانی را تهدید کنند، همه زندگی‌اش در خطر باشد، آرامش نداشته باشد، هر شب یک جا بخوابد و بعد او را بگیرند و ببرند و ماه‌ها شکنجه‌اش کنند - آن‌ها بدترین شکنجه‌ها - و در تمام این مدت که زیر شکنجه است، همان هیجان و روحیه را حفظ کند و در زندان هم حتی افراد را پیش برد و رهبری کند و در نهایت، خودش و نزدیک‌ترین یارانش را اعدام کنند.	همان	رهبری دیگران در زیر شکنجه‌ها



شماره	متن داده	منبع و مأخذ	کد مفهومی
۶۸	یاد گرامی عالم مجاهد بزرگوار، مرحوم حجت الاسلام آقای سید علی اکبر ابوترابی که اردوگاه‌های اسارت را به مدرسه بزرگی از تقوا و آگاهی و استقامت تبدیل کرده بود، همواره در چشم ملت ایران، گرمی و پایدار است.	پیام رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) به کنگره بزرگداشت آزادگان و حجت الاسلام ابوترابی در تاریخ: ۱۳۸۱/۵/۲۴	تبدیل اردوگاه‌های اسارت به مدرسه بزرگ تقوا، آگاهی و استقامت
۶۹	دشمنان کوردل و عنود، با آلودن دست پلید خود به خون این روحانی بزرگوار (شهید حجت الاسلام مزاری امام جماعت مسجد علی بن ابی طالب زاهدان) که خدمات فرهنگی و اجتماعی او برای همه معلوم و خلوص و پاکدامنی او در فعالیت‌ها و تلاش‌های صادقانه‌اش مشهود است، خود را و اربابان پلید خود را رسوا کردند و اثبات نمودند که دستگاه استکبار و ایادی و نوکرانش، در راه دشمنی با نظام اسلامی و عناصر شریف خدمتگزار آن، از این‌گونه جنایات وحشیانه نیز دریغ ندارند.	پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در پی شهادت حجت الاسلام مزاری در تاریخ: ۱۳۶۹/۳/۲۱	خدمتگزار فرهنگی و اجتماعی
۷۰	در این شهر (یزد)، من مرحوم آیت الله شهید صدوقی را در آن دوره نه به عنوان فقط یک روحانی برجسته در یک شهر؛ بلکه به عنوان یک رهبر دینی و سیاسی و فرهنگی؛ یک رهبر انقلابی تمام عیار در این شهر یزد و در شهرهای سراسر استان، مشاهده کردم و احساس کردم.	بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در دیدار مردم یزد در تاریخ: ۱۳۸۶/۱۰/۱۲	رهبر انقلابی تمام عیار

شماره	متن داده	منبع و مأخذ	کد مفهومی
۷۱	به جاست من از شهید «حقانی»، آن روحانی سخت‌کوش و علاقه‌مند که مقداری از عمر خود را در این جا (بندر عباس) گذراند و قبل از انقلاب، سازماندهی مبارزات را کرد، یاد کنم.	بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در دیدار مردم استان هرمزگان در تاریخ: ۱۳۷۶/۱۱/۲۸	سخت‌کوش
۷۲	به جاست من از شهید «حقانی»، آن روحانی سخت‌کوش و علاقه‌مند که مقداری از عمر خود را در این جا (بندر عباس) گذراند و قبل از انقلاب، سازماندهی مبارزات را کرد، یاد کنم.	همان	سازماندهی کردن مبارزات
۷۳	آقای (شهید آیت‌الله محمدجواد) باهنر، یکی از آن متفکرین اسلامی بود که ویژگی‌های یک شخصیت قوی، ممتاز و اثرگذار در او جمع بود. بسیار با استعداد، خوش فکر و باسواد بود.	بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در دیدار با مسئولان کنگره شهید باهنر در تاریخ: ۱۳۸۰/۶/۴	باسواد
۷۴	شهید باهنر، آدم بسیار جدی و پیگیر در کار بود. به هیچ وجه حتی کارهای معمولی را هم دست‌کم نمی‌گرفت ... هر وقت که کاری مانده بود و همه خسته بودند، به سراغ آقای باهنر می‌رفتیم. شاید یک بار هم اتفاق نیفتاد که آقای باهنر بگوید: «نه!» مثلاً «من خسته‌ام». همیشه قبول می‌کرد ... همیشه با نشاط و سر حال می‌نمود. یعنی هیچ احساس خستگی در ایشان دیده نمی‌شد.	همان	پیگیر و خستگی ناپذیر



شماره	متن داده	منبع و مأخذ	کد مفهومی
۷۵	به نظر من، ایمانشان (شهید رجایی و شهید باهنر) به این راه، به این اهداف، اهدافی که امام ترسیم کرده و جمهوری اسلامی مظهر آن اهداف است، شاخص خیلی مهمی است.	بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیأت دولت در تاریخ: ۱۳۹۴/۶/۴	ایمان به اهداف انقلاب
۷۶	اخلاصشان، روحیه خدمتگزاری‌ای که در این‌ها (شهید رجایی و شهید باهنر) وجود داشت که واقعا، شب و روز نمی‌شناختند و برای خدمتگزاری کار می‌کردند. روحیه مردمی بودن و انس با مردم، تماس با مردم، از نزدیک پای صحبت مردم نشستن ... خصوصیت این دو شخصیت بود.	همان	اخلاص
۷۷	اخلاصشان، روحیه خدمتگزاری‌ای که در این‌ها (شهید رجایی و شهید باهنر) وجود داشت که واقعا، شب و روز نمی‌شناختند و برای خدمتگزاری کار می‌کردند. روحیه مردمی بودن و انس با مردم، تماس با مردم، از نزدیک پای صحبت مردم نشستن ... خصوصیت این دو شخصیت بود.	همان	روحیه خدمتگزاری به مردم
۷۸	اخلاصشان، روحیه خدمتگزاری‌ای که در این‌ها (شهید رجایی و شهید باهنر) وجود داشت که واقعا، شب و روز نمی‌شناختند و برای خدمتگزاری کار می‌کردند. روحیه مردمی بودن و انس با مردم، تماس با مردم، از نزدیک پای صحبت مردم نشستن ... خصوصیت این دو شخصیت بود.	همان	روحیه مردمی بودن و انس با مردم

شماره	متن داده	منبع و مأخذ	کد مفهومی
۷۹	با کسانی بیشتر دشمنی می‌کردند که می‌دیدند در عالم روشنگری افکار مردم، این‌ها توان بیشتری دارند. بعضی‌ها را با تهمت، از میدان خارج می‌کردند، بعضی‌ها را با تضعیف و اهانت از رو می‌بردند؛ لیکن بعضی مثل شهید بهشتی را نمی‌شد با این چیزها از میدان خارج کرد. آن وقت به این شیوه ترور متوسل شدند و شهید بهشتی و دیگران را در آن حادثه به شهادت رساندند.	بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در دیدار مسئولان قوه قضائیه و خانواده شهدای هفتم تیر در تاریخ: ۱۳۷۸/۴/۷	استقامت در برابر جوسازی دشمن
۸۰	این سید بزرگوار (آیت‌الله سید محمدباقر حکیم) با تلاش و مجاهدت خود، توانست رمز وحدت کلمه و تمرکز عواطف و افکار ملت عراق، حول محورهای اساسی شود.	بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام در تاریخ: ۱۳۸۲/۷/۱۷	تلاش و مجاهدت
۸۱	بعضی از دوستانی که از نجف می‌آمدند و از نزدیک با ایشان (شهید حاج سید مصطفی مصطفوی خمینی) معاشرت داشتند، می‌گفتند: «تمام خصوصیات مثبت (به‌خصوص جنبه زهد) در ایشان، در حال رشد و ترقی است».	بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در دیدار دست‌اندرکاران کنگره شهید حاج آقا مصطفی خمینی در تاریخ: ۱۳۷۶/۷/۷	زهد بارز
۸۲	خصوصیت ممتاز این بزرگوار (شهید مرتضی مطهری)، دفاع از حقیقت و دفاع از اسلام، بدون رودربایستی، بدون ملاحظه و بدون بیم و هراس بود.	بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در دیدار کارگران و معلمان به مناسبت روز کارگر و هفته معلم در تاریخ: ۱۳۷۸/۲/۱۵	دفاع از اسلام بدون رودربایستی و هراس



شماره	متن داده	منبع و مأخذ	کد مفهومی
۸۳	آقای مطهری برخلاف ظاهرش، مرد سالکی بود. بنده از نزدیک با مرحوم آقای مطهری، آشنا و معاشر بودم و این ویژگی را در ایشان می‌دیدم. این اهل سلوک بودن، انسان را پاکیزه و شفاف نگه می‌دارد.	بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در دیدار علما و طلاب قزوین در تاریخ: ۱۳۸۲/۹/۲۵	اهل سلوک و معنویت
۸۴	ایشان (شهید مطهری)، اهل گریه و تضرع و دعای نیمه شب بود.	بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در دیدار علما و روحانیون استان همدان در تاریخ: ۱۳۸۳/۴/۱۵	اهل گریه و تضرع و دعای نیمه شب
۸۵	دلیل باقی ماندن فکر ایشان (شهید مطهری) هم خصوصیت دوم ایشان است؛ یعنی اخلاص.	بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در دیدار خانواده و مجموعه ناشر آثار شهید مطهری در تاریخ: ۱۳۷۵/۲/۱۱	اخلاص
۸۶	خصوصیت سوم ایشان (شهید مطهری)، پرکاری و خستگی‌ناپذیری بود. واقعا نمی‌نشست که برای کار سراغش بروند آن‌جا که سراغش نمی‌رفتند، خود ایشان به سراغ کار می‌رفت.	همان	پرکاری و خستگی‌ناپذیری
۸۷	مطهری یک نمونه از آن کسانی بود که با معارف دین آشنا بود.	بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در دیدار علما و طلاب استان فارس در تاریخ: ۱۳۸۷/۲/۱۱	آشنایی با معارف دین



شماره	متن داده	منبع و مأخذ	کد مفهومی
۸۸	با تألم و تأسف بسیار، خبر شهادت مظلومانه روحانی مجاهد و خستگی ناپذیر و رهبر فداکار حزب الله لبنان، حجت الاسلام آقای سید عباس موسوی و همسر و فرزند خردسالش را به دست جنایت بار رژیم صهیونیست دریافت کردم. رحمت خدا بر این سید عالی قدر و شجاع و بااخلاص و هوشمند.	پیام رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) به مناسبت شهادت حجت الاسلام سید عباس موسوی، دبیر کل حزب الله لبنان در تاریخ: ۱۳۷۰/۱۱/۲۸	خستگی ناپذیر
۸۹	با تألم و تأسف بسیار، خبر شهادت مظلومانه روحانی مجاهد و خستگی ناپذیر و رهبر فداکار حزب الله لبنان، حجت الاسلام آقای سید عباس موسوی و همسر و فرزند خردسالش را به دست جنایت بار رژیم صهیونیست دریافت کردم. رحمت خدا بر این سید عالی قدر و شجاع و بااخلاص و هوشمند.	همان	رهبر فداکار
۹۰	با تألم و تأسف بسیار، خبر شهادت مظلومانه روحانی مجاهد و خستگی ناپذیر و رهبر فداکار حزب الله لبنان، حجت الاسلام آقای سید عباس موسوی و همسر و فرزند خردسالش را به دست جنایت بار رژیم صهیونیست دریافت کردم. رحمت خدا بر این سید عالی قدر و شجاع و بااخلاص و هوشمند.	همان	شجاع



شماره	متن داده	منبع و مأخذ	کد مفهومی
۹۱	با تألم و تأسف بسیار، خبر شهادت مظلومانه روحانی مجاهد و خستگی ناپذیر و رهبر فداکار حزب الله لبنان، حجت الاسلام آقای سید عباس موسوی و همسر و فرزند خردسالش را به دست جنایت بار رژیم صهیونیست دریافت کردم. رحمت خدا بر این سید عالی قدر و شجاع و با اخلاص و هوشمند.	همان	با اخلاص
۹۲	ما فداکاری او (شهید سید عباس موسوی) را در صحنه لبنان تجربه کرده بودیم ... من می دیدم که چقدر ایشان پرخروش و مهمت به مسائل مردم و مجاهدان بود.	بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در دیدار با اعضای کادر مرکزی جنبش انقلابی حزب الله لبنان در تاریخ: ۱۳۷۰/۱۲/۱۲	اهتمام به مسائل مردم
۹۳	شهید مطهری یک مبارز در راه خدا، یعنی یک مجاهد فی سبیل الله بود ... جهاد در مقابله با هجوم افکار و فرهنگ های غلط و انحرافی و درک غلط جمعی از مردم.	بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در دیدار کارگران و فرهنگیان کشور، به مناسبت روز کارگر و روز معلم در تاریخ: ۱۳۷۲/۲/۱۵	مبارز در راه خدا
۹۴	زندگی او (شهید مطهری)، تلاش مخلصانه و مؤمنانه و عالمانه، همراه با احساس درد، همراه با یک بصیرت کامل، در میدان علم و معرفت و فرهنگ بود.	بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در دیدار معلمان در تاریخ: ۱۳۹۰/۲/۱۴	اخلاص



شماره	متن داده	منبع و مأخذ	کد مفهومی
۹۵	زندگی او (شهید مطهری)، تلاش مخلصانه و مؤمنانه و عالمانه، همراه با احساس درد، همراه با یک بصیرت کامل، در میدان علم و معرفت و فرهنگ بود.	همان	عالم
۹۶	زندگی او (شهید مطهری)، تلاش مخلصانه و مؤمنانه و عالمانه، همراه با احساس درد، همراه با یک بصیرت کامل، در میدان علم و معرفت و فرهنگ بود.	همان	دردمندی
۹۷	حقا و انصافا، (شهید مطهری) برای دیروز و امروز و فردای کشور، معلم بزرگی بود، یک متفکر دین شناس، مؤمن، بااخلاص و پرکار.	بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در دیدار معلمان و کارگران در تاریخ: ۱۳۸۳/۲/۱۲	دین شناس
۹۸	حقا و انصافا، (شهید مطهری) برای دیروز و امروز و فردای کشور، معلم بزرگی بود، یک متفکر دین شناس، مؤمن، بااخلاص و پرکار.	همان	بااخلاص
۹۹	حقا و انصافا، (شهید مطهری) برای دیروز و امروز و فردای کشور، معلم بزرگی بود، یک متفکر دین شناس، مؤمن، بااخلاص و پرکار.	همان	پرکاری
۱۰۰	این آدم (شهید نواب صفوی) پرشور و بااخلاص، پر از صدق و صفا و ضمنا شجاع و صریح و گویا بود.	بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در گفت و شنود صمیمانه با برنامه نیم رخ گروه کودک و نوجوان صدا و سیما در تاریخ: ۱۳۷۶/۱۱/۱۴	پرشور



شماره	متن داده	منبع و مأخذ	کد مفهومی
۱۰۱	این آدم (شهید نواب صفوی) پرشور و بااخلاص، پراز صدق و صفا و ضمنا شجاع و صریح و گویا بود.	همان	بااخلاص
۱۰۲	این آدم (شهید نواب صفوی) پرشور و بااخلاص، پراز صدق و صفا و ضمنا شجاع و صریح و گویا بود.	همان	شجاع
۱۰۳	این آدم (شهید نواب صفوی) پرشور و بااخلاص، پراز صدق و صفا و ضمنا شجاع و صریح و گویا بود.	همان	صریح و گویا
۱۰۴	مدرس (شهید آیت الله سید حسن مدرس)، خصوصیت عمده اش این بود که هیچ عامل ارعاب و تهدید و تطمیع و فریب‌گری در او اثر نمی‌کرد.	بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در دیدار کارگزاران حج در تاریخ: ۱۳۷۸/۱۱/۲۶	عدم تأثیرپذیری از عوامل ارعاب، تهدید، تطمیع و فریب‌گری
۱۰۵	دیدم امام (راحل) نسبت به مرحوم شیخ فضل الله (نوری)، خیلی تبجیل (تعظیم) و احترام دارند و به خاطر همان تصلب و شجاعت و دین‌گرایی کاملش، بدون اغماض، آن بزرگوار را تعظیم و تجلیل هم می‌کنند که این در بیانات خود امام هم آمده است.	بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در دیدار محققان و دانش پژوهان تاریخ و اندیشه سیاسی حوزه و دانشگاه در تاریخ: ۱۳۸۲/۵/۱۳	شجاعت



شماره	متن داده	منبع و مأخذ	کد مفهومی
۱۰۶	خوشبختانه اخلاص این مرد (شهید میرزا کوچک خان جنگلی) موجب شده که بر خلاف دیگر کسانی که در این صراط‌های مبارزات و مانند این‌ها وارد شدند، اسمش سر زبان‌ها باشد و همه بشناسند او را.	بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در دیدار اعضای ستاد برگزاری بزرگداشت میرزا کوچک خان جنگلی در تاریخ: ۱۳۹۱/۸/۲۹	اخلاص
۱۰۷	من از گذشتگان خود، قضایایی را درباره حوادث تبریز شنیده‌ام که آن‌ها خود شاهدشان بوده‌اند. چه در قضایای دوران استبداد صغیر که مرحوم شیخ محمد خیابانی، آن مرد مبارز و روحانی آزاده در این جا قیام کرد و چه در دوران قبل از آن.	بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در جمع مردم در ورزشگاه تبریز در تاریخ: ۱۳۷۲/۵/۵	مبارز

۴.۳. طبقه‌بندی مفاهیم

با بررسی داده‌ها در مرحله کدگذاری باز و دستیابی به تعداد ۱۰۷ مفهوم، مفاهیم مشترک و مشابه از نظر معنایی، در قالب ۲۲ طبقه اصلی، به همراه زیرطبقات آن‌ها دسته‌بندی شد. نتیجه این مرحله، در جدول (۲) گزارش شده است.

جدول ۲

ردیف	زیرطبقات	طبقات اصلی
۱	رهبر انقلابی تمام عیار	توانایی رهبری و هدایت‌گری انقلابی
	رهبری دیگران در زیر شکنجه‌ها	
	رهبر فداکار	
	سازماندهی‌کردن مبارزات	
	مدیریت قوی	
	هدایت‌گری مبارزات	
	هدایت مردم با وعظ و خطابه	
	انذار صادقانه	
	مدیریت	
	پیشگامی در دعوت به حق و راه خونین مبارزه	
	پیشگام شهادت در هر نهضت و انقلاب الهی و مردمی	
	مایه دلگرمی جوانان مجاهد در جبهه دفاع از حق	
	تبدیل اردوگاه‌های اسارت به مدرسه بزرگ تقوا، آگاهی و استقامت	
	معلمی‌کردن در دایره بسیار وسیع‌تر	
	ابتکار	





ردیف	زیرطبقات	طبقات اصلی
۲	اهل قلم	دفاع از دین و میهن با قلم و بیان گویا (با پشتوانه اندیشه عمیق اسلامی)
	قدرت بیان	
	اهل بیان و تبیین در میان قشرهای مختلف	
	زبان گویا (با پشتوانه اندیشه عمیق اسلامی)	
	دفاع از اسلام بدون رودربایستی و هراس	
	مهیای دفاع از اسلام و کشور اسلامی ایران	
	دفاع از مقدسات دینی و میهنی	
	ترویج حلال و حرام الهی بدون دخل و تصرف	
	صریح و گویا	
۳	اهل مبارزه و خطرپذیری	اهل مبارزه و خطرپذیری
	مقابله با رژیم طاغوت	
	مبارز در راه خدا	
	مبارز	
	مبارزه سرسختانه با کجروی ها و انحرافات	
	مبارزه با کفر و شرک	
	مبارزه و ایثار خون	
۴	خدمت به مردم	خدمت رسانی (فرهنگی و اجتماعی) به عموم مردم و محرومان
	خدمتگزار فرهنگی و اجتماعی	
	روحیه خدمتگزاری به مردم	
	روحیه مردمی بودن و انس با مردم	
	اهتمام به مسائل مردم	
	احساس مسئولیت در برابر توده مردم	
	تکیه گاه محرومان	
	خدمت به اسلام و مسلمین	
	خدمتگزاری	
	عاشق خدمت به خدا و خلق خدا	
	مدافع محرومان و مستضعفان	



ردیف	زیرطبقات	طبقات اصلی
۵	قدرت ارتباط با اقشار مختلف و جذب آنها	قدرت ارتباط‌گیری و جذب مخاطبان گوناگون
	قدرت ارتباط‌گیری با نسل جوان و دانشجویان	
۶	سخت‌کوش	مجاهدت و سخت‌کوشی
	همت	
	تلاش و مجاهدت	
	پرکاری	
	مجاهدت	
	مجاهدت برای اسلام	
	مجاهدت در راه اسلام و ملت	
۷	اخلاص	اخلاص
۸	شجاعت	شجاعت
	شجاع	
۹	پرهیزکار	پرهیزکاری
	تهذیب نفس و جهاد اکبر	
	رهایی از دام‌ها و وسوسه‌های شیطانی	
۱۰	روشن‌بینی	روشن‌بینی
۱۱	درد دین داشتن	دردمندی دینی
	دردمندی	
۱۲	پیگیر و خستگی‌ناپذیر	خستگی‌ناپذیری
	پرکاری و خستگی‌ناپذیری	
	خستگی‌ناپذیر	
	پرشور	



ردیف	زیرطبقات	طبقات اصلی
۱۳	زهد بارز	قناعت و زهدورزی
	زهد	
	زهدورزی	
	قناعت	
	قناعت و بزرگواری	
	درس خواندن با ریاضت و زهدورزی	
	وارستگی از تعلقات و تمنیات دنیا به هنگام نبرد	
۱۴	قوت ایمان	ایمان به اهداف انقلاب
	ایمان به اهداف انقلاب	
۱۵	آشنایی با معارف دین	عالم به معارف دین
	طلب علم	
	باسواد	
	عالم	
	دین شناس	
	دانشمند	
	اسلامشناسی	
	دین باوری	
۱۶	اهل سلوک و معنویت	اهل سلوک و معنویت
	اهل گریه و تضرع و دعای نیمه شب	
	طهارت روح	
۱۷	صبر	صبر و استقامت
	استقامت در برابر جوسازی دشمن	
	عدم تأثیرپذیری از عوامل ارعاب، تهدید، تطمیع و فریب‌گری	
	تحمل تلخی‌ها، اسارت و آزار در راه	
	زیر بار ذلت و منت دیگران نرفتن	
۱۸	صداقت و تعهد	صداقت و تعهد
۱۹	اشتیاق به شهادت و آروزی آن	اشتیاق به شهادت
۲۰	فداکاری	فداکاری

ردیف	زیرطبقات	طبقات اصلی
۲۱	شناخت حیل‌های جهان‌خواران	دشمن‌شناسی
۲۲	آشتی‌ناپذیری با سرمایه‌داران زالوصفت	عدم وابستگی به
	عدم وابستگی به قدرت‌ها	سرمایه‌داران و قدرت‌ها

۴.۴. انتزاع مضمون

مفاهیم و طبقات مزبور، منعکس‌کننده مضمون واحدی است که از آن، به «شایستگی‌های طلبة انقلابی» یاد می‌کنیم. در حقیقت، طبقات اصلی، نشانگر مفاهیمی است که این مضمون را در طلبة انقلابی، در شش بعد اصلی (توانایی‌ها، دانش، مهارت، گرایش، شخصیتی، اخلاقی و رفتاری) نشان می‌دهد. این مضمون، خلاصه تعداد ۱۰۷ کد مفهومی و ۲۲ طبقه اصلی است که در فرآیند رمزگذاری داده‌ها به دست آمد.

جدول ۳

ردیف	طبقات اصلی	تعداد کد مفهومی	ابعاد	مضمون اصلی
۱	توانایی رهبری و هدایت‌گری انقلابی	۲۶	توانایی‌ها	شایستگی‌های طلبة انقلابی
	اهل مبارزه و خطرپذیری			
	قدرت ارتباط‌گیری و جذب مخاطبان گوناگون			
۲	عالم به معارف دین	۹	دانش	
	دشمن‌شناسی			
۳	دفاع از دین و میهن با قلم و بیان گویا (با پشتوانه اندیشه عمیق اسلامی)	۹	مهارت	
۴	ایمان به اهداف انقلاب	۳	گرایش	
	اشتیاق به شهادت			





ردیف	طبقات اصلی	تعداد کد مفهومی	ابعاد	مضمون اصلی
۵	مجاهدت و سخت‌کوشی	۲۶	شخصیتی	شایستگی‌های طلبه انقلابی
	دردمندی دینی			
	خدمت‌رسانی (فرهنگی و اجتماعی) به عموم مردم و محرومان			
	خستگی‌ناپذیری			
	عدم وابستگی به سرمایه‌داران و قدرت‌ها			
۶	اخلاص	۳۴	اخلاقی و رفتاری	
	شجاعت			
	فداکاری			
	پرهیزکاری			
	روشن‌بینی			
	صبر و استقامت			
	قناعت و زهدورزی			
	اهل سلوک و معنویت			

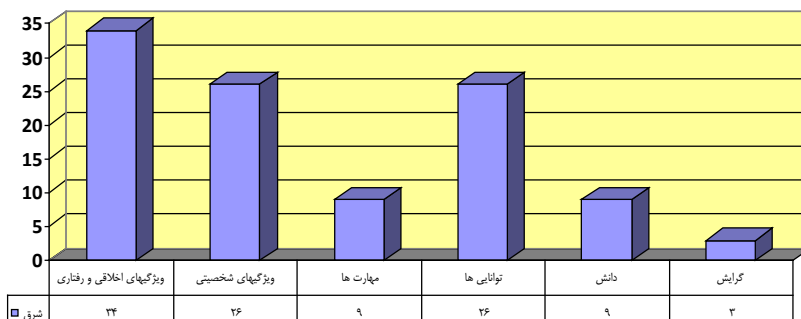
۴.۵. تحلیل نتایج

۱۷۰

۴.۵.۱. ابعاد و مؤلفه‌های اصلی در الگوی شایستگی‌های طلبه انقلابی

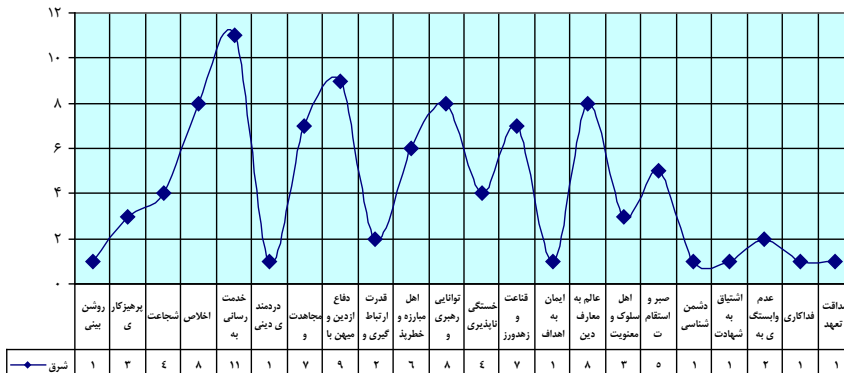
نتایج این تحقیق، حاکی از آن است که الگوی شایستگی‌های طلبه انقلابی، مبتنی بر ویژگی‌های برجسته شهدای روحانیت، بر اساس تحلیل امامین انقلاب اسلامی، دارای شش بعد «دانش»، «گرایش»، «توانایی‌ها»، «مهارت‌ها»، «ویژگی‌های شخصیتی» و «ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری» است. گرچه این مرحله از تحقیق، در فرآیند روش تحلیل

محتوای کمی، به کار می رود؛ ولی ممکن است فراوانی تصریح، تکرار و تأکید یک واژه یا مفهومی از داده ها در موضوع شایستگی های طلبه انقلابی، در طراحی الگوی نهایی و یا هر تحلیل دیگری از زندگی شهدای روحانی، نقش تعیین کننده ای داشته باشد، به این جهت، در ادامه (جدول ۴)، نموداری از فراوانی کدهای مفهومی ابعاد و مؤلفه های به دست آمده را از نظر می گذرانیم.



جدول ۴؛ نمودار فراوانی ابعاد و شاخص های مربوط به آن در شایستگی های طلبه انقلابی
آن چه از نمودار فوق استنباط می شود، این است که در میان ابعاد الگوی شایستگی های طلبه انقلابی، بعد «ویژگی های اخلاقی و رفتاری» با تعداد ۳۴ کد مفهومی، بعد «ویژگی های شخصیتی» با تعداد ۲۶ کد مفهومی و بعد «توانایی ها» با تعداد ۲۶ کد مفهومی، از فراوانی بالا برخوردار می باشند که همین امر، نشان از جایگاه و اهمیت این سه بعد در «الگوی شایستگی های طلبه انقلابی» دارد.

بخش دیگری از فراوانی سنجی در تحلیل محتوای کدهای مفهومی، دستیابی به میزان فراوانی، شاخص های مربوط به «مؤلفه های اصلی شایستگی های طلبه انقلابی» است. آن چه در ادامه (جدول ۵) می آید، به صورت واضح، میزان اهمیت هر یک از شاخص ها را در الگوی شایستگی های طلبه انقلابی نشان می دهد.



جدول ۵؛ نمودار فراوانی شاخص‌های مربوط به مؤلفه‌های اصلی شایستگی‌های طلبه انقلابی آن‌چه از نمودار خطی فوق، می‌توان برای تحلیل کیفی استفاده کرد، فراوانی بالای شاخص مؤلفه‌های «توانایی رهبری و هدایت‌گری انقلابی»، «عالم به معارف دین»، «اهل مبارزه و خطرپذیری» و «اخلاص» است. افزون بر آن، مؤلفه‌های «خدمت‌رسانی به عموم مردم و محرومان»، «دفاع از دین و میهن با قلم و بیان»، «مجاهدت و سخت‌کوشی»، «قناعت و زهدورزی» و «صبر و استقامت»، در مقایسه با سایر مؤلفه‌ها نیز از فراوانی بالایی برخوردار است که در کنار سایر مؤلفه‌ها، می‌تواند نقش قابل توجهی، در طراحی الگوی شایستگی‌های طلبه انقلابی ایفا کند.

۴.۵.۲. مفاهیم منعکس‌کننده شایستگی‌های طلبه انقلابی

تحلیل محتوای کیفی سخنرانی‌ها و پیام‌های امامین انقلاب اسلامی، در خصوص ویژگی‌های برجسته شهدای روحانیت نشان داد که مضمون «شایستگی‌های طلبه انقلابی»، توسط مفاهیم بیست و دوگانه همچون «عالم به معارف دین»، «ایمان به اهداف انقلاب»، «اهل سلوک و معنویت»، «قناعت و زهدورزی»، «توانایی رهبری و هدایت‌گری انقلابی»، «اهل مبارزه و خطرپذیری»، «دفاع از دین و میهن با قلم و بیان گویا (با پشتوانه اندیشه عمیق اسلامی)»، «صبر و استقامت»، «خستگی‌ناپذیری»، «خدمت‌رسانی (فرهنگی و



اجتماعی) به عموم مردم و محرومان»، «قدرت ارتباط‌گیری و جذب مخاطبان گوناگون»، «مجاهدت و سخت‌کوشی»، «اخلاص»، «شجاعت»، «پرهیزکاری»، «صداقت و تعهد»، «اشتیاق به شهادت»، «فداکاری»، «روشن‌بینی»، «دشمن‌شناسی»، «عدم وابستگی به سرمایه‌داران و قدرت‌ها» و «دردمندی دینی»، منعکس شده است.

۴.۵.۳. مهم‌ترین مؤلفه‌های اصلی در شایستگی‌های طلبه انقلابی

در میان مؤلفه‌های اصلی در شایستگی‌های طلبه انقلابی، مؤلفه‌های هفت‌گانه «توانایی رهبری و هدایت‌گری انقلابی»، «اهل مبارزه و خطرپذیری»، «عالم به معارف دین»، «اخلاص»، «دفاع از دین و میهن با قلم و بیان گویا»، «خدمت‌رسانی به عموم مردم و محرومان»، «مجاهدت و سخت‌کوشی»، «قناعت و زهدورزی» و «صبر و استقامت» که بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند، از اهمیت بیشتری برخوردار هستند. در این میان به نظر می‌رسد که «اهل قلم و بیان بودن یک طلبه»، یعنی برخورداری وی از اندیشه فاخر دینی و جرأت بیان معارف عمیق انقلاب اسلامی، در کنار بهره‌مندی از «اخلاص»، «روحیه مبارزه و خطرپذیری»، «مجاهدت و سخت‌کوشی» و «صبر و استقامت»، طلبه را توفیق «خدمت‌رسانی به عموم مردم و محرومان» و توانایی «رهبری و هدایت‌گری انقلابی» می‌بخشد.

از این‌رو، رهبر معظم انقلاب اسلامی، در برحذر داشتن از تنبلی، سکوت، بی‌تفاوتی، عافیت‌طلبی، تن دادن به زندگی دور از مشکل و مانند آن فرموده‌اند: «روحیه انقلابی؛ یعنی اسیر حدود تحمیلی نشدن، قانع به گیرندگی قطره‌چکانی نشدن، با امید دنبال هدف حرکت کردن و با انگیزه، با نشاط، با اصرار و پیگیری آن‌را به‌دست آوردن. این، انقلاب و حرکت انقلابی است»^۱.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی در تاریخ: ۱۳۸۳/۴/۱.





همچنین در بیانی دیگر فرمودند: «یکی از کارهای واجب و اصلی هر فرد، حکومت و قدرتی، این است که مبارزه کند؛ یعنی باید تلاش کند و به تنبلی و بی‌عملی و بی‌تعهدی تن ندهد ... بایستی تلاش و مجاهدت کند و در این راه قبول خطر کند. این یکی از وظایف است. البته این مجاهدت، باید مجاهدت فی سبیل الله باشد»^۱.

ایشان عنصر «خطرپذیری» در حرکت انقلابی‌گری را این‌گونه توضیح داده‌اند: «خطرپذیری، نقطه مقابل آن، ترس است. ترس از عدم موفقیت، وارد نشویم که مبدا موفق نشویم، حرکت نکنیم که مبدا نرسیم، اقدام نکنیم که مبدا مورد قبول قرار نگیرد، اقدام نکنیم که مبدا برای ما مشکلات ایجاد کند. این‌ها، همه‌اش نقطه مقابل خطرپذیری است ... این جرأت و گستاخی و نترسیدن از احتمال موفق نشدن، عامل بسیار مهمی است که ما را پیش می‌برد»^۲.

وی در همین راستا، خطرپذیری برای کارهای بزرگ از جمله خطرپذیری در برابر استکبار را عامل موفقیت ملت و از احتیاجات ملی قلمداد نموده و فرموده‌اند: «امروز هم مسئولان کشور و آحاد مردم ما اگر می‌خواهند ملت ایران به آن قله بلند عظمت و افتخار و عزتی که آرزویش را دارد، دست پیدا کند، باید با شجاعت تمام، با آگاهی و بینش کامل، با خطرپذیری در مقابل قدرتمندان و زورگویان و زورمندان عالم، این راه را ادامه دهند»^۳.

رهبر معظم انقلاب اسلامی (دامت برکاته)، ضمن این‌که در موضوع ارزشمندی اخلاص معتقدند: «آن سلاحی که هیچ دشمن مادی، قادر به مقابله با آن نیست، سلاح ایمان

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در دیدار جانبازان و خانواده‌های ایشان در تاریخ: ۱۳۸۴/۸/۴.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در دیدار نخبگان جوان در تاریخ: ۱۳۸۵/۶/۲۵.

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز میلاد مسعود علی بن ابیطالب (علیه السلام) در تاریخ: ۱۳۸۶/۵/۶؛ همچنین بنگرید به: بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در دیدار با کارگزاران نظام در تاریخ: ۱۳۹۱/۵/۳.



مخلصانه و عمل مخلصانه است»^۱، در خصوص مفهوم اخلاص نیز بر این باور هستند که «اخلاص یعنی این که انسان، کار را برای خدا و به عشق انجام وظیفه، انجام دهد. انسان برای هوای نفس، برای رسیدن به مال، به ثروت، به مقام، نام نیک، قضاوت تاریخ، برای انگیزه‌های نفسانی، برای اشباع صفت پلید حسد، طمع، حرص، زیاده‌طلبی و افزون‌طلبی کار نکند! کار را برای خدا و محض انجام وظیفه بکند»^۲.

همچنین فرمودند: «هر کاری را که از روی اخلاص بکنید، خدا به آن برکت خواهد داد. هر کاری را که از روی حساب‌گریهای مادی بکنید، متزلزل است. ممکن است به نتایجی برسد، خیلی از اوقات هم به نتیجه نمی‌رسد. به خلاف آن کاری که از روی ایمان و اخلاص، برای خدا انجام می‌دهید. هر کس برای خدا باشد، قدرت الهی در خدمت او قرار می‌گیرد و به او کمک می‌کند»^۳.

نتیجه آن‌که، در پیوستار حرکت انقلابی یک طلبه، «علم به معارف دین»، «دشمن‌شناسی» و «اخلاص»، به مثابه پایه‌ها و مبنای حرکت است و «دفاع از دین و میهن با قلم و بیان گویا»، در کنار «مبارزه و خطرپذیری»، از سوی طلاب حوزه‌های علمیه، زمینه مناسبی را برای این حرکت مقدس فراهم ساخته و با «خدمت‌رسانی به عموم مردم و محرومان»، این حرکت تقویت خواهد شد و «مجاهدت و سخت‌کوشی»، «قناعت و زهدورزی» و «صبر و استقامت» از سوی طلاب نیز موجب استمرار حرکت انقلابی می‌گردد و در نتیجه، «رهبری و هدایت‌گری انقلابی» تحقق خواهد یافت. پیوستار این حرکت، در نمودار ذیل، قابل مشاهده است.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در جمع بسیجیان به مناسبت هفته بسیج در تاریخ:

۱۳۷۶/۹/۵.

۲. همان.

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان، به مناسبت روز ملی

مبارزه با استکبار در تاریخ: ۱۳۷۲/۸/۱۲.



پیوستار مهم‌ترین مؤلفه‌ها در حرکت انقلابی یک طلبه				
نتیجه	مؤلفه‌های استمرار بخش	مؤلفه تقویت‌کننده	مؤلفه‌های زمینه‌ساز	پایه‌ها و مبنای حرکت
رهبری و هدایت‌گری انقلابی	«مجاهدت و سخت‌کوشی»، «قناعت و زهدورزی» و «صبر و استقامت»	خدمت‌رسانی به عموم مردم و محرومان	«اهل مبارزه و خطرپذیری» و «دفاع از دین و میهن با قلم و بیان گویا»	«علم به معارف دین»، «دشمن‌شناسی» و «اخلاص»

با این نگاه، برای انقلابی ماندن حوزه‌های علمیه و تربیت طلبه انقلابی، باید بیش از پیش، در برنامه‌های آموزشی و تہذیبی بر عناصر یاد شده توجه نمود. چه این‌که «کم‌سوادی» و «سکوت در بیان معارف دینی» در کنار «روحیه عافیت‌طلبی»، «بسن‌دگی به وضعیت موجود»، «کناره‌گیری از مردم»، «بی‌تفاوتی در قبال مشکلات جامعه»، «دل‌سپردگی به لذت‌ها و اعتبارات دنیوی» و «هراس از سختی‌ها و خطرات انقلابی‌گری»، هر یک به سهم خود، شخصیت انسان را به گونه‌ای شکل خواهد داد که به هیچ‌وجه، قدرت رهبری و هدایت‌گری انقلابی در او وجود نداشته باشد.

۴.۵.۴. نقش ویژگی‌های شخصیتی، اخلاقی و رفتاری در توانایی‌های طلبه انقلابی

تحلیل محتوای سخنرانی‌ها و پیام‌های امامین انقلاب اسلامی در خصوص ویژگی‌های برجسته شہدای روحانیت، نشان داد که ویژگی‌های شخصیتی (نظیر: دردمندی دینی، خدمت‌رسانی به عموم مردم و محرومان، مجاہدت و سخت‌کوشی، خستگی‌ناپذیری و عدم وابستگی به سرمایه‌داران و قدرت‌ها) و خصلت‌های اخلاقی و رفتاری (مانند: پرهیزکاری، روشن‌بینی، قناعت و زهدورزی، اخلاص و شجاعت، صبر و استقامت، فداکاری و اهل سلوک و معنویت)، موجب می‌شود طلاب و روحانیون، حائز توانایی‌های





انقلابی‌گری (نظیر: «توانایی رهبری و هدایت‌گری انقلابی»، «اهل مبارزه و خطرپذیری» و «دفاع از دین و میهن با قلم و بیان گویا») شوند.

با این توضیح، می‌توان چنین نتیجه گرفت که «ویژگی‌های شخصیتی» و برخورداری از «خصوصیات برجسته اخلاقی و رفتاری»، از مهم‌ترین بخش شایستگی‌های طلبه انقلابی است. چه این‌که امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی (دامت برکاته)، بارها و بارها در مناسبت‌های مختلف، با تعبیرات گوناگون، بر نقش اخلاق و معنویت طلاب و روحانیون در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی، تأکید کرده‌اند.^۱

۴.۵.۵. الگوی چندبعدی از شایستگی‌های طلبه انقلابی

بر اساس بررسی نتایج به دست آمده در تحلیل ابعاد و مؤلفه‌های شایستگی‌های طلبه انقلابی، می‌توان برای این موضوع، یک الگوی چندبعدی (همراه با مؤلفه‌های اصلی و مؤلفه‌های زمینه‌ساز) ترسیم کرد. عناصر «رهبر و هدایت‌گر انقلابی» (در بعد توانایی‌ها)، «خدوم و خستگی‌ناپذیر» (در بعد شخصیتی)، «اهل قلم و بیان گویا» (در بعد مهارتی)،

۱. به عنوان نمونه، بنگرید به: عنوان: سخنرانی امام خمینی (ره) در جمع اعضای جامعه مدرسین و اساتید دانشگاه در تاریخ: ۱۳۶۴/۶/۵؛ سخنرانی امام خمینی (ره) در جمع اعضای مجلس خبرگان و ائمه جمعه کل کشور در تاریخ: ۱۳۶۳/۱۱/۱۴؛ سخنرانی امام خمینی (ره) در جمع طلاب نجف در بین ۱۳۴۴ تا شهریور ۱۳۴۶؛ سخنرانی در جمع بانوان لنگرود و پرسنل سپاه پاسداران همدان در تاریخ: ۱۳۵۸/۴/۲؛ سخنرانی امام خمینی (ره) در جمع پاسداران در تاریخ: ۱۳۵۸/۹/۲۵ و ... بیانات رهبر معظم انقلاب (دامت برکاته) در دیدار با روحانیون و طلاب آزاده، در تاریخ: ۱۳۶۹/۸/۵؛ بیانات در مراسم بیعت هزاران تن از طلاب قم و بیست کشور جهان در تاریخ: ۱۳۶۸/۳/۲۲؛ بیانات در دیدار با علما و طلاب استان فارس در تاریخ: ۱۳۸۷/۲/۱۱؛ بیانات در دیدار با مجمع طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم در تاریخ: ۱۳۷۰/۱۲/۱؛ بیانات در دیدار با مسئولان عقیدتی، سیاسی نیروی انتظامی در تاریخ: ۱۳۸۳/۱۰/۲۳؛ بیانات در دیدار با روحانیون و ائمه جمعه و جماعات استان مازندران در تاریخ: ۱۳۶۹/۲/۲۲؛ بیانات در دیدار با روحانیون و طلاب ایرانی و خارجی در مدرسه فیضیه قم در تاریخ: ۱۳۷۴/۹/۱۶؛ بیانات در دیدار با ائمه جماعات و روحانیون و مبلغین در آستانه ماه مبارک رمضان در تاریخ: ۱۳۷۱/۱۱/۲۵؛ بیانات در دیدار با علما و طلاب قزوین در تاریخ: ۱۳۸۲/۹/۲۵؛ بیانات در دیدار با روحانیون استان سمنان در تاریخ: ۱۳۸۵/۸/۱۷؛ بیانات در دیدار با علما و روحانیون استان لرستان در تاریخ: ۱۳۷۰/۵/۳۰ و ...



«بااخلاص و شجاع» (در بعد اخلاقی و رفتاری)، «مؤمن به اهداف انقلاب و مشتاق شهادت» (در بعد گرایشی) و «عالم به معارف دین و دشمن شناس» (در بعد دانشی)، به عنوان مؤلفه های اصلی این الگو به شمار می آیند که برای برخی از آن ها، مؤلفه های زمینه ساز نیز وجود دارد. الگوی یادشده در جدول (۶)، قابل مشاهده است.

جدول ۶

الگوی چندبعدی از شایستگی های طلبه انقلابی					
بعد توانایی ها	بعد شخصیتی	بعد مهارتی	بعد اخلاقی و رفتاری	بعد گرایشی	بعد دانشی
مؤلفه اصلی	مؤلفه اصلی	مؤلفه اصلی	مؤلفه اصلی	مؤلفه اصلی	مؤلفه اصلی
رهبر و هدایت گر انقلابی	مؤلفه های زمینه ساز اهل مبارزه و خطرپذیری قدرت ارتباط گیری و جذب مخاطبان گوناگون	مؤلفه های زمینه ساز دردمندی صبر و استقامت مجاهدت و سخت کوشی عدم وابستگی به سرمایه داران و قدرت ها	مؤلفه های زمینه ساز بهره مندی از اندیشه عمیق اسلامی	مؤلفه های زمینه ساز سلوک معنوی روشن بینی قناعت و زهدورزی صداقت و تعهد فداکاری	مؤمن به اهداف انقلاب و مشتاق شهادت
			بااخلاص و شجاع		عالم به معارف دین و دشمن شناس



تحقیق حاضر، با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کیفی متعارف، کوشید «الگوی شایستگی‌های طلبه انقلابی» را مبتنی بر ویژگی‌های برجسته شهدای روحانیت، بر اساس تحلیل‌های امامین انقلاب اسلامی، استخراج و تبیین کند. محقق با بررسی داده‌های به‌دست آمده از بررسی بیانات و پیام‌های امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب اسلامی (دامت برکاته)، در مناسبت‌های مختلف، به تعداد ۱۰۷ کد مفهومی دست یافت. سپس کدها، با بررسی بیشتر، به ۲۲ زیرطبقه تقلیل یافتند و پس از آن، در قالب شش طبقه اصلی (بعد)، از جمله «دانش»، «گرایش»، «مهارت‌ها»، «توانایی‌ها»، «ویژگی‌های شخصیتی» و «ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری» دسته‌بندی شدند. طبقات یادشده با زیرطبقات (مؤلفه‌ها اصلی)، به شکلی «الگوی شایستگی‌های طلبه انقلابی» را نشان می‌دهند. سرانجام، بر اساس نتایج به‌دست آمده از تحقیق یک الگوی چندبعدی ترسیم گردید. بر این مبنا، مؤلفه‌های ششگانه «عالم به معارف دین و دشمن‌شناس» (در بعد دانشی)، «مؤمن به اهداف انقلاب و مشتاق شهادت» (در بعد گرایشی)، «خودم و خستگی‌ناپذیر» (در بعد شخصیتی)، «اهل قلم و بیان‌گویا» (در بعد مهارتی)، «بااخلاص و شجاع» (در بعد اخلاقی و رفتاری) و «رهبر و هدایت‌گر انقلابی» (در بعد توانایی‌ها)، به‌عنوان مؤلفه‌های اصلی این الگو به‌شمار می‌آیند. در پایان نیز پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌هایی با موضوع بررسی راهکارهای کاربردی جهت تقویت و تعالی مؤلفه‌های الگوی طلبه انقلابی در میان طلاب حوزه‌های علمیه صورت پذیرد و نیز بر اساس نتایج این تحقیق و سایر پژوهش‌های تکمیلی، مقیاسی برای وضعیت‌سنجی و ارزیابی میزان شایستگی‌های انقلابی طلاب حوزه‌های علمیه، طراحی گردد.



۱. آرتور بارکر، جونل، هنر کشف آینده، ترجمه نغمه خادم بانی، چاپ سوم، تهران: انتشارات انستیتو ایز ایران، ۱۳۸۵.
۲. ایمان، محمدتقی و محمودرضا نوشادی، «تحلیل محتوای کیفی»، فصلنامه پژوهش، سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، صص ۱۵-۴۴.
۳. بل، سایمون، منظر، الگو، ادراک و فرآیند، ترجمه بهناز امین-زاده، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۴.
۴. خمینی، سید روح الله، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، بی تا.
۵. دوران، دانیل، نظریه سیستم‌ها، ترجمه محمد یمینی دوزی سرخابی، چاپ دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶.
۶. رضایت، غلامحسین و منیژه صادق بیگی، «تدوین الگوی شایستگی‌های دبیران دبیرستان‌های دولتی ایران»، فصلنامه علمی-پژوهشی نوآوری‌های آموزشی، شماره ۶۵، بهار ۱۳۹۷، صص ۷۵-۱۰۴.
۷. رضایت، غلامحسین و همکاران (محمد یمینی دوزی سرخابی، علیرضا کیامنش و عبدالرحیم نوه ابراهیم)، «معماری الگوهای شایستگی: ارائه چارچوب مفهومی»، دوفصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی دانشگاه امام حسین (علیه السلام)، سال سوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، صص ۸۱-۴۹.
۸. شومیگر، پاملا جی و جیمز ویلیام تنکارد و دو مینیک ال لاسورسا، نظریه پردازی در علوم اجتماعی، ترجمه محمد عبداللهی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، ۱۳۸۷.
۹. عادل مهربان، مرضیه، مروری بر تحلیل محتوای کیفی و کاربرد آن در پژوهش، اصفهان: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان اصفهان، زمستان ۱۳۹۴.



۱۰. هومن، حیدرعلی، شناخت روش علمی در علوم رفتاری، چاپ هشتم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۶.

سایت‌ها و خبرگزاری‌ها

۱۱. خبر آنلاین، خبرگزاری تحلیلی ایران به نشانی: <https://www.khabaronline.ir/>
news/۱۳۰۴۲۲۵ در تاریخ: ۱۳۹۸/۷/۵.

۱۲. سایت پورتال امام خمینی (ره) به نشانی: <http://www.imam-khomeini.ir>

۱۳. سایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سید علی حسینی خامنه‌ای
(دامت برکاته) به نشانی: <https://farsi.khamenei.ir>





واکاوی حکم فقهی اعضای جدا شده از بدن در باب غسل مس میت

صفحات ۱۸۳ تا ۲۰۷

محمدرضا هوشیاری

برگزیده سطح دو پانزدهمین جشنواره

چکیده

مشهور فقهای شیعه، غسل مس میت را واجب دانسته و به طور کلی، وجوب این غسل در اعضای جدا شده را نیز پذیرفته‌اند؛ اما به صورت جزئی، دو نظر در این زمینه نسبت به انسان زنده و میت وجود دارد. گروه اول، حکم این دو را یکسان و گروه دیگر، میان آن‌ها تفاوت قائل شده‌اند. در این مقاله، با بررسی روایات و اقوال میان فقها، نظر نهایی چنین بیان شده است که به شرط قبول قاعده "الانجبار بالشهرة" و استصحاب تعلیقی، هر عضوی که از میت جدا شود، اگر ترکیب گوشت و استخوان باشد، وجوب غسل مس میت را به همراه داشته و اگر گوشت یا استخوان به تنهایی باشد، وجوبی در پی نخواهد داشت. همچنین در مورد اعضای جدا شده از انسان زنده، در هیچ صورتی، غسل مس میت وجوب نخواهد داشت.

کلیدواژگان: غسل مس میت، اعضای جدا شده، الانجبار بالشهرة، استصحاب تعلیقی



دین مبین اسلام، جایگاه ویژه‌ای برای پاکیزگی جسمانی قائل بوده و این مهم، در سراسر احکام آن، رخ نمایان می‌کند. یکی از تعالیم الهی در این مورد، غسل مس میت می‌باشد. طبق روایات معصومین (علیهم‌السلام)، اگر میت قبل از سرد شدن بدن و قبل از غسل میت، لمس شود، لمس کننده باید غسلی به نام غسل مس میت انجام دهد.

در میان فقهای شیعه، وجوب این غسل مورد قبول اکثر قریب به اتفاق آن‌ها بوده و تنها سید مرتضی (ره) و برخی دیگر از فقها، حکم به استحباب این غسل داده‌اند؛ اما آیا این غسل، در صورت مس اعضای جدا شده از انسان هم نافذ است یا غسل مس میت در این مورد واجب نیست؟

مشهور فقها، این غسل را در اعضای جدا شده نیز به طور کلی قبول دارند؛ اما به صورت جزئی، قبول داشته؛ ولی در مورد اعضای انسان زنده و میت، اختلاف نظر دارند. گروهی از آنان، میان انسان زنده و مرده فرقی قائل نشده و حکم را چنین بیان می‌کنند که غسل مس عضو شامل گوشت و استخوان واجب بوده و عضو شامل گوشت یا استخوان به تنهایی، واجب نخواهد بود.

گروه دیگر، حکم گروه اول را تنها در مورد انسان زنده واجب دانسته و در مورد اعضای جدا شده از میت، معتقد به وجوب غسل مس در تمامی اعضای جدا شده از آن هستند. گروه سوم، حکم گروه دوم در مورد اعضای جدا شده از میت را قبول داشته؛ اما معتقد به واجب نبودن غسل مس در تمامی اعضای جدا شده از انسان زنده هستند.

از آن جایی که برخی ارگان‌ها، به صورت مداوم با اجساد اموات سروکار دارند، نتیجه این مسئله، بسیار حائز اهمیت خواهد بود. شایان ذکر است تاکنون مقاله‌ای در این موضوع، نوشته نشده است و همین امر، اهمیت این اثر ناچیز را دوچندان می‌سازد.



این نوشتار، در صدد است با بررسی ادله هر دسته از فقها و نقد آن‌ها، نظر برگزیده را مشخص کند. سیر مقاله به این شکل خواهد بود که در ابتدا، غسل مس میت و وجوب آن بررسی شده، سپس به بیان اختلافات در باب اعضای جدا شده پرداخته و در مرحله آخر، تفاوت غسل مس در انسان زنده و میت و نظرات را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد.

۲. غسل مس میت

فقه‌های فقه امامیه، بر اساس روایات معصومین (علیه‌السلام)، غسل مس میت را جزء غسل‌های وارد شده در تعالیم اسلامی دانسته‌اند و هیچ اختلافی بر سر اصل آن وجود ندارد. طبق این روایات، اگر انسان مرده، بعد از سرد شدن بدن و قبل از غسل میت، توسط شخصی، مورد تماس قرار گیرد، شخصی که تماس را برقرار کرده است، باید^۱ غسلی به نام غسل مس میت انجام دهد.

بر اساس همین روایات، این غسل، چهار استثناء دارد: معصوم (علیه‌السلام)، شهید معرکه، جنازه‌ای که غسل میت او به‌طور صحیح به اتمام رسیده باشد و کسی که مرگ او به‌خاطر سببی خاص - مانند محکومین به اعدام - نزدیک بوده و قبل از مرگ، غسل میت را به‌خاطر همان سبب خاص انجام داده و بعد از این غسل نیز به‌خاطر همان سبب خاص می‌میرد.^۲

پس به‌طور کلی، این غسل، از غسل‌های وارد شده در دین مبین اسلام شمرده شده است؛ اما دو نظر در زمینه حکم فقهی غسل مس میت، در میان فقه‌های شیعه وجود

۱. با توجه به این‌که اکثر فقه‌های امامیه، این غسل را واجب می‌دانند، لفظ «باید» که به معنای وجوب این غسل است، مورد استفاده قرار گرفته است.

۲. کلینی، الکافی، ج ۳، صص ۱۶۰-۱۶۱؛ ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۴۳؛ طوسی، التهذیب؛ ج ۱، صص ۴۳۰، ۲۷۷، ۱۰۸؛ الاستبصار؛ ج ۱، صص ۱۰۱-۹۹.





دارد. اکثریت قریب به اتفاق، حکم به وجوب این غسل داده و گروهی دیگر، این غسل را مستحب می‌دانند.

۲،۱. قائلین به وجوب و استحباب غسل مس میت و ادله آنان

۲،۱،۱. قائلین به وجوب

اکثریت قریب به اتفاق فقهای شیعه، بر سر وجوب آن اتفاق نظر دارند. این امر، به دلیل روایات بسیاری است که تصریح به وجوب این غسل داشته و همچنین، عدم وجود معارض^۱ برای این روایات، سبب شده است تا این غسل، از غسل‌های واجب شمرده شود.^۲ شیخ طوسی نیز در این مورد، ادعای اجماع کرده است.^۳

۲،۱،۲. قائلین به استحباب

در میان فقهای امامیه، سید مرتضی (ره) و فقهای هم‌نظر با ایشان، این غسل را مستحب دانسته‌اند، با این‌که در کلام فقها، اسمی به جز سید (ره)، در این بحث ذکر نشده است؛ اما ظاهر کلام شیخ طوسی (ره)، بر این دلالت دارد که به جز وی، فقهای دیگری نیز حکم به استحباب این غسل داده‌اند؛^۴ اما به جهت بالاتر بودن مقام علمی سید (ره)،



۱. در کتاب المراسم، روایاتی که ظاهراً بر عدم وجوب این غسل دلالت دارد، گرد آورده شده است و همان‌جا تذکر داده می‌شود که با جمع بین همه روایات این باب، شبهه‌ای نسبت به عدم وجوب این غسل باقی نمی‌ماند. سلاز دیلمی، المراسم، ص ۴۱.

۲. سلاز دیلمی، المراسم العلویة، ص ۴۰؛ طوسی، الخلاف، ج ۱، ص ۲۲۲؛ محقق حلی، شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۴۴؛ علامه حلی، تذکرة الفقهاء، ج ۲، ص ۱۳۵؛ مختلف الشیعة، ج ۱، ص ۳۴ و ج ۲، ص ۴۲۶؛ شهید اول، موسوعة الشهید الاول، ج ۹، ص ۳۷؛ شهید ثانی، الروضة البهیة، ج ۱، ص ۳۷؛ بحرانی، الحقائق الناضرة، ج ۳، ص ۳۲۷؛ نراقی، مستند الشیعة، ج ۱، ص ۳۷؛ حکیم، مستمسک العروة، ج ۳، ص ۴۷۲؛ خمینی، تحریر الوسیلة، ج ۱، ص ۶۶؛ سبزواری، مهذب الاحکام، ج ۳، ص ۳۲۹.

۳. طوسی، الخلاف، ج ۱، ص ۷۰۱.

۴. طوسی، الخلاف، ج ۱، ص ۲۲۲.



به ذکر نام وی بسنده شده است.^۱ به هر روی، قائلین به استحباب، نسبت به قائلین به وجوب، تعداد بسیار کمتری دارند.

سید مرتضی (ره) با این که آگاه به وجود روایات بسیار زیادی که تصریح به وجوب غسل مس میت می‌کند، بوده است؛ اما در مورد این غسل، چنین می‌گوید: «الثانی ما یوجب الغسل وقد ألحق بعض اصحابنا بذالک غسل مس المیت».^۲

با توجه به این کلام در کتاب مراسم و قرائن دیگر، نظر سید (ره)، استحباب غسل مس میت بوده است و این را می‌توان از کلام سایر فقها فهمید.^۳ حال باید بررسی شود که دلیل سید (ره) و نحوه برخورد وی با روایات بسیاری که تصریح به وجوب غسل مس میت دارند، چطور بوده است؟

برخی کتب فقهی، ادله سید را از کتاب‌های المصباح و شرح الرسائل ایشان بیان کرده و مورد نقد قرار داده‌اند. شایان ذکر است که امروزه، این دو کتاب در دست نیست، به همین دلیل، باید به نقل کتب فقهی دیگر در این مطلب بسنده شود. در این کتب، ادله سید و اشکالات بر این ادله، چنین آمده است:^۴

استفاده از یک روایت و در مرحله بعد، اصالة البرائة دو دلیل سید بوده و آن روایت چنین است: «الغسل فی أربعة عشر موطناً، واحد فريضة و الباقي سنة».^۵

۱. به عنوان مثال، جناب سلار دیلمی در المراسم، ص ۴۰، نظر خود را با این عبارت بیان کرده است: «الغسل الواجب علی سبعة أضرب: ... غسل من مس موتی الأدمیین علی احدى الروایتین». در این عبارت، نوعی دوگانگی نسبت به بیان نظر، به چشم می‌خورد. این مطلب می‌تواند نشانه‌ای باشد بر این که که افرادی غیر از سید مرتضی (ره)، قائل به استحباب این غسل بوده‌اند و جناب سلار نیز با توجه به این عبارت، ممکن است یکی از آنان باشد.

۲. علم الهدی، جمل العلم والعمل، ص ۵۱.

۳. طوسی، الخلاف، ج ۱، ص ۲۲۲؛ محقق حلی، شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۴۴؛ المعتبر، ج ۱، ص ۳۵۱؛ علامه حلی، تذکرة الفقهاء، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۱۳۵؛ شهید ثانی، رسائل، ج ۱، ص ۶۴۶؛ بیهقی نیشابوری، اصباح الشیعة، ص ۴۳؛ میرزای قمی، غنائم الايام، ج ۱، ص ۲۱۷.

۴. ابن فهد حلی، المهذب البارع، ج ۱، ص ۱۸۹؛ مقداد حلی، التنقیح الرائع، ج ۱، ص ۱۲۸؛ آبی، کشف الرموز، ج ۱، ص ۹۳؛ فاضل هندی، کشف اللثام، ج ۲، ص ۴۲۵؛ نراقی، مستند الشیعة، ج ۳، ص ۶۰.

۵. طوسی، الاستبصار، ج ۱، ص ۹۹.

سید مرتضی بر اساس این روایت، از کلمه «سنة»، استحباب برداشت کرده و تمامی روایاتی که دلالت بر وجوب غسل مس میت دارند را حمل بر استحباب می‌کند. از طرفی، با اجرای اصل عملی برائت، وجوب این غسل را رد کرده‌اند. سه اشکال بر نظر سید وارد است:

۱- همان‌طور که در چند سطر قبل بیان شد، روایاتی معتبر به تعداد فراوان که دلالت بر وجوب این غسل دارند، وارد شده است و بر این فرض که «سنة» در این حدیث، به معنای استحباب باشد، توانایی مقابله با آن تعداد روایات زیادی که دلالت بر وجوب غسل مس میت می‌کند را ندارد.^۱

۲- «سنة» در روایات، معانی زیادی دارد که یکی از آن‌ها، استحباب است؛ اما در این روایت، به معنای استحباب نبوده و به معنای راه و روش است. پس در بحث غسل مس میت و در این روایت، به معنای غسلی است که در قرآن بیان نشده و سیره و روش رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بوده است؛ چراکه اگر غیر از این باشد، تنها باید حکم به وجوب غسل جنابت شود، به این دلیل که روایت بیان می‌دارد که تنها یک غسل واجب است و اگر غسل واجب را این‌طور در نظر بگیریم که باید حتما در قرآن ذکر شود و نه این‌که راه و روش رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) باشد، پس فقط غسل جنابت واجب بوده و باقی غسل‌ها مستحب هستند، در حالی که سید مرتضی (ره)، غسل خون‌های سه‌گانه بانوان را واجب می‌داند.

پس در این روایت، منظور از فریضه، وجوب غسل جنابت بوده که در قرآن ذکر شده است و منظور از سنة، باقی غسل‌ها -چه واجب و چه مستحب- غیر از غسل جنابت است که در قرآن بیان نشده؛ اما سیره رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، بیانگر ورود آن‌ها به شریعت می‌باشد.

۱. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۳، صص ۳۰۱-۲۸۹.

با این اوصاف، غسل مس میت، یکی از غسل‌های واجب در فقه امامیه بوده و مستحب دانستن آن، صحیح نخواهد بود.

۳. غسل مس اعضای جدا شده از بدن

مشهور قریب به اتفاق فقها، در این بحث، تنها یک روایت را مورد بررسی قرار داده‌اند.^۱ آن روایت چنین است: «عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ رَفَعَهُ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: إِذَا قُطِعَ مِنَ الرَّجُلِ قِطْعَةٌ، فَهِيَ مَيْتَةٌ، وَإِذَا مَسَّهُ انْسَانٌ، فَكُلُّ مَا كَانَ فِيهِ عَظْمٌ فَقَدْ وَجَبَ عَلَى مَنْ يَمَسُّهُ الْغُسْلُ؛ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ عَظْمٌ، فَلَا غُسْلَ عَلَيْهِ». این روایت در کتاب التهذیب، با سندی متفاوت بیان گردیده است: «سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ».^۲ بر اساس این روایت، دو نظر در میان فقها وجود دارد. مشهور فقها، غسل مس اعضای جدا شده که شامل استخوان باشد را نیز همانند غسل مس میت، اجمالا واجب و اعضای جدا شده از انسان که شامل گوشت به تنهایی هستند را اجمالا واجب نمی‌دانند؛ اما عده‌ای دیگر از فقها، غسل مس اعضای جدا شده را به طور مطلق، واجب ندانسته‌اند.^۳

۳،۱. عدم وجوب غسل مس اعضای جدا شده

محقق حلی (ره) در بین سه کتاب فقهی شرائع، المختصر و المعتمد که از برجسته‌ترین

۱. روایت دیگری نیز در بحار الانوار به نقل از کتاب فقه الرضا (ع) موجود است؛ اما به دلیل اشکالاتی که به این کتاب و حجیت روایات آن وارد شده است، مورد بحث مشهور فقها قرار نگرفته است؛ اما عده دیگری از فقهاء که این روایت را مورد بررسی قرار داده‌اند، به تنهایی از آن حکم استخراج نکرده؛ بلکه به همراه روایتی که در متن بیان شده است، فتوای خویش را بیان کرده‌اند. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۱۰۰.

۲. همان، ص ۲۹۴.

۳. وجوب غسل مس در مورد استخوان به تنهایی، به معنای پوسیده و خالی از گوشت و پوست نیز اجمالا مورد قبول قرار نگرفته است که در محل خود بررسی خواهد شد.





آثار فقهی وی می‌باشد، تنها در المعتبر که شرحی است بر المختصر، قائل به عدم وجوب غسل در اعضای جدا شده از انسان و در شرائع و المختصر، قائل به وجوب این غسل در اعضای جدا شده می‌باشد.^۱

وی در این کتاب، تصریح کرده است که غسل مس در اعضای جدا شده، به طور مطلق واجب نیست. این فتوا، برخلاف دو کتاب شرائع و مختصر وی می‌باشد.

محقق (ره) برای این کار، دو مرحله را طی کرده است: در مرحله اول، حجیت سندی روایت این باب در مورد اعضای جدا شده را با عبارت «فان الرواية مقطوعة»، زیر سؤال برده و در مرحله دوم، با استفاده از اصالة عملی برائت، حکم به عدم وجوب غسل مس اعضای جدا شده می‌دهند.

در این جا ممکن است سؤالی پیش آید که شیخ طوسی در وجوب غسل مس میت و همچنین وجوب غسل مس اعضای جدا شده به طور مطلق،^۲ ادعای اجماع کرده‌اند،^۳ در این صورت، فتوای محقق حلی (ره)، چه وجهی خواهد داشت؟

محقق (ره) به این پرسش، چنین پاسخ می‌دهند: «و الذي أراه التوقف في ذلك فإن الرواية مقطوعة و العمل بها قليل و دعوى الشيخ في الخلاف الإجماع لم يثبت، على انا قد بينا ان علم الهدى رحمه الله أنكر وجوب الغسل على من مس الميت في كتاب المصباح و الشرح، و ذكر انه سنة فكيف يدعي الإجماع في هذه. فإذا الأصل عدم الوجوب».^۴

پس محقق حلی (ره) بیان می‌دارد در اصل غسل مس میت، اجماعی در میان فقهای امامیه وجود ندارد؛ چراکه گفته شد سید مرتضی (ره) و برخی دیگر، این غسل را

۱. محقق حلی، شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۴۳؛ المختصر، ج ۱، ص ۱۵.

۲. چه زنده و چه مرده، فرق این دو قسم در مطالب بعدی، روشن خواهد شد.

۳. شیخ طوسی، الخلاف، ج ۱، ص ۷۰۱.

۴. محقق حلی، المعتبر، ج ۱، ص ۳۵۲.

مستحب دانسته‌اند. پس به طریق اولی، در غسل مس اعضای جدا شده که فرعی بر اصل بحث غسل مس میت است، اجماعی وجود نداشته و کلام شیخ طوسی (ره) در این مورد صحیح نیست.

صاحب مدارک نیز از کسانی است که از این نظر محقق دفاع کرده و خود را هم نظر با محقق می‌داند.^۱ همچنین، تنها فقیه دیگری که هم نظر با این دو فقیه است، فقیه معاصر، آیت الله سیستانی (حفظه الله) می‌باشد.^۲

۳،۲. وجوب غسل مس اعضای جدا شده

بر اساس روایتی که بیان شد، مشهور فقها، معتقد به وجوب این غسل در اعضای جدا شده از انسان بوده و حتی اگر ضعف سندی نیز داشته باشد، با قاعده «الانجبار بالشهرة» - ر صورت قبول حجیت - رفع خواهد شد. این قاعده بیان می‌دارد اگر در سند روایتی ضعفی وجود داشته باشد، به طوری که این ضعف، قابلیت استناد را از آن روایت سلب سازد، اگر مشهور فقها، طبق آن فتوا داده باشند، ضعف سندی قابل چشم‌پوشی خواهد بود. بر این اساس، مشهور فقها، با استفاده از این قاعده، طبق این فتوا عمل کرده و حکم به وجوب غسل مس میت، در اعضای جدا شده از انسان می‌دهند.

۳،۳. نقد دو نظر

شهید اول در ذکری،^۳ سه نقد اساسی به نظر محقق وارد می‌سازد. نقد ایشان، بر این پایه است که اگر از روایت این بحث به دلیل ضعف سندی چشم‌پوشی هم شود، باز هم نظر محقق را به دو دلیل - حداقل در مورد اعضای جدا شده از میت - نمی‌توان قبول کرد:

۱. موسوی عاملی، مدارک الاحکام، ج ۲، ص ۲۱۲.

۲. سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۱۱۷.

۳. شهید اول، موسوعة الشهيد الاول، ج ۵، صص ۴۷۳-۴۷۴.



دلیل اول: عضوی که از انسان جدا می‌شود، جزئی از کل است. وقتی غسل مس نسبت

به کل بدن واجب است، نسبت به جزء بدن نیز واجب است.^۱

دلیل دوم: اگر غسل مس اعضای جدا شده واجب نباشد، پس غسل مس میتی که

قطعه قطعه شده و تمام این قطعات مس شده باشد را هم نباید واجب دانست، در

حالی که همه فقها، از جمله محقق حلی (ره) که غسل مس میت را واجب دانسته

است، این مورد را نیز واجب می‌دانند.

صاحب مدارک، در مقابل دو نقد شهید اول ایستاده و آن‌ها را به این شکل رد می‌کند:^۲

رد نظر اول: شهید اول فرموده است عضو انسان به این دلیل که قبل از جدا شدن به کل

متصل است و در عین حال، مشمول غسل مس می‌شود، بعد از جدا شدن نیز مشمول

غسل می‌شود؛ اما صاحب مدارک معتقد است که دلیلی بر قبول این اشکال وجود

ندارد؛ چراکه ملازمه‌ای بین کل و جزء نیست. دلیل این عدم ملازمه هم این است که

فهم عرفی از «میت»، نسبت به فهم عرفی از اعضای جدا شده از بدن میت تفاوت

دارد و هیچ عاقلی نمی‌تواند قائل شود که عضو جدا شده همان میت است. بنابراین،

ملازمه‌ای میان کل و جزء وجود ندارد.

صاحب مدارک، نکته‌ای دیگر را نیز گوشزد می‌کند و آن این است که اگر این اشکال

شهید اول (ره) پذیرفته شود و قائل به این شویم که چون غسل مس برای کل واجب

است، برای جزء نیز واجب باشد، باید حکم به وجوب غسل مس عضو جدا شده که

شامل گوشت به تنهایی است نیز داد؛ اما هیچ‌یک از فقهای که غسل مس میت در

اعضای جدا شده را واجب دانسته‌اند، این مورد را قبول ندارند.

رد نظر دوم: وقتی تمام بدن میت که قطعه قطعه شده است، لمس شود، مانند این است

۱. علامه حلی نیز چنین نظری دارد. علامه حلی، المنتهی، ج ۲، ص ۴۵۸.

۲. موسوی عاملی، مدارک الاحکام، ج ۲، صص ۲۷۹-۲۸۰.



که بدن میت هنگامی که سالم بوده است، لمس شده و غسل مس میت واجب می شود. دلیل این امر، این است که عرف هنگامی که کل بدن قطعه قطعه شده لمس می شود، تبادر ذهنی به این پیدا می کند که گویی بدن این شخص، سالم بوده و لمس شده است و وقتی لمس کل بدن، طبق روایات، باعث وجوب غسل مس می شود، لمس جمیع بدن که تکه تکه شده است نیز وجوب غسل مس را به همراه دارد؛ اما این مسئله، ربطی به این ندارد که اگر عضوی از بدن میت لمس شود، غسل مس میت لازم باشد؛ چراکه فهم عرفی، در دو قضیه با یکدیگر تفاوت دارد.

در نهایت، صاحب مدارک با رد این اشکالات و همچنین عدم قبول روایت این باب به دلیل ضعف سندی، بیان می دارند که هیچ دلیلی بر قبول غسل مس اعضای جدا شده میت و به طریق اولی از انسان زنده، وجود نداشته و مانند محقق، با استفاده از اصل عملی برائت، حکم به عدم وجوب غسل مس میت می دهند.^۱

صاحب جواهر، در برابر صاحب مدارک و دفاع از شهید اول برخاسته و چنین بیان می دارند^۲ که حتی اگر فرض گرفته شود تبادر عرفی از اعضای جدا شده، «میت» نیست -هرچند تبادر عرفی چنین است-؛ اما باید توجه داشت که در احکام اموات، مانند غسل و کفن و نماز، قطعه جدا شده ای که شامل استخوان باشد، حکم میت را داشته و برای اجرای احکام میت بر عضو جدا شده، نیازی به فهم عرفی نیست؛ چراکه شرع، خود این را بیان کرده است که عضو جدا شده، در حکم میت است. به عنوان مثال، فقها در این سه بحث اتفاق نظر دارند که اعضای جدا شده به استثنای شهید معرکه، غسل و کفن داشته و به طور اجمالی، نماز میت نیز دارد. پس در احکام اسلامی و طبق

۱. چراکه وقتی تبادر عرفی از اعضای جدا شده از میت، میت نیست، به طریق اولی نسبت به اعضای جدا شده از انسان زنده، میت نخواهد بود. این توضیح نسبت به اعضای جدا شده از انسان زنده، به شکلی دیگر، در میان برخی فقهای معاصر، تبیین شده است که در محل خود، مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۲. محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۳، ص ۲۲۵.



روایات معصومین، با اعضای جدا شده، معامله میت شده است و این حکم، به غسل مس نیز تسری پیدا می‌کند.^۱

۳،۴. جمع بندی

مطلب اول: اشکال دوم شهید اول، قابل دفاع نخواهد بود؛ اما اشکال اول، اگر دقیق مورد بررسی قرار گیرد، روشن خواهد شد که منظور شهید اول (ره) از کل و جزء، همان تبادر عرفی بوده و با تبیین تبادر عرفی، روشن خواهد شد که این اشکال، بسیار قابل تأمل است.

شکی در این نیست که عرف بین «میت» و عضو میت فرق قائل می‌شود. هیچ عاقلی نخواهد گفت که عضوی مثل دست که از بدن جدا شده است، دقیقاً همان میت است؛ اما باید توجه داشت که عرف، «حالت کلی» عضو جدا شده و میت را یکسان می‌داند؛ آن حالت «مردن و عدم حیات» است که این حالت، هم برای میت و هم برای عضو جدا شده از آن صحیح است.

شهید ثانی نیز به این امر متذکر شده‌اند. به این توضیح که موت عبارت است از نبود حیات. البته در مورد موجوداتی که قابلیت موت و حیات داشته باشند که این به معنای تقابل ملکه و عدم ملکه در علم منطق می‌باشد. بر این اساس، اعضای جدا شده از

انسان، حیات نداشته و در حالت کلی، مانند میت می‌باشد.^۲

از همین نکته، فهم می‌شود که شاید منشأ اختلاف نظر بین شهید اول و محقق و به تبع، صاحب مدارک، به همین مطلب برمی‌گردد و تفکیک صحیح این دو نوع تبادر، راهگشا باشد. به بیان دقیق‌تر، این بحث، ریشه در استصحاب تعلیقی و عدم تبیین

۱. شایان ذکر است که با توجه به این بیان، باید حکم به وجوب غسل مس میت در استخوان به تنهایی نیز داد. وجوب یا عدم وجوب غسل مس میت، در مورد استخوان به تنهایی، به طور مفصل بحث خواهد شد.

۲. شهید ثانی، روض الجنان، ج ۱، ص ۳۱۰.





صحیح آن در میان قدما دارد که در مطالب پیش‌رو، تبیین خواهد شد.

اشکال دیگری که به صاحب مدارک وارد است، این است که فرموده‌اند اگر فهم عرفی، از اعضای جدا شده و میت یکسان باشد، باید قائل به وجوب غسل مس در مورد گوشت به تنهایی نیز شد، در حالی که هیچ‌یک از کسانی که قائل به وجوب غسل مس اعضای جدا شده هستند، چنین نظری ندارند.

اشکال این کلام واضح است. شهید ثانی در مقام این برآمده‌اند که روایت این باب، مورد قبول قرار نگیرد و در مرحله بعد، باید به سراغ تبادل عرفی رفت؛ اما وقتی این روایت مورد قبول قرار گیرد، به‌طور صریح بیان می‌کند عضوی که شامل گوشت به تنهایی است، وجوب غسل مس ندارد. پس دو مقام مختلف است و اشکال صاحب مدارک، صحیح نخواهد بود.

مطلب دوم: کلامی که صاحب جواهر در مورد تعامل اسلام با اعضای جدا شده از انسان بیان کرده‌اند، در نگاه اول، وجیه و قابل تأمل است؛ اما این احتمال وجود دارد که کلام صاحب جواهر، قیاس باشد. آیا این که اسلام با اعضای جدا شده از انسان، در برخی احکام، مانند میت برخورد کرده است، می‌تواند دلیل بر این باشد که همین تعامل را نیز در بحث غسل مس میت دارد؟ آیا دلیل اهتمام اسلام به اعضای جدا شده در بحث غسل، کفن، دفن و نماز، نمی‌تواند دلیلی مثل احترام به جایگاه ویژه شخص مسلمان باشد؟ به این معنا که حتی اعضای جدا شده از مسلمان نیز احترام دارد و این بحث در غسل مس میت منتفی باشد؟ همین احتمال انتفاء، باعث می‌شود که تعامل با قطعه جدا شده از میت، مانند خود میت نباشد؛ چراکه علتی قطعی، در این روایت یافت نشده است و بر این اساس، این علت، به دلیل تامه نبودن، توانایی تسری پیدا کردن به بخش‌های دیگر فقه را ندارد.

مطلب سوم: گذشته از همه این مسائل، کنار گذاشتن روایت این باب، قابل دفاع



نیست؛ چراکه این روایت، با این که ضعف سندی دارد؛ اما قاعده «الانجبار بالشهرة» در صورت قبول حجیت - در این مسئله راهگشاست؛ چراکه محقق در برخی مطالب المعتمر، از این قاعده بهره جسته است.^۱ این در حالی است که در بحث غسل مس اعضای جدا شده، فقهای قبل از محقق حلی، مانند ابوعلی اسکافی،^۲ شیخ طوسی، ابن حمزه طوسی^۳ و ابن ادریس حلی^۴ (ره)، به وجوب تصریح کرده اند. این مطلب تا جایی اطمینان آورده است که برخی فقها، هرگونه شکی در عدم قبول روایت این بحث را به دلیل شهرت آن، مطلقاً رد می کنند.^۵ با این مطلب، اگر محقق (ره)، به شهرت فتوایی نسبت به این روایت اشکال وارد کند، اشکال وی صحیح نخواهد بود. با توجه به این مطالب، به نظر می آید وجوب غسل مس در اعضای جدا شده - هرچند به طور اجمالی - صحیح بوده و عدم وجوب آن، صحیح نخواهد بود.^۶

۳،۵. وجوب غسل مس در مورد اعضای جدا شده از انسان زنده و میت

در مطلب قبل و در مقام اثبات وجوب غسل مس در اعضای جدا شده، کلام فقها درباره این موضوع، به طور اجمالی بیان شد؛ اما به طور تفصیلی، فقهایی که وجوب غسل اعضای جدا شده را به طور کلی قبول دارند، در این باره اختلاف نظر دارند. سه نظر در این بحث وجود دارد:

۱. محقق حلی، المعتمر، ج ۲، صص ۳۵۵، ۱۸۴، ۶۰، ۴۷.
۲. علامه حلی، مختلف الشیعة، ج ۱، ص ۳۱۴.
۳. ابن حمزه طوسی، الوسيلة، ص ۵۳.
۴. ابن ادریس حلی، السرائر، ج ۱، ص ۱۶۸.
۵. محمدباقر نجفی، جواهر الکلام، ج ۳، ص ۲۲۵؛ امام خمینی، کتاب الطهارة، ج ۳، ص ۱۹۸.
۶. اما در مورد صاحب مدارک، باید گفت که ایشان قاعده «الانجبار بالشهرة» را قبول نداشته و در برخی از بحث های کتاب مدارک نیز به این امر متذکر می شود. با این حساب، از این جهت، به ایشان اشکالی وارد نیست؛ اما دفاع ایشان از محقق حلی (ره)، با توجه به مبنای محقق در این قاعده، قابل پذیرش نخواهد بود.



نظر اول: وجوب غسل مس در اعضای جدا شده از انسان زنده و میت به طور اجمالی؛
نظر دوم: وجوب غسل مس در اعضای جدا شده از میت به طور مطلق و وجوب آن
در انسان زنده به طور اجمالی؛
نظر سوم: وجوب غسل مس در اعضای جدا شده از میت و عدم وجوب آن در
انسان زنده به طور مطلق.

نظر اول که نظر مشهور فقها^۱ می باشد، بیان می دارد که این حکم هم برای انسان زنده و
هم برای میت، نافذ است. دلیل آنان این است که در روایت: «إِذَا قُطِعَ مِنَ الرَّجُلِ قِطْعَةٌ،
فَهُوَ مَيِّتٌ، وَإِذَا مَسَّهُ الرَّجُلُ، فَكُلُّ مَا كَانَ فِيهِ عَظْمٌ فَقَدْ وَجَبَ عَلَى مَنْ مَسَّهُ الْغُسْلُ؛ وَ
إِنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ عَظْمٌ، فَلَا غُسْلَ عَلَيْهِ»^۲. با این که ظاهر کلمه «الرجل»، به معنای انسان
زنده است؛ اما این حکم، اختصاصی به انسان زنده ندارد؛ زیرا طریق اولویت برقرار بوده
و وقتی نسبت به عضو قطع شده انسان زنده، غسل مس میت واجب است، به طریق
اولی، نسبت به عضو قطع شده میت، این غسل واجب می شود؛ چرا که عدم حیات
برای عضو قطع شده از میت، نسبت به انسان زنده، معنای بیشتری داشته و بنابراین،
اختصاصی در کلمه «الرجل»، نسبت به انسان زنده وجود نداشته و هر حکمی که درباره
اعضای جدا شده بیان شود، بین انسان زنده و میت، مشترک خواهد بود.

پس بر این اساس، غسل مس در مورد گوشت و استخوان، واجب و در مورد گوشت به
تنهایی، واجب نخواهد بود و این حکم مشترک بین انسان زنده و میت می باشد. حکم
غسل مس استخوان به تنهایی نیز در آینده خواهد آمد.

۱. طوسی، النهاية، ص ۵۳؛ الخلاف، ج ۱، ص ۷۰۱؛ المبسوط، ج ۱، ص ۳۰۷؛ علامه حلی، تبصرة المتعلمين،
ص ۳۳؛ ارشاد الاذهان، ج ۱، ص ۲۳۱؛ تذكرة الفقهاء، ج ۲، ص ۱۳۵؛ نهاية الاحكام، ج ۱، ص ۱۷۳؛ شهید
اول، موسوعة الشهيد الاول، ج ۵، ص ۲۲۵؛ شهید ثانی، الروضة البهية، ج ۱، ص ۳۷؛ بحرانی، الحقائق الناضرة،
ج ۳، ص ۳۳۱؛ نراقی، مستند الشيعة، ج ۳، ص ۶۷؛ محمدکاظم یزدی، العروة الوثقى (عدة من الفقهاء،
جامعه مدرسين)، ج ۲، ص ۵.

۲. کلینی، کافی، ج ۳، ص ۲۱۲.

نظر دوم، توسط امام خمینی (ره)، مطرح شده است.^۱ این نظر، بیان می‌دارد که روایت مورد استناد در این بحث، فقط بیان حکم در مورد انسان زنده است و نه میت. پس بر اساس این روایت، در مورد انسان زنده، وجوب غسل مس در مورد عضو جدا شده که شامل گوشت و استخوان است، نافذ بوده و در مورد گوشت به تنهایی، نافذ نیست و در مورد استخوان به تنهایی نیز اختلاف نظر وجود دارد که در آینده بحث خواهد شد؛ اما سؤال این است که چرا این روایت، فقط در مورد انسان زنده است؟

نظر مشهور فقها - همان طور که قبلاً هم توضیح داده شد - این بود که هر چند ظاهر این روایت، مربوط به انسان زنده است؛ اما چون عدم حیات برای قطعه جدا شده از میت نسبت به انسان زنده، بیشتر معنا دارد، پس این روایت، هم درباره میت و هم درباره انسان زنده نافذ است؛ اما دو مؤید بر این وجود دارد که روایت این بحث، تنها حکم انسان زنده را بیان می‌کند:

۱- امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «إِذَا قُطِعَ مِنَ الرَّجُلِ قِطْعَةً، فَهِيَ مَيِّتَةٌ»؛ یعنی امام به این شبهه جواب می‌دهند که اگر عضوی از انسان زنده جدا شود، پس میت است، گویی برای مردم محرز بوده است عضوی که از میت جدا می‌شود، در حکم کلی که همان عدم حیات است، مانند خود میت می‌باشد و امام هم این امر را مفروض گرفته‌اند و تنها این شبهه در ذهن مردم وجود داشته است که آیا ممکن است عضوی که از انسان زنده جدا می‌شود، در حکم مرده نباشد؛ چراکه صاحب آن عضو جدا شده، زنده می‌باشد که امام صادق (علیه السلام)، با بیان جمله‌ای شرطیه در این خصوص، به پرسنده این سؤال می‌فهماد که اگر قطعه‌ای از انسان زنده جدا شود، در حکم میت خواهد بود.

۲- در این روایت، حکم استخوان به تنهایی، بیان نشده است و همین باعث به وجود

۱. خمینی، تحریر الوسیلة، ج ۱، ص ۶۶؛ کتاب الطهارة، ج ۳، صص ۲۰۰-۱۹۵.



آمدن اختلاف در بین فقها، درباره حکم استخوان به تنهایی شده است که در جای خود، بحث خواهد شد؛ اما دلیل این عدم بیان، چه بوده است؟
به نظر می‌آید چون جدا شدن استخوان به تنهایی از انسان زنده، عقلاً متصور نیست، پس امام صادق (علیه السلام) به همین خاطر، حکم استخوان به تنهایی را بیان نکرده‌اند و اگر بحث درباره میت بود، حکم استخوان خالی به معنای پوسیده و خالی از پوست و گوشت شده، یکی از حالت‌هایی است که بیان آن، بسیار مهم و مورد ابتلاء بوده و باید بیان می‌شد.

با در نظر گرفتن این دو مؤید، در صورت حجیت سندی این روایت، همان‌طور که امام خمینی (ره) فرمودند، باید قائل شد این روایت، مربوط به اعضای جدا شده از انسان زنده بوده؛ اما در مورد میت، روایتی در دست نیست.

به دلیل نبود روایت، امام (ره) بحث استصحاب تعلیقی را مطرح کرده و با این دلیل فقهی، حکم غسل مس میت، به اعضای جدا شده از میت انتقال می‌یابد.

در مطالب گذشته، به‌طور اجمالی بیان شد که در بین قدما، بر سر فهم عرفی، خلط پیش آمده است و همین خلط، سبب این شده است که برخی از فقها، حکم به عدم وجوب غسل مس در اعضای جدا شده بدهند؛ چراکه اگر فهم عرفی در این بحث، مورد بررسی دقیق قرار می‌گرفت، حتی در صورت رد حجیت روایت این بحث، باز هم باید حکم به وجوب غسل مس در اعضای جدا شده - حداقل از میت - داده می‌شد.

منشأ خلط، بدین توضیح است که عرف، هیچ‌وقت قائل به این نخواهد بود که عضو جدا شده از میت، دقیقاً همان میت است؛ اما فهم عرفی نسبت به حالت کلی میت و اعضای جدا شده از او، یکسان بوده و آن حالت کلی، عدم حیات است. پس در این مبحث و مباحث دیگر، دو نوع تبادل مطرح است.

بعد از این‌که این دو نوع فهم عرفی، تفکیک و بحث استصحاب تعلیقی، مورد تبیین

قرار گرفت، فقها ملتفت به تفکیک میان این دو نوع فهم عرفی شده و به دنبال آن، احکامی از طریق استصحاب تعلیقی استخراج شد.

به طور خلاصه، استصحاب تعلیقی، به این معناست که در شریعت، حکم نسبت به موضوعی به صورت معلق درآمده باشد، تا زمانی که موضوع، موضوعیت خود را از دست نداده باشد، هرچند حالت آن تغییر کرده باشد، این حکم، قابل سرایت به موضوع دیگر خواهد بود.^۱ اعضای جدا شده از میت، از لحاظ موضوع، با میت تفاوت دارند و در این شکی نیست؛ اما اعضای جدا شده از میت، موضوعیت خود را که عدم حیات باشد، نسبت به میت از دست نداده و همین باعث می شود حکم غسل مس میت، به اعضای جدا شده از میت نیز منتقل شود.

حال روشن شد که به چه دلیل، محقق و صاحب مدارک تبادر متفاوتی نسبت به فقهای مخالف خود داشته اند. منشأ این اختلاف، عدم تفکیک این دو نوع فهم عرفی و همچنین عدم تبیین استصحاب تعلیقی بوده است و منظور فقیهی مانند شهید اول از فهم عرفی، معنای کلی میت بوده و منظور محقق و صاحب مدارک (رهما)، فهم عرفی به معنای اول بوده است.

پس امام خمینی (ره)، با استصحاب تعلیقی، چنین فتوا داده و طبق این فتوا، غسل مس در مورد هر عضوی که از میت جدا شود، واجب است.

نظر سوم توسط برخی از فقهای معاصر،^۲ مطرح شده است. به نظر می آید تنها دلیل این فتوا، کنار گذاشتن روایت این باب، به دلیل ضعف سندی و طبیعتاً، عدم حجیت قاعده «الانجبار بالشهرة» بوده و در مرحله بعد، استحصال تعلیقی نسبت به میت و انسان زنده، منجر به این فتوا شده است.^۳

۱. مکارم شیرازی، انوار الاصول، ج ۳، ص ۴۰۴.

۲. وحید، منهاج الصالحین، ج ۲، ص ۱۰۴؛ خامنه ای، رساله آموزشی، ص ۸۵.

۳. مرحوم آیت الله خوئی (ره)، در بیان استصحاب تعلیقی نسبت به اعضای جدا شده از انسان زنده، چنین

پس با توجه به این مطلب، غسل مس در مورد هر عضوی که از میت جدا شود، واجب و در مورد اعضای جدا شده از انسان زنده، واجب نخواهد بود.

۳،۶. غسل مس در مورد استخوان به تنهایی

در مورد این مطلب، هیچ روایتی به صورت صریح وجود نداشته و همین امر، باعث وقوع اختلاف نظر در بین فقها شده است. اختلاف نظر، بر سر این است که اگر عضوی از انسان -چه زنده و چه مرده- جدا شده و مدتی از جدا شدن آن گذشته باشد، به طوری که گوشت و پوست آن از بین رفته و استخوان به تنهایی، باقی مانده باشد، در صورت مس این استخوان، غسل واجب می شود؟ دو نظر و سه استدلال، در این بحث وجود دارد:

نظر اول: غسل مس میت در مورد استخوان به تنهایی، واجب نیست؛

نظر دوم: غسل مس میت در مورد استخوان به تنهایی، واجب است.

استدلال اول: مشهور فقها غیر از شهید اول (ره)، معتقدند وجوب این غسل، از تک روایت این بحث، استخراج نخواهد شد؛ چراکه امام صادق (علیه السلام) حکم آن را بیان نکرده اند. به همین دلیل معتقدند که دست از دلیل اجتهادی خالی بوده و با توجه به اصل عملی برائت، این غسل در مورد استخوان به تنهایی، چه در انسان زنده و چه در میت واجب نیست.

شهید اول در میان مشهور فقها، نظر متفاوتی داشته^۱ و معتقد است غسل مس میت در مورد استخوان به تنهایی، به دلیل دائرمدار بودن غسل مس بر وجود استخوان واجب

تعبیری دارند: «القطعة المبانة من الحي ليست بميت بل هي جزء من بدن الانسان و صاحبها حي يُرزق». خوئی، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، ج ۷، ص ۲۷۴. پس اگر روایت این بحث، مورد قبول قرار نگیرد، استصحاب تعلیقی -در صورت قبول حجیت-، چاره گر خواهد بود.

۱. شهید اول، موسوعة الشهيد الاول، ج ۵، ص ۴۷۶.



است. استدلال وی و نحوه تبیین دایر مدار بودن استخوان، بدین شکل است:

۱- اگر عضو جدا شده از انسان، مرکبی از گوشت و استخوان باشد، طبق روایت،

غسل مس میت واجب است؛

۲- اگر عضو جدا شده از انسان، گوشت به تنهایی باشد، طبق روایت، غسل مس

میت واجب نیست؛

۳- پس اگر عضو جدا شده از انسان، استخوان به تنهایی باشد، غسل مس میت

واجب است؛

واضح است که این استدلال، قیاس محض بوده و به گواه بسیاری از فقها، شکی در

بطال آن نیست. شهید ثانی و بسیاری از فقهای دیگر، معتقدند که علت غسل مس

میت در عضو قطع شده، همان طور که در روایت به آن تصریح می شود، ترکیب گوشت و

استخوان با یکدیگر است؛ اما نمی توان گفت غسل مس میت، دایر مدار وجود استخوان

بوده و در نتیجه، در مورد استخوان به تنهایی نیز واجب نخواهد بود.^۱

استدلال دوم: با توجه به مبنای دوم در مورد غسل مس اعضای جدا شده، غسل مس در

مورد استخوان به تنهایی در میت واجب و در انسان زنده، غیر واجب خواهد بود؛ چرا که

قائلین به نظر دوم، به دلیل قبول روایت در مورد انسان زنده، مجبور به استفاده از اصل

عملی برائت شده و مانند نظر اول، وضعیت مشابهی دارند.

استدلال سوم: با توجه به مبنای سوم در غسل مس اعضای جدا شده، غسل مس در

مورد استخوان به تنهایی در میت واجب بوده و در انسان زنده، واجب نخواهد بود.

۱. شهید ثانی، الروضة البهیة، ج ۱، ص ۳۹۷؛ بحرانی، الحقائق الناضرة، ج ۳، ص ۳۴۲.

۴. نتیجه‌گیری

مطلب اول: مشهور فقهای شیعه، غسل مس میت را با توجه به روایات متعددی که تصریح به وجوب دارد، جزء غسل‌های واجب می‌دانند.

مطلب دوم: وجوب غسل مس اعضای جدا شده - به طور اجمالی -، چنین وضعیتی دارد:

- مشهور فقها، به وسیله قاعده «الانجبار بالشهرة»، به روایت سهل بن زیاد استناد کرده و با توجه به صریح این روایت، وجوب ثابت خواهد شد.

- عده‌ای دیگر از فقها، همانند محقق حلی و صاحب مدارک (ره‌ما)، به قاعده «الانجبار بالشهرة» استناد نکرده‌اند و دلیل آن به ترتیب، محرز نشدن شهرت و عدم حجیت این روایت نسبت به این دو فقیه بزرگوار بوده است. بدین ترتیب، دست از ادله اجتهادی تهی شده و چون تبادل عرفی این دو فقیه از اعضای جدا شده، مانند میت نبوده است، وجوب غسل مس میت به اعضای جدا شده، مطلقاً انتقال نمی‌یابد.

مطلب سوم: در صورت واجب دانستن غسل مس نسبت به اعضای جدا شده به طور اجمالی، غسل مس نسبت به اعضای جدا شده از انسان زنده و میت، چنین وضعیتی دارد: - مشهور فقها کلمه «الرجل» در روایت سهل بن زیاد را مشترک بین انسان زنده و میت دانسته‌اند. بدین ترتیب، غسل مس عضو شامل استخوان و گوشت، واجب و عضو شامل گوشت به تنهایی، واجب نخواهد بود. همچنین، چون حکم عضو شامل استخوان خالی، در روایت بیان نشده است، نسبت به این عضو، برائت جاری شده و غسل این عضو نیز واجب نخواهد بود.

- عده‌ای دیگر از فقها، روایت سهل بن زیاد را مختص انسان زنده دانسته‌اند. بدین ترتیب، حکم اعضای جدا شده از انسان زنده، همانند حکم مشهور فقها، در مورد انسان زنده و میت خواهد بود.





حکم اعضای جدا شده از میت در این نظر، به دلیل تبادر عرفی از میت، نسبت به اعضای جدا شده در حالت کلی و همچنین حجت دانستن استصحاب تعلیقی، باعث می شود حکم غسل مس، به طور کامل به اعضای جدا شده از میت انتقال یابد. پس طبق این نظر، غسل مس همه اعضای جدا شده از میت، به طور مطلق واجب است.

- عده ای دیگر از فقها، به دلیل حجت ندانستن قاعده «الانجبار بالشهرة»، روایت سهل بن زیاد را به طور کامل کنار گذاشته؛ اما به دلیل حجت دانستن استصحاب تعلیقی، از این اصل عملی در اعضای جدا شده از میت نسبت به میت و همچنین اعضای جدا شده از انسان زنده نسبت به انسان زنده، بهره جسته اند. پس طبق این نظر، غسل مس اعضای جدا شده از میت، به طور مطلق واجب بوده؛ اما این غسل، نسبت به اعضای جدا شده از انسان زنده، به طور مطلق واجب نخواهد بود.

مشاهده شد که حجت دانستن دو قاعده «الانجبار بالشهرة» و استصحاب تعلیقی، در این مسئله راهگشا خواهد بود. بر فرض حجت دانستن این دو قاعده، با توجه به ادله بیان شده، نظر برگزیده، نظر امام خمینی (ره) می باشد؛ چراکه اختصاص روایت سهل بن زیاد نسبت به انسان زنده صحیح تر بوده و با استفاده از استصحاب تعلیقی، حکم اعضای جدا شده از میت نیز به دست خواهد آمد.

پس غسل مس انسان زنده، در اعضای شامل گوشت و استخوان، واجب بوده و در اعضای شامل گوشت و استخوان به تنهایی، واجب نخواهد بود. در اعضای جدا شده از میت نیز هر عضوی که جدا شود، در صورت مس، وجوب غسل را به همراه خواهد داشت.



۱. ابن بابويه (شيخ صدوق)، محمد بن علی (۱۳۶۳ش)، من لایحضره الفقيه، چاپ دوم، قم: مؤسسة النشر الاسلامي.
۲. ابن فهد حلی، احمد بن محمد (۱۴۰۷ق)، المهذب البارع فی شرح المختصر النافع، چاپ اول، قم: مؤسسة النشر الاسلامي.
۳. آبی، حسن بن ابی طالب (۱۴۰۸ق)، كشف الرموز فی شرح المختصر النافع، چاپ اول، قم: مؤسسة النشر الاسلامي.
۴. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۳۶۳ش)، الحقائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، چاپ اول، قم: مؤسسة النشر الاسلامي.
۵. بیهقی نیشابوری، محمد بن حسین (۱۳۷۴ش)، اصباح الشيعة بمصباح الشريعة، چاپ اول، قم: مؤسسة الامام الصادق (عليه السلام).
۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ش)، تفصیل وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة، چاپ سوم، قم: مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث.
۷. حکیم، محسن (۱۳۷۴ش)، مستمسک العروة الوثقی، چاپ اول، قم: دار التفسیر.
۸. حلی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۱۰ق)، ارشاد الازهان الى احکام الايمان، چاپ اول، قم: مؤسسة النشر الاسلامي.
۹. — (۱۴۱۱ق)، تبصرة المتعلمين فی احکام الدين، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي.
۱۰. — (۱۴۱۲ق)، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، چاپ اول، مشهد: مجمع البحوث الاسلامية.
۱۱. (۱۴۱۴ق)، تذکرة الفقهاء، چاپ اول، قم: مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث.
۱۲. (۱۴۱۶ق)، مختلف الشيعة فی احکام الشريعة، چاپ اول، قم: مؤسسة النشر الاسلامي.





۱۳. حلی (محقق)، جعفر بن حسن (۱۳۶۴ش)، المعتمد فی شرح المختصر، چاپ اول، قم: مؤسسه سید الشهداء (علیه السلام).
۱۴. (۱۴۰۸ق)، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، چاپ دوم، قم: اسماعیلیان.
۱۵. حلی، ابن ادریس (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۶. خامنه ای، علی (۱۳۹۸ش)، رساله آموزشی (عبادات)، چاپ پانزدهم، تهران: فقه روز.
۱۷. خمینی، روح الله (۱۳۹۲ش)، تحریر الوسيلة، چاپ سوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۸. (۱۳۹۲ش)، کتاب الطهارة، تحریر الوسيلة، چاپ سوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۹. خوئی، محمدکاظم (۱۴۲۱ق)، العروة الوثقی (عدة من الفقهاء، جامعه مدرسين)، چاپ اول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۰. سلار دیلمی، حمزة بن عبدالعزيز (۱۴۰۴ق)، المراسم فی الفقه الامامی، چاپ اول، قم: منشورات الحرمین.
۲۱. سیستانی، علی (۱۴۱۵ق)، منهاج الصالحین، چاپ اول، قم: مكتبة آیت الله العظمی السید السیستانی (حفظه الله).
۲۲. طوسی، ابن حمزة (۱۴۰۸ق)، الوسيلة الى نيل الفضيلة، چاپ اول، قم: کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
۲۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۳ش)، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۲۴. (۱۳۶۵ش)، تهذیب الاحکام، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۲۵. (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الامامیة، چاپ سوم، قم: المكتبة المرتضویة.



۲۶. (۱۴۰۰ق)، النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، چاپ دوم، بیروت: دارالکتاب العربی.
۲۷. (۱۴۰۷ق)، الخلاف، چاپ اول، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
۲۸. عاملی جبعی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۳۷۹ش)، رسائل الشهید الثانی، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۲۹. (۱۳۸۰ش)، روض الجنان فی شرح الرشاد الاذهان، چاپ اول، قم: بوستان کتاب قم.
۳۰. (۱۴۱۰ق)، الروضة البهیه فی شرح اللمعة الدمشقیة، چاپ اول، قم: مكتبة الداوری.
۳۱. علم الهدی، علی بن حسین (۱۳۸۷ق)، جمل العلم و العمل، چاپ اول، نجف: مطبعة الآداب.
۳۲. فاضل حلی، مقداد بن عبدالله (۱۴۰۴ق)، التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، چاپ اول، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (ره).
۳۳. فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق)، کشف اللثام عن قواعد الاحکام، چاپ اول، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳ش)، الکافی، چاپ پنجم، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۳۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۶ق)، انوار الاصول، چاپ اول، قم: انتشارات نسل جوان.
۳۷. مکی عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی (۱۴۳۰ق)، موسوعة الشهید الاول، چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی فی الحوزة العلمية.
۳۸. موسوی سبزواری، عبدالاعلی (۱۴۱۳ق)، مهذب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام، چاپ چهارم، قم: نویسنده.
۳۹. موسوی عاملی، محمد بن علی (۱۴۱۱ق)، مدارک الاحکام فی شرح شرائع الاسلام، چاپ دوم، مشهد: مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث.



۴۰. میرزای قمی، ابوالقاسم (۱۳۷۵ش)، غنائم الايام فی مسائل الحلال و الحرام، چاپ اول، قم: مكتبة الاعلام الاسلامي.
۴۱. نجفی، محمدباقر (۱۴۲۱ق)، جواهر الکلام، چاپ اول، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.
۴۲. نراقی، احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵ق)، مستند الشيعة فی احکام الشريعة، چاپ اول، قم: مؤسسة آل البيت لاحياء التراث.
۴۳. وحید خراسانی، حسین (۱۳۸۶ش)، منهاج الصالحين، چاپ پنجم، قم: مدرسه امام باقرالعلوم (عليه السلام).
۴۴. یزدی، محمدکاظم (۱۴۲۱ق)، العروة الوثقى (عدة من الفقهاء، جامعه مدرسين)، چاپ اول، قم: مؤسسة النشر الاسلامي.





مقایسه دو نوحه شاخص اربعینی فارسی و عربی معاصر با تأکید بر آموزه «مهدویت»

صفحات ۲۰۹ تا ۲۴۵

نویسنده مسئول، زهرا صاحبی - دکتر فاطمه السادات ارفع

برگزیده سطح سه پانزدهمین جشنواره

چکیده

نوحه اربعینی، از نوظهورترین مضامین نوحه و مراثی اهل بیتی و برخاسته از سنت پیاده روی اربعین است. به گفته برخی پژوهشگران، راهپیمایی در ایام اربعین، از زمان حضور ائمه (علیهم السلام) در بین شیعیان رایج بوده است و امروزه، بزرگ‌ترین گردهمایی شیعیست. این پیاده روی از مسیرهای منتهی به کربلا، به منظور زیارت و اجتماع در چهلمین روز شهادت مظلومانه امام حسین (علیه السلام) انجام می‌شود. با توسعه روزافزون سنت پیاده روی اربعین و تسهیل شرایط حضور علاقه‌مندان سیدالشهدا (علیه السلام)، ضرورت پرداختن به این آیین شیعی در نوحه‌ها و مرثیه‌ها نیز احساس شد و در شعر هیئت و نوحه به‌ویژه در ایران و عراق، پرونده جدیدی به نام نوحه‌های اربعینی گشوده شد. نوحه‌های اربعینی، عواطف و احساسات شاعر در خصوص این آیین مذهبی را دربر می‌گیرند و تشریح ابعاد گسترده و گوناگون آن را برعهده دارند و به منظور انگیزه بخشی و تهییج زائران و همچنین بیان فضائل زیارت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) در ایام اربعین سروده می‌شوند. از سوی دیگر، شیعیان معتقدند که امام زمان حضرت حجة بن الحسن (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، هر ساله در این آیین شیعی حضور به هم می‌رساند





و علاوه بر زیارت جد شهید خود، در مسیر، زائران آن حضرت را نیز یاری می‌کند. این پژوهش، به بررسی تطبیقی نوحه «عین الله ترعاکم یا زوار» به زبان عربی و نوحه «ای آقا عمود چندمی» به زبان فارسی، با محوریت حضور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در پیاده‌روی اربعین، به بیان شباهت‌ها و تفاوت‌های ساختاری و محتوایی آن‌ها پرداخته است و طبق مطالعات انجام شده، نوحه فارسی، به عناوین و موضوعات متنوع‌تری پرداخته و در عوض، نوحه عربی منسجم‌تر و یک‌پارچه‌تر است. همچنین استفاده از صناعات بلاغی در نوحه فارسی، بیشتر از نوحه عربی دیده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: نوحه، اربعین؛ امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، شعر عربی، شعر فارسی

۱. مقدمه

پدیده پیاده‌روی اربعین، بزرگ‌ترین گردهمایی شیعی جهان و درخشان‌ترین جلوه قیام سیدالشهدا (علیه السلام) است. این اتفاق عظیم که هر سال از روزهای ابتدایی ماه صفر، در شهرهای عراق آغاز می‌شود و تا روز اربعین ادامه دارد. بهترین راه برای انتقال پیام امام حسین (علیه السلام) به جهان است و در چند سال اخیر، با استقبال چشم‌گیری از سوی شیعیان و در بیان بهتر همه آزادگان جهان قرار گرفته و شرکت در آن، به اوج خود رسیده است و همین امر، موجب تولید آثار هنری مختلفی پیرامون این اتفاق عظیم شده است. در این میان، نوحه به عنوان یک سبک ادبی که بیشتر با عموم مردم سروکار دارد و می‌تواند اثرگذاری فراوانی بر ایشان داشته باشد، از اهمیت بالایی برخوردار است. نوحه‌های اربعینی، می‌توانند ابزاری مناسب برای انتشار فرهنگ اربعینی و حسینی، به سایر ملل باشند و از سوی دیگر، می‌توانند به یادآوری و مرور باور شیعی برای خود شیعیان بپردازند.



با توجه به بدیع بودن آثار ادبی در این حیطه، تاکنون هیچ پژوهشگری به نوحه‌های اربعینی پرداخته و این پدیده مهم، مغفول مانده است. می‌توان گفت خلأ پژوهش‌های ادبی، در خصوص پدیده‌ای نو به نام پیاده‌روی اربعین، ایجاب می‌کند به آثار مرتبط با جریان عظیم اربعین، به‌ویژه مراثی و نوحه‌ها پرداخته شود و آثار موجود در این زمینه، مورد نقد و بررسی و تحلیل قرار گیرند و به واسطه بیان نقاط قوت و ضعف آثار موجود، مسیر تازه احداث سرایش نوحه و مراثی در این زمینه هموارتر شود.

یکی از مضامین حائز اهمیت در نوحه‌های اربعینی، اشاره به حضور امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) در این ضیافت عظیم و نقش‌آفرینی آن حضرت در برپایی آیین اربعین است. با توجه به این مهم که جایگاه امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) در فرهنگ شیعی حائز اهمیت است و با بحث ولایت که شیعه آن را یکی از اصول دین خود می‌داند، ارتباط مستقیم دارد و نیز از آن جا که اربعین به مثابه تجدید عهد و میثاق با سیدالشهدا است و طبق باور شیعه امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف)، منتقم و خونخواه آن حضرت است و با توجه به این‌که در مطالعات انجام شده، در بین نوحه‌های اربعینی شاخص فارسی و عربی، دونوحه (یک نوحه فارسی و یک نوحه عربی) یافت شده که به‌طور تخصصی و منحصر به موضوع حضور امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) در پیاده‌روی اربعین پرداخته‌اند، پژوهش حاضر، به روش تطبیقی، در صدد پاسخگویی به این سؤالات برآمده است:

- این دو نوحه، از منظر محتوایی، شامل زاویه دید، استنادات روایی، موضوعات و شخصیت‌ها، چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارند؟

- این دو نوحه، از منظر ساختاری و علوم بلاغی شامل معانی، بیان و بدیع، چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارند؟

لازم به ذکر است که متن دو نوحه مورد پژوهش و ترجمه نوحه عربی، در بخش پیوست‌ها ضمیمه شده است.

۲. مبادی بحث

۲-۱ مفهوم‌شناسی واژه نوحه

۲-۱-۱ معنای لغوی

نوح مصدر نَاحَ یُنُوْحُ نَوْحاً (فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ۳/۳۰۴؛ الهروی، ۱۴۲۲ق: ۵۱۶۵) نیاحاً، و مَناحاً (ابن معصوم، ۱۴۲۶ق: ۵۸۱/۱) و نواحاً (مهیار، ۱۳۷۶ش: ۶۶) است و در اصل، به معنای تقابل دو مرد یا دو شیء است. مراسم سوگواری را از این جهت نائحة نامی ده‌اند که جالین آن هنگام سوگواری (الهروی، ۱۴۲۲ق: ۱۶۵)، روبه‌روی هم می‌نشینند. (ابن درید، بی‌تا: ۵۷۵/۱) و ناح صوته به معنای فریاد زدن یا گریه کردن با صدای بلند است. ناحت در ناحت المرأة المیت (مهیار، ۱۳۷۶ش: ۶۶) و علی المیت (ابن معصوم، ۱۴۲۶ق: ۵۸۱/۱) به معنای زن برای مرده شیون کرد نیز از همان ریشه است. نوائح نامی است که به زنانی که برای سوگواری در مجلس عزا گرد هم آمده‌اند، اطلاق می‌گردد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۲/۶۲۷). التَّیاحَة به معنای نوحه خوانی و اسم آن است (مهیار، ۱۳۷۶ش: ۶۶).

در زبان فارسی نیز نوحه (نَح) یا (نُح) که اسمی با ریشه عربی است، در لغت یعنی زاری، ناله گریه و شیون بر مرده (عمید، ۱۳۶۰ش: ۲/۱۹۲۴) و گریه با آواز بلند. یا شعری که در مراسم سوگواری خوانده شود. اعم از سوگواری برای کسی که تازه مرده یا برای امامان شیعه (معین، ۱۳۶۰ش: ۴/۴۸۳۵).

به‌طور کلی، «نوحه» به معنی گریه کردن، شیون، ندبه، مویه، زاری بر مرده، بیان مصیبت، تعزیه، رثا و مرثیه و نظایر آن آمده است (دهخدا، ۱۳۷۳ش: ذیل واژه نوحه). با تکیه بر شواهدی که در ابیات کهن دیده می‌شود، واژه نوحه، از روزگار فردوسی رایج بوده است (فردوسی، ۱۳۹۱ش: ذیل داستان ایرج، مرگ سهراب و سوگ سیاوش).

همچنین کلمات نوحه‌خوان، نوحه‌سرا، نوحه‌خوانی و... از ترکیب واژه نوحه، با کلمات



فارسی ایجاد شده‌اند. نوحه‌خوان ترکیبی عربی-فارسی است و اشاره به کسی دارد که برای گریاندن دیگران، اشعار غم‌انگیز می‌خواند. نوحه‌سرا نیز مانند نوحه‌خوان، ترکیبی عربی-فارسی است و یعنی شاعری که اشعار غم‌انگیز می‌گوید (عمید، ۱۳۶۰ش: ۱۹۲۴/۲) و نوحه‌خوانی، هم به معنای عمل و شغل نوحه‌خوان و هم به معنای مجلسی که در آن نوحه می‌خوانند، استفاده می‌شود. (معین، ۱۳۶۰ش: ۴/۴۸۳۵)

۲-۱-۲ معنای اصطلاحی

نوحه هم در زبان فارسی و هم در زبان عربی، در اصطلاح، به شعرهایی گفته می‌شود که به قصد ابراز ارادت به امام حسین (علیه السلام) و در سوگ شهادت آن حضرت و یاران باوفایش، به‌ویژه در ماه محرم و صفر سروده شده و در مجالس و مراسم سوگواری سیدالشهدا (علیه السلام)، توسط نوحه‌خوانان با لحن و حالت مخصوص، خوانده می‌شود و مخاطبان اعم از سینه‌زنان، زنجیرزنان و سوگواران حاضر در مجلس، بندهایی مشخص و ابیاتی معین از آن را تکرار می‌کنند.

در واقع، نوحه، نوعی مرثیه مذهبی است و بخشی از ادب غنایی به‌شمار می‌آید (بابایی، ۱۳۹۳ش: ذیل چکیده) که گاهی به لحاظ محتوا و مضامین و ملودی‌های ویژه، ابعاد حماسی هم پیدا می‌کند.

برجسته‌ترین ویژگی مرثیه به معنای کلی، تحریک عواطف و احساسات برای بیان مصیبت است. در واقع، مرثیه، شکل خاصی از شعر است که در آن، عنصر عاطفه یا تخیل و احساس بر جنبه عقلی و استدلالی غلبه می‌کند (امامی، ۱۳۶۹ش: ۱۳).

رابطه منطقی بین مرثیه و نوحه، عموم و خصوص من وجه است. به بیان دیگر، همه نوحه‌ها مرثیه هستند؛ ولی همه مرثیه‌ها، نوحه نیستند. علاوه بر این، می‌توان مرثیه‌ها، مخصوصاً مراثی مذهبی را شعر مشترک شیعه و دیگر مذاهب اسلامی به‌شمار آورد؛ اما



«نوحه»، شعر خاص شیعیان و برخاسته از اندیشه‌ها و باورهای شیعی و بعضاً بومی است. محتوای برخی نوحه‌ها، در همه‌جا مرسوم نیست و گاهی درآمیخته با افکار عوام مردم و اعتقادات اهل کوچه و بازار است و برخی نوحه‌ها، مورد انتقاد صاحب نظران هم قرار گرفته است. (مطهری، ۱۳۷۸ش: ذیل مقدمه)

می‌توان گفت درون‌مایه نوحه، حزن و اندوه است که در قالب کلامی آهنگین، به گوش مخاطب می‌رسد. حادثه کربلا به دلیل داشتن ابعاد عاطفی و دینی، بیش از هر موضوع دیگری، قالب مرثیه و به‌ویژه نوحه را به خود اختصاص داده و بخش عظیمی از میراث ادبیات دینی محسوب می‌شود.

کارکرد اشعار نوحه، برخلاف مرثیه که به قصد به گریه انداختن مخاطب، در سوگ سیدالشهدا (علیه السلام) سروده می‌شدند، در سینه زدن است، یکی نوحه می‌خواند و دیگران، به نوا و آهنگ و وزن اشعار نوحه‌خوان سینه می‌زنند. (محدثی، ۱۳۷۴ش: ۱۷)

۲-۲ تاریخچه زیارت و پیاده‌روی اربعین

به گفته برخی پژوهشگران، راهپیمایی در ایام اربعین، از زمان امامان شیعه، در بین شیعیان رایج بوده است. برخی گفته‌اند شیعیان در زمان بنی‌امیه و بنی‌عباس نیز به آن پای‌بند بوده‌اند (قاضی طباطبائی، ۱۳۶۸ش: ۲).

هرچند تعیین زمان دقیق آغاز پیاده‌روی اربعین، به سبب کمبود منابع دشوار است (حسام مظاهری، بی‌تا: ۹۹-۱۰۰) اما طبق آنچه در دسترس است، سابقه این آیین، حدوداً به اواسط قرن ۱۳ برمی‌گردد و شیخ مرتضی انصاری، از پایه‌گذاران اصلی آن به‌شمار می‌رود. نویسنده کتاب ادب‌الطف، در سال ۱۳۸۸ هجری-قمری/۱۹۶۷ میلادی، جمعیت راهپیمایان اربعین را بیش از یک میلیون نفر تخمین زده است (شبر، ۱۴۰۹ش: ۴۱/۱).

در دوران حکومت صدام و حزب بعث، این راهپیمایی ممنوع اعلام شد؛ ولی با سقوط حزب بعث و از سال ۱۳۸۱ هجری-شمسی، پیاده‌روی احیا شده و در ابعاد گسترده‌تری ادامه پیدا کرد (حسام مظاهری، بی‌تا: ۹۹-۱۰۲).

در آغاز دوباره این حرکت، دو تا سه میلیون نفر در آن حضور داشتند؛ ولی در سال‌های بعد، تعداد زائران شرکت‌کننده در این راهپیمایی، به بیش از ده میلیون نفر رسید. در سال‌های اخیر، تحولات سیاسی در عراق، آزادی مذهبی شیعیان، رفع محدودیت برای حضور شیعیان دیگر کشورها و افزایش امکانات، باعث توسعه سریع آن شده است (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۲/۹/۲۹).

۲-۳ تاریخچه نوحه اربعینی

نوحه اربعینی، از نوظهورترین مضامین نوحه و مراثی اهل بیتی و برخاسته از سنت پیاده‌روی اربعین است. نقل است که اولین کسی که در ایام اربعین، به زیارت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) مشرف شده، جابر بن عبدالله انصاری است (طبری، ۱۴۲۰ق: ۷۴-۷۵؛ سید ابن طاووس، ۱۳۷۵ش: ۲۸۶؛ الکشی، بی‌تا: ۱/ ۲۰۷). او در اولین اربعین امام شهید (علیه السلام)، با پای پیاده، خودش را به زیارت مزار خاکی حضرت رساند و اولین زائر اربعین امام حسین (علیه السلام) نام گرفت. زیارت اربعین و زیارت پیاده سیدالشهدا (علیه السلام)، همواره مورد تأکید و اشاره ائمه معصومین علیهم السلام بوده است. با توسعه روزافزون سنت پیاده‌روی اربعین و تسهیل شرایط حضور علاقه‌مندان سیدالشهدا علیه السلام، ضرورت پرداختن به این آیین شیعی در نوحه‌ها و مرثیه‌ها احساس شد و در شعر هیئت و نوحه به‌ویژه در ایران و عراق، پرونده جدیدی به نام نوحه‌های اربعینی گشوده شد. نوحه‌های اربعینی، دربرگیرنده عواطف و احساسات شاعر در خصوص این آیین مذهبی و تشریح ابعاد گسترده و گوناگون آنند و به‌منظور





انگیزه بخشی و تهییج زائران و همچنین بیان فضائل زیارت اباعبدالله (علیه السلام) در ایام اربعین و ... سروده می شوند.

۲-۴ معرفی نوحه های مورد پژوهش و نوحه پردازان آن ها

نوحه فارسی

نوحه «ای آقا عمود چندی؟» که در سال ۱۳۹۷ توسط محسن رضوانی سروده و توسط میثم مطیعی اجرا شد، صراحتاً به حضور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در مراسم اربعین اشاره کرده و در تمام بندها، به این مضمون پرداخته است. محسن رضوانی، شاعر و نوحه پرداز ایرانی است. وی دارای مدرک دکتری زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران و دانشجوی دکتری مطالعات ترجمه زبان عربی در همان دانشگاه است. نوحه معروف کنار قدمهای جابر که در بین نوحه های فارسی شناخته شده ترین نوحه اربعینی است، از سروده های اوست.

نوحه عربی

نوحه «عین الله ترعاکم» یزوار در سال ۲۰۱۶، توسط میرزا عادل اشکنانی سروده و توسط ملا باسم کربلایی، اجرا شده است. این نوحه نیز منحصر به مضمون حضور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در پیاده روی اربعین پرداخته و در تمام بندها، از این مضمون گفته است. میرزا عادل اشکنانی که نسبش به قبیله معروف اشکنانی در خلیج می رسد و نسل اجداد پدری او، به امام موسی الکاظم (علیه السلام) ختم می شود که به همین سبب، به او لقب میرزا داده اند، شاعر مراثی و نوحه های زیادی برای مداحان معروف بوده که در رأس آن ها، ملا باسم کربلایی قرار دارد.



۳. بررسی تطبیقی محتوای دو نوحه

۳-۱ زاویه دید و خطاب

در داستان نویسی، زاویه دید را چشم اندازی می دانند که خواننده می تواند با آن، داستان را تجربه کند (راسلی، ۱۳۹۴ ش: ۵۲). این زاویه دید است که مشخص می کند مخاطب هنگام خواندن یا شنیدن شعر یا داستان، عواطف و افکار و احساسات چه کسی را درک کند و نظاره گر باشد (داد، ۱۳۷۱ ش: ۱۵۷). در کتب عناصر داستان، برای زاویه دید، انواع مختلفی ذکر شده است که این پژوهش مجال پرداختن به آن ها نیست. در این بخش، به مطالعه زاویه دید و خطاب دو نوحه مورد پژوهش می پردازیم.

۳-۱-۱ زاویه دید

نوحه فارسی مورد پژوهش، از زاویه دید اول شخص یا همان من راوی بهره برده است. استفاده از این زاویه دید که صمیمی ترین نوع زاویه دید به شمار می رود، باعث می شود مخاطب نزدیک ترین ارتباط ممکن را با افکار و اندیشه ها و احساسات راوی داشته باشد. استفاده از این زاویه دید، باعث شده این نوحه در مقایسه با نوحه عربی، صمیمانه تر و روان تر باشد و عواطف مخاطب را برانگیزد. نوحه عربی مورد پژوهش نیز زاویه دید سوم شخص و دانای کل است که بیشتر برای روایت های حادثه محور مناسب است (اسکات بل، ۱۳۹۶ ش: ۱۳۸) و استفاده از این زاویه دید در این نوحه، باعث شده سطح ادبی کار، افزایش یابد و مطالب در منظر مخاطب، دارای عمق و فخامت بیشتری باشند.

در جدول شماره ۱، جزئیات و چگونگی کاربرد زاویه دید، در این دو نوحه ارائه شده است.





زاویه دید			
ردیف	مطلع	زاویه دید	تغییر زاویه دید
۱	قدم قدم موکبارو می‌گردم ستون ستون دنبال یه نشونه‌م	اول شخص (من راوی)	ندارد
۲	عین الله ترعاکم یزوار...حُسیناًواحسیناه	سوم شخص (دانا‌ی کل)	ندارد

جدول شماره ۱

۳-۱-۲ خطاب در نوحه‌ها

بدیهی است که هر شعری مخاطبی دارد و روی سخنش، به فرد یا افراد مشخصی است. بعد از مرور کاربرد زاویه دید در دو نوحه مورد پژوهش، نوبت بررسی خطاب این نوحه‌هاست. این بخش به مطالعه خطاب‌های به کار رفته در این نوحه‌ها، اختصاص یافته است. با توجه به این مهم که در دو نوحه مورد پژوهش از آرایه التفات استفاده نشده است، هریک از این دو نوحه، تنها یک خطاب دارند و تغییر زاویه دید و خطاب در آن‌ها اتفاق نیفتاده است. در ادامه، به بیان خطاب هریک از نوحه‌ها، پرداخته شده است.

۳-۱-۲-۱ خطاب شاعر/زائر به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

نوحه «ای آقا عمود چندی؟»، خطاب به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سروده شده است. در واقع، روی خطاب نوحه، از صدر تا ذیل، به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است و شاعر در گفتگو با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، به بیان دلگویه‌ها و اندیشه‌های خویش پرداخته است.

۳-۱-۲-۲ خطاب شاعر به زوار

در نوحه «عین الله ترعاکم یا زوار»، به طور کامل، روی خطاب شاعر به زوار است. در حقیقت، شاعر با مخاطب قرار دادن زوار، از حضور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در سفر اربعین می‌گوید و به بیان جایگاه زوار در این سفر می‌پردازد و الطاف آن حضرت، به زوار اربعین را یادآوری می‌کند.



۳-۲ استنادات روایی

در نوحه فارسی، شاعر با بیان عبارت:

ما رو این جا امام عسکری صدا زده

به روایت علامات المومن از امام حسن عسکری (علیه السلام)، در خصوص زیارت اربعین اشاره کرده است. این روایت، معروف ترین روایت در خصوص زیارت اربعین است. امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمودند: «عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ: صَلَاةُ إِحْدَى وَالْخُمْسِينَ وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَ التَّحَنُّنُ بِالْيَمِينِ وَ تَعْفِيرُ الْجَبِينِ وَ الْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ پنج چیز، علامت مؤمن است: پنجاه و یک رکعت نماز (در شبانه روز)، زیارت اربعین، انگشتی در دست راست کردن، پیشانی به خاک مالیدن و جهراً بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ گفتن در نماز».

در نوحه عربی نیز شاعر با بیان عبارت:

حته بصلاة الليل أظن يذكر اسمكم

با این معنا که حتی در نماز شب خود نیز اسم شما را می برد و با توجه به این مهم که منقول است انسان در نماز شب، نام ۴۰ نفر از مؤمنین را ذکر کند (رک: مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، ذیل آداب نماز شب)، می توان گفت به طور غیرمستقیم، به روایت مذکور از امام حسن عسکری اشاره کرده است.

در نوحه فارسی عبارت:

تا دنیا حسینو نشناسه

من از پا نمی شینم آقا

برخاسته از باوری شیعی است که می گوید شناساندن امام حسین به جهان، از مقدمات ظهور است و استنادش، روایتی است که می گوید امام زمان، هنگام ظهور، خود را با امام





حسین به جهان معرفی می‌کند و این‌طور ندا سر می‌دهد: «ألا يا أهل العالم إن جدّی الحسین قتلوه عطشان؛ بیدار باشید ای اهل عالم که جد من حسین را تشنه‌کام کشتند» (یزدی حایری، ۱۴۲۲ق: ۲/۲۳۳).

در نوحه عربی نیز آمده است:

کل موسم امن الحج نشوف المهدی

که مستند است به روایاتی که از حضور قطعی امام زمان در سفر حج خبر داده‌اند و از جمله آن‌ها روایتی است از امام صادق که فرمود: «یفقد الناس امامهم یشهدالموسم فیراهم ولایرونه؛ مردم امام خود را نیابند. او، در موسم حج، شاهد ایشان است و آنان را می‌بینند؛ اما آنان، او را نمی‌بینند» (اصول کافی، بی‌تا: ۱/۳۳۷؛ کمال الدین، بی‌تا: جلد ۲/۲۳).

۳-۲ موضوعات

آن‌چه به شعر عمق می‌بخشد و اسباب تاثیرگذاری و نفوذش در دل‌ها را فراهم می‌کند، اندیشه‌ای است که با کلماتی وزین و آراسته، به سمع و نظر مخاطب می‌رسد. روح هر شعری، اندیشه و مضامین آن شعر است. پیش‌تر گفته شد که درونمایه اصلی هردو نوحه مورد پژوهش، حضور امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) در اربعین است و محتوای کلی این دو نوحه، حول حضور آن حضرت در این سفر می‌گردد. در این بخش جزئی‌تر، به ابعاد مختلف این مضمون و ریزموضوعات موجود در این نوحه‌ها، پرداخته شده است.



۳-۳-۱ جایگاه زوار اربعین

در نوحه فارسی شاعر با بیان عبارت:

شاید الان به زائرای تشنه آب می‌دی

یا تو موکب مسافرا رو جای خواب می‌دی



به طور غیرمستقیم، از جایگاه زوار اربعین که این توفیق را دارند تا از دست امام زمان آب بنوشند و توسط آن حضرت به استراحت دعوت شوند، سخن می‌گوید.
این مضمون در نوحه عربی نیز دیده می‌شود. در این نوحه، به حمایت خداوند و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از زوار اربعین:

عین الله ترعاکم یا زوار

یمسح علیه المشایه و یحفها بیمینه

صدقه دادن امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، برای سلامتی زوار اربعین و همراهی ایشان در این سفر:

و المهدی یتصدق بایسمکم نیته دفع البله

و دعا کردن برایشان در قنوت نماز شبش و این که در هر لحظه، به فکر زوار اربعین است:

ابکل خطوة و یاکم مشه و کل فکره یمکم

حته بصلاة اللیل أظن یدکر اسمکم

و جایگاه و رتبه زوار اربعین، به سبب همسفری با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در اربعین:

منهو مثلکم بالبشر و المهدی و یاکم سعه

اشاره شده است.

۲-۳-۳ جهانی شدن پیام امام حسین علیه السلام

جهانی شدن پیام امام حسین (علیه السلام)، یکی از اهداف بلند شیعیان است و همه شیعیان جهان، برای تحقق این امر تلاش می‌کنند. برخی، این مسئله را یکی از راه‌های نزدیک شدن ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز دانسته‌اند. در نوحه فارسی مورد بحث، این عبارت دیده می‌شود:



تا دنیا، حسینو نشناسه

من از پا، نمی‌شینم آقا

که صراحتاً به موضوع تلاش برای جهانی شدن پیام امام حسین (علیه‌السلام) اشاره دارد.

۳-۳-۳ یقین به حضور امام زمان در سفر

این مضمون، در نوحه فارسی با بیان عبارت:

می‌دونم، که بین زائرا

می‌دونم، میون مردمی

مشاهده می‌شود. در این عبارت، شاعر با یقین، از علم خود نسبت به حضور امام زمان در میان زائران اربعین خبر می‌دهد. در جای دیگر نیز شاعر با بیان عبارت:

دلم خوشه که این قدر می‌دونم

تو هم کنار من تو جاده هستی

با یقین، از حضور امام زمان در این سفر سخن می‌گوید.

در نوحه عربی نیز شاعر با بیان عبارت:

كل موسم امن الحج نشوف المهدى بالحج اشترك

و بموسم المشاية حتماً يشترك دون أذنك شك

و با ذکر قید دون شک، طوری از حضور امام زمان در سفر اربعین سخن می‌گوید که گویی یقین دارد حضرت در این سفر حاضر است.

۳-۳-۴ بیان آرمان‌ها و آرزوها

در نوحه فارسی، شاعر با بیان عبارت:





میشه باهم مزار مادرت ...

و در ادامه عبارت:

از کوفه با پرچم علی

می‌ریم تا مزار فاطمه

از آرزوی خود، برای زیارت مزار پنهان حضرت زهرا پرده برمی‌دارد.

یا در جای دیگر، با ذکر عبارت ذیل:

قبول دارم پیش تو روسیاهم

و سربازای ظهور و انتخاب کن

به این باور که سربازان امام زمان، در میان زوار اربعین حضور دارند، اشاره می‌کند.

در نوحه عربی نیز شاعر با بیان عبارت:

عیشوا بحلمکم بالمشی خلوا الحلم بین النظر

یمكن يكون أقرب شخص هو الإمام المنتظر

به بیان آرزوی دیرینه شیعیان که دیدار امام زمان است، اشاره داشته است.

۳-۳-۵ تنهایی امام زمان

در نوحه فارسی، شاعر با بیان عبارت:

کی می‌دونه، توو قلبت این روزا چی می‌گذره؟

غم غربت، یا غصه نبود لشکره

به تنهایی امام زمان و تکمیل نشدن یاران امام زمان برای ظهور اشاره می‌کند.

۳-۳-۶ دلگویه‌های شاعرانه

شاعر فارسی زبان، با بیان عبارت:



می‌دونم که دلت ازم یکم مکدره
ولی آقا همیشه بخشش از بزرگ‌تره
به اعتراف در محضر امام و طلب بخشش از او پرداخته است.

۷-۳-۳ دیدار امام زمان در اربعین

دیدار امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف)، از بزرگ‌ترین آرزوها در فرهنگ شیعی است. این آرزو، یکی از مضامین دو نوحهٔ مورد بحث است. در نوحهٔ فارسی شاعر، با بیان عبارت:

کجای این جمعیتی که می‌خوام

نمازمو پشت سرت بخونم

به‌طور غیرمستقیم، به بیان این مضمون پرداخته است. در نوحهٔ عربی نیز به این آرزوی دیرینهٔ شیعه اشاره کرده و خاطر نشان می‌کند که در این مسیر، ممکن است نزدیک‌ترین فرد به هر زائری، امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) باشد.

عیشوا بحلمکم بالمشی خلوا الحلم بین النظر

یمكن یكون أقرب شخص هو الإمام المنتظر

و ادامه می‌دهد:

لا تغفلون اعله الذی یمشی بمشیکم

یمكن قبل لحظه إجه و سلم علیکم

به این معنا که از کسانی که همراه شما قدم برمی‌دارند، غافل نشوید، ممکن است کسی که چند لحظه قبل با او سلام و علیک کرده‌اید، امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) بوده باشد.



۳-۴ شخصیت‌ها

یکی دیگر از مضامین مهم این دو نوحه، اشاره به شخصیت‌های تأثیرگذار است. در نوحهٔ عربی از آن‌جا که روی خطاب به زوار است، صرفاً به نام مبارک امام زمان اشاره شده و از سایر اهل بیت، نامی به میان نیامده؛ اما در نوحهٔ فارسی، به نام امام عسکری در بند: مارو این‌جا امام عسکری صدا زده

به نام مبارک امام علی و حضرت زهرا، در عبارت:

از کوفه با پرچم علی

می‌ریم تا مزار فاطمه

و نام زیبای امام حسین در عبارت:

تا دنیا حسینو نشناسه

من از پا نمی‌شینم آقا

اشاره شده است و در گوشوارهٔ نوحه نیز نام مبارک امام زمان و فاطمه زهرا، ذکر شده است.

یامهدی عزیز فاطمه

۴. بررسی تطبیقی ساختار دو نوحه

۴-۱ علم معانی

علم معانی که به علم تشخیص احوال لفظی کلام گفته می‌شود (سکاکی، بی‌تا: ۱۳۰)، از تأثیرگذارترین فنون آراستن کلام و عمیق‌ترین آرایه‌های مفهومی و بلاغی شعر است. یکی از اسالیب علم معانی، انشای طلبی است. انواع انشای طلبی، عبارت است از: امر، نهی، استفهام، تمنی و ندا (عتیق، بی‌تا: ۷۰) که در این دو نوحه، تنها امر، استفهام و ندا دیده می‌شود.



۴-۱-۱ امر

امر در اصطلاح، به معنای فرمان به انجام کاری است از موضعی بالاتر و برتر، به همراه الزام (عتیق، ۷۵)؛ اما در معانی دیگری نیز به کار می‌رود که به اغراضی جز فرمان اشاره دارد. یکی از اغراض ثانویه امر، دعاست (سکاکی، بی تا: ۴۲۸). در این نوحه‌ها، از میان اغراض ثانویه امر، تنها معنای دعا به کار رفته است، به گونه‌ای که شاعر با استفاده از فعل امر، در حقیقت، خواسته خود را با حالتی دعاگونه بیان می‌کند. مانند عبارات ذیل که همه، خطاب به اهل بیت علیهم السلام است و هریک بیانگر درخواستی از جانب شاعرند:

قبول دارم پیش تو روسیاهم
منو سیاهی لشکرت حساب کن
ازین سپاه اربعینی آقا
سربازای ظهور و انتخاب کن

۴-۱-۲ استفهام

استفهام، گاهی در معانی مختلفی غیر از پرسش به کار می‌رود و باعث افزایش جنبه ادبی و بلاغی کلام می‌شود (تفتازانی، ۱۴۳)، یکی از معانی غیر اصلی استفهام انکار است (عتیق، ۹۲). در این معنا، گوینده با یک پرسش، مطلبی را انکار می‌کند. به این استفهام، استفهام انکاری نیز گفته می‌شود (شیرازی، ۶۹). به عنوان مثال، این ابیات، در انکار دائمی بودن غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و عدم حضور حضرت در سفر اربعین سروده شده‌اند:

مگه می‌شه، شبای درد و غم به سر نیاد؟
مگه می‌شه، حبیب من، تو این سفر نیاد؟
ما رو این جا امام عسکری صدا زده
مگه می‌شه، پدر صدا کنه، پسر نیاد؟



شاعر با بیان این ابیات در قالب سؤال، قصد انکار آن‌ها را داشته است.

۳-۱-۴ ندا

ندا، به معنای فراخواندن کسی است. (علوی مقدم و اشرف زاده، ۱۳۹۵ش: ۶۶) و در زبان عربی، غالباً به وسیله حروف مخصوصی انجام می‌گیرد که به آن‌ها، حروف ندا می‌گویند (الهاشمی، ۱۳۹۴ش: ۷۶). یکی از اغراض معنایی ندا، تعظیم است که به قصد بزرگداشت افراد استفاده می‌گردد (مراغی، ۸۲/۱). در گوشواره نوحه فارسی که در هر بند تکرار می‌شود، ندا با غرض تعظیم به کار رفته است:

یا مهدی عزیز فاطمه

شاعر با بیان عبارت عزیز فاطمه، بعد از یا مهدی و یادآوری نسبت امام زمان (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) با حضرت زهرا، قصد تکریم حضرت را داشته است. یکی دیگر از معنای ضمنی ندا، اغراء است که منظور از آن، برانگیختن فرد فراخواننده است. در نوحه عربی، سه ندا با این غرض به کار رفته است و در هر سه مورد، زوار مورد خطاب قرار گرفته‌اند:

عین الله ترعاکم یزوار...حُسیناً وحسیناه

عین الله ترعاکم یمن مشایه رحتوا الکربله

یالزایر افتح عین قلبک خل تراقب

۲-۴ صور خیال

علم بیان یا همان صور خیال، درباره صورت‌های مختلف خیال صحبت می‌کند. صور خیال، شامل تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه است. اگرچه در دو نوحه مورد پژوهش، تشبیه و مجاز به کار نرفته‌اند؛ اما استعاره و کنایه در آن‌ها دیده می‌شود. استفاده از





استعاره، موجب تصویری شدن سروده‌ها می‌شود و کنایه به معنا و مفهوم شعر عمق می‌بخشد.

۴-۲-۱ استعاره

استعاره، به تشبیهی گفته می‌شود که یکی از طرفین آن، محذوف باشد و ذهن مخاطب با وجود قرینه‌ای، از معنای حقیقی دور شده و به معنای مجازی برسد (تفتازانی، بی‌تا: ۳۸۱). استعاره به دو دسته مصرحه و مکنیه تقسیم می‌شود. در نوحه‌های مورد پژوهش، صرفاً استعاره مکنیه به کار رفته است.

۴-۲-۱-۱ استعاره مکنیه

در عبارت ذیل، از نوحه فارسی:

مگه می‌شه حبیب من، تو این سفر نیاد

واژه حبیب، به معنای دوست و محبوب، استعاره از وجود اقدس امام زمان است. در بند دیگر نیز در عبارت:

این لشکر به یاری خدا

هر چیزی براش فراهمه

منظور از این لشکر، زوار پیاده اربعین است و در واقع، لشکر استعاره از جمعیت کثیر زوار است.

در عبارت:

عین الله ترعاکم یا زوار

در نوحه عربی نیز واژه عین الله، استعاره از وجود مقدس امام زمان، چه این که در ادامه این نوحه، شاعر صراحتاً به آن اذعان می‌کند:

المهدی عین الله فی ارضه و سمائه



کنایه در علم بیان، عبارت است از کلامی که معنایی غیر از معنای حقیقی خود، از آن اراده شده است. به صورتی که بتوان معنای حقیقی آن را هم اراده نمود (ابن عربشاه، بی تا: ۳۴۶/۲). به نظر می رسد تمام کنایات به کار رفته در نوحه های مورد پژوهش، کنایه از فعل اند. در ادامه، به بیان موردی کنایات استفاده شده در نوحه های مورد پژوهش پرداخته می شود.

در نوحه فارسی، شاعر با کنایه، خطاب به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می گوید:

می سوزم تو آتیش غمت

که منظور، ناراحتی فرد از ناراحتی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است و عبارت:

ای آقا، عمود چندی؟

این عبارت که در مسیر پیاده روی اربعین، بین مردم بسیار رایج است، کنایه از یقین شاعر بر حضور امام (علیه السلام) در مسیر پیاده روی اربعین است و به آرزوی دیدار امام نیز اشاره دارد.

در جای دیگر، شاعر با کنایه، خطاب به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، عرض کرده است:

می گردم، ولی مثل شما

محبوبی، نمی بینم آقا

این جمله، کنایه از بهترین بودن امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و تنها معصوم زنده بودن آن حضرت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می باشد؛ چراکه تنها معصومین و اولیای خاص خداوند، شایسته عشق اند.





در ادامه، شاعر با بیان عبارت:

قبول دارم پیش تو روسیاهم

منو سیاهی لشگرت حساب کن

که کنایه از تواضع و سرافکنده بودن شاعر نزد امام و همچنین کنایه از علاقه به همراهی

امام در هنگام ظهور، ولو در پست و جایگاهی مختصر و محدود است.

در نوحه عربی نیز شاعر گفته است:

یمکن قبل لحظه إجه و سلم علیکم

که کنایه از حضور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، در بین زوار و احتمال دیدار

اوست.

همچنین عبارت زیر:

والمهدی یتصدق بإسمکم نیته دفع البله

کنایه از حمایت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، از زوار اربعین و همچنین

جایگاه والای آن هاست.

عبارت زیر نیز:

یالزیر افتح عین قلبک خل تراقب

کنایه از، با چشم دل نظاره کردن است.



۴-۳ علم بدیع

بدیع، یعنی چیزی که در گذشته، مثل و مانند نداشته است و در اصطلاح، به دانش

آراستن کلام به صورت لفظی و معنوی اطلاق می شود (ابن عربشاه، ۳۶۵/۲). در این دو

نوحه، از بین محسنات معنوی، تنها تلمیح و از بین محسنات لفظی، تنها جناس به کار

رفته است.

۴-۳-۱- تلمیح

تلمیح، یعنی اشاره به قصه یا اتفاقی معروف و شناخته شده یا اشاره به آیات قرآن و احادیث در شعر (مازندرانی، ۱۳۷۶ش: ۳۸۹؛ ذکایی بیضایی، ۱۳۶۴ش: ۱۴۳؛ شمس العلمای گرگانی، ۱۳۷۷ش: ۱۶۷). این صنعت، از محبوب‌ترین و پرکاربردترین صناعات ادبی در نوحه‌های اربعینی شاخص فارسی و عربی است. از آن‌جا که مردم، کوچه و بازار و عموم جامعه، مخاطب نوحه‌ها قرار می‌گیرند، استفاده از اسلوب تلمیح، درک شعر را برای مردم ساده‌تر و جذاب‌تر می‌کند.

در نوحه فارسی، شاعر با بیان عبارت:

ما رو این جا امام عسکری صدا زده

به روایت معروف امام حسن عسکری (علیه‌السلام)، در خصوص زیارت اربعین که در بخش استنادات روایی آمده است، اشاره کرده است و گفته شد که در نوحه عربی نیز ذیل عبارت:

حته بصلاة اللیل أظن ینکر اسمکم

به این روایت، اشاره شده است.

در بندهای بعد، با طرح این سؤال و جواب:

می‌شه باهم، یه بار بریم مزار مادرت

مطمئنم، یه روز به این سؤال جواب میدی

به ماجرای پنهان بودن مزار حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها، اشاره داشته است (علامه حلی، ۱۴۱۳ق: ۳۷۳).

۴-۳-۲- جناس

جناس، به شباهت ظاهری کلماتی گفته می‌شود که در معنا، با یکدیگر متفاوت‌اند (یحیی‌کاردگر، ۶۵؛ سبکی، ۲۸۲/۱) و تنها صنعت زیبایی لفظی است که مورد استفاده





قرار گرفته است. آن‌هم تنها در نوحه‌های فارسی. در این بند از نوحه فارسی، بین دو واژه سرو و سفر، جناس زائد وجود دارد:

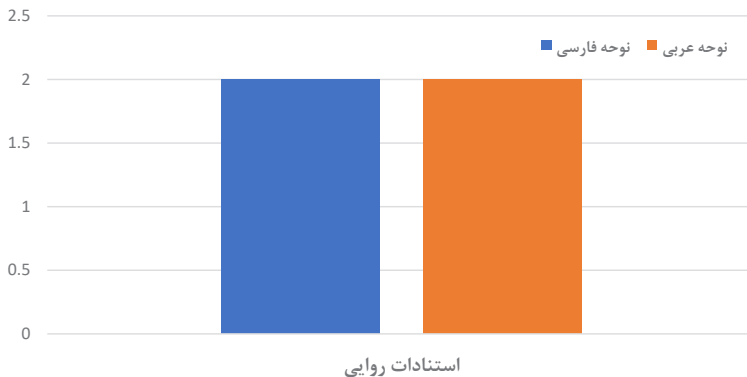
مگه می‌شه، شبای درد و غم به سر نیاد؟

مگه می‌شه، حبیب من توو این سفر نیاد؟

نتیجه‌گیری

طبق بررسی‌های انجام شده، روشن شد که در بحث زاویه دید و خطاب، با توجه به استفاده زاویه اول شخص یا من راوی در نوحه فارسی و خطاب قرار دادن امام زمان در نوحه و استفاده از زاویه دید سوم شخص یا دانای کل در نوحه عربی و خطاب قرار دادن زائران و اشاره به نکاتی پیرامون حضور امام زمان، نوحه فارسی، حال و هوای صمیمانه‌تری به خود گرفته و مخاطب، با محتوای آن، زودتر همذات‌پنداری دارد. در عوض، نوحه عربی، فضایی رسمی‌تر و فاخرتر دارد.

در خصوص استنادات روایی نوحه‌ها، در هر نوحه، دو استناد روایی مشاهده شد که یکی از استنادات، در هر دو نوحه مشترک بود و می‌توان گفت از این لحاظ، هیچ‌یک بر دیگری برتری نداشت. جدول شماره ۲، برابری استنادات روایی در هر دو نوحه را نشان می‌دهد.

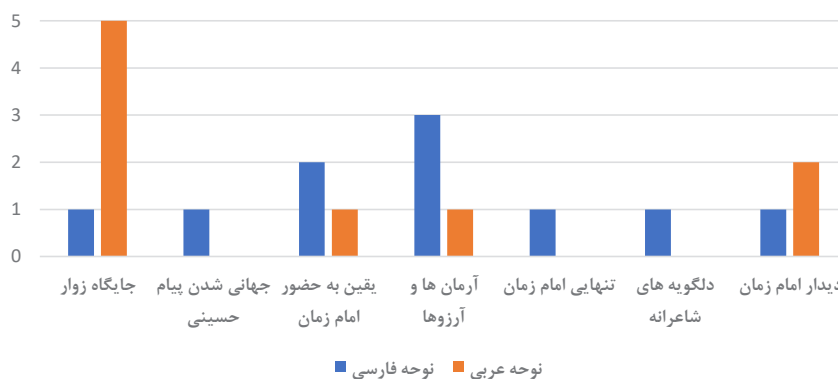


جدول شماره ۲





در حوزه موضوعات به کار رفته در هردو نوحه، طبق آن چه گفته شد، مضامینی از قبیل جهانی شدن پیام اربعین، تنهایی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و دلگویه های شاعرانه، تنها در نوحه فارسی مشاهده شده که به نظر می رسد برخاسته از فرهنگ خاص ایرانی اسلامی است. مضامین جایگاه زوار اربعین، یقین به حضور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در اربعین، بیان آرمان ها و آرزوها و دیدار امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در اربعین نیز در هردو نوحه مشترک است. البته نوحه عربی، عمیق تر از نوحه فارسی، به مضمون جایگاه زوار و دیدار امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پرداخته است. در سایر عناوین نیز میزان اشارات نوحه فارسی بیشتر است. بر همین اساس، این طور برداشت می شود که تنوع مضامین در نوحه فارسی بیشتر است و با ابعاد گسترده تری، به موضوع مهدویت پرداخته است. اشاره به مضامینی، از قبیل پنهان بودن مزار حضرت زهرا و سربازان ظهور نیز نشان گر آن است که موضوع انتقام و بازگشت منجی نزد شیعیان فارسی زبان، از اهمیت خاصی برخوردار است. در عوض، با توجه به این که نوحه عربی، منحصر به چند موضوع خاص پرداخته، می توان گفت متن منسجم تر و یک پارچه تری دارد. هرچند تنوع مضامین در نوحه فارسی، به این خاطر که با نظم و چینش مناسب و به ترتیب ذکر شده اند، به هیچ وجه باعث پراکندگی مطالب آن نشده اند. جدول شماره ۳، به دسته بندی موضوعات به کار رفته در این دو نوحه پرداخته است.



جدول شماره ۳



در بحث اشاره به شخصیت‌ها نیز با توجه به این‌که نوحه فارسی، علاوه بر امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف)، به سه نفر از حضرات معصومین اشاره کرده و نوحه عربی، صرفاً به امام زمان (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) اشاره دارد، می‌توان گفت نوحه فارسی در این بحث نیز متنوع‌تر است. این مهم، همچنین دال بر منسجم بودن نوحه عربی نیز هست. جدول شماره ۴، به بیان اشاره به شخصیت‌ها، در نوحه‌های مورد بحث پرداخته است.



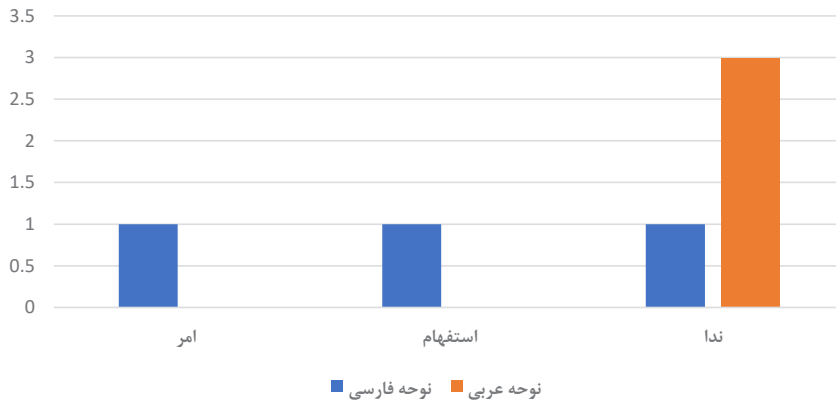
جدول شماره ۵

در حوزه علم معانی، دو اسلوب امر و استفهام، تنها در نوحه فارسی دیده می‌شود؛ اما اسلوب ندا، سه بار در شعر عربی به کار رفته، در حالی‌که در شعر فارسی، فقط یک بار و در گوشواره، دیده شده است. جدول شماره ۵، میزان استفاده از اسالیب علم معانی را نمایش می‌دهد.

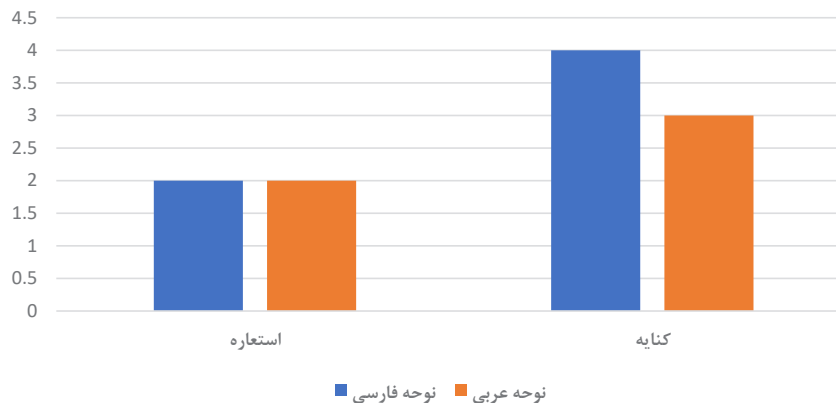
در بحث صور خیال، گفته شد در این دو نوحه، تشبیه و مجازی مشاهده نمی‌شود؛ اما دو استعاره، در نوحه فارسی و دو استعاره، در نوحه عربی وجود دارد. همچنین چهار مورد کنایه، در نوحه فارسی و سه مورد نیز در نوحه عربی دیده می‌شود. جدول شماره ۶، میزان استفاده از استعاره و کنایه، در این دو نوحه را به نمایش می‌گذارد.



میزان استفاده از اسالیب علم معانی



میزان استفاده صور خیال

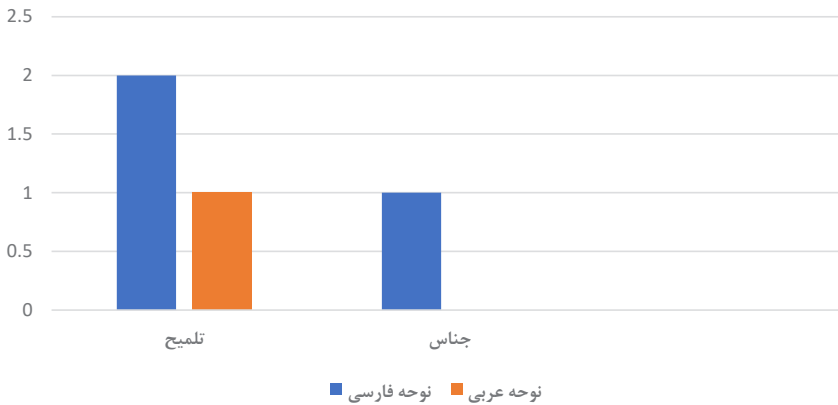


جدول شماره ۶

از اسالیب علم بدیع نیز تنها تلمیح از محسنات معنوی، در نوحه‌ها دیده می‌شود. حسن تعلیل، در هر نوحه، یک بار و تلمیح، یک بار در نوحه عربی و یک بار در نوحه فارسی مشاهده می‌شود. از محسنات لفظی هم، تنها یک مورد استفاده از اسلوب جناس در نوحه فارسی دیده می‌شود. جدول شماره ۷، میزان استفاده از محسنات لفظی و معنوی، در این دو نوحه را نشان می‌دهد.



میزان استفاده از محسنات لفظی و معنوی



جدول شماره ۷

با توجه به گزاره‌های بالا، از آن‌جا که نوحه فارسی، در استفاده از اسلوب انشاء نسبت به نوحه عربی، تنوع بیشتری دارد و در مجموع، استفاده از صور خیال نیز از نوحه عربی پیشتر است و از آن‌جا که در علم بدیع نیز میزان استفاده از تلمیح، در نوحه فارسی بیشتر است و جناس هم، تنها در این نوحه به چشم می‌خورد، به نظر می‌رسد نوحه فارسی، در استفاده از علوم بلاغی نیز گوی سبقت را از نوحه عربی ربوده است؛ اما نکته حائز توجه در خصوص این دو نوحه، با توجه به سال سرایش آن‌ها و همچنین با توجه به تسلط شاعر فارسی زبان بر زبان عربی، به نظر می‌رسد ایده نوحه فارسی، با شنیدن نوحه عربی، در ذهن نوحه‌پرداز فارسی زبان شکل گرفته و نوحه فارسی، تحت تأثیر نوحه عربی، سروده شده است.



۱. ابن بابویه (شیخ صدوق)، ابوجعفر محمد بن علی، کمال الدین، جلد ۲، بیروت: دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
۲. ابن درید، ابوبکر محمد بن حسن، جمهرة اللغة، جلد ۱، بی جا: بی نا، بی تا.
- ۷۵ ابن طاووس، سید، مصباح الزائر، بی جا: مؤسسه آل البيت، ۱۳۷۵ ش.
۴. ابن عربشاه، ابراهیم بن محمد، الأطول شرح تلخیص مفتاح العلوم، به کوشش عبدالحمید هنداو، جلد ۱ و ۲، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
۵. ابن معصوم، سید علی بن احمد، الطراز الأول و الكنز لما علیه من لغة العرب المعول، ج ۵، بی جا: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۲۶ ق.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، جلد ۲، چاپ سوم، بیروت: دار الصادر، ۱۴۱۴ ق.
۷. اسکات بل، جیمز، فوت و فن بازنگری و ویرایش رمان، مترجم شهرام اقبال زاده، تهران: سوره مهر، ۱۳۹۶ ش.
۸. امامی، نصرالله، مرثیه سرایی در ادبیات فارسی، چاپ اول، اهواز: جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۹ ش.
۹. امین شیرازی، احمد، آیین بلاغت، جلد ۱، بی جا: بی نا، ۱۳۷۱ ش.
۱۰. بابایی، اعظم، مقاله «ادبیات غنایی»، بی جا: پژوهشکده باقرالعلوم، ۱۳۹۳ ش.
۱۱. تفتازانی، مسعود بن عمر، مختصر المعانی، قم: دارالفکر، ۱۳۷۰ ق.
۱۲. المطول و بهامشه حاشیه السید میرشریف، به تصحیح علی بن محمد جرجانی، بی جا: مکتبه الداوری، بی تا.
۱۳. حسام مظاهری، محسن، فرهنگ سوگ شیعی، بی-جا، نشر خیمه، بی تا.
۱۴. حلی، ابومنصور ابن مطهر، کشف المراد، بی جا: مؤسسه نشر الاسلامی، ۱۴۰۷ ق.





۱۵. خبرگذاری تسنیم: <https://www.tasnimnews.com>
۱۶. خطیب قزوینی، محمد بن عبدالرحمن، الايضاح فی علوم البلاغه المعانی و البیان و البديع، مترجم ابراهيم شمس الدين، چاپ دوم، بيروت: بی تا.
۱۷. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: روزنه، ۱۳۷۳ش.
۱۸. ذکای بیضایی، نعمة الله، نقد الشعر، تهران: نشر ما، ۱۳۶۴ش.
۱۹. راسلی، آلیشیا، جادوی زاویه دید، مترجم محسن سلیمانی، تهران: سوره مهر، ۱۳۹۴ش.
۲۰. رستگار فسایی، منصور، انواع شعر فارسی، چاپ دوم، شیراز: نوید، ۱۳۸۰ش.
۲۱. سبکی، علی بن عبدالکافی، عروس الافراح فی شرح تلخیص المفتاح، جلد ۱ و ۲، چاپ اول، بيروت: مکتبه العصریه، بی تا.
۲۲. شبر، جواد، ادب الطف و شعراء الحسین، ج ۱، بيروت: دارالمرتضی، ۱۴۰۹.
۲۳. شمس العلمای گرگانی، محمد حسین، ابداء البدایع، تبریز: احرار، ۱۳۷۷ش.
۲۴. صفا، ذبیح الله، آیین سخن، چاپ یازدهم، تهران: فردوسی، ۱۳۶۳ش.
۲۵. طبری، عمادالدین، بشاره المصطفی لشيعه المرتضی، بی جا: بی نا، ۱۴۲۰ق.
۲۶. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، جلد ۲، چاپ سوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵.
۲۷. الطوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحکام فی شرح المقنعه، جلد ۶، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴ق.
۲۸. عبدالعزيز، عتیق، علم المعانی، چاپ اول، بيروت: دار النهضة البیروتیه، بی تا.
۲۹. علوی مقدم، محمد و رضا اشرف زاده، معانی و بیان، چاپ سیزدهم، تهران: سمت، ۱۳۹۵ش.
۳۰. عمید، حسن، فرهنگ عمید، جلد ۲، چاپ سوم، تهران: چاپخانه سپهر، ۱۳۶۰ش.



۳۱. فاضلی، محمد، دراسه و نقد فی مسائل بلاغیه هامه، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۵ش.

۳۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، جلد ۳، چاپ دوم، قم: هجرت، ۱۴۱۰ق.

۳۳. فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه بر اساس نسخه مسکو، چاپ دوم، کومه، تهران، ۱۳۹۱ش.

۳۴. قاضی طباطبائی، سید محمدعلی، تحقیق درباره اول اربعین سید الشهداء، بی جا: بی نا، ۱۳۶۸ش.

۳۵. قمی شیخ عباس، مفاتیح الجنان، بی جا: بی نا، بی تا.

۳۶. کاردگر، یحیی، فن بدیع در ادب پارسی، تهران: صدای معاصر، ۱۳۹۶ش.

۳۷. الکشی محمد بن عمر، رجال کشی، جلد ۱، بی جا: بی نا، بی تا.

۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، جلد ۱، بیروت: مرکز بحوث دار الحديث، بی تا.

۳۹. مازندرانی، محمد هادی بن محمد صالح، انوار البلاغه، تهران: قبله، ۱۳۷۶ش.

۴۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، جلد ۱، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۳ق.

۴۱. محدثی، جواد، فرهنگ عاشورا، قم: معروف، ۱۳۷۴ش.

۴۲. مراغی، احمد مصطفی، علوم البلاغه، البیان و المعانی و البدیع، ج ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.

۴۳. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، چاپ دهم، تهران: صدرا ۱۳۶۹ش.

۴۴. معین، محمد، فرهنگ فارسی، جلد ۴، چاپ چهارم، تهران: چاپخانه سپهر، ۱۳۶۰ش.

۴۵. مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی الفبایی عربی فارسی، ترجمه کامل المنجد الابدی، چاپ دوم، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶ش.



۴۶. میرصادقی، میمنت (ذوالقدر)، فرهنگ تفصیلی اصطلاحات فن شعر و سبک‌ها و مکتب‌های آن، چاپ چهارم، تهران: مهناز، ۱۳۸۹ ش.
۴۷. الهاشمی، احمد، جواهر البلاغه، چاپ ششم، قم: مرکز چاپ متون درسی حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۴ ش.
۴۸. الهروی، أبو منصور محمد بن أحمد، تهذیب اللغة، ج ۵، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
۴۹. یزدی حائری، علی، إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب (عج)، محقق و مصحح، علی عاشور، جلد ۲، چاپ اول، بیروت: مؤسسة الأعلمی، ۱۴۲۲ ق.

۷. پیوست‌ها

۷-۱ نوحه فارسی

قدم قدم موبارو می‌گردم
ستون ستون دنبال یه نشونه‌م
کجای این جمعیتی که می‌خوام
نمازمو پشت سرت بخونم (۲)
مگه می‌شه، شبای درد و غم به سر نیاد؟
مگه می‌شه، حبیب من، تو این سفر نیاد؟
ما رو این جا امام عسکری صدا زده
مگه می‌شه، پدر صدا کنه، پسر نیاد؟
می‌دونم که بین زائرا
می‌دونم، میون مردمی
می‌سوزم، تو آتیش غمت



ای آقا، عمود چندمی؟

یا مهدی، عزیز فاطمه

شاید الان تو جاده‌ای و شاید

گوشه کنار موکبا نشستی

دلم خوشه که این قدر می‌دونم

تو هم کنار من، تو جاده هستی (۲)

شاید الان، به زائرای تشنه آب میدی

یا تو موکب، مسافرا رو جای خواب میدی

می‌شه با هم، یه بار بریم مزار مادرت

مطمئنم، یه روز به این سؤال جواب میدی

این لشکر، به یاری خدا

هر چیزی، براش فراهمه

از کوفه، با پرچم علی

می‌ریم تا مزار فاطمه

یا مهدی، عزیز فاطمه

قبول دارم پیش تو رو سیاهم

منو سیاهی لشکرت حساب کن

ازین سپاه اربعینی آقا

سربازای ظهور و انتخاب کن (۲)

کی می‌دونه، تو قلبت این روزا چی می‌گذره؟





غم غربت، یا غصه نبود لشکره
 می‌دونم که دلت ازم یه کم مکدره
 ولی آقا، همیشه بخشش از بزرگ‌تره
 می‌گردم؛ ولی مثل شما
 محبوبی، نمی‌بینم آقا
 تا دنیا، حسینو نشناسه
 من از پا، نمی‌شینم آقا
 یا مهدی، عزیز فاطمه

۷-۲ نوحه عربی

عین الله ترعاکم یزوار... حُسیناً و احسیناه
 عین الله ترعاکم یمن مشایه رحتوا الکربله
 و المهدی یتصدق باسمکم نیته دفع البله
 ابکل خطوه و یاکم مشه و کل فکره یمکم
 حته بصلاة اللیل أظن یذکر اسمکم
 عینه اعله ممشاکم... عین الله ترعاکم



دوره پانزدهم
 مجموعه مقالات برگزیده جشنواره علامه حلی (ره)

۲۴۲

منهو مثلکم بالبشر و المهدی و یاکم سعه
 میرد طلبکم لو سمع مولانه نسألك الدعاه
 المهدی عین الله علیه أرضه و سماءه
 هنیاله کلمن صار مشمول بدعاءه
 هذا الشرف جاکم... عین الله ترعاکم



عیشوا بحلمکم بالمشى خلوا الحلم بين النظر
يمكن يكون أقرب شخص هو الإمام المنتظر
لا تغفلون اعله الذى يمشى بمشيكم
يمكن قبل لحظه إجه و سلم عليكم
إمشوا على اوياكم... عين الله ترعاكم

كل موسم امن الحج نشوف المهدى بالحج اشترك
و بموسم المشاية حتماً يشترك دون أذى شك
يالزاير افتح عين قلبك خل تراقب
يمكن تشوفه بوحدة من هاى المواكب
و ينادى حياكم... عين الله ترعاكم

ما تنطفئ هاى المسيرة اشما مضه اعليها العمر
لن حجة الله ابن الحسن متكفل ابهذا الأمر
يمسح عله المشايه و يحفها يمينه
و اعله المواكب منتبه و امخلى عينه
بعيونه خلاكم... عين الله ترعاكم

ترجمه:

ای کسانی که پیاده به سوی کربلا در راهید! چشمان خدا مراقب شماست
و «مهدی» برای دفع بلا، به نام شما صدقه می دهد





با هر گامی، همراهتان پیاده می‌آید و تمام فکر و ذکرش نزد شماست
حتی گمان می‌کنم در نماز شب، نام‌های شما را می‌برد
نگاه او به قدم‌های شماست

چشمان خداوند، مراقب شماست
در میان بشر، چه کسی مانند شماست که مهدی با شما حرکت کرد
خواسته شما را رد نخواهد کرد، اگر التماس دعا بشنود
مهدی چشم خداوند در آسمان‌ها و زمین است
گوارا باد بر هر کسی که مشمول دعای او شد
این شرف، نصیب شما شده است
چشمان خداوند، مراقب شماست

با رویاهایتان، در پیاده‌روی زندگی کنید و این رویاها را در برایتان بگذارید
ممکن است یکی از افراد اطراف شما، امام زمان باشد
غافل نشوید از آن کسی که پیاده همراه شما می‌آید
شاید لحظه‌ای قبل آمد و بر شما سلام کرد
گام بردارید و دست علی به همراهتان
چشمان خداوند، مراقب شماست

در هر موسم حج می‌بینیم که مهدی در حج شرکت می‌کند
پس بی‌شک او در هر موسم اربعین نیز در پیاده‌روی خواهد بود
ای زائر، چشمان قلبت را بگشا و مراقب باش
ممکن است او را در یکی از این موکب‌ها ببینی
که صدا می‌زند: زنده باشید!
چشمان خداوند، مراقب شماست

هر چقدر دوران و روزگار گذشت، (آتش) این راه و مسیر، خاموش نگشت
به خاطر این که حجت بن الحسن، این کار را عهده دار شده است
دستش را بر سر پیادگان می کشد و آنان را حمایت می کند
چشمش خیره به موکب هاست و چشم برنمی دارد
با چشمانش، شما را حفظ می کند
چشمان خداوند، مراقب شماست.





یکی از مأموریت‌های حوزه‌های علمیه، پژوهش و استنباط آموزه‌های دینی و پاسخ به مسائل جامعه و نظام اسلامی و جهان اسلام است. برای انجام این مهم از ظرفیت‌های مختلفی می‌توان بهره گرفت. ایجاد حس رقابت سالم و برگزاری مسابقات و فراخوان‌های پژوهشی از جمله‌ی این ظرفیت‌ها، است. جشنواره علامه حلی (ره) که در سال ۱۳۸۶ راه‌اندازی، و اولین آیین پایانی آن در سال ۱۳۸۷ با تعداد ۲۲۴۹ اثر برگزار شد، فرصتی ایجاد کرد تا از طریق رقابت آثار علمی و تشویق و حمایت از صاحبان آثار برگزیده از ظرفیت علمی طلاب حوزه‌های علمیه در این راستا بهره جوید.



جشنواره علامه حلی (ره)

پاییز ۱۴۰۴